

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

الْحَمْدُ لِلَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ

| | |
|----------------------|--|
| سرشناسه: | رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ - |
| عنوان قراردادی: | منطق تفسیر قرآن ۲: (روشها و گرایشهای تفسیری قرآن) . برگزیده. |
| عنوان و نام پدیدآور: | درسنامه روش‌های تفسیر قرآن (سطح یک) / محمدعلی رضایی اصفهانی؛ [برای] پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ. |
| مشخصات نشر: | قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۰. |
| شابک: | ۶-۲۳۳-۱۹۵-۹۶۴-۹۷۸ |
| وضعیت فهرست نویسی: | فایا |
| یادداشت: | کتاب حاضر تلخیص کتاب «منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن» تألیف محمدعلی رضایی اصفهانی می‌باشد. |
| یادداشت: | کتابنامه: ص. ۲۰۳ - ۲۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس . |
| یادداشت: | چاپ دوم: ۱۳۹۳ (فیبا). |
| یادداشت: | چاپ سوم: ۱۳۹۵ (فیبا). |
| یادداشت: | چاپ چهارم: ۱۳۹۷ (فیبا). |
| موضوع: | تفسیر -- فن -- راهنمای آموزشی (عالی). |
| شناسه افزوده: | جامعة المصطفی ﷺ العالمیه. |
| شناسه افزوده: | مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ |
| رده بندی کنگره: | پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ BP۹۱/۵/۶ر۸۰۱۳ ۱۳۹۰ |
| رده بندی دیویی: | ۲۹۷/۱۷۱ |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۲۳۰۵۲۹۵ |

این کتاب تلخیص منطق تفسیر قرآن (۲) و روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن از نگارنده است که برای سطح کارشناسی تهیه شده است.

درسنامه روش‌های تفسیر قرآن (سطح یک)

محمدعلی رضایی اصفهانی



مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر المصطفی

درسنامه روش‌های تفسیر قرآن (سطح یک)

مؤلف: محمدعلی رضایی اصفهانی

چاپ چهارم: ۱۳۹۷ش / ۱۴۳۹ق

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ع

● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۱۵۵۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۳۰۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مراکز فروش:

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸؛

تلفن: +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ تلفکس: (داخلی ۱۰۵)/۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵

◀ ایران، قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵. ۳۲۱۳۳۱۰۶

 <http://buy-pub.miu.ac.ir/>

 <http://pub.miu.ac.ir>

 https://telegram.me/pub_almostafa

 miup@pub.miu.ac.ir

با سپاس از دست‌اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● ناظر چاپ: نعمت‌الله یزدانی

● مدیر انتشارات: مرتضی محمدعلی نژاد شانی

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر فنی: محمدباقر شکری

مقدمه پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

حوزه‌های علمیه در تلاش وصف‌ناپذیر خود در طول تاریخ، همواره تعلیم و تربیت شاگردان را جزو رسالت‌های اصیل خود قرار داده و بدین‌وسیله، معارف فاخر اسلام و علوم اهل‌بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را نسل به نسل به دست ما رسانیده‌اند و به همین سبب به کتاب‌های آموزشی توجه داشته‌اند.

گسترش فناوری، پیشرفت شگرفی را در عرصه علم پدید آورده است. در دنیای امروز، آگاهی‌های مورد نیاز بشر در تمام عرصه‌ها به صورت لحظه‌ای قابل دسترسی است. شیوه‌های سنتی و انبوه‌خوانی جای خود را به روش‌های نوین آموزشی داده است، که این دگرگونی‌ها در پی رسیدن هرچه سریع‌تر به اهداف آموزشی است.

جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمية نهادی حوزوی است که تعلیم و تربیت فراگیران غیرایرانی را در حوزه علوم اسلامی برعهده دارد. افراد زیادی از ملیت‌های گوناگون در سطوح مختلف آموزشی و در رشته‌های متنوع علوم اسلامی و انسانی در این دانشگاه تحصیل می‌کنند. دانش و بینش اسلامی طلاب غیر ایرانی - با توجه به تنوع منطقه‌ای و کشوری - تفاوت‌هایی دارد، همین امر ایجاب می‌نماید که نهاد مذکور به تدوین متون نوین و متناسب با تنوع ملیتی بپردازد.

بزرگان و اندیشمندان حوزوی، به‌ویژه امام خمینی قَدْ سَلَّمَ و مقام معظم رهبری (دام‌ظله) همواره تأکید داشته‌اند که آموزش‌های حوزوی با شیوه‌های جدید و مبتنی بر روش‌های استنباط فقه جواهری تدوین شود و به سمت شکوفایی حرکت نماید. مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در سال هشتاد و شش در جمع روحانیون فرمود: «شتاب علم در این بیست سالی که گذشت یقیناً به مراتب کمتر از شتاب علم و پیشرفت فناوری در بیست سالی است که پیش روی ماست ... در

مورد کتاب درسی باید عبارت را آن‌چنان واضح بیان کنیم که کسی که دنبال فهم مطلب است، بتواند به راحتی آن را بفهمد... البته باید توجه شود که سطح مطلب پایین نیاید.

بحمدالله پس از انقلاب اسلامی ایران، ظرفیت مناسبی در اختیار محیط‌های علمی قرار گرفت. **جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية** در پرتو معارف اهل بیت علیهم‌السلام و به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، به منظور تحول در نظام آموزشی، با بهره‌گیری از گروه‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و نیز سازماندهی متون درسی و با نگاهی ویژه به اقتضائات خاص منطقه‌ای و بین‌المللی این نهاد، تدوین متون درسی متناسب برای نظام آموزشی را از مأموریت‌های ویژه پژوهشگاه بین‌المللی المصطفیٰ ﷺ قرار داد.

این پژوهشگاه، تجربه ارزشمندی از تحقیقات تدوین متون را در خود جای داده است و با اتکا به تجربه مجموعه تدوین متون دو سازمان پیشین نهاد - یعنی «مرکز جهانی علوم اسلامی» و «سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج کشور» - به شکوفایی جدیدی در تولید علم دست یافته است.

چاپ نزدیک به دویست عنوان متن درسی در داخل و خارج از کشور و آماده‌سازی بیش از دویست متن و جزوه درسی بخشی از فعالیت‌های علمی در عرصه تدوین متون درسی است که امید است با عنایات الهی و توجهات حضرت ولی عصر علیه‌السلام سهمی کوچک در گسترش فرهنگ و معارف اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شمار آید.

پژوهشگاه بین‌المللی المصطفیٰ ﷺ با قدردانی از فعالیت‌های گذشتگان و با هدایت و نظارت مدیریت برنامه‌ریزی آموزشی و نیز همکاری گروه‌های علمی پژوهشکده‌ها، بر آن است که برای تأمین نیازهای آموزشی با معیارهای پیشرفته متون درسی، ادامه دهنده این جریان مبارک باشد. متن درسی حاضر که با عنوان **درسی‌های تفسیر قرآن برای دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و تفسیر نگارش یافته**، حاصل تلاش ارزشمند جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی است. از ایشان و دیگر فرزندان که در به ثمر رسیدن این اثر نقش داشته‌اند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌شود.

در پایان از بذل توجه خوانندگان و ارسال نظرات علمی برای اصلاح و بازنگری چاپ‌های جدید قدردانی می‌گردد.

جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية

پژوهشگاه بین‌المللی المصطفیٰ ﷺ

فهرست

بخش اول: کلیات روش ها و گرایش های تفسیر قرآن

| | |
|--|----|
| کلیات روش ها و گرایش های تفسیر قرآن..... | ۱۳ |
| عوامل و انگیزه های پیدایش روش ها و گرایش های تفسیری..... | ۱۸ |
| تقسیمات روش ها و گرایش های تفسیری..... | ۲۲ |
| الف) تقسیم روش های تفسیری (مناهج تفسیری)..... | ۲۲ |
| ب) تقسیم گرایش های تفسیر قرآن..... | ۲۳ |
| اسلوب های تفسیری (شیوه های نگارش تفسیر)..... | ۲۵ |

بخش دوم: روش تفسیر قرآن به قرآن

| | |
|---|----|
| ۱. روش تفسیر قرآن به قرآن..... | ۳۳ |
| دلایل موافقان تفسیر قرآن به قرآن..... | ۳۶ |
| الف) آیات قرآن..... | ۳۷ |
| ب) سنت..... | ۳۸ |
| ج) روش عقلا (بنای عقلا)..... | ۴۰ |
| ۲. گونه های تفسیر قرآن به قرآن..... | ۴۳ |
| شیوه های فرعی روش تفسیر قرآن به قرآن..... | ۴۳ |
| معرفی تفاسیر قرآن به قرآن..... | ۵۲ |

بخش سوم: روش تفسیر روایی قرآن

| | |
|---------------------------------|----|
| ۱. روش تفسیر روایی قرآن(۱)..... | ۵۹ |
| حجیت «سنت» در تفسیر..... | ۶۵ |

۲. روش تفسیر روایی قرآن(۲).....۶۹
- اقسام روایات و نقش آنها در تفسیر (راه‌های دست‌یابی به سنت).....۶۹
- کاربردهای روایات تفسیری.....۷۵
- معرفی تفسیرهای روایی.....۸۱
- الف) مهم‌ترین و مشهورترین تفسیرهای روایی شیعه.....۸۱
- ب) مهم‌ترین و مشهورترین تفسیرهای روایی اهل سنت.....۸۳

بخش چهارم: روش تفسیر عقلی و اجتهادی

۱. روش تفسیر عقلی و اجتهادی(۱).....۸۹
- معنای تفسیر عقلی.....۹۴
- الف) استفاده ابزاری از قراین عقلی در تفسیر.....۹۴
- ب) تفسیر عقلی، همان تفسیر اجتهادی.....۹۵
۲. روش تفسیر عقلی و اجتهادی(۲).....۹۹
- دلایل.....۹۹
- گونه‌های تفسیر عقلی و اجتهادی.....۱۰۳
- الف) تفسیر اجتهادی.....۱۰۳
- ب) تفسیر استفاده از عقل برهانی.....۱۰۴
- معیارهای تفسیر عقلی و اجتهادی.....۱۰۵
- معرفی تفاسیر عقلی و اجتهادی.....۱۰۶

بخش پنجم: روش تفسیر علمی قرآن

۱. روش تفسیر علمی قرآن(۱).....۱۱۳
- تعریف روش تفسیر علمی.....۱۱۷
- پیشینه تاریخی تفسیر علمی و علل رشد آن.....۱۱۷
۲. روش تفسیر علمی قرآن(۲).....۱۲۳
- دلایل موافقان تفسیر علمی.....۱۲۳
- اقسام تفسیر علمی از جهت شکل و شیوه تفسیر.....۱۲۵
- معیارهای تفسیر علمی معتبر.....۱۲۹

بخش ششم: روش تفسیر اشاری

۱. روش تفسیر اشاری(۱).....۱۳۷
- دیدگاه‌ها.....۱۴۰

| | |
|-----|--|
| ۱۴۰ | الف) دیدگاه موافقان..... |
| ۱۴۲ | ب) دیدگاه مخالفان تفسیر اشاری..... |
| ۱۴۳ | ج) دیدگاه تفصیل در تفسیر اشاری..... |
| ۱۴۹ | ۲. روش تفسیر اشاری (۲)..... |
| ۱۴۹ | ۱. اقسام تفسیر اشاری و نمونه‌های آن..... |
| ۱۴۹ | الف) باطنی غیر صحیح..... |
| ۱۵۳ | ب) باطنی صحیح..... |

بخش هفتم: روش تفسیر به رأی

| | |
|-----|---|
| ۱۶۳ | ۱. روش تفسیر به رأی (۱)..... |
| ۱۶۶ | دلایل مخالفت..... |
| ۱۶۶ | الف) آیات قرآن..... |
| ۱۶۷ | ب) روایات..... |
| ۱۶۹ | بررسی احادیث..... |
| ۱۷۵ | ۲. روش تفسیر به رأی (۲)..... |
| ۱۷۵ | تعریف تفسیر به رأی..... |
| ۱۷۵ | نمونه‌های تفسیر به رأی..... |
| ۱۷۸ | معیارها و ضوابط تفسیر به رأی..... |
| ۱۸۱ | مرز تفسیر به رأی با اجتهاد در تفسیر و تفسیر عقلی..... |
| ۱۸۱ | تفاوت تفسیر به رأی با تفسیر عقلی..... |
| ۱۸۲ | آثار منفی تفسیر به رأی..... |

بخش هشتم: روش تفسیر اجتهادی و جامع

| | |
|-----|---|
| ۱۸۹ | روش تفسیر اجتهادی و جامع..... |
| ۱۸۹ | چیستی روش تفسیر اجتهادی جامع..... |
| ۱۹۰ | الف) در مبحث روش‌ها..... |
| ۱۹۰ | ب) در مبحث گرایش‌ها..... |
| ۱۹۳ | کتاب‌شناسی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری..... |
| ۲۰۳ | کتابنامه..... |

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

بخش اول

کلیات روش ها و گرایش های تفسیر قرآن

مقدمه

واژگان

تاریخچه

عوامل و انگیزه ها

تقسیمات و اسلوب ها

چکیده

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

کلیات روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن

اهداف آموزشی: (۱) شناخت واژگان کلیدی مبحث گرایش‌های تفسیری و تفاوت‌های آنها؛ (۲) آشنایی با اهمیت بحث روش‌ها و گرایش‌ها و تأثیر آنها در تفسیر؛ (۳) آشنایی با تاریخچه روش‌ها و گرایش‌ها؛ (۴) آشنایی با عوامل پیدایش روش‌ها و گرایش‌ها.

مقدمه

دانش تفسیر که یکی از اصیل‌ترین علوم اسلامی است، همچون علوم دیگر، دارای سه مولفه است:

۱. «موضوع» علم تفسیر، که همان قرآن کریم است؛
 ۲. «هدف» علم تفسیر، یعنی فهم و توضیح مفاهیم و مقاصد آیات قرآن؛
 ۳. «روش» تفسیر، که همان چگونگی کشف معانی و مقاصد آیات قرآن است.
- به‌کارگیری روش در هر دانشی از اهمیتی ویژه برخوردار است، چرا که فراگیری روش صحیح و به‌کارگیری آن، دانش‌پژوهان را به هدف علم می‌رساند؛ اما عدم بهره‌مندی از روش مناسب، یا اشتباه در انتخاب روش، موجب دوری از هدف علم می‌شود.

کاربرد «روش تفسیر» در مورد قرآن کریم، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ این اهمیت تا آنجاست که استفاده از برخی روش‌ها ممنوع و حرام تلقی شده‌اند. در احادیث نیز بر اهمیت این موضوع تأکید فراوان شده، به‌گونه‌ای که اگر کسی با روش خطای «تفسیر به

رأی» به تفسیر قرآن پرداخته و به نکته صحیحی دست یابد، باز هم خطا کرده است.^۱ به دیگر سخن: پیمودن روش صحیح تفسیری موضوعیت دارد^۲ و شناخت روش‌ها و گرایش‌های تفسیری برای هر مفسر قرآن امری لازم است.

تاریخ تفسیر و مفسران، گویای این حقیقت است که معمولاً مفسران روش‌مندی که از پیش، روش تفسیری خود را شناخته و معرفی کرده‌اند، در تفسیر قرآن از دیگران موفق‌تر بوده و آثار ارزشمندی به یادگار گذاشته‌اند که کتاب‌هایی چون: التبیان، مجمع‌البیان، المیزان و... نمونه‌هایی از آن‌اند.

واژگان

واژه‌های اساسی روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن عبارتند از:

الف) روش: مقصود از «روش» استفاده از منبع خاص در تفسیر قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد. به سخن دیگر: چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن را، روش تفسیر قرآن می‌نامند.^۳

ب) تفسیر: کشف و پرده‌برداری از ابهام کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست.^۴ به دیگر سخن: مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است.^۵

۱. عن النبی ﷺ: «من قال فی القرآن برایه و أصاب فقد أخطأ»؛ سنن ترمذی، ج ۴؛ کتاب تفسیر القرآن،

حدیث ۲۹۶۱؛ المیزان، ج ۳، ص ۷۵.

۲. گفتار روش تفسیر به رأی در همین نوشتار.

۳. منطق تفسیر قرآن ۲، مبحث کلیات، از نگارنده.

۴. المیزان، ج ۱، ص ۴.

۵. تعریف تفسیر، معمولاً در مبانی روش‌های تفسیری بیان می‌شود و در این‌جا، حاصل سخن مفردات راغب اصفهانی، تاج العروس، قاموس قرآن، علامه طباطبایی (المیزان، ج ۱، ص ۴)، سیوطی (الاتقان، ج ۲، ص ۱۹۲) و طبرسی (مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۱۳) بیان شد. در کتاب درآمدی بر تفسیر قرآن (ص ۳۵ تا ص ۳۹) و منطق تفسیر قرآن (۲) از نگارنده و روش‌شناسی تفسیر قرآن، رجبی و دیگران دیدگاه‌های آنان و نیز جمع‌بندی آن ارائه شده است.

ج) گرایش: در این‌جا مقصود از «گرایش»، تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و نیز، سبک‌های پردازش در تفسیر قرآن است که براساس عقاید، نیازها، ذوق و سلیقه و تخصص علمی مفسر شکل می‌گیرد.

اساسی‌ترین تفاوت‌های گرایش‌ها و روش‌های تفسیری عبارتند از:

۱. مبحث روش‌ها براساس چگونگی روش کشف معنا و مقصود آیه استوار است؛
۲. مبحث روش‌ها براساس منبع و ابزار تفسیری (همچون کاربرد عقل و روایات) شکل می‌گیرد؛

۳. در مبحث «گرایش»‌ها بیشتر، شخص مفسر مطرح است؛ یعنی: باورها، سلیقه‌ها و جهت‌گیری‌های خود مفسر است که به تفسیر جهت می‌دهد و متنی متناسب با آنها پدید می‌آید؛

۴. در مبحث «گرایش»، این نکته مورد توجه است که متن تفسیر با چه اسلوبی نگارش یافته و بیشتر چه مطالب کلامی، ادبی یا... در آن راه یافته است.
تذکر: در مورد روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، تعبیرهای متعددی همچون: مناهج، مذاهب، مکاتب، اتجاهات، ألوان، سبک، اسلوب و... به کار می‌رود، که بیان تعاریف و تفاوت‌های مربوط در مبحث تقسیمات روش‌ها و گرایش‌ها ارائه خواهد شد.

تاریخچه

الف) پیدایش و رشد

دانش تفسیر از صدر اسلام آغاز شده و خاستگاه آن وحی الهی بود که پیامبر ﷺ را مفسر قرآن معرفی نمود.^۱

پیامبر ﷺ در تفسیر قرآن، گاه از خود قرآن کمک می‌گرفت؛ بدین ترتیب، روش «تفسیر قرآن به قرآن» به وجود آمد.^۲ سپس اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه به تفسیر قرآن پرداختند؛ آنان علاوه بر استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، از روش «تفسیر

۱. ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل، آیه ۴۴).

۲. مبحث روش تفسیر قرآن به قرآن در همین نوشتار.

روایی» نیز استفاده می‌کردند؛ یعنی گاه با استناد به روایات پیامبر ﷺ به تفسیر آیات قرآن می‌پرداختند.^۱

در این میان گروهی نیز براساس خواسته‌های شخصی یا گروهی و بدون ضوابط و قرائین به تفسیر و تأویل قرآن پرداختند و روش «تفسیر به رأی» پدید آمد که در احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام به شدت با این روش برخورد شد و آن را ممنوع اعلام کردند.^۲

کم‌کم از قرن دوم به بعد با ترجمه آثار و نفوذ افکار و علوم یونانیان و ایرانیان در بین مسلمانان، روش‌ها و گرایش‌های دیگری نیز پدید آمد.

از این‌جا بود که مبحث‌های کلامی و فلسفی پدیدار شدند و رفته‌رفته گرایش‌های تفسیری - کلامی شکل گرفتند^۳ و در پی آن، هر یک از فرقه‌های اسلامی مانند «اشاعره»، «معتزله» و... آیات قرآن را براساس دیدگاه‌ها و عقاید خود تفسیر می‌کردند.

در همین راستا، اختلافات مذهبی که از قرن نخست آغاز گردید، با اختلافات مذاهب فقهی نیز، همراه شد و بر تفسیر آیات فقهی قرآن تأثیر گذاشت. سپس عرفا و متصوفه نیز گرایش‌های خاص تفسیری پیدا کردند و روش «تفسیر اشاری» از قرن سوم به بعد رشد کرد.

محدثان شیعه و اهل سنت که به نقل احادیث اکتفا می‌کردند روش و گرایش «تفسیر روایی» را شکل دادند که در مرحله اول در قرن‌های سوم و چهارم، تفاسیری همچون: عیاشی، قمی و طبرسی شکل گرفت و در مرحله دوم در قرن دهم تا یازدهم، تفاسیری همچون درالمنثور اثر سیوطی، البرهان و نورالثقلین ظهور کردند.

در این میان بعد از مرحله اول تفسیرهای روایی، (تفسیر فقهی) شروع شد که نوعی تفسیر موضوعی قرآن با گرایش آیات الاحکام بود. پس از شکل‌گیری تفاسیرهایی چون: احکام القرآن اثر حصاص حنفی (۳۷۰ ق) و احکام القرآن منسوب به شافعی (۲۰۴ ق)، تفسیرنویسی فقهی در قرن‌های بعدی ادامه یافت که احکام القرآن اثر راوندی (۵۷۳ ق)

۱. مبحث روش تفسیر روایی در همین نوشتار.

۲. همان.

۳. المیزان، ج ۱، ص ۵.

از آن نمونه است. در قرن پنجم و ششم تفسیرهای جامع و اجتهادی، همچون: تبیان و مجمع البیان شکل گرفتند که با استفاده از اجتهاد و عقل و توجه به همه جوانب تفسیر، شیوه جدیدی در تفسیر بنیان نهاده شد که هنوز هم متداول است.

پس از این مرحله، برخی از فیلسوفان نیز، اقدام به نگارش تفسیر کردند. در یک قرن اخیر نیز روش‌ها و گرایش‌های دیگری، همچون: روش تفسیر علمی و گرایش اجتماعی به وجود آمد و رشد نمود.^۱

(ب) نگارش در زمینه روش‌ها و گرایش‌ها

از قدیمی‌ترین کتاب‌ها در این زمینه طبقات المفسرین اثر جلال‌الدین سیوطی (۸۸۹-۹۱۱ ق) است که شرح حال مفسران و آثار آنان است. این کتاب هر چند به‌طور مستقیم به بحث روش‌ها و گرایش‌های تفسیری نپرداخته، ولی برای این بحث مفید بوده و قدیمی‌ترین منبع آن به شمار می‌آید.

کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی از مستشرق مشهور، گلدزیهر که توسط دکتر عبدالحلیم النجار به عربی ترجمه شده و پس از آن، کتاب التفسیر و المفسرون اثر دکتر ذهبی از مهم‌ترین منابع در این زمینه به شمار می‌آیند؛ گرچه کتاب اخیر، بیشتر به گرایش‌های تفسیری پرداخته است.

دیگر آثار مدون در زمینه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، کتاب ارزشمند التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب از آیه‌الله معرفت است، که تحت عنوان الوان تفسیری مطالب متنوعی در زمینه گرایش ادبی، اجتماعی، علمی و... در آن ارائه شده است.

هم‌چنین کتاب مبانی و روش‌های تفسیر قرآن اثر استاد عمید زنجانی، حاوی مطالبی در موضوع روش‌های تفسیری است؛ ولی در آن به بحث گرایش‌ها توجه چندانی نشده است و نیز کتاب منطق تفسیر قرآن (۲) از نگارنده و کتاب روش‌های تفسیر قرآن اثر دکتر سید رضا مؤدب و روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، حسین علوی مهر و مکاتب سید تفسیری، علی اکبر بابایی قابل توجه است که به اکثر

۱. در مورد هریک از این گرایش‌ها و روش‌ها به مبحث مورد نظر در همین نوشتار و منطق تفسیر (۲) مراجعه شود.

روش‌ها و گرایش‌ها اشاره کرده‌اند. البته برخی کتاب‌ها هم از زاویه خاص به بحث روش‌ها یا گرایش‌ها پرداخته‌اند؛ همچون: *اتجاهات التفسیر فی مصر الحدیث*، اثر *عفت محمد شرقاوی مصری*؛ *طبرسی و مجمع‌البیان*، اثر حسین کریمیان؛ روش تفسیری علامه طباطبایی رحمته‌الله در *المیزان*، از *علی آلوسی*؛ *التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان*، اثر احمد عمر ابو حجر و کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن از نگارنده که در مورد روش تفسیر علمی و معیارهای آن مطالبی بیان شده است. هم‌چنین کتاب‌های دیگری در مورد روش تفسیری شیخ محمد عبده، رشید رضا، *فخر رازی* و زمخشری نوشته شده است.^۱

عوامل و انگیزه‌های پیدایش روش‌ها و گرایش‌های تفسیری

با توجه به مطالبی که در تاریخچه بیان شد و با توجه به تاریخ مفسران و تفسیرهای قرآن، می‌توان عوامل زیر را در پیدایش یا رشد برخی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری مؤثر دانست:

الف) طبیعت قرآن (اقتضای کتاب بودن قرآن)

قرآن، کتابی است که در طول ۲۳ سال با مطالب متنوع نازل شده و حاوی مجموعه‌ای از آیات مرتبط با یکدیگر است. برخی آیات، توضیح و روشن‌گر برخی دیگرند و اصولاً تفسیر درست و کامل یک آیه، بدون توجه به آیات دیگر و قراین موجود (ناسخ، خاص، مقید و...) ممکن نیست.^۲

از این رو، مقتضی بود که در قرآن - همچون هر کتابی دیگر - برای فهم و تفسیر برخی از جملات و کلمات آن، به جملات دیگر آن مراجعه شود و از این‌جا بود که روش تفسیر قرآن به قرآن شکل گرفت. در موارد متعددی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، از این روش استفاده نموده و بدین وسیله به ما نیز آموختند که از این روش بهره‌جوییم.

۱. در مورد هر روش تفسیری، در پایان هر بخش کتاب‌های مربوط معرفی شده است.

۲. مبحث روش تفسیر قرآن به قرآن همین نوشتار.

ب) دستور قرآن

قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان‌کننده و مفسر خود معرفی نموده است؛^۱ یعنی سخنان و اعمال پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آیات، تفسیری از قرآن است که برای مردم حجت شمرده می‌شود و می‌تواند مبنای فهم و عمل به آیات قرار گیرد. این دستور قرآن، سبب پیدایش روش و گرایش تفسیر روایی شد؛ به همین جهت مسلمانان به روایات تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان به روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام توجه وافر کردند و آنها را در مجموعه کتاب‌های روایات تفسیری گرد آورده و در فهم و تفسیر قرآن به کار گرفتند.

ج) باورهای اعتقادی مفسران (پیدایش مذاهب و مکاتب)

پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله کم‌کم مذهب‌های مختلفی همچون شیعه و سنی و در اهل سنت نیز، مذاهب فقهی حنفی، حنبلی، مالکی و شافعی پدید آمد و از سوی دیگر، مکاتب کلامی مشهوری همچون معتزلی و اشعری و نیز برخی نحله‌های دیگری مانند متصوفه پدیدار شدند.

این اختلافات به حوزه تفسیر قرآن کشانده شد و برخی مذاهب، مکاتب و نحله‌ها تلاش کردند تا آیات قرآن را به گونه‌ای تفسیر کنند که عقاید و باورهای آنان را اثبات نموده و آیات مخالف عقایدشان را تأویل و به وسیله آیات، عقاید طرف مقابل را نفی می‌نمودند.^۲ نمونه این تفسیرها را در گفتار آیات جبر و تفویض در مکتب اشاعره و معتزله مشاهده می‌کنیم (نمونه تفسیر کلامی را در تفسیر کبیر فخررازی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر بیضاوی می‌توان دید).

د) تکیه بر رأی و عقاید شخصی

برخی براساس نظرات شخصی یا هواهای نفسانی و یا به دلیل حمایت از مکتب و مذهب خود، در پی تفسیر قرآن بر آمده و آن‌گونه که خود می‌خواستند بدون توجه به

۱. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل، آیه ۴۴).

۲. علامه طباطبایی در المیزان، ج ۱، ص ۵ و ۶ به این عامل توجه داده و این روش تفسیری را تطبیق می‌نامد.

قراین عقلی و نقلی، به تفسیر آیات پرداختند. این نوع از تفسیر، تفسیر به رأی نام گرفت و کم‌کم به یک روش تفسیری تبدیل شد، که در احادیث اسلامی به شدت مذمت شده و ممنوع اعلام گردیده است.^۱

ه) نفوذ افکار و علوم غیر مسلمانان در حوزه اسلامی

در قرن دوم هجری، نهضت ترجمه آثار یونانیان و ایرانیان به زبان عربی آغاز شد. این آثار، حاوی علوم عقلی و تجربی بود که باعث رشد علمی همچون: پزشکی و پیدایش فلسفه در بین مسلمانان شد^۲ و در نتیجه، ریشه‌های گرایش فلسفی در تفسیر آیات قرآن شکل گرفت. مواردی از تأثیر علوم تجربی در تفسیر قرآن را می‌توان در نوشته‌های بوعلی سینا یافت. این روش رفته‌رفته، به یک جریان قوی تفسیری تبدیل شد^۳ و تفسیرهایی همچون تفسیر ططاوی جوهری با تکیه بر آن، به نگارش درآمدند.

و) اختلاف منابع و ابزارهای تفسیر

یکی از عوامل مؤثر در پیدایش و رشد روش‌های تفسیری، استفاده مفسران از منابع و ابزارهای مختلف در تفسیر قرآن است. برخی مفسران از منبع «عقل» بیشتر استفاده کردند و به سوی روش تفسیر عقلی و اجتهادی رفتند. برخی دیگر از منبع روایات (سنت) بهره‌افزون‌تری برده و به سوی روش و گرایش روایی روی آوردند (همچون تفسیر نورالثقلین و درالمنثور)؛ برخی دیگر نیز از منبع علوم تجربی در تفسیر قرآن بهره‌جسته و به گرایش و روش تفسیر علمی روی آوردند (همچون تفسیر الجواهر اثر ططاوی)؛ برخی دیگر نیز از شهود و مکاشفات عرفانی در تفسیر استفاده کرده و به روش تفسیر اشاری و گرایش عرفانی و صوفی روی آوردند (همچون تفسیر کشف‌الأسرار، اثر میبیدی)؛ استفاده از این منابع و ابزارها نتایج خاصی را در تفسیر به دنبال داشت و گرایش‌ها و روش‌هایی را ایجاد کرده یا رشد داده است.

۱. مبحث روش تفسیر به رأی در همین نوشتار.

۲. علامه طباطبایی در المیزان، ج ۱، ص ۵ و ۶ به این نکته اشاره کرده و آن را «تطبیق» و «تأویل» نامیده است. هم‌چنین استاد عمید زنجانی در مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۷۵ تذکر داده است.

۳. مبحث روش تفسیر علمی و گرایش فلسفی در همین نوشتار.

ز) جهت‌گیری‌های عصری مفسران

از جمله عوامل مؤثر در پیدایش گرایش‌های تفسیری، علاقه، نیاز و ضرورت زمان مفسر است. برای مثال: گاه مفسر در لبنان و در زمان مبارزه با رژیم اشغال‌گر قدس زندگی می‌کند، از این‌رو تفسیر او برخوردار از جنبه‌های حماسی و جهادی خواهد بود و گاه در موقعیتی زندگی می‌کند که نیاز به مسائل معنوی، اخلاقی و تربیتی بیشتر احساس می‌شود و این بی‌گمان به تفسیر او رنگ دیگری می‌دهد.

هم‌چنین گاه ممکن است برای حل مشکلات اجتماعی و تربیتی، به گرایش تفسیر اجتماعی روی آورد (همچون تفسیر فی ظلال اثر سید قطب و نمونه اثر آیه‌الله مکارم شیرازی).

ح) تخصص مفسران در علوم خاص و تمایل به آنها

یکی از عوامل مؤثر در پردازش سبک تفسیر، تخصص و تمایل مفسر به یک علم است. گاه مفسر قرآن به دلیل تخصص در علوم ادبی، تفسیری ادبی می‌نگارد (مانند کشاف اثر زمخشری) و گاه در علم کلام تخصص داشته و تفسیری کلامی از خود به یادگار می‌گذارد (همچون تفسیر کبیر اثر فخر رازی) و گاه نیز، به علوم تجربی علاقه داشته و تفسیری با گرایش تجربی می‌نویسد (الجواهر اثر طنطاوی).

نتیجه‌گیری: اینها مهم‌ترین عوامل پیدایش روش‌ها و گرایش‌های تفسیری هستند؛ البته شاید بتوان برخی از آنها را در یکدیگر ادغام نموده و یا برخی عوامل و انگیزه‌های دیگر را نیز در این مورد اضافه کرد. آنچه ملاحظه شد، اجمالی از این مباحث است، پژوهش بیشتر در این زمینه، به محققان واگذار می‌شود.

تذکر: گاه مفسران قرآن به یک سبک نگارش تفسیر تمایل داشته، تفسیر خود را به همان شیوه می‌نویسند؛ همچون: تفسیرهای ترتیبی، (به ترتیب نزول یا ترتیب مصحف) موضوعی، مزجی، مختصر، مفصل، جامع و غیرجامع. این شیوه‌ها مربوط به اسلوب نگارش و براساس ذوق و سلیقه مفسر شکل می‌گیرد.

تقسیمات روش‌ها و گرایش‌های تفسیری

در مورد روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از جهت‌های مختلف صورت گرفته است. در این جا نخست، تقسیم‌بندی مطلوب روش‌ها و گرایش‌ها ارائه شده و سپس به دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این زمینه اشاره می‌شود:

الف) تقسیم روش‌های تفسیری (مناهج تفسیری)

روش‌های تفسیر قرآن براساس کیفیت استخراج معانی و مقاصد آیات و با توجه به منبع و ابزار مورد استفاده در تفسیر، به دو قسم عمده و اقسام فرعی زیر تقسیم پذیر هستند:

یکم) روش‌های تفسیری ناقص

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن؛
۲. روش تفسیر روایی (تفسیر براساس سنت)؛
۳. روش تفسیر علمی (تفسیر با استخدام علوم تجربی در فهم قرآن)؛
۴. روش تفسیر اشاری (عرفانی، صوفیانه، باطنی، رمزی و شهودی)؛
۵. روش تفسیر عقلی؛
۶. روش تفسیر به رأی (روش ممنوع در تفسیر قرآن).

دوم) روش تفسیر جامع اجتهادی قرآن

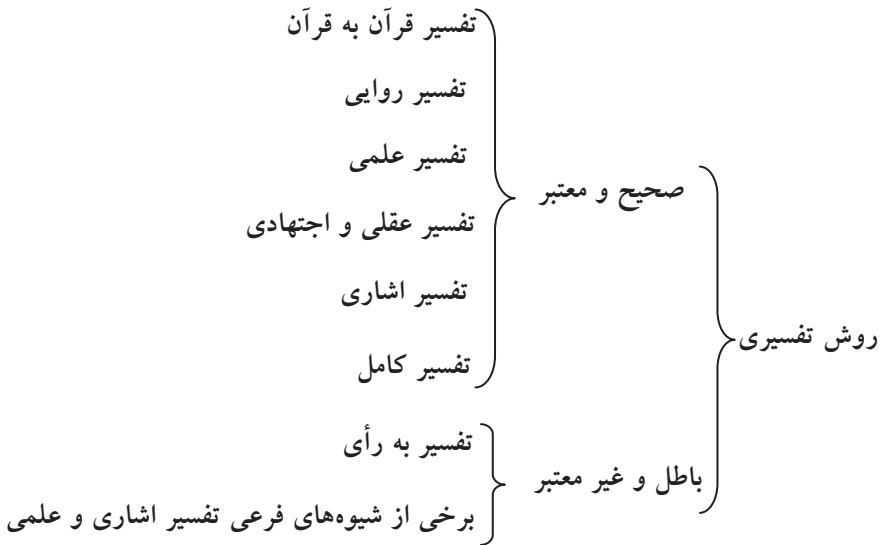
مقصود از روش تفسیر کامل قرآن، روشی است که در آن از همه روش‌های صحیح تفسیر (روش‌های پنج‌گانه نخست که در بالا آمد) استفاده می‌شود تا مقصود آیات به‌طور همه‌جانبه دریافت و بیان شود.

در حقیقت برای تفسیر صحیح و معتبر قرآن باید از همه روش‌های صحیح (پنج‌گانه) در جای مناسب آن استفاده کرد. البته ممکن است برخی روش‌ها در مورد برخی از آیات کاربرد نداشته باشند؛ برای مثال: ممکن است در مورد آیه خاص قرآن روایتی وجود نداشته باشد و یا نکته علمی (علوم تجربی) در یک آیه یافت نشود. پس «روش کامل» در مورد آن دسته از آیاتی کاربرد دارد که بتوان از روش‌های مناسب و

متعدد - تا حد امکان - بهره جست. البته تعداد زیرمجموعه‌های روش تفسیر کامل، بستگی به آیه و امکان بهره‌جویی از روش‌های صحیح در آن دارد.

تذکر: روش تفسیر به رأی، روش صحیح و معتبری در تفسیر قرآن نیست و در حقیقت، تفسیر قرآن به شمار نمی‌آید (توضیح آن در مبحث روش تفسیر به رأی خواهد آمد). پس ذکر آن در بین روش‌های تفسیری، برای رد آن و گوشزد کردن خطر آن است؛ یعنی چنانچه روش‌های تفسیری را اعم از صحیح و باطل در نظر بگیریم، آن‌گاه روش تفسیر به رأی نیز در زمره آنهاست.

تقسیم دیگری که می‌توان در روش‌های تفسیری براساس اعتبار و عدم اعتبار روش‌ها و بطلان و صحت آنها ارائه کرد عبارت است از:



تذکر: هر یک از این روش‌ها، اقسام فرعی و چگونگی اعتبار آنها را در بخش‌های بعدی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ب) تقسیم گرایش‌های تفسیر قرآن

گرایش‌های تفسیر قرآن براساس باورها، افکار، جهت‌گیری‌ها، سبک پردازش، تخصص علمی و سلیقه‌های مفسران قرآن به شیوه‌های فرعی زیر تقسیم می‌شوند:

یکم) مذاهب تفسیری

پیروان مذاهب اسلامی، براساس باورهای خویش به تفسیر آیات قرآن پرداخته‌اند؛ چنان‌که گاه یک مذهب، شیوه خاصی در تفسیر خویش برگزیده است. برای مثال: مفسران شیعه براساس رهنمودهای اهل بیت علیهم‌السلام به ظاهر و باطن قرآن و آیات مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام توجه نموده، عصمت پیامبران را در تفسیر آیات رعایت نموده‌اند، از این‌رو به شیوه خاصی در تفسیر دست یافته‌اند. چنان‌که اسماعیلیه به تفاسیر باطنی و رمزی و خوارج به شیوه خاص خود به تفسیر قرآن پرداخته، هریک از مذاهب خاصی در تفسیر برخوردارند. شاید بتوان تفسیرهای صوفیه را نیز به مذاهب تفسیری ملحق ساخت.

دوم) مکاتب تفسیری (گرایش کلامی)

برخی از طرفداران مکاتب کلامی، همچون معتزله، اشاعره و متکلمان شیعه، اقدام به تفسیر قرآن براساس گرایش فکری خویش نموده‌اند. برای مثال: تفسیر کشف اثر زمخشری با گرایش معتزلی نگاشته شده است.

سوم) سبک‌های تفسیری (الوان تفسیر)

مفسران قرآن براساس تخصص علمی یا علاقه و ذوقی که به یک علم یا مبحث خاص داشته‌اند، در نگارش تفسیر، به سوی همان مبحث یا علم، تمایل یافته و مطالب آن را در تفسیر خود بیشتر مطرح کرده‌اند. از این‌رو گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری متفاوتی به وجود آمده است؛ مانند گرایش‌ها و سبک‌های ادبی، فقهی، جامعه‌شناختی، عرفانی، اخلاقی، تاریخی، سیاسی، تربیتی و مدیریتی.

چهارم) جهت‌گیری‌های عصری در تفسیر (اتجاهات تفسیری)

گاه به دلیل احساس نیاز و ضرورت، ذهن و روان مفسران در تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، به یکی از آنها تمایل پیدا کرده و تفسیر آنها سمت و سوی خاصی پیدا می‌کند. هم‌چنین گاه، مسائل اجتماعی، مهم‌ترین جهت‌گیری مفسر است؛ از این‌رو، در نگارش تفسیر قرآن نیز به آیات اجتماعی توجه بیشتری می‌شود (مثل تفسیر فی ظلال القرآن).

گاه نیز، توجه و جهت‌گیری مفسر، جهادی و مبارزه با حکومت‌ها یا

صهیونیست‌هاست؛ از این‌رو به آیات مربوط به این مسائل توجه بیشتری می‌شود (همچون تفسیر مبین اثر محمدجواد مغنیه).

هم‌چنین گاه، مفسر به تقریب بین مذاهب اسلامی و وحدت اسلامی می‌اندیشد، از این‌رو در تفسیر خود به آیات مربوط به وحدت توجه بیشتری می‌کند.

اسلوب‌های تفسیری (شیوه‌های نگارش تفسیر)

شیوه نگارش مفسران در تفسیر یکسان نیست و براساس سلیقه و ذوق و یا با توجه به مخاطب خاص، اسلوب‌های نگارش و سبک پردازش مطلب متفاوت است:

گاه تفسیر ترتیبی است؛ یعنی از اول قرآن تا آخر، به تفسیر آیه به آیه می‌پردازد (همچون تفسیر المیزان، نمونه و مجمع البیان).

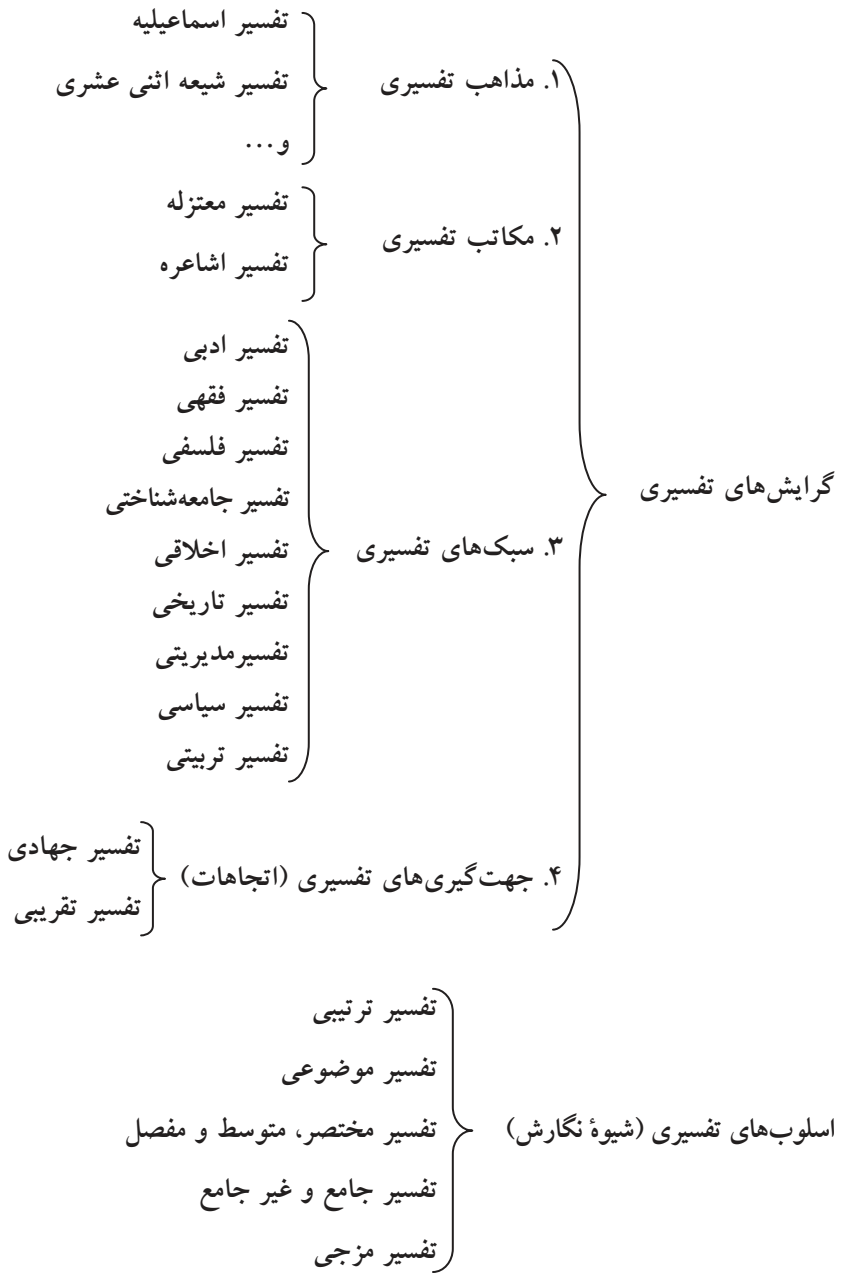
گاه تفسیر موضوعی است؛ یعنی: یک موضوع را در آیات و سوره‌های مختلف پی‌گیری می‌کند و مطالب مربوط به آن را جمع‌آوری و نتیجه‌گیری می‌کند (مانند تفسیر پیام قرآن اثر آیه‌الله مکارم شیرازی و منشور جاوید اثر آیه‌الله سبحانی و...).

گاه، تفسیر مختصر بوده، گاه مفسر طولانی و گاهی متوسط می‌نویسد؛ یعنی حجم و کمیّت تفسیرها متفاوت می‌شود. برای مثال: مرحوم فیض کاشانی سه تفسیر الاصفی، مصفّی و صافی دارد و مرحوم شبّر دارای سه تفسیر الوجیز، الجوهر الثمین و صفوه التفاسیر بوده و مرحوم طبرسی سه تفسیر جوامع الجامع، مجمع البیان و الکاف الشاف نگاشته که تفسیر نخست مختصر، دیگری متوسط و سومی مفصل است.

گاه تفسیرها به صورت شرح و متن هستند؛ یعنی آیه را متن و تفسیر را شرح آن قرار داده‌اند؛ همچون تفسیر المیزان و گاه تفسیر و آیات مخلوط و به صورت مزجی است؛ مانند تفسیر شبّر و نفحات الرحمان از نهاوندی.

گاه نیز، تفسیر کامل آیات قرآن است؛ مانند مجمع البیان و گاه ناقص و در برگیرنده سوره‌ای یا تعدادی از آیات یا سوره‌های قرآن است؛ مانند احکام القرآن اثر راوندی که شامل آیات فقهی قرآن است و تفسیر آلاء الرحمن اثر بلاغی که ناقص است.

هم‌چنین گاهی تفسیر، جامع (علوم قرائات، لغت، ادب، اقوال و روایات) است و گاه تخصصی است (همچون تفاسیر روایی یا ادبی).



تذکر ۱. تقسیم‌های دیگری نیز در گرایش‌های تفسیری موجود است؛ گاه از این نام‌ها به جای یکدیگر استفاده شده و گاهی بین روش و گرایش خلط شده است؛ ولی آنچه به نظر، مطلوب و صحیح‌تر می‌رسید بیان نموده، در ادامه، دیدگاه‌های صاحب‌نظران را ارائه و سپس بررسی می‌کنیم.

تذکر ۲. گاه برخی شیوه‌های تفسیری از جهتی جزء روش‌های تفسیر و از جهت دیگر جزء گرایش‌های تفسیری به شمار می‌آید. برای مثال: روش تفسیر علمی از آن جهت که استخدام علوم در فهم قرآن است و نتایج مشخص و جدیدی به دنبال داشته و از منبع و ابزار خاصی در تفسیر استفاده می‌کند، از جمله روش‌های تفسیری به شمار می‌رود و از آن جهت که برخی مفسران (همچون طنطاوی در الجواهر) مطالب زیاد علوم تجربی را در تفسیر ارائه کرده‌اند، گرایش تفسیری به شمار می‌آیند.

همین نکته درباره روش تفسیر اشاری (عرفانی و باطنی) و روش تفسیر روایی نیز صادق است که در مباحث بعدی روشن خواهد شد.

تذکر ۳. روش‌ها یا گرایش‌های تفسیری نفی‌کننده یکدیگر نیستند؛ بلکه مکمل همدند و پذیرش یکی، مانع از پذیرش روش و گرایش دیگری نیست، آری روش تفسیر به رأی و برخی شیوه‌های فرعی روش تفسیر علمی و اشاری، مردود هستند و تفسیر قرآن براساس آنها ممنوع است که در ادامه بیان خواهیم کرد.

چکیده

در این درس نتایج زیر به دست آمده و با مطالب زیر آشنا شدیم:

۱. روش تفسیر قرآن دارای اهمیت ویژه‌ای است که تسلط بر آن باعث توانمند شدن مفسر خواهد بود؛ هر چند این دانش، جوان و در حال رشد است.
۲. روش‌های تفسیر قرآن مربوط به منبع و ابزار و کیفیت استخراج معانی و مقاصد آیات هستند؛ اما گرایش‌های تفسیری، به سلیقه، علوم و باورهای مفسر و سبک او مربوطند.
۳. برخی روش‌های تفسیر قرآن از زمان پیامبر ﷺ آغاز شده و در قرن دوم هجری به بعد در اثر عوامل مختلف گرایش‌ها و روش‌های جدید به وجود آمده و رشد کرده‌اند.
۴. برخی از عوامل پیدایش و تنوع روش‌ها و گرایش‌های تفسیری عبارتند از: طبیعت قرآن، دستور قرآن به پیروی از پیامبر ﷺ به عنوان مفسر قرآن، باورهای اعتقادی مفسران، تکیه بر آرای شخصی، نفوذ افکار و علوم غیرمسلمانان در حوزه اسلامی، اختلاف منابع و ابزارها، جهت‌گیری‌های عصری مفسران، تخصص مفسر در علوم خاص، اسلوب نگارش مفسران.
۵. روش‌های تفسیری، به دو روش کلی: ناقص و کامل تقسیم می‌شوند و روش ناقص به شش روش: قرآن به قرآن، روایی، علمی، اشاری، عقلی و اجتهادی، تفسیر به رأی تقسیم می‌شود. از دیدگاه دیگر به دو روش: معتبر و غیر معتبر تقسیم می‌شود.
۶. گرایش‌های تفسیری به اقسام زیر قابل تقسیم‌اند:
مذاهب تفسیری که براساس باورهای مذهبی مفسر شکل می‌گیرند، مکاتب تفسیری که براساس آرای کلامی مفسر شکل می‌گیرند، سبک‌های تفسیری که براساس تخصص مفسر در علم خاصی شکل می‌گیرند و جهت‌گیری‌های عصری در تفسیر، توسط مفسران.
۷. اسلوب‌های نگارش تفسیر (ترتیبی، موضوعی و...) متنوع است.

پرسش

۱. اهمیت روش‌های تفسیر قرآن چیست؟ توضیح دهید.
۲. روش و گرایش را تعریف نموده و تفاوت‌های آنها را بنویسید.
۳. روش‌های گرایش‌های تفسیری از چه زمانی شروع شد؟ توضیح دهید.
۴. نقش باورهای اعتقادی مفسران را در پیدایش گرایش‌های تفسیری بنویسید.
۵. پنج مورد از عوامل و انگیزه‌های پیدایش گرایش‌ها و روش‌های تفسیری را نوشته و یک مورد را با مثال توضیح دهید.
۶. روش‌های تفسیری کامل و ناقص را برشمارید. کدام یک معتبر و کدام یک غیرمعتبرند؟
۷. گرایش‌های تفسیری قرآن را برشمرده و برای هر گرایش، یک تفسیر مثال بنویسید.
۸. تفاوت مکاتب و مذاهب تفسیری چیست؟
۹. تفاوت سبک‌های تفسیری باجهت‌گیرهای عصری مفسران چیست؟ با مثال توضیح دهید.
۱۰. اسلوب‌های نگارش تفسیر را با مثال بنویسید.
۱۱. آیا پذیرش یک روش یا گرایش تفسیری مانع از پذیرش روش دیگر است؟ چرا؟

پژوهش‌های جدید

- دانش‌پژوهان می‌توانند موضوعات زیر را به عنوان موضوعات تحقیقی برگزیده و مقاله‌ای در مورد آن بنویسند.
۱. تعریف‌های مختلف صاحب‌نظران از روش و گرایش را نقل و نقد کنید.
 ۲. تأثیرات علوم یونانی و ایرانی در پیدایش گرایش‌ها و روش‌های تفسیری را با ذکر نمونه‌های ملموس تاریخی جمع‌آوری و بررسی کنید.
 ۳. نقش فلاسفه، معتزله، اشاعره، متصوفه را در پیدایش گرایش‌های تفسیری مورد بررسی قرار داده و با ارائه نمونه‌های تاریخی اثبات کنید.
 ۴. نظرات استاد عمید زنجانی در کتاب مبانی و روش‌های تفسیر قرآن را در مورد علل و انگیزه پیدایش روش‌های تفسیری، نقد و بررسی نمایید.

۵. در مورد شیوه‌های نگارش تفاسیر، در طول تاریخ و نوسانات آن، پژوهشی ارائه نموده واقسامی غیر از آنچه در کتاب بیان شد، ارائه نمایید.
۶. یک تحقیق میدانی در مورد تعداد تفاسیر به روش‌ها و گرایش‌های مختلف در بین شیعه (براساس طبقات مفسران شیعه دکتر عقیقی بخشایشی) انجام دهید و به صورت نموداری رسم کنید.
۷. تحقیقی کامل در مذاهب و مکاتب مختلف تفسیری انجام دهید.
۸. تقسیمات دیگر را در مورد روش‌ها و گرایش‌های تفسیری در کتاب‌ها جمع‌آوری کنید و نقد نمایید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. طبقات المفسرین، جلال‌الدین السيوطی (م ۹۱۱ ق).
۲. مذاهب التفسیر الاسلامی، گلدزیهر، ترجمه دکتر عبدالحلیم النجار.
۳. التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، سه جلد.
۴. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، آية الله معرفت، دو جلد.
۵. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، استاد عمید زنجانی.
۶. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.
۷. اصول التفسیر و قواعد، شیخ خالد عبدالرحمن العک.
۸. مناهج التفسیر، دکتر مصطفی الصاوی الجوینی المصری.
۹. اتجاهات التفسیر فی مصر الحديث، دکتر عفت محمد شعر قاوی.
۱۰. قواعد التفسیر، خالد بن عثمان السبت، دو جلد.
۱۱. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مودب.
۱۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، حسین علوی مهر.
۱۳. منطلق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی.

بخش دوم

روش تفسیر قرآن به قرآن

مقدمه

واژگان

تاریخچه

دلایل

چکیده

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

روش تفسیر قرآن به قرآن^۱

اهداف آموزشی: (۱) شناخت روش تفسیر قرآن به قرآن و ریشه‌های تاریخی آن؛
(۲) شناخت گونه‌های فرعی تفسیر قرآن به قرآن و کاربرد آنها.

مقدمه

یکی از باسابقه‌ترین روش‌های تفسیر قرآن کریم، روش تفسیر قرآن به قرآن است. این روش، یکی از اقسام روش نقلی تفسیر به شمار می‌آید. چه این که روش نقلی تفسیر را به دو شاخه: تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر قرآن به روایت تقسیم نموده‌اند.

در مورد روش تفسیری همچون این روش، کمتر اتفاق نظر وجود داشته و همه مفسران و صاحب‌نظران، جز تعداد اندکی، آن را پسندیده و در بسیاری موارد از آن بهره جسته‌اند و حتی، برخی آن را بهترین روش تفسیر دانسته‌اند.

اهمیت این روش هنگامی روشن می‌شود که بدانیم تفسیر موضوعی قرآن، بدون استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن ممکن نیست و در تفسیر ترتیبی نیز مفسر نمی‌تواند از این روش بی‌نیاز باشد و اگر آن را کنار بگذارد، در حقیقت از قراین نقلی موجود در آیات دیگر صرف نظر کرده، در نتیجه در دام تفسیر به رأی گرفتار خواهد شد.^۲ از این رو، لازم است که مفسر قرآن، این روش را به خوبی بشناسد و با تمرین

۱. به اساتید محترم توصیه می‌شود نسخه «روش تفسیر به رأی» را برای دانش‌پژوهان تدریس فرمایند سپس به روش‌های دیگر بپردازند. چرا که در طول تدریس روش‌های دیگر بارها به مباحث تفسیر به رأی برخورد می‌کنند.

۲. این مطلب در مبحث تفسیر به رأی به‌طور کامل و مستدل بیان خواهد شد.

و ممارست در آن مهارت یابد تا بتواند مفسر خوبی باشد.
در این درس، روش تفسیر قرآن به قرآن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و مثال‌های متعددی از آن ارائه شده است.

واژگان

۱. تفسیر؛ ۲. روش (این دو واژه در گفتار پیشین توضیح داده شد)؛ ۳. قرآن به قرآن: مقصود از «به» در عنوان تفسیر قرآن به قرآن استعانت یا سببیت است؛^۱ یعنی توضیح دادن آیات قرآن و مشخص کردن مقصود آنها به کمک یا به وسیله آیات دیگر. به بیان دیگر: آیات قرآن، منبعی برای تفسیر آیه دیگر قرار گیرد.
برخی از صاحب‌نظران نیز تفسیر قرآن به قرآن را «مقابله آیات با یکدیگر و شاهد همدیگر قرار دادن و استدلال طرفینی به آیات برای شناخت مراد خدا» دانسته‌اند.^۲ البته درباره اقسام و گونه‌های تفسیر قرآن و حقیقت این روش تفسیری، نکاتی وجود دارد که در درس‌های آینده بدان می‌پردازیم.

تاریخچه

تفسیر قرآن به قرآن یکی از کهن‌ترین روش‌های تفسیری است و پیشینه آن به آغاز اسلام و هنگام زندگی پیامبر ﷺ باز می‌گردد. سپس این روش توسط اهل بیت علیهم‌السلام ادامه یافت و برخی از صحابه و تابعین نیز از آن استفاده کرده‌اند. اینک به مثال‌های زیر توجه کنید:

۱. از پیامبر اسلام ﷺ در مورد مقصود از «ظلم» در آیه **﴿وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ﴾**^۳ پرسش شد و حضرت با استناد به آیه **﴿إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾**^۴ پاسخ دادند که مقصود

۱. استاد عمید زنجانی به معنای «استعانت» آورده‌اند (مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۸۸)؛ اما به نظر می‌رسد که معنای سببیت نیز صحیح است؛ هر چند که تفاوت چندانی در این‌جا وجود ندارد.
۲. «مقابلة الآية بالآية وجعلها شاهدا لبعضها على الآخر ليستدل على هذه بهذه لمعرفة مراد الله تعالى من قرآنه الكريم»؛ المنهج الأثرى، محمد ابوطبره، ص ۶۵.
۳. انعام، آیه ۸۲.
۴. لقمان، آیه ۱۳.

از ظلم در آیه نخست همان شرک است که در آیه دوم بیان شده است.^۱

این حدیث و احادیث مشابه نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می‌کرده و عملاً آن را به پیروان خود می‌آموخته‌اند.

۲. امام علی علیه السلام با استناد به آیه **﴿وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ﴾**^۲ و نیز آیه **﴿وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾**^۳ نتیجه گرفتند که کوتاه‌ترین مدت بارداری زنان شش ماه است؛^۴ یعنی اگر شیرخواری کودک، دو سال (۲۴ ماه) و مدت حمل و شیرخواری با همدیگر سی ماه است، با قرار دادن این دو آیه در کنار هم، روشن می‌شود که کوتاه‌ترین مدت بارداری شش ماه خواهد بود و این نوعی تفسیر قرآن به قرآن است.

۳. امام باقر علیه السلام نیز در مورد قصر نماز مسافر در توضیح آیه **﴿فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ﴾**^۵، به آیه **﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾**^۶ استدلال نموده و با تفسیر قرآن به قرآن وجوب نماز قصر را اثبات کردند.^۷

۴. دکتر ذهبی با بیان مثالی از ابن عباس بیان می‌کند که صحابه پیامبر نیز از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می‌کرده‌اند.^۸

۵. مرحوم طبرسی در مجمع البیان مطالبی از تفسیر قرآن به قرآن تابعین ارائه نموده است.^۹

در دوره‌های بعد، با پیدایش تفاسیری همچون تیان و مجمع البیان، مفسران از این روش استفاده کردند و در میان اهل سنت نیز مفسران متعددی به استفاده از آن تمایل یافته‌اند؛ چنان‌که

۱. «فقالوا: أئنا لم نظلم أنفسه، ففسره النبي ﷺ بالشرك و استدلل بقوله تعالى: ان الشرك لظلم عظيم؛ (صحیح

بخاری، کتاب تفسیر قرآن و تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۴۴؛ بصائر الدرجات، صفار، ص ۱۹۵).

۲. لقمان، آیه ۱۴.

۳. احقاف، آیه ۱۵.

۴. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۴ (ذیل آیات ۱۵ و ۱۶، سوره احقاف)؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۴۴۵ از صحابه نقل می‌کند.

۵. نساء، آیه ۱۰۱.

۶. بقره، آیه ۱۵۸.

۷. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۵۳۸ (باب ۲۲ من ابواب صلاة المسافر، حدیث ۲).

۸. التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۴۱.

۹. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۸، ذیل آیه ۱ سوره غاشیه.

برخی از آنان نوشتند: «اگر کسی بپرسد که بهترین روش تفسیر چیست؟ پاسخ آن است که صحیح‌ترین روش، تفسیر قرآن به قرآن است؛ پس آنچه در جایی مجمل آمده، در جای دیگر تفسیر شده و آنچه در موردی مختصر آمده، در جای دیگر توسعه داده شده است».^۱

برخی از محدثان بزرگ شیعه، همچون علامه مجلسی رحمته‌الله در بحارالانوار با ارائه آیات قرآن که در ابتدای هر فصل، متناسب با موضوع آن، دسته‌بندی شده، در حقیقت از روش موضوعی تفسیر قرآن به قرآن استفاده نموده است. سپس در میان مفسران قرن اخیر، این روش جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد، به گونه‌ای که برخی از تفسیرها همچون المیزان (علامه طباطبایی)، الفرقان (دکتر محمد صادقی تهرانی)، تفسیر القرآنی للقرآن (عبدالکریم خطیب) و آلاء الرحمن (بلاغی) این روش را روش اصلی خود قرار دادند.

علامه طباطبایی معتقد است که قرآن، بیان همه چیز است؛ پس نمی‌تواند بیان خودش نباشد. بنابراین در تفسیر آیات، باید سراغ خود آیات قرآن برویم و در آنها تدبیر کنیم و مصادیق آنها را مشخص نموده، از تفسیر قرآن به قرآن بهره جوییم.

وی بر آن است که تفسیر قرآن به قرآن همان روشی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر پیموده‌اند و تعلیم داده‌اند و در روایاتشان به ما رسیده است.^۲

در کتاب‌هایی که در مورد شیوه تفسیر، نگارش یافته است، به روش تفسیر قرآن به قرآن پرداخته‌اند و آن را تبیین و نسبت به استفاده از آن تأکید نموده‌اند.

از جمله این افراد، آیه‌الله معرفت، استاد عمید زنجانی و عبدالرحمن العک است.^۳

دلایل موافقان تفسیر قرآن به قرآن

در مورد جایز و مطلوب بودن تفسیر قرآن به قرآن، می‌توان به آیات قرآن و سنت و سیره استدلال نمود. در ذیل به مهم‌ترین این دلایل اشاره می‌کنیم:

۱. مقدمه فی اصول التفسیر، ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸)، ص ۹۳: «فالجواب إن أصح الطرق في ذلك، ان یفسر القرآن بالقرآن».

۲. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۵ (از مقدمه تفسیر نقل به مضمون کردیم و کلام ایشان را به‌طور کامل در دیدگاه‌ها خواهیم آورد).

۳. التفسیر و المفسرون فی توبة القشيب، ج ۲؛ مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۸۷؛ اصول التفسیر و قواعد، ص ۷۹.

الف) آیات قرآن

۱. قال الله تعالى: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾؛^۱ و آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ و اگر از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می‌یافتند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه مطالبی را بیان می‌کند که خلاصه آن چنین است:

یکم آن‌که قرآن، کتابی است که فهم آن برای افراد معمولی نیز آسان است؛
دوم آن‌که آیات قرآن مفسر یکدیگرند،^۲ زیرا خدای متعال خود، مردم را به تدبّر در آیات قرآن دعوت نموده تا با انضمام آیات به یکدیگر، نبودن هر اختلافی میان آنها، برای مردم آشکار شود.

۲. قال الله تعالى: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾؛^۳ او کسی است که بر تو این کتاب را فرو فرستاد؛ که (بخشی) از آنها آیات «محکم» است که آنها اساس این کتابند و (بخشی) دیگر متشابهات هستند.

در این آیه، آیات قرآن به دو گروه: محکم و متشابه تقسیم شده‌اند. واژه «محکم» در اصل از «احکام» به معنای «ممنوع ساختن» گرفته شده است و به هرآن‌چه پایدار است، محکم می‌گویند، چرا که عوامل نابودی را از خود می‌رانند و نیز، به سخنان روشن و قاطع که هرگونه احتمال خلافی را از خود دور می‌کنند محکم گفته می‌شود.^۴

بنابراین آیات محکم، آیاتی است که مطلب آن واضح و روشن است و جای گفت‌وگو و بحث در معنای آن نیست؛ اما آیات متشابه، آیاتی هستند که معنایی پیچیده و یا با احتمالات متعدد بوده که با توجه به آیات محکم، معنای آن روشن می‌شود.

چنان‌که در این آیه بیان شده، آیات محکم قرآن «أم» هستند؛ یعنی اصل و اساس و مادر آیات دیگر محسوب می‌شوند. به سخن دیگر: باید آیات متشابه را به محکومات

۱. نساء، آیه ۸۲.

۲. المیزان، ج ۵، ص ۲۰.

۳. آل عمران، آیه ۷.

۴. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۲۰ - ۳۲۹.

ارجاع دهیم تا معنای آن را دریابیم.^۱ این روش، یکی از گونه‌های تفسیر قرآن به قرآن است، که خود قرآن کریم هم مورد تأیید قرار داده است.^۲

۳. قال الله تعالی: ﴿فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿۱۸﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيِّنَاتَهُ ﴿۱۹﴾﴾^۳ پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن. سپس بیان [و توضیح] آن بر عهده ماست.

بیان قرآن، گاه به وسیله خود آیات قرآن و گاه از زبان پیامبر ﷺ صورت می‌گیرد. در این آیه، به‌طور اعم فرموده: بیان و توضیح قرآن بر عهده ماست.

۴. تکرار آیات قرآن، مستلزم تفسیر قرآن به قرآن است، چرا که برای فهم و تفسیر این آیات، مراجعه به آیات مشابه لازم است.

برای مثال: داستان موسی ﷺ و فرعون در سوره اعراف، آیات ۱۰۵-۱۳۶؛ طه، آیات ۹۸-۹؛ شعراء، آیات ۱۰-۶۷ و نمل، آمده است که بدون مراجعه هم‌زمان به این آیات، تفسیر آنها بسیار مشکل و بعید بوده، ابهام آیات بر طرف نمی‌شود و ممکن است مفسر دچار خطا شود.

بررسی: این آیات - فی الجمله - بر جواز و مطلوب بودن تفسیر قرآن به قرآن دلالت می‌کنند.

(ب) سنت

از سنت می‌توان در دو بخش برای مطلوبیت تفسیر قرآن به قرآن استدلال کرد:

یکم: سنت عملی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ که خود اقدام به تفسیر قرآن به قرآن کرده‌اند.^۴

دوم: احادیث خاص که به تفسیر قرآن به قرآن اشاره کرده‌اند. مهم‌ترین این احادیث عبارتند از:

۱. همان.

۲. در مورد گونه‌های تفسیر قرآن به قرآن و رجوع آیات متشابه به محکم و مثال‌های آن، در مباحث بعدی مطالبی بیان خواهیم نمود.

۳. قیامت، آیه ۱۸ و ۱۹.

۴. نمونه‌های آن در تاریخچه بحث گذشت و در مباحث بعدی نیز می‌آید.

۱. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «کتاب الله... ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض؛^۱ کتاب خدا (قرآن)... برخی قسمت‌هایش با کمک برخی قسمت‌های دیگر سخن می‌گوید و برخی قسمت‌های آن شاهد برخی قسمت‌های دیگر است».
- این‌که حضرت فرمود: برخی آیات قرآن به وسیله و کمک بعضی آیه‌های دیگر به سخن می‌آید، می‌تواند اشاره به تفسیر قرآن به قرآن باشد که در این روش تفسیری، مفسر به وسیله برخی آیات، برخی دیگر را به سخن می‌آورد. از این رو در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام آمده است: «قرآن را به سخن آورید».^۲
۲. هم‌چنین امام علی علیه السلام فرمود: «ان کتاب الله لیصدق بعضه بعضا و لایکذب بعضه بعضا»^۳ در حقیقت، کتاب خدا (قرآن) برخی قسمت‌هایش برخی قسمت‌های دیگر را تصدیق (و تأیید) می‌کند، ولی همدیگر را تکذیب نمی‌کنند.
- تأیید برخی آیات قرآن برای برخی دیگر، به معنای عدم اختلاف در قرآن است و این‌که معانی آیات، مؤید یکدیگرند. پس می‌توان آیات را مؤید یکدیگر قرار داد؛ بنابراین، حدیث فوق اشاره به نوعی تفسیر موضوعی قرآن به قرآن است.
۳. عبارت: «القرآن یفسر بعضه بعضا؛ برخی از آیات قرآن، برخی دیگر را تفسیر می‌کند.» بر تفسیر قرآن به قرآن دلالت صریح دارد؛ اما سند آن روشن نیست، چرا که برخی آن را از ابن عباس شاگرد امام علی علیه السلام در تفسیر نقل کرده‌اند^۴ و عده‌ای دیگر به صورت حدیث مضمّر^۵ آورده‌اند.
۴. در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام نقل شده: «لاتتشره نثر الرمل»^۶ قرآن را همچون شن‌های گسسته پراکنده نسازید.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.

۲. «ذلک القرآن، فاستنطقوه»، نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۳. بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۲۷؛ مشابه آن «ان الکتاب ینصدق بعضه بعضا» در نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸ آمده است.

۴. پیام قرآن، آیه‌الله مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۱.

۵. حدیث مضمّر آن است که از معصوم حکایت شود، ولی نام معصوم برده نشود.

۶. درالمنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۶؛ صافی، فیض کاشانی، مقدمه تفسیر؛ قرآن ناطق، دکتر بی‌آزار شیرازی، ج ۱، ص ۲۶۶.

۷. مجمع البیان، ج ۶، ص ۹۴. ذیل آیه ﴿وَرَوَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا﴾.

این روایت اشاره می‌کند که قرآن کلی به هم پیوسته است که نباید آن را به صورت اجزای متفرق و پراکنده در نظر گرفت. به عبارت دیگر: در قرآن نمی‌توان یک آیه را جدای از آیات دیگر فرض نمود و به ترجمه و تفسیر آن پرداخت.

بررسی: برخی از این حدیث‌ها با دلالت صریح بر تفسیر قرآن به قرآن، از جهت سند دارای مشکل بوده و دسته‌ای دیگر، تنها اشاره‌ای به تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر موضوعی قرآن داشتند، ولی در مجموع می‌توان آنها را مؤیدی برای تفسیر قرآن به قرآن دانست.

ج) روش عقلا (بنای عقلا)

برای فهم هر نوشتاری، لازم است که قراین موجود در آن مد نظر قرار بگیرد و اگر در جایی از کتاب، مطلبی به صورت مطلق و عام آمده و در جای دیگر قید و استثنای خاص آن ذکر شده، لازم است به مجموعه آن توجه شده و نتیجه‌گیری شود.

این روش، رویکرد عقلا در برداشت از کتاب‌هاست و قرآن کریم نیز — که کتاب بزرگ الهی است — از این روش مستثنا نیست. این همان چیزی است که به نام تفسیر قرآن به قرآن خوانده می‌شود؛ یعنی استفاده از برخی آیات به عنوان قرینه فهم و تفسیر آیات دیگر. شارع اسلام نیز این روش عقلایی را منع نکرده، بلکه براساس احادیثی که گذشت، آن را تأیید نموده است.

البته هنگامی که به روش صحابه، تابعین، مفسران قرآن و مسلمانان در طول تاریخ مراجعه می‌کنیم در می‌یابیم که برای فهم آیات قرآن از آیات دیگر استفاده کرده‌اند. از این استمرار روش آنان می‌توان دریافت که این کار، جایز بوده و شارع مقدس آن را منع نکرده است.^۱

۱. از این مطلب با عنوان «سیره متشرّعه» یاد می‌شود.

چکیده

۱. اهمیت تفسیر قرآن به قرآن در این است که استفاده و کمک جستن از آیات قرآن برای تفسیر آیات دیگر در روش تفسیر موضوعی و ترتیبی - هر دو - لازم بوده و مقصود آیات را مشخص می‌سازد.

۲. روش تفسیر قرآن به قرآن از زمان پیامبر ﷺ آغاز گردیده و در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز موارد متعددی منعکس شده است. صحابه و تابعین نیز از این روش تفسیری استفاده کرده‌اند.

۳. در طول تاریخ، تفسیرهای متعددی همچون المیزان، براساس تفسیر قرآن به قرآن نگارش یافته و برخی، آن را بهترین روش تفسیر نامیده‌اند.

۴. موافقان تفسیر قرآن به قرآن، به آیات و روایات و بنای عقلا استدلال نموده، جواز و مطلوبیت این روش را اثبات کرده‌اند.

۵. به مضامین آیاتی همچون: لزوم تدبّر در قرآن، اساس بودن آیات محکم و بیان الهی و تکرار آیات برای تفسیر قرآن به قرآن، استدلال شده است.

۶. در مورد تفسیر قرآن به قرآن به روایات متعددی استدلال شده که برخی، از نظر سند مشکل داشته و برخی دیگر، از دلالت روشن برخوردار نبوده‌اند، ولی فی الجمله، روش تفسیر قرآن به قرآن را تأیید می‌کنند.

۷. بنای عقلا و سیره مفسران در طول تاریخ بر استفاده از روش قرآن به قرآن بوده و شارع معنی از این کار ننموده است.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

۲

گونه‌های تفسیر قرآن به قرآن

شیوه‌های فرعی روش تفسیر قرآن به قرآن

روش «تفسیر قرآن به قرآن» یک کلی با مصادیق و شیوه‌های فرعی متعددی است که مفسران قرآن از آنها استفاده کرده‌اند. شناخت این گونه‌ها به مفسر کمک می‌کند تا تفسیر جامع‌تری از آیات قرآن را ارائه کند. در این جا به مهم‌ترین و متداول‌ترین آنها همراه با مثال اشاره می‌کنیم:

الف) ارجاع متشابهات به محکمت

چنان‌که در دلایل تفسیر قرآن به قرآن بیان شد و نیز از آیه هفتم سوره آل عمران می‌توان دریافت، برخی آیات قرآن «محکم» و برخی «متشابه» اند؛ و از آن جا که آیات محکم، اساس و مرجع آیات قرآنی به شمار می‌روند، باید آیات متشابه را به آنها ارجاع داد تا معانی آنها روشن شود و یا یکی از احتمالات معانی، معین گردد.

مثال: آیاتی از قرآن وجود دارند که ظاهر آنها با جسم داشتن خدا سازگار است؛ مانند آیاتی که خدا را «سمیع» و «بصیر»^۱ معرفی می‌کند و یا آیه شریفه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۲ دست خدا بالای دست‌های آنهاست؛ اما این گونه از آیات، به آیه محکم، مانند

۱. شوری، آیه ۱۱.

۲. فتح، آیه ۱۰.

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾^۱ هیچ چیز مانند او نیست، ارجاع داده شده و معنای آن به دست می‌آید؛ یعنی هنگامی که آیات فوق با آیات محکم پیش گفته مقایسه شوند، روشن می‌شود که دست خدا مانند دست ما جسمانی نیست. پس مقصود آیه، چیز دیگری مانند قدرت داشتن خداست. از این رو، می‌توان آیه را چنین معنا کرد: «دست [قدرت] خدا بالای دست‌های آنان است».

ب) جمع آیات مطلق و مقید

برخی از آیات قرآن به‌طور مطلق و بدون قید و برخی دیگر مقید هستند^۲ یا قیدی برای آیات مطلق به‌شمار می‌آیند. از این رو، تفسیر آیات مطلق، بدون توجه به آیات مقید صحیح نیست و در حقیقت مراد جدی متکلم را روشن نمی‌سازد. به بیان دیگر: آیات مقید، مفسر آیات مطلق هستند.

مثال: در برخی آیات قرآن به‌طور مطلق آمده است: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾^۳ نماز را بر پا دارید؛ اما در برخی دیگر از آیات، این اطلاق را مقید به زمان خاص کرده و می‌فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنِ الْفَجْرِ﴾^۴ نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) بر پا دار و خواندن [نماز] بامداد را [مراقبت کن].

ج) جمع آیات عام و خاص

برخی از آیات قرآن عام بوده و شامل مصادیق متعددی گردیده است و به وسیله الفاظی همچون «کل» مشخص می‌شوند و برخی دیگر از آیات نیز، این عمومات را تخصیص می‌زنند و مقصود خدا را مشخص نموده و مطلب آیه را کاملاً روشن می‌کند که آیات عام با خاص کنار هم گذاشته شوند. به سخن دیگر: آیات خاص، آیات عام را تفسیر می‌کنند.

۱. سوری، آیه ۱۱.

۲. در مورد معنای مطلق و مقید، عام و خاص، ادات و شرایط آنها، به کتاب‌های اصول الفقه، همچون: کفایة الاصول، تألیف آخوند خراسانی و رسائل، تألیف شیخ انصاری و نیز حلقات، تألیف شهید صدر مراجعه کنید.

۳. بقره، آیه ۴۳ و ۸۳ و ۱۱۰؛ نساء، آیه ۷۷ و ...

۴. اسراء، آیه ۷۸ (و قید دیگری در آیه ۱۱۴، سوره هود).

مثال: در مورد ازدواج، در قرآن آمده است: ﴿فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ﴾^۱ آن چه از زنان دل‌خواهتان است به زنی بگیرید؛ ولی در جای دیگر، موارد خاص و استثنا را ذکر نموده و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا * حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ و...﴾^۲ و زنانی را که پدرانتان به ازدواج [خود] در آورده‌اند، به همسری نگیرید؛ مگر آن چه در گذشته انجام شده است؛ [چرا] که آن، عملی زشت و کینه [ساز] و بد راهی بوده است. بر شما حرام شده است [ازدواج با] مادرانتان و دخترانتان و

در آیات نخست، ازدواج با همهٔ زنان دل‌خواه، مجاز شمرده شده است؛ اما در آیات بعد، نخست همسر پدر و مادر و نیز، دختر و... استثنا شده‌اند و عام فوق را تخصیص زده‌اند. سپس عام دوم (ممنوعیت ازدواج با همسر پدر) دوباره تخصیص خورده است.

د) توضیح آیات مجمل به وسیلهٔ آیات مبین

بعضی از آیات قرآن در یک موضوع به صورت سربسته و مختصر سخن گفته و برخی دیگر، همان موضوع را توضیح داده و بیان کرده‌اند. آیات دستهٔ دوم، مفسر آیات دسته اول‌اند و گاه، بدون رجوع به آیات مبین، مفهوم و معنای آیات مجمل روشن نمی‌شود و تفسیر قرآن به درستی تحقق نمی‌یابد.

مثال نخست: قرآن در مورد خوردن گوشت حیوانات می‌فرماید: ﴿أُجِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ﴾^۳ [خوردن گوشت و جنین] حیوانات چهارپا برای شما حلال شده است؛ مگر آن چه (حکمش) برای شما خوانده می‌شود.

و در آیهٔ دیگر می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ و...﴾^۴ (خوردن گوشت) مردار و خون و گوشت خوک... بر شما حرام شده است.

در آیهٔ نخست به صورت مجمل و سربسته فرمود: خوردن گوشت برخی از حیوانات

۱. نساء، آیهٔ ۳.

۲. نساء، آیهٔ ۲۲ و ۲۳.

۳. مائده، آیهٔ ۱.

۴. مائده، آیهٔ ۳ - ۵.

بر شما حرام شده است که در آینده روشن می‌شود و در آیه دیگر، این موارد را توضیح داده و بیان نموده است.

مثال دوم: در مورد «شب قدر» در قرآن کریم سه تعبیر وجود دارد:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾^۱؛ ما آن (قرآن) را در شبی پربرکت فرو فرستادیم.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾^۲؛ ما آن (قرآن) را در شب قدر فرو فرستادیم.

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾^۳؛ ماه رمضان، که قرآن در آن فرو فرستاده شد.

از کنار هم گذاشتن این سه آیه و مقایسه آنها با یکدیگر روشن می‌شود که قرآن در شب پربرکت قدر و در ماه رمضان نازل شده است. این تفسیر کامل، از تک‌تک این آیات به دست نمی‌آید؛ مگر آن‌که آنها را مفسر یکدیگر قرار دهیم.

ه) تعیین مصداق آیه به وسیله آیات دیگر

گاه یک آیه قرآن، مطلبی را به صورت کلی بیان کرده و مصادیق و موارد آن را مشخص نساخته است، ولی در آیات دیگر، موارد و مصادیق آنها مشخص شده است؛ چنان‌که مراجعه به این آیات و جمع‌آوری و مقایسه آنها، مصادیق آیات دسته اول را روشن می‌سازد.

مثال: در سوره حمد می‌خوانیم: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾^۴؛ ما

را به راه راست هدایت فرما؛ راه کسانی که به آنان نعمت دادی.

در آیه دیگر می‌خوانیم:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾^۵؛ کسانی که خدا و فرستاده اش را فرمانبری کنند، پس ایشان با کسانی، که خدا به آنان نعمت داده، از پیامبران و راست‌گویان و شهیدان و شایستگان (هم‌نشین) خواهند بود. و آنان چه نیکو رفیقانی هستند.

۱. دخان، آیه ۳.

۲. قدر، آیه ۱.

۳. بقره، آیه ۱۸۵.

۴. حمد، آیه ۶ و ۷.

۵. نساء، آیه ۶۹.

این آیه، مصادیق کسانی که به آنان نعمت داده شده را پیامبران، صدیقان، شهداء و صالحان بر شمرده و در حقیقت، مصادیق آیهٔ سورهٔ حمد را مشخص و تفسیر آن را روشن ساخته است.

و) استفاده از سیاق آیات

سیاق عبارت است از: «نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت و یا یک سخن که بر اثر همراه بودن آنها با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر به وجود می‌آید».^۱

اصل پیوستگی سخن و قرینه بودن سیاق برای فهم سخن افراد، یکی از اصول عقلایی محاوره است، که در همهٔ زبان‌ها برای فهم متن و کلام از آن استفاده می‌شود. مفسران قرآن نیز از این قرینه برای فهم آیات قرآن بهره برده و آن را قرینه‌ای ظنی می‌دانند.

البته سیاق، اقسامی دارد: سیاق کلمات، سیاق جمله‌ها و سیاق آیات.^۲

مثال نخست: واژه «دین» در آیهٔ ﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾^۳ به معنای «جزا»ست و این نکته را از اضافهٔ «مالک» به «دین»، یعنی سیاق کلمات می‌توان دریافت. درحالی‌که دین در آیات دیگر به معنای «آیین» آمده است،^۴ چرا که سیاق آن آیات، مقتضی این معنا بوده است.

مثال دوم: خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ * طَعَامُ الْأَثِيمِ * كَأَلْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ * كَغَلِي الْحَمِيمِ * خُدُوهُ فَاغْتَلَوْهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْحَجِيمِ * ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ﴾؛^۵ بی‌گمان درخت زقوم، غذای گناهکاران است، همانند فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد، جوششی همچون آب سوزان، [به مأموران دوزخ گفته می‌شود] او را بگیرید و به میان دوزخ پرتابش کنید، سپس بر سر او آب جوشان بریزید.

آن‌گاه در ادامهٔ آیات همان سوره آمده است: ﴿ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ﴾؛^۶

۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن، جمعی از نویسندگان، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۱۱۸ - ۱۳۹.

۳. حمد، آیهٔ ۴.

۴. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه، آیهٔ ۳۳).

۵. دخان، آیهٔ ۴۳ - ۴۸.

۶. دخان، آیهٔ ۴۹.

بچش که تو عزیز شکست ناپذیر ارجمندی.

اگر ظاهر آیه اخیر را در نظر بگیریم و بدون توجه به سیاق آیات قبل، آن را ترجمه کنیم، چنین می‌توان دریافت که خداوند با فرد محترم و عزیزی سخن می‌گوید؛ اما هنگامی که آیات قبل را در نظر می‌گیریم متوجه می‌شویم که او (شخصی که در آیه عزیز و کریم خوانده شده) ذلیل و حقیر است.^۱

مثال سوم: خداوند فرموده: ﴿لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْوًا لَا تَخَذُ لَنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ﴾^۲ اگر [برفرض] می‌خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی [متناسب] از نزد خود انتخاب می‌کردیم؛ اگر ما انجام دهنده این کار بودیم.

مفسران در مورد آیه فوق دو تفسیر ارائه نموده‌اند:

گروهی «لهو» را به معنای زن و فرزند گرفته‌اند و آیه را اشاره به نفی عقاید مسیحیان در مورد همسر و فرزند داشتن خدا دانسته‌اند و گروه دیگر «لهو» را به معنای سرگرمی یا هدف‌های نامعقول دانسته‌اند. بنابراین، آیه می‌فرماید: هدف پروردگار سرگرمی خویش نیست. گروه دوم، برای تفسیر خود، به سیاق تمسک جسته‌اند که در آیات قبل سخن از «لعب» (بازیگری در خلقت آسمان‌ها و زمین) بود و دیدگاه تفسیری اول را رد کرده‌اند، چرا که پیوند آیه فوق را با آیات گذشته قطع می‌کند و «لهو» بعد از «لعب» آمده است. بنابراین به معنای سرگرمی است، نه زن و فرزند.^۳

تذکر: علامه طباطبایی از کسانی است که در بسیاری از موارد در تفسیر المیزان به سیاق آیات استدلال نموده و از شیوه تفسیر قرآن به قرآن بهره جسته است.

ز) توجه به آیات مشابه (در لفظ یا محتوا)

قرآن کریم، کتاب تربیت و هدایت است، از این رو گاه، یک موضوع را در چند سوره مطرح نموده و در هر سوره، بُعدی از ابعاد آن را مورد توجه قرار داده است، به گونه‌ای که گاه الفاظ عنوان موضوع‌ها به یکدیگر شبیه یا یکسان هستند.

مفسر قرآن، لازم است که در تفسیر آیه‌ها به موضوعات مشابه توجه نموده و آیات را

۱. تفسیر القرن الکریم للرحمن، ج ۱، ص ۲۲، نقل از بدایع الفوائد، ابن قیم.

۲. انبیاء، آیه ۱۷.

۳. نمونه، ج ۱۳، ص ۳۷۰ و ۳۷۱ (پاورقی).

کنار یکدیگر قرار دهد، تا تفسیر آنها به روشنی صورت پذیرد. البته گاهی این شیوه نام تفسیر موضوعی به خود می‌گیرد؛ همان گونه که آیه‌الله مکارم شیرازی در تفسیر موضوعی پیام قرآن و آیه‌الله سبحانی در تفسیر موضوعی منشور جاوید این گونه عمل کرده‌اند؛ یعنی از تفسیر موضوعی قرآن به قرآن بهره جسته‌اند. گاه نیز به این روش، تفسیر ترتیبی اطلاق می‌شود. مفسر در موارد مختلف تفسیر، آیات یک موضوع را جمع‌آوری نموده و به تفسیر قرآن به قرآن می‌پردازد. همان‌طور که علامه رحمته‌الله در تفسیر المیزان این شیوه را به کار گرفته است.

مثال نخست: علامه طباطبایی در ذیل آیه ۲۹ سوره بقره، مباحث مربوط به اعجاز قرآن و آیات مربوط به آن را مورد بحث قرار داده و در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره، بحثی قرآنی، در مورد کلمات خدا و امامت ارائه نموده‌اند.

مثال دوم: شیوه تفسیر قرآن به قرآن در تفسیر قصص قرآن کارآیی فراوانی دارد؛ مثلاً داستان آدم علیه السلام و ابلیس در سوره بقره، آیات ۲۰-۳۸ و اعراف، آیات ۱۱-۲۵ آمده است و نیز، سرگذشت موسی علیه السلام و فرعون در سوره‌های اعراف، آیات ۱۰۳-۱۵۵ و طه، آیات ۹-۹۸ و شعراء، آیه ۱۰ به بعد، بیان شده است که در هر کدام، یک موضوع به صورت‌های مختلف و از ابعاد و شیوه‌ای متفاوت بیان شده است که برای تفسیر آنها ناچار باید به همه سوره‌ها مراجعه نمود.

ح) توجه به آیات مخالف و رفع اختلاف ظاهری آنها

برخی از آیات قرآن، به ظاهر مخالف یکدیگر هستند؛ ولی با دقت، تأمل و مراجعه به تفسیر آنها، تنافی بر طرف می‌شود. مفسر قرآن لازم است که به این‌گونه آیات مراجعه نموده و آنها را جمع و با هم تفسیر کند تا تنافی ظاهری بر طرف گردد.

مثال: قرآن کریم در مورد پرسش در رستخیز می‌فرماید:

﴿وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ﴾؛^۱ مجرمان از گناهانشان پرسش نمی‌شوند.

و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾؛^۲ سوگند به پروردگارت که

ما از همه آنها پرسش می‌کنیم.

۱. قصص، آیه ۷۸؛ مشابه آن در: الرحمن، آیه ۳۹: ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ﴾.

۲. حجر، آیه ۹۲؛ مشابه آن در تکوین، آیه ۸؛ صافات، آیه ۲۴.

ظاهر این آیات با هم منافات دارد؛ ولی با توجه به تفسیر آیات و تأمل در آنها متوجه می‌شویم که رستاخیز مواقف مختلفی دارد که در برخی از این توقف‌گاه‌ها از افراد پرسش می‌شود و در برخی پرسش نمی‌شود؛ یا این که پرسش تحقیق از آنان نمی‌شود، چون در رستاخیز پرده‌ها کنار رفته و مسائل آشکار می‌شوند. ولی برای سرزنش پرسش می‌شود. آیات دسته اول و دوم به این دو مطلب اشاره دارند. پس با یکدیگر تنافی ندارند.^۱

ط) تعیین معانی اصطلاحات قرآنی با کمک آیات دیگر

در قرآن کریم اصطلاحات خاصی وجود دارد که به معنای لغوی آن نیست. این اصطلاحات را نمی‌توان با صرف مراجعه به لغت، ترجمه و تفسیر نمود؛ بلکه باید با مراجعه به آیات دیگر و شناخت فرهنگ و زبان قرآن، اصطلاحات مزبور را معنا کرد.

مثال: اصطلاح «جن» به معنای «پوشیده» است و در اصطلاح قرآنی موجوداتی عاقل و پوشیده از چشم ما هستند.

اصطلاح «کافر» به معنای «پوشیده» است، اما در اصطلاح قرآن به کسی گفته می‌شود که خدا، رستاخیز و... را انکار کند. گاه به معنای ناسپاسی نیز می‌آید.

اصطلاح «آیه» به معنای نشانه است، اما در قرآن، گاه به معنای آیه قرآن و معجزه می‌آید (درحالی که لغت اصطلاحی معجزه در قرآن نیامده است). اصطلاحاتی همچون «صلوة»، «زکوة»، «جهاد» و... که با دقت و تدبیر در آیات، معنای اصطلاحی آنها به دست می‌آید.

ی) ترجیح یک احتمال در معنای آیه‌ای با کمک آیات دیگر

گاه در معنای یک آیه احتمالات متعددی وجود دارد، که پس از مراجعه به آیات دیگر یک احتمال تقویت می‌شود؛ یعنی آیات دیگر، معنای این آیه را تفسیر و تبیین می‌کنند.^۲

۱. نمونه، ج ۱۶، ص ۱۶۱ (البته مفسران قرآن به صورت‌های دیگر توجیه کرده‌اند).

۲. البته این بحث با مبحث رد تشابهات به محکمت بسیار نزدیک است، اما به نظر می‌رسد که این شیوه با شیوه محکم و متشابه، اعم و اخص من وجه باشد.

مثال: در آیه ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۱

واژه «خلیفه» در این آیه، می‌تواند به معنای «جانشین و نماینده خدا» و مقصود از آن همه افراد بشر باشد یا به معنای این که آدم عَلَيْهِ السَّلَام جانشین نوع موجودات زمینی شده که قبل از او بوده‌اند. علامه طباطبایی رَحِمَهُ اللهُ برای تأیید معنای اول به آیات ۶۹ اعراف؛ ۱۴ یونس، و ۶۳ نحل، استشهاد کرده و احتمال اول را ترجیح داده و پذیرفته است،^۲ چون در این آیات (جعلکم - جعلناکم) همه افراد بشر را به عنوان خلیفه معرفی کرده است.

ک) جمع آیات ناسخ و منسوخ

برخی از آیات قرآن کریم، بیان‌کننده احکامی هستند؛ سپس آیاتی دیگر (براساس مصلحت و شرایط جدید) نازل شده و آیات قبلی را نسخ کرده و احکام جدیدی آورده‌اند. در مورد تعداد آیات ناسخ و منسوخ، بین دانشمندان علوم قرآن اختلاف است و تعداد آنها را از یک تا سیصد آیه گفته‌اند.^۳

مفسر قرآن باید توجه داشته باشد آیه‌ای را که تفسیر می‌کند، اگر ناسخ یا منسوخ دارد، آن را یادآور شده و با توجه به آنها آیه را تفسیر کند، چون اصلاً تفسیر آیه منسوخ، بدون تذکر ناسخ آن، تفسیری ناقص خواهد بود.

مثال: در آیات سوره مجادله، به مؤمنان دستور داده شده که هنگام سخن گفتن خصوصی با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صدقه بدهند و تنها کسی که بدین حکم عمل کرد، امام علی عَلَيْهِ السَّلَام بود و همین حکم در آیه بعد نسخ شد.^۴ بنابراین، بیان حکم آیه اول، بدون تذکر نسخ شدن آن در آیه بعد، تفسیری ناقص است. حال اگر حکم دو آیه با همدیگر بیان شود، تفسیر قرآن به قرآن تحقق می‌یابد؛ هرچند که این دو آیه ناسخ و منسوخ، در

۱. بقره، آیه ۳۰.

۲. المیزان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. البیان، آیه الله خوبی، مبحث نسخ.

۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَاجَبْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْهِ جُحُوكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ جُحُوكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...﴾ مجادله، آیه ۱۲ و ۱۳.

کنار یکدیگر قرار داشته و از این جهت کار را راحت کرده است، اما همه آیات ناسخ و منسوخ این گونه نیستند.

تذکر: گونه‌ها و شیوه‌های فرعی دیگری نیز برای تفسیر قرآن به قرآن گفته شده است که عبارتند از:

۱. توضیح کلمه‌ای با آیه دیگر؛^۱

۲. تبیین قصص قرآنی؛

۳. توضیح آیات مختصر به وسیله آیات مفصلی که در همان موضوع آمده است؛

۴. تفسیر موضوعی قرآن؛

۵. تعیین مراد آیه با آیه‌ای دیگر.^۲

این موارد، در لابه‌لای گونه‌ها و شیوه‌های فرعی تفسیر قرآن به قرآن بیان شدند، چرا که قابل ادغام با یکدیگر بودند. البته ممکن است گونه‌های دیگری از تفسیر قرآن به قرآن نیز یافت شده یا برخی از گونه‌های پیش گفته، به چند قسم فرعی تقسیم شوند.

معرفی تفاسیر قرآن به قرآن

مهم‌ترین کتاب‌هایی که از روش تفسیر قرآن به قرآن به‌طور گسترده استفاده کرده‌اند، عبارتند از:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی (۱۳۲۱-۱۴۰۲ ق)؛

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، محمد صادقی تهرانی (معاصر)؛

۳. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، شیخ محمد جواد بلاغی (م ۱۳۵۲ ق) کل این

تفسیر، تا آیه ۵۷ سوره نساء است؛

۴. التفسیر القرآنی للقرآن، عبد الکریم خطیب (تألیف در ۱۳۸۶ ق)؛

۵. اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، محمد امین ابن محمد مختار

(۱۳۰۵-۱۳۹۳ ق).

۱. از جمله گفته شده که شیخ طوسی رحمته الله در تبیان از برخی از این گونه‌ها استفاده کرده‌اند. (ر.ک: تبیان، ج ۲، ص ۵۸ و ۴۷).

۲. همان.

چکیده

شایع‌ترین گونه‌ها و شیوه‌های فرعی تفسیر قرآن به قرآن عبارتند از: ارجاع متشابهات به محکّمات؛ تفسیر آیات مطلق با مقیدها و عام‌ها با خاص‌ها؛ توضیح آیات مجمل با آیات مبین و مفصل؛ تعیین مصداق آیه به وسیله آیات دیگر؛ استفاده از سیاق آیات در تفسیر؛ توجه به آیات مشابه؛ توجه به آیات مخالف و رفع اختلافات ظاهری آن؛ تعیین معانی اصطلاحات قرآنی با کمک آیات دیگر؛ ترجیح یک احتمال در معنای آیه با کمک آیات دیگر قرآن؛ جمع آیات ناسخ و منسوخ و... . برخی از تفاسیر قرآن به قرآن معرفی شد که مهم‌ترین آنها تفسیر المیزان است که از شیوه‌ها و گونه‌های تفسیر قرآن به قرآن به‌طور گسترده استفاده کرده است.

پرسش

۱. تفسیر قرآن به قرآن از زمان چه کسی شروع شد؟ مثالی بزنید.
۲. آیه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾، چگونه بر لزوم تفسیر قرآن به قرآن دلالت می‌کند؟
۳. آیه ﴿مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾، چگونه بر تفسیر قرآن به قرآن دلالت می‌کند؟ مثالی بزنید.
۴. روایت «القرآن یفسر بعضه بعضا» را از نظر سند و دلالت مورد بررسی قرار دهید.
۵. تفسیر قرآن به قرآن را با ذکر مثال تعریف کنید.
۶. شیوه مطلق و مقید و عام و خاص را در تفسیر قرآن به قرآن با مثال روشن سازید.
۷. شیوه تعیین مصداق در تفسیر قرآن به قرآن را توضیح داده و مثال بزنید.
۸. سیاق را تعریف نموده و جایگاه آن را در تفسیر قرآن به قرآن بنویسید.
۹. تفسیر موضوعی چه رابطه‌ای با تفسیر قرآن به قرآن دارد؟ با مثال بیان کنید.
۱۰. چگونه به وسیله تفسیر قرآن به قرآن، اختلاف ظاهری آیات بر طرف می‌شود؟ با ذکر مثال بیان کنید.
۱۱. بحث ناسخ و منسوخ چه ارتباطی با تفسیر قرآن به قرآن دارد؟
۱۲. حداقل سه تفسیر قرآن به قرآن را با ذکر نام نویسندگان آنها نام ببرید.

پژوهش‌های جدید

۱. در احادیث تفسیری پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام جست‌وجو نموده و تفاسیر قرآن به قرآن را جمع‌آوری و بررسی کنید که کدام یک در کدام گونه قرار می‌گیرند.
۲. تفسیر قرآن به قرآن را در آثار تفسیری صحابه و تابعین جست‌وجو و بررسی نموده و گونه‌های آن را دسته‌بندی کنید.
۳. روایاتی که مورد استناد موافقان تفسیر قرآن به قرآن قرار گرفته است را از نظر سند و دلالت، نقد و بررسی نمایید.
۴. روایات «من خوطب به» را از نظر سند و دلالت بررسی کنید.
۵. آثار حجیت ظواهر قرآن و عدم حجیت آن را بررسی کنید.
۶. دیدگاه اخباری‌ها و اصولی‌ها را در کتاب‌های آنها در مورد قرآن مقایسه، بررسی و نقد کنید.
۷. مواردی را که تفسیر مجمع البیان و تبیان از گونه‌های تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرده‌اند، جمع‌آوری کنید.
۸. دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله را در المیزان در مورد روش تفسیر قرآن به قرآن به‌طور کامل گردآوری نموده و تحلیل کنید.
۹. روش علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر المیزان را بررسی و تحلیل نمایید.
۱۰. گونه‌های دیگری از تفسیر قرآن به قرآن را که در این کتاب نیامده است با جست‌وجو و تحقیق به دست آورید.
۱۱. در مورد عصای موسی در قصه‌های قرآن (سوره اعراف، طه، شعراء و...) نام یک تفسیر قرآن به قرآن (موضوعی) را بنویسید.
۱۲. در مورد هر یک از تفاسیر قرآن به قرآن تحقیق نموده و روش آنها را مورد تحلیل و نقد قرار دهید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱، مقدمه؛ ج ۳ ذیل آیه ۷ سوره آل عمران؛
۲. روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، علی آلوسی؛
۳. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی؛
۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی (مبحث روش تفسیر تفسیر قرآن به قرآن)؛
۵. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، آية الله معرفت، ج ۲؛
۶. فواید المدنیة، امین استرآبادی؛
۷. تفسیر صافی، ج ۱، مقدمه؛
۸. روش‌شناسی تفسیر قرآن، جمعی از نویسندگان، سمت (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه).
۹. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، حسین علوی مهر؛
۱۰. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مودب.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

بخش سوم

روش تفسیر روایی قرآن

مقدمه

واژگان

تاریخچه

حجیت سنت در تفسیر

کاربردهای روایات تفسیری

چکیده

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

روش تفسیر روایی قرآن (۱)

اهداف آموزشی: (۱) شناخت کاربردهای روایات در تفسیر قرآن؛ (۲) شناخت اقسام روایات و قلمرو تأثیر آنها در تفسیر.

مقدمه

روش تفسیر روایی قرآن، کهن‌ترین و رایج‌ترین روش‌های تفسیری است. این شیوه تفسیری، از اقسام تفسیر مأثور^۱ و تفسیر نقلی به شمار می‌آید. تفسیر روایی، جایگاه ویژه‌ای در روش‌های تفسیری داشته و همیشه مورد توجه مفسران بوده است. حتی در بستر تاریخ، گاه گرایش افراطی نسبت به آن پیدا شده است؛ به گونه‌ای که برخی از مفسران، فقط از این روش پیروی کرده و روش‌های دیگر را نفی کرده‌اند. البته گرایش‌های مخالف و معتدل نیز در مورد آن وجود داشته است.

در این گفتار، دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد تفسیر روایی و گرایش‌های افراطی و تفریطی نسبت به این روش و نیز نقش و قلمرو اقسام احادیث، در تفسیر قرآن، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان با رفع ابهام‌های کاربرد روایات در تفسیر، در فضای روشن‌تری از احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن استفاده نمود.

۱. تفسیر مأثور، شامل تفسیر قرآن به قرآن، قرآن به سنت، تفسیر قرآن با سخنان صحابه و تفسیر قرآن با سخنان تابعین می‌شود که در تفسیر روایی قسم دوم مراد است؛ (ر.ک: التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، آیه‌الله معرفت، ج ۲ ص ۲۱ به بعد).

واژگان

در این مبحث سه واژه اساسی وجود دارد:

۱. روش؛ ۲. تفسیر (معنا و تعریف روش و تفسیر در مبحث درس دوم بیان شد)؛ ۳. روایی.
 واژه «روایت» در اصل «روی» به معنای «حمل و نقل» بوده و روایت حدیث به معنای نقل و حمل حدیث است.^۱
 صاحب‌نظران روش‌های تفسیری، تفسیر به مأثور یا تفسیر نقلی را به چهار نوع تقسیم نموده‌اند:

الف) تفسیر قرآن به قرآن؛

ب) تفسیر قرآن به سنت؛

ج) تفسیر قرآن بر اساس سخنان صحابه پیامبر ﷺ؛

د) تفسیر قرآن بر اساس سخنان تابعین.^۲

ولی در این جا مقصود از روش «تفسیر روایی» همان تفسیر قرآن به سنت است. پس مقصود از آن «قول، فعل و تقریر» معصوم (اعم از پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام) است؛ یعنی گاه معصوم، سخنی را درباره تفسیر آیه‌ای بیان می‌فرماید و گاه عملی (مثل نماز) انجام می‌دهد که تفسیر آیات «صلوة» است و گاهی نیز مطلبی را که شخصی در حضور او در مورد تفسیر آیه‌ای، بیان نموده و یا طبق آیه‌ای کاری را انجام می‌دهد، تقریر می‌کند؛ یعنی با سکوت خود آن را تأیید قرار می‌نماید.

مقصود از روش «تفسیر روایی» در این جا آن است که مفسر قرآن از سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام (قول، فعل و تقریر آنها) برای روشن کردن مفاد آیات و مقاصد آنها استفاده کند. این روش نتایج خاصی نیز به دنبال دارد.

تذکر: هر چند در تفسیر قرآن از روایات صحابه و تابعین در موارد خاصی استفاده می‌شود و بسیاری از سخنان تفسیری آنان مفید است؛ ولی در مورد حجیت سنت و قلمرو اعتبار روایات آنها، نظر یکسانی در میان امت اسلامی وجود ندارد.

۱. مصباح اللغة، ماده «روی» و نیز التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۴، ص ۸، مادة «رأى». (البته ایشان اصل

ماده را رأی می‌داند که به «تناسب این که در رؤیت، قبول و تحمّل نور مریبی است، در علم به کار رفته است).

۲. التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۲، ص ۲۱ به بعد.

تاریخچه

سیر تاریخی تفسیر روایی را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد:

الف) دوران پیامبر ﷺ

تفسیر روایی قرآن، همزاد وحی است، چرا که نخستین مفسر قرآن، پیامبر ﷺ است که خدای متعال به او دستور بیان و تفسیر قرآن داد و فرمود: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۱ و این ذکر (قرآن) را به سوی تو فرستادیم تا برای مردم آن‌چه را که به سوی آنان فرو فرستاده شده است، روشن بیان کنی.

البته سنت پیامبر ﷺ و بیان او نیز ریشه در وحی داشت؛ چنان‌که از آن حضرت روایت شده که فرمود: «آگاه باشید که به من قرآن داده شده و نیز مثل آن، همراه آن به من داده شده است.»^۲ صحابیانی با رجوع به آن حضرت تفسیر قرآن را می‌آموختند. گاه پای سخنان ایشان می‌نشستند و معانی و تفسیر قرآن را فرا می‌گرفتند. از ابن مسعود چنین حکایت شده: «همیشه هر فرد از ما هنگامی که ده آیه قرآن را می‌آموخت، از آنها عبور نمی‌کرد تا این‌که معانی و (روش) عمل بدان‌ها را فرا می‌گرفت.»^۳ گاه اصحاب پیامبر ﷺ از ایشان مطالب را می‌پرسیدند و حتی دوست داشتند که عرب‌های بیابانی بیایند و پرسشی بکنند و آنان گوش دهند.^۴

گاه نیز عمل پیامبر ﷺ را مفسر آیات قرآن قرار می‌دادند؛ چنان‌که از خود ایشان روایت شده که در مورد نماز فرمود: «نماز بگزارید همان‌طور که می‌بینید من نماز می‌گزارم.»^۵ یا در مورد حج حکایت شده که فرمود: «مناسک و اعمال خود را از من بگیرید.»^۶ در این صورت افعال پیامبر ﷺ در نماز و حج، تفسیر جزئیات آیات صلوة و حج بود.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَيَّ رَسُولَهُ الصَّلَاةَ وَلَمْ

۱. نحل، آیه ۴۴.

۲. «أَلَا وَأَنَا أَوْتِيَتِ الْقُرْآنَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ»؛ (الاتقان، ج ۴، ص ۱۷۴).

۳. تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۷ و ۲۸ و ۳۰.

۴. المعيار والموازنة، اسكافي، ص ۳۰۴؛ التفسير و المفسرون، آية الله معرفت، ج ۱، ص ۱۷۵.

۵. «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ (بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۷۹).

۶. «خُذُوا عَنِّي مَنْاسِكَكُمْ» (این روایت را با این لفظ نیافتیم؛ اما مضمون آن در بحار، ج ۲۸، ص ۹۵ و

ج ۳۷ ص ۱۱۵ آمده است).

یَسْمَ لَهُمْ: ثلاثا و لا اربعاً، حَتَّىٰ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ؛ «خدا [دستور] نماز را بر رسولش نازل کرد، ولی برای مردم مشخص نکرد که سه یا چهار رکعت است تا این‌که پیامبر ﷺ این مطلب را برای مردم تفسیر نمود.»^۱

آری پیامبر ﷺ مطالب کلی قرآن (همچون نماز، روزه، حج و...) را توضیح می‌داد و موارد تخصیص عمومات و تقیید مطلقات آیات را تبیین و اصطلاحات جدید، لغات قرآن و ناسخ و منسوخ آیات را بیان می‌نمود. همه اینها تفسیر قرآن بود که در روایات و سنت پیامبر ﷺ برای ما حکایت شده و به عنوان منابع تفسیر روایی باقی مانده است.^۲

ب) دوران اهل بیت علیهم‌السلام

شیوه تفسیر روایی در عصر امامان علیهم‌السلام نیز ادامه داشت.

امام علی علیه‌السلام شاگرد ارشد پیامبر ﷺ در تفسیر بود^۳ که سخنان و توضیحات آن حضرت را می‌شنید و حکایت می‌کرد.

بقیه امامان علیهم‌السلام نیز همین روش را دنبال کرده، احادیث تفسیری پیامبر ﷺ و امام علی علیه‌السلام را برای مردم حکایت نموده و بدان‌ها استدلال می‌کردند. تعداد این احادیث که به واسطه اهل بیت علیهم‌السلام حکایت شده، به هزاران روایت می‌رسد.^۴ البته اهل بیت علیهم‌السلام از آن‌جا که آگاه به علوم الهی بودند خود نیز اقدام به تفسیر قرآن می‌کردند و سخنان و سنت آنان نیز، منبعی برای تفسیر است. این احادیث، جزئی از تفسیر روایی به شمار می‌آیند.

شخصی در مکه خدمت امام رضا علیه‌السلام رسید و گفت: «شما از کتاب خدا چیزی را تفسیر می‌کنید که تاکنون شنیده نشده است!» امام در پاسخ فرمود: «قرآن، پیش از این‌که

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۶؛ عیاشی، ج ۱ ص ۲۴۹-۲۵۱؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۹؛ التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲. برای اطلاع از احادیث تفسیری پیامبر ﷺ ر.ک: الاتقان، ج ۴ ص ۱۸۰ و ص ۲۱۴ - ۲۵۷ و نیز التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، آیه‌الله معرفت، ج ۱، ص ۱۸۱ - ۱۹۹.

۳. این مطلبی است که دکتر ذهبی، در التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۸۹، بدان اعتراف دارد.

۴. آیه‌الله معرفت در التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۸۱ از نوه سید هاشم بحرانی نقل می‌کند که روایت پیامبر ﷺ و روایات ایشان که از طریق اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده را جمع‌آوری کرده و تاکنون به چهار هزار حدیث رسیده است.

بر مردم نازل شود بر ما نازل شده و قبل از این که برای مردم تفسیر شود، برای ما تفسیر شده است؛ حلال و حرام و ناسخ و منسوخ قرآن را ما می‌شناسیم و...»^۱
 آن حضرت در حدیث دیگری فرمود: «بر مردم است که قرآن را همان گونه که نازل شده بخوانند و هنگامی که نیاز به تفسیر قرآن پیدا کردند، هدایت به وسیله ما و به سوی ماست.»^۲
 بنابراین، اهل بیت علیهم‌السلام نیز در زمینه مطالب کلی قرآن و آیات الاحکام، مخصّص‌ها، مقیدها، لغات، ناسخ و منسوخ، اصطلاحات جدید قرآن و نیز در مورد بطن و تأویل و مصادیق آیات، مطالب متنوعی را بیان کرده‌اند که به عنوان سنّت آنان بر جای مانده است.

ج) دوران صحابه و تابعین

روایات تفسیری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام مورد توجه صحابیان پیامبر و تابعین آنان قرار گرفت و حتی صحابه بزرگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همچون ابن عباس و ابن مسعود خود را از تفسیر قرآن امام علی علیه‌السلام بی‌نیاز نمی‌دانستند و از آن استفاده می‌کردند؛ چنان که بسیاری از احادیث تفسیری ابن عباس از علی علیه‌السلام است.^۳ البته صحابه و تابعین خود نیز قرآن را تفسیر می‌کردند و روایات تفسیری زیادی از ابن عباس و دیگران باقی مانده است.^۴ در این دوره، کم‌کم روایات تفسیری در مجموعه‌هایی گرد آوری شد که به نام «کتاب‌های تفسیر روایی» مشهور است.

د) دوران جمع‌آوری و تألیف روایات تفسیری

اولین رساله از این مجموعه‌ها در شیعه، کتاب تفسیر منسوب به امام علی علیه‌السلام است که طی یک روایت مفصّل در آغاز تفسیر نعمانی آمده است.^۵ یکی دیگر از آنها «مصحف علی بن

۱. «قال له رجل: أنك لتفسر من كتاب الله ما لم يسمع؛ فقال: علينا نزل قبل الناس و لنا فسّر قبل ان يُفسر في الناس، فنحن نعرف حلاله و ناسخه و منسوخه و...»؛ (نور الثقلين، ج ۴، ص ۵۹۵، ح ۱۹).

۲. تفسیر فرات کوفی، ص ۲۵۸، ح ۳۵۱.

۳. قال ابن عباس: «جلّ ما تعلّمت من التفسیر، من عليّ بن أبي طالب»؛ بحار، ج ۸۹، ص ۶ - ۱۰۵.

۴. التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی و آیه‌الله معرفت، مبحث ابن عباس.

۵. این رساله گاهی تحت عنوان «رسالة المحکم و المتشابه»، به سید مرتضی نسبت داده می‌شود و در مجلدات قرآن بحار الانوار نقل شده است؛ (ر.ک: تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام، سید حسن صدر، ص ۳۱۸).

ابی‌طالب» است که علاوه بر آیات قرآن، تأویل و تفسیر و اسباب نزول را بیان کرده است؛ هر چند که این کتاب اکنون در دسترس ما نیست.^۱ هم‌چنین تفسیر منسوب به امام باقر علیه السلام (۵۷ - ۱۱۴ ق) که ابوالجارود آن را حکایت کرده^۲ و نیز تفسیر منسوب به امام صادق علیه السلام (۸۳ - ۱۴۸ ق) که به‌طور پراکنده در کتاب حقایق التفسیر القرآنی آمده است.^۳

علاوه بر آن تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷ ق) و فرات کوفی (۳۰۷ ق) و تفسیر عیاشی (۳۲۰ ق) و تفسیر نعمانی (۳۲۴ ق) و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام (۲۵۴ هـ) می‌توان نام برد.

البته روایات فقهی پیامبر و اهل‌بیت علیهم السلام نیز که نوعی تفسیر برای آیات الاحکام قرآن است، در مجموعه‌هایی همچون کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار گردآوری شد.

در همین دوران، از تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، اثر ابن جریر طبری (م ۳۱۰) می‌توان یاد کرد. همان‌گونه که مجموعه‌های حدیثی صحاح سته اهل‌سنت در این دوره تدوین شد. سپس تفسیر با گرایش روایی از قرن پنجم تا نهم با رکود نسبی مواجه شد و تفاسیر، گرایش عقلی و اجتهادی به خود گرفتند؛ اما در قرن دهم تا دوازدهم با رشد اخباری‌گری در شیعه، تفاسیر روایی دیگری همچون: تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، اثر سیدهاشم حسینی بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) و تفسیر نورالثقلین، الحویزی (م ۱۱۱۲ ق) نوشته شد. همان‌طور که مجموعه‌های حدیثی بزرگ، همچون وسایل الشیعه، وافی و بحارالانوار نگاشته شدند که بسیاری از روایات آنها تفسیر قرآن به شمار می‌آید.

در میان اهل‌سنت هم در این دوران، تفسیر درالمتنور، اثر جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) گردآوری شد.

اکنون نیز در تفاسیر جدید، به روایات تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام توجه می‌شود و معمولاً در لابه‌لای تفسیر یا در بخش جداگانه‌ای، این روایات آورده شده و

۱. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۴۰؛ التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۱، ص ۲۹۲؛ سیر تطوّر تفاسیر شیعه، سید محمد علی ایازی، ص ۲۸.

۲. الفهرست، ابن ندیم، ص ۳۶.

۳. سیر تطوّر تفاسیر شیعه، ص ۳۹.

مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند؛ چنان‌که علامه طباطبایی در المیزان در ادامه هر دسته از آیات «بحث روایی» را ارائه نموده است.

تذکر: روایات تفسیری در دوره جمع‌آوری و تدوین، از پدیده جعل و اسرائیلیات مصون نماند و برخی روایات ضعیف و ساختگی در آنها وارد شد که همین موضوع موجب شد تا در هنگام بهره بردن از روایات تفسیر طبری و امثال آن به دقت بیشتری نیاز باشد.

حجیت «سنت» در تفسیر

مباحث مربوط به حجیت «سنت» در تفسیر قرآن در سه بخش، تحلیل و بررسی می‌شود:

الف) حجیت سنت پیامبر ﷺ در تفسیر قرآن

اصل حجیت سنت پیامبر ﷺ در تفسیر قرآن از یک سو مورد تأیید قرآن کریم قرار گرفته است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۱

براساس این آیه، قرآن بر پیامبر ﷺ فرو فرستاده شد تا آن را برای مردم بیان کند و اگر بیان پیامبر ﷺ برای مردم، حجت و لازم‌الاتباع نبود، این مطلب لغو می‌شد. بنابراین، سخنان پیامبر ﷺ و توضیح و تفسیر او در مورد آیات قرآن حجت است؛ چنان‌که مفسران بزرگ قرآن نیز در ادامه آیه مذکور بدان تصریح نموده‌اند.^۲

از سوی دیگر، پیامبر اکرم ﷺ با سخنان و عمل خود به تفسیر قرآن می‌پرداخت و حتی به مردم دستور می‌داد تا در جزئیات احکام نماز، حج و... از ایشان پیروی کنند. صحابی‌ان نیز چنین می‌کردند و این سیره عملی، تا زمان ما هم ادامه دارد.

البته روشن است که سنت پیامبر ﷺ شامل قول، فعل و تقریر ایشان می‌شود، ولی شرایط، قیود قلمرو حجیت هر کدام، نیازمند مباحث خاصی است که در آینده به آنها اشاره می‌شود.

۱. نحل، آیه ۴۴.

۲. المیزان، ج ۱۲، ص ۲۶۱؛ تفاسیر دیگر ذیل همین آیه.

ب) حجیت سنت اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر

روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام همچون روایات تفسیری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حجت بوده و با شرایط خاص خود در تفسیر معتبرند؛ یعنی بیان آنان به بیان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آیه ۴۴ سوره نحل می‌پیوندد. در این باره دلایل زیادی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

یکم: در حدیث ثقلین که توسط علما و راویان شیعه و اهل سنت به صورت متواتر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حکایت شده، آمده است که آن حضرت فرمود: «إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي ما آن تمسکتم بهما لن تضلوا أبدا حتى يردا إلى الحوض؛ در حقیقت من دو چیز گران بها (یاسنگین) را در میان شما باقی گذاشتم: کتاب خدا و اهل بیت خودم را، مادامی که به آنان تمسک جوید هرگز گمراه نمی‌شوید تا این که نزد حوض (کوثر) بر من وارد شوید.»

طبق این حدیث، تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام با هم و در کنار هم، شرط عدم گمراهی مسلمانان قرار داده شده است. پس اگر مسلمانان به هر دو یا یکی از آنها تمسک نکنند، گمراه می‌شوند. بنابراین، اهل بیت علیهم‌السلام در کنار قرآن حجت و معتبرند و حجیت اهل بیت علیهم‌السلام جز حجیت سنت آنان (اعم از قول، فعل و تقریر) نیست. روایات تفسیری آنان جزئی از سنت آنهاست که معتبر و حجت است و باید بدانها تمسک نمود.

دوم: در احادیث متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام حکایت شده که فرمودند:

«هر چه را ما می‌گوییم کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.»^۳ و روشن است که اهل بیت علیهم‌السلام، عادل و موثق بوده و نقل آنان از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز معتبر است. بنابراین احادیث تفسیری (و غیر تفسیری) آنان، همان مطالب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که با واسطه به ما رسیده است.^۴

۱. در این مورد می‌توان از دلیل عصمت امامان اهل بیت علیهم‌السلام استفاده کرد؛ اما ما در این جا دلایلی ارائه می‌کنیم که مورد قبول فریقین باشد.

۲. این حدیث در کتاب‌های متعدد شیعه و سنی با الفاظ مختلف و با سندهای گوناگون از تعدادی از صحابه و تابعین، مثل زید بن ارقم، زید بن ثابت، ابو سعید خدری، حذیفه و ابهریره نقل شده است. (ر.ک: صحیح الترمذی، ج ۲، ص ۳۰۸؛ فضایل الخمسة، ج ۲، ص ۵۲-۶۰؛ الغدير؛ احقاق الحق و...).

۳. المیزان، ج ۱۹، ص ۳۳؛ معجم رجال الحديث، آیه الله خوبی، ج ۱۸، ص ۲۷۶.

۴. البته این دلیل شامل بخش دیگری از مطالب اهل بیت علیهم‌السلام که از خودشان براساس فهم از قرآن یا الهام و... بیان کرده‌اند نمی‌شود.

سوم: احادیث دیگری که بر ملازمت امام علی علیه السلام (و امامان بعد از او) با قرآن دلالت دارد^۱ و از شیعه و اهل سنت حکایت شده است و ما برای اختصار از نقل آنها صرف نظر می‌کنیم.^۲

ج) سخنان صحابی‌ان و تابعان

هر چند که برخی از افراد، تفسیر روایی را شامل روایات صحابه و تابعین می‌دانند^۳ ولی ما در مورد اعتبار سخنان نقل شده از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعین در تفسیر قرآن، تفصیل قائل می‌شویم، یعنی می‌گوییم:

یکم: مطالبی که به عنوان معنای لغات قرآن از آنان حکایت شده، با فرض آگاهی آنان از لغت اصیل عرب در صدر اسلام، در همان حوزه معتبر است و به عنوان قول لغوی اصیل (با شرایط خاص خود) پذیرفته می‌شوند.

دوم: مطالبی که از صحابی‌ان در مورد شأن نزول آیات بیان می‌شود در صورتی که واقعه شأن نزول را مشاهده کرده و موثق باشند، کلام آنان به عنوان راوی معتبر بوده و راه خوبی برای روشن شدن اسباب النزول آیات می‌باشد.

سوم: مطالبی که آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت می‌کنند، در صورتی که قول، فعل یا تقریر ایشان را حکایت کرده و موثق باشند، سخن آنان به عنوان راوی معتبر است.

چهارم: مطالبی که ایشان به عنوان اجتهاد شخصی در فهم آیات قرآن بیان کرده‌اند، به عنوان نظر شخصی آنها محترم است و همچون سخنان سایر مفسران مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، اما برای ما حجت نیست، چرا که دلیلی از قرآن، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله یا عقل برای اعتبار آنها در دست نداریم و اجماعی نیز در این مورد

۱. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «عليٌّ مع القرآن و القرآن مع عليٍّ و لن يفترقا حتّى يردا على الحوض»؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۴؛ فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. از آنجا که مبحث حجیت سنت اهل بیت علیهم السلام از مبانی تفسیری است و جای بحث آن در روش‌های تفسیری نیست، ما از ارائه دلایل، شواهد و مطالب دیگر، چشم می‌پوشیم و خوانندگان را به آن مباحث ارجاع می‌دهیم (ر.ک: علوم القرآن، سید محمد باقر حکیم، ص ۲۵۵).

۳. اصول التفسیر و قواعد، شیخ خالد عبدالرحمن العک، ص ۱۱۱.

وجود ندارد. بنابراین سنت صحابیان و تابعین (غیر از اهل بیت علیهم‌السلام) در تفسیر قرآن، حجت و معتبر نیست.^۱

علامه طباطبایی رحمته‌الله در ذیل آیه ۴۴ سوره نحل در این مورد می‌نویسد:

این آیه دلالت می‌کند بر حجیت قول پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیان آیات قرآن... و ملحق می‌شود به بیان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بیان اهل بیت علیهم‌السلام به خاطر حدیث متواتر تقلین و غیر آن. اما سایر امت از صحابه و تابعین یا علما، هیچ حجیتی برای بیان آنان نیست، چون آیه مذکور شامل آنان نمی‌شود و نصی وجود ندارد که بتوان بر آن تکیه کرد و حجیت قول آنان را به‌طور مطلق برساند.^۲

چکیده

در درس چهارم، پس از بیان اهداف آموزشی و مقدمه، به نتایج زیر دست یافتیم:

۱. مقصود از «روایت» در عنوان «روش تفسیر روایی» همان سنت - اعم از قول،

فعل و تقریر معصوم - است که شامل سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود.

۲. تفسیر روایی از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شروع شده است. در زمان اهل بیت علیهم‌السلام، صحابه

و تابعین ادامه یافته و در بسیاری از سخنان آنان، روایات تفسیری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان شده

و سپس در مجموعه‌های تفسیری همچون: البرهان، نورالتقلین و الدرالمثور جمع‌آوری

گردیده است.

۳. حجیت سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تفسیر به وسیله آیه ۴۴ سوره نحل و سیره عملی

صحابه اثبات شد. حجیت سنت اهل بیت علیهم‌السلام نیز به وسیله حدیث تقلین و احادیث دیگر

به اثبات رسید، ولی در مورد حجیت احادیث (نظرات اجتهادی) صحابه و تابعین در

تفسیر، دلیلی برای اثبات نداشتیم.

۱. در مورد حجیت اقوال صحابه و تابعین در تفسیر در مبانی تفسیر بحث می‌شود، از این رو ما به‌طور مختصر به این مبحث اشاره کردیم (خوانندگان برای اطلاع بیشتر از دیدگاه‌ها در این مورد مراجعه کنند به: التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، آیه‌الله معرفت، ج ۱، ص ۲۹۷ و ۴۲۳).

۲. المیزان، ج ۱۲، ص ۲۶۰.

روش تفسیر روایی قرآن (۲)

اقسام روایات و نقش آنها در تفسیر (راه‌های دست‌یابی به سنت)

سنت پیامبر ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام به وسیله روایات و گزارش‌گران سیره و تاریخ به دست ما رسیده است. همه این مجموعه ارزش یکسانی ندارد، چون شیوه و راه‌های نقل، متفاوت است و در نتیجه، روش‌های دست‌یابی ما به احادیث مختلف هستند. در مورد احادیث، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی وجود دارد، ولی براساس تقسیمی که در این‌جا مورد کاربرد است، احادیث براساس طرق نقل، به چهار بخش تقسیم می‌شوند^۱:

الف) اخبار متواتر

متواتر در لغت به این معنا است: «یکی پس از دیگری بلافاصله بیاید» و در اصطلاح، خبر جماعتی است که خود به خود، نه به وسیله ضمیمه کردن قراین، اتفاق آنان بر کذب، محال و در نتیجه موجب علم به مضمون خبر باشد.^۲ به عبارت دیگر: روایاتی که یک مطلب را به صورت متعدد و از راه‌های مختلف به‌طوری نقل کنند که اطمینان پیدا کنیم مضمون آن دروغ نیست، چرا که ناقلان حدیث نمی‌توانسته‌اند با هم بر سخنی دروغ تبانی کرده باشند.

۱. نخست به دو بخش متواتر و آحاد، سپس بخش اخبار آحاد به سه بخش تقسیم می‌شود.

۲. علم الحدیث، کاظم مدیر‌شانه‌چی، ص ۱۴۴.

خبر متواتر به دو شاخه: لفظی و معنوی تقسیم می‌شود. تواتر لفظی آن است که یک مطلب با لفظ مخصوص در روایات متعدد آمده باشد. تواتر معنوی آن است که مفاد مشترک چند حدیث (همچون شجاعت امام علی علیه السلام) در روایات زیاد آمده، ولی الفاظ آن متفاوت است.

تذکر: احادیث متواتر در تفسیر قرآن، معتبر و حجتند، چرا که علم آور هستند. پس هرگاه احادیثی متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت علیهم السلام در مورد تفسیر آیه‌ای ارائه شد، براساس آن، آیه را تفسیر و به مضمون آن (در صورت عملی بودن) عمل می‌کنیم. این دیدگاهی است که علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز، درباره آیه ۴۴ سوره نحل بدان تصریح کرده است.^۱

ب) اخبار آحاد

این اخبار، روایاتی هستند که برای ما نقل شده، ولی به حدّ تواتر نمی‌رسند و مثلاً از یک یا دو طریق حکایت شده‌اند. اخبار آحاد خود، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

یکم) خبر واحد محفوف به قراین: خبرهایی هستند که متواتر نبوده و از راه معتبر به ما رسیده‌اند، ولی قراین و شواهدی به همراه دارد که یقین به صدق آن پیدا می‌کنیم که حتماً از پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت علیهم السلام صادر شده است؛ مانند خبری که محتوای عالی و بلند داشته باشد (مثل برخی خطبه‌های نهج البلاغه)، یا این که موافق ظاهر قرآن باشد.

تذکر: در این مورد نیز تفسیر قرآن به وسیله خبر واحد، معتبر و حجت است، چرا که علم آور خواهد بود. علامه طباطبایی نیز، ذیل آیه ۴۴ سوره نحل به حجیت خبر واحد محفوف به قراین در تفسیر تصریح کرده است.^۲

دوم) خبر واحد ضعیف: اخباری است که متواتر نبوده و سند معتبری ندارند؛ از این رو اطمینان به صدور آن از معصوم نداریم.^۳ این گونه احادیث در میان احادیث

۱. المیزان، ج ۱۲، ص ۲۶۱.

۲. همان، ص ۲۶۱ و ۲۶۲.

۳. البته در علم الحدیث، هر خبر واحدی را که صحیح، حسن و موثق نباشد، ضعیف می‌خوانند که شامل مرفوعات، مراسلات، مجعولات و مانند آنها می‌شود. (علم الحدیث، همو، ص ۱۴۹).

تفسیری فراوان بوده و گاه ممکن است جعلی یا از اسرائیلیات باشند.

تذکره ۱: این گونه احادیث در تفسیر قرآن اعتبار و حجیت ندارند، چرا که ما در تفسیر، مراد خدا از آیه را بیان می‌کنیم و هنگامی که حدیث یقین‌آور نباشد نمی‌توانیم به‌طور قطع بگوییم که این مطلب مقصود خداست. به عبارت دیگر: استناد مطالب احادیث ضعیف به قرآن، نوعی استناد مطالب بدون علم به خداست که این مطلب، افترا به خدا تلقی می‌شود. به دیگر سخن: احادیث پیامبر ﷺ (به مقتضای آیه ۴۴ سوره نحل) بیان برای قرآن است؛ ولی خبر ضعیف، بیان برای قرآن تلقی نمی‌شود، چون احراز نمی‌شود که این خبر از پیامبر ﷺ صادر شده باشد.

آیه‌الله خوئی مطالب فوق در مورد حجیت اخبار قطعی و عدم حجیت اخبار ضعیف در تفسیر را پذیرفته‌اند.^۱

تذکره ۲: البته برخی از مفسران قرآن، با بررسی متن این احادیث چنان‌چه شواهد صدق در متن، موجود باشد (مثلاً با ظاهر قرآن هماهنگ باشد) آن احادیث را پذیرفته و در تفسیر قرآن از آنها به عنوان شاهد استفاده می‌کنند.

برای مثال: علامه طباطبایی رحمته الله علیه در مورد آیه ۳۷ آل عمران: ﴿كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾ بحث روایی مفصّلی ارائه نموده و روایات متعددی از تفسیر قمی و عیاشی نقل می‌کند که مضمون آنها بر وحی بر عمران و وجود میوه‌ها در غیر موسم آن برای حضرت مریم علیها السلام دلالت دارد. ایشان سپس در این باره می‌نویسد:

برخی مفسران شدیداً مضمون این روایات را انکار کرده و گفته‌اند: این امور (وحی به عمران و وجود میوه در محراب مریم در غیر موسم آن و این که سؤال زکریا برای تمیز باشد) طریقی برای اثبات آنها نیست... و روایات این جا اسرائیلیات است.^۲
سپس ایشان در پاسخ می‌نویسد:

این سخن حجت نیست و روایات، اگر چه واحد است و خالی از ضعف سند نیست و بر شخص بحث کننده واجب نیست که آنها را اخذ کند و بر طبق آنها استدلال کند؛ لیکن تدبّر در آیات، ذهن انسان را به این (روایات) نزدیک می‌کند و آن‌چه که از ائمه اهل بیت علیهم السلام حکایت شده، شامل چیزی غیر جایز نزد عقل نیست.^۲

۱. البیان، ص ۳۹۸.

۲. المیزان، ج ۳، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

مثال دیگر: علامه طباطبایی در تفسیر سوره حمد، در مورد روایات مربوط به آیه «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» به گونه‌ای مشابه عمل کرده است؛ یعنی نکات روایات را از معنای لغوی و صفت مشبّه و صیغه مبالغه بودن آنها به دست می‌آورد. سپس روایات را به عنوان مؤید ارائه می‌کند. البته این، یکی از شاهکارهای علامه در برخورد با احادیث تفسیری است که دو نتیجه در پی دارد:

۱. روایات تفسیری را که معمولاً ضعف سندی دارند احیاء می‌کند.

۲. احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را به قرآن مستند می‌کند تا برای همه مسلمانان قابل پذیرش و استفاده باشد.

سوم) خبر واحد معتبر: اخباری که متواتر نبوده، ولی طریق آن معتبر است؛ یعنی ظن و گمان به صحت آنها وجود دارد، ولی یقین‌آور نیستند.

این احادیث به سه گونه: «صحیح»، «حسن» و «موثق» تقسیم می‌شود.^۱

تذکر: در مورد اعتبار این گونه حدیث در تفسیر و عدم اعتبار آن، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در این باره چند نکته فهم وجود دارد:

۱. در حجیت خبر واحد معتبر در مورد احکام عملی بحثی نیست و این مطلبی

است که در اصول فقه به اثبات رسیده و دلیل عمده آن سیره عقلاست.

شکی نیست که بخشی از تفسیر، مربوط به آیات الاحکام است و روایاتی که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام در مورد تفسیر آیات الاحکام وارد شده، عمدتاً به صورت اخبار آحاد است. بنابراین می‌توان گفت: اخبار آحاد معتبر در آیات الاحکام حجتند چراکه سیره عقلا بر قبول خبر واحد و مترتب کردن آثار بر آن و عمل کردن به محتوای آن بوده و هست.

سیره علمای اسلام نیز در بخش آیات الاحکام همین بوده است که در فقه عصر ما نیز به همین شیوه عمل می‌شود.

علامه طباطبایی رحمته‌الله نیز در کتاب قرآن در اسلام تصریح می‌کند: «در میان اهل سنت،

۱. توضیح این اصطلاحات از حوصله این نوشتار خارج است، به علم الحدیث، کاظم مدیر شانه‌چی، ص ۱۴۸ و کتاب‌های دیگر در این زمینه مراجعه کنید.

نوعاً به خبر واحد که در اصطلاح «صحیح» نامیده می‌شود، مطلقاً عمل می‌کنند و در میان شیعه آن‌چه اکنون در علم اصول تقریباً مسلم است این که خبر واحد موثوق الصدور در احکام شرعیّه حجت است و در غیر آنها اعتبار ندارد»^۱.

در المیزان نیز به تکرار، به این نکته اشاره شده و در مورد آیه ۲۵۹ سوره بقره: ﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ﴾، پس از ذکر آیات می‌نویسد: «هر دو دسته خبرهای واحدند که پذیرفتن و عمل کردن به خبر واحد در غیر احکام فقهی دین، واجب نیست»^۲.

البته استناد به کلام علامه، هنگامی درست است که مقصود ایشان از «احکام شرعیّه»، احکام فقهی برداشت شده از آیات الاحکام و روایات مربوط به آنها نیز باشد. در این صورت، چون خبر واحد در احکام شرعی حجت است، بیان بر آیات الاحکام نیز هست و در این بخش تفسیر نیز حجت می‌شود.

۲. خبر واحد در غیر احکام شرعی حجت نیست، چون عمده دلیل حجیت خبر واحد، سیره عقلاست که دلیلی لبی بوده و دارای قدر متیقّن است، از این رو شامل بخش احکام نیز می‌شود که شارع نیز از آن منعی نکرده است. اما در مورد بخش غیر احکام شک می‌کنیم و از آن‌جا که عمل به ظن در تفسیر جایز نبوده و استناد مطلبی به خدا بدون اجازه او حرام است، بنابراین در این مورد قدر متیقّن حجیت خبر واحد را می‌گیریم که همان احکام عملی است.^۳

در عبارت علامه طباطبایی، چنان‌که گذشت، بیان بودن خبر واحد در تفسیر، احراز نمی‌شود، مگر آن‌که بگوییم: خبر واحد صحیح (براساس بنای عقلا) علم عادی است^۴ و

۱. قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۸۸.

۲. المیزان، ج ۲، ص ۵۸۰.

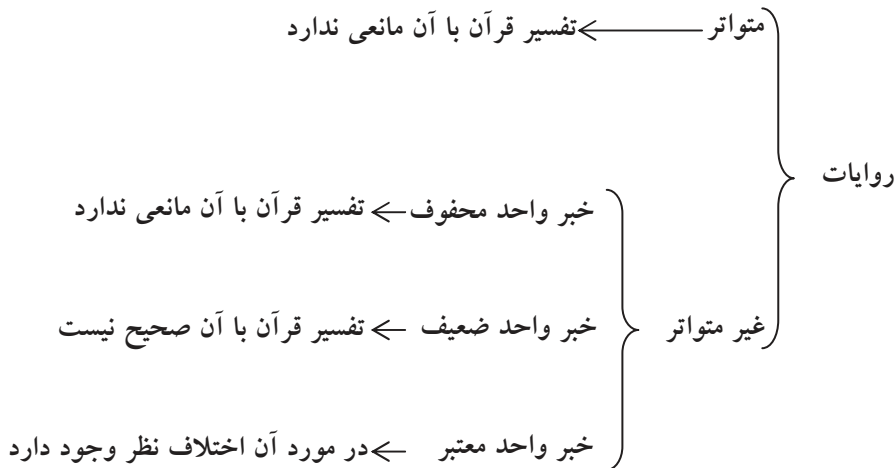
۳. البته این بر فرض آن است که اشکال مربوط به عدم ترتیب آثار عملی در اخبار غیر حوزه احکام، با بیان آیه‌الله خویی حل شود؛ و گرنه اگر کسی بر اساس مبنایی که در اصول فقه در مورد معنای «حجیت» انتخاب می‌کند اشکال فوق را مرتفع نداند، آن‌گاه حجیت خبر واحد در غیر احکام از دو جهت اشکال خواهد داشت.

۴. یعنی تخصصاً از دایره ظن خارج می‌شود. این مبنای برخی از اساتید، همچون آیه‌الله صالحی مازندرانی رحمته‌الله در درس خارج اصول بود و از کلام آیه‌الله معرفت (با توجه به صحبت حضوری که در درس خارج بایشان داشتیم) قابل استفاده است.

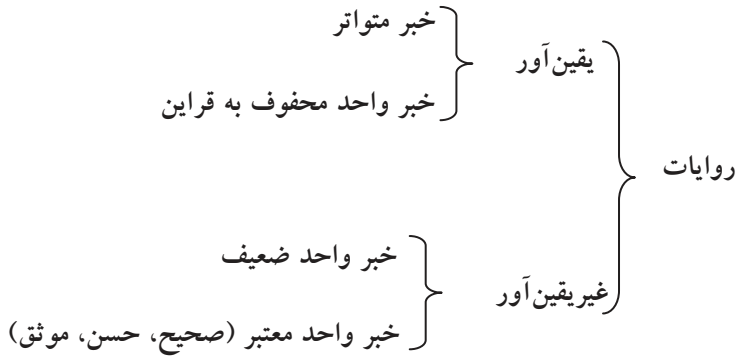
عقلا نیز با آن معامله علم می‌کنند که در این صورت، بیان برای قرآن می‌شود و قول به غیر علم و استناد مطالب غیر علمی به خدا نیست. اما باز هم می‌توان گفت که عقلا درباره امور عادی به خبر واحد اکتفا می‌کنند، ولی در مورد کارهای مهم (مثل عقاید و...) مرتبه بالاتری از علم را مورد نظر قرار می‌دهند که به وسیله خبر متواتر یا محفوف به قراین به دست می‌آید.

هنگامی که در کلمات موافقان حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن، همچون آیه‌الله خوبی دقت کنیم، متوجه می‌شویم که ایشان هم اخبار آحاد را در حوزه عقاید حجت نمی‌دانند؛ چنان‌که در کتاب اصول به این نکته تصریح کرده است.^۱ بخش زیادی از تفسیر نیز، مربوط به عقاید است که چیزی جز علم در آن معتبر نیست.

۳. نتیجه بحث این‌که در مورد حجیت خبر واحد در تفسیر، تفصیل وجود دارد؛ یعنی خبر واحد، در حوزه آیات الاحکام حجت و معتبر است، اما در غیر آنها (همچون عقاید، قصص، اشارات علمی قرآن و مطالبی همچون: عرش، کرسی و...) فاقد حجیت و اعتبار است؛ هر چند که استفاده از روایات در این حوزه‌ها، به صورتی که استناد احتمالی بدهیم، مانعی ندارد.



۱. مصباح الاصول، ج ۲، ص ۲۳۶.



کاربردهای روایات تفسیری

احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در مجموعه‌هایی گردآوری شده که به عنوان تفسیرهای روایی شناخته می‌شوند. با ملاحظه این احادیث، درمی‌یابیم که از زوایای گوناگون به آیات قرآن نظر داشته و در تفسیر آیات قرآن، نقش‌های متفاوتی را به عهده گرفته‌اند. اینک در این مبحث، مهم‌ترین کاربردها و نقش‌های احادیث تفسیری را بیان می‌کنیم:

الف) تفسیر و توضیح آیه

برخی از روایات تفسیری، لغت‌های موجود در آیه را توضیح و کلمات مجمل و مبهم را شرح داده‌اند و پرده از الفاظ مشکل قرآن برمی‌دارند که این، مهم‌ترین کارکرد تفسیر اصطلاحی است.

مثال: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾^۱؛ و بر مردم است که برای خدا آهنگ خانه [او] کنند آنهایی که توانایی رفتن به سوی او دارند.
 در این آیه، چگونگی «استطاعت» که برای حج، امری لازم است، مشخص نشده و مبهم آمده است؛ اما در حدیثی از پیامبر ﷺ مقصود از آن، «الزاد والراحلة»^۲ توشه و مرکب سواری» بیان شده است.

۱. آل عمران، آیه ۹۷.

۲. الاتقان، ج ۴، ص ۲۱۸.

مثال دیگر: ﴿وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ﴾^۱ و نخل‌های بلند قامت که میوه‌های متراکم دارند.

شخصی از پیامبر ﷺ در مورد واژه «باسقات» پرسش کرد؛ حضرت فرمود: «طولها؛ «طول آن مقصود است».

ب) تطبیق آیه بر مصداق خاص

برخی از احادیث تفسیری، مورد و مصداق آیه را بیان می‌کند. این مطلب بر سه گونه است:

۱. گاهی حدیث، یکی از مصادیق آیه را بیان می‌کند، ولی معنای آیه منحصر در آن مصداق نیست. مثال‌های این مورد در روایات فقهی فراوان است.

مثال: در مورد کفاره قسم در آیه ۸۹ سوره مائده: ﴿أَوْ كِسْفَتِهِمْ﴾، از پیامبر ﷺ پرسش شد؛ حضرت فرمود: «عباء لكل مسکین»^۲ برای هر بینوا یک عبا است».

روشن است که عبا یکی از مصادیق لباس است که باید به ده نفر بینوا داده شود و شخصی که کفاره می‌دهد می‌تواند لباس‌های دیگر هم بدهد و معنای آیه منحصر در این مصداق نیست.

۲. گاهی حدیث، مصداق «اکمل و اتم» آیه را بیان می‌کند؛ هر چند که معنای آیه منحصر در آن مصداق نیست.

مثال: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^۳

در احادیث آمده که مقصود از «صراط مستقیم» در این آیه، امام علی عليه السلام است.^۴ روشن است که این گونه احادیث، یکی از مصادیق کامل راه مستقیم را بیان می‌کنند که راه امام علی عليه السلام است. و گرنه راه پیامبران و امامان دیگر نیز راه مستقیم است.

۳. گاهی حدیث، مصداق خاص آیه را بیان می‌کند که معنای آیه منحصر در آن مورد است و مصادیق دیگری ندارد.

۱. ق، آیه ۱۰.

۲. الاتقان، ج ۴، ص ۲۲۱.

۳. حمد، آیه ۶.

۴. المیزان، ج ۱، ص ۴۱.

مثال: در مورد آیه ولایت (مائده، آیه ۵۵): ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...﴾ آیه مباهله (آل عمران، آیه ۶۱): ﴿نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ...﴾ و آیه تطهیر (احزاب، آیه ۳۳): ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ...﴾ احادیث متعددی است که مصداق این آیات را امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام بیان کرده‌اند.^۱ ولی این آیات به گونه‌ای هستند که با توجه به روایات، مصادیق دیگری ندارند.^۲

ج) بیان جزئیات آیات الاحکام

گاهی احادیث، برخی مطالب جزئی آیه را توضیح می‌دهند که در متن قرآن نیست و از طریق سنت به ما می‌رسد و برای ما حجت است. این قسم نیز بر چند گونه است:

۱. تخصیص آیه عام به وسیله روایت

مثال: آیه ﴿بُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾^۳

سهم ارث فرزندان پسر را دو برابر دختران مشخص کرده است، ولی این مطلب در سنت در مورد قاتل و کافر تخصیص خورده است؛ یعنی فردی که قاتل پدر باشد یا فرزندی که کافر باشد از پدر مسلمان ارث نمی‌برد.^۴

مثال دیگر: ﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾^۵ «زنانی که طلاق داده شده‌اند، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه (و پاک شدن) انتظار بکشند (وعده نگه دارند).

این آیه عام است و شامل همه زنان مطلقه می‌شود، ولی در سنت، این حکم عام تخصیص خورده به مواردی که شوهر با همسرش نزدیکی کرده باشد (دخول شده باشد) و زنانی که این گونه نباشند چنین عده‌ای ندارند.^۶

۲. تقیید آیه مطلق به وسیله روایت

مثال: ﴿مَنْ بَعْدَ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ﴾^۷ تقسیم ارث بین وارثان بعد از انجام وصیتی

۱. مجمع البیان، المیزان و تفسیر نمونه، ذیل آیات و نیز کتاب آیه التطهیر، سید علی موحد ابطحی.

۲. تسنیم، آیه‌الله جوادی آملی، ص ۱۶۹.

۳. نساء، آیه ۱۱.

۴. کافی، ج ۷، ص ۱۴۰ و ۱۴۳ (باب میراث القاتل و میراث اهل الملل).

۵. بقره، آیه ۲۲۸.

۶. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۵۶، ذیل آیه (البته این مطلب از آیه ۴۹، احزاب نیز قابل استفاده است).

۷. نساء، آیه ۱۲.

است که کرده‌اند و بعد از پرداخت بدهی (میّت).

این وصیت در آیه مطلق آمده و مقدار آن مشخص نشده است؛ ولی در سنت بیان شده که وصیت افراد که بدان عمل می‌شود نباید از مقدار ثلث اموال آنها تجاوز کند.^۱

۳. توضیح عناوین خاص تکلیفی که در قرآن آمده است:

مانند صلوة، زکات، حج و جهاد که در آیات قرآن از آنها نام برده شده است و در احادیث توضیح داده شده که مقصود از آنها چیست؛ یعنی حقیقت شرعی و معنای اصطلاحی آن در شریعت را بیان می‌کنند.^۲

مثال: پیامبر ﷺ با کلام خود «نماز را همان گونه که می‌بینید من به جا می‌آورم، به جا آورید.»^۳ و با عمل خویش واژه «صلوة» را توضیح می‌دهد و جزئیات آن را بیان می‌کند و روشن می‌سازد که معنای لغوی صلوة (دعا) مقصود نیست.

۴. بیان موضوعات احکام، مانند قتل عمد و خطا که در قرآن آمده است، ولی توضیح آن در احادیث بیان شده و این موضوعات را روشن کرده است تا احکام خاص شامل آنها شود.

د) بیان آیات ناسخ و منسوخ در احادیث

برخی آیات قرآن به وسیله برخی دیگر نسخ شده است؛ یعنی زمان حکم آیه منسوخ، به پایان رسیده و حکم آیه ناسخ جانشین آن گردیده است. این موارد در احادیث بیان شده‌اند.

مثال: ﴿وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا... رَحِيمًا﴾^۴

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این آیات به وسیله آیه جلد (صد تازیانه زدن زناکار) (نور، آیه ۲) و حدیث رجم (سنگسار کردن زناکار که در سنت آمده) نسخ شده است.^۵ البته نظیر این احادیث فراوان است و عمل به آنها نیاز به بحث فقهی - اجتهادی دارد.

۱. وسایل الشیعة، کتاب الوصایا، باب ۶۷، حدیث ۴؛ باب ۶۶، حدیث ۱.

۲. التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳. «صلوا کما رأیتونی أصلی»؛ بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۷۹.

۴. نساء، آیه ۱۵.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷ و ۲۲۸.

ه) بیان شأن نزول آیات در احادیث

بسیاری از احادیث، بیانگر اسباب النزول آیات قرآن هستند؛ یعنی زمان و مکان، یا واقعه‌ای را که طی آن یا پس از آن آیه‌ای نازل شده، بیان می‌کند که غالباً این مطلب در روشن شدن مفاد آیه تأثیر به‌سزایی دارد. این گونه احادیث در تفسیر البرهان، نورالثقلین، درالمنثور و نیز در کتاب‌های اسباب النزول، جمع‌آوری شده‌اند.

و) بیان بطن و تأویل آیات در احادیث

برخی از احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام بطن و تأویل آیات را بیان می‌کنند؛ هرچند بیان بطن و تأویل آیه، در فهم عمیق آیه به ما کمک می‌کند و گاه در تفسیر آیه نیز تأثیر می‌گذارد. به رغم این‌که از نظر اصطلاحی، تأویل و بطن، جزئی از تفسیر به شمار نمی‌آیند، اما روش مرسوم مفسران آن است که بطن و تأویل آیه را نیز در کتاب‌های تفسیر می‌آورند. به هر حال یکی از کاربردهای روایات تفسیری همین بیان تأویل و بطن آیه است.^۱

مثال: ﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَ ثَهُم رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ أَن كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾.^۲

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که در مورد این آیه فرمود: «من حرق أو غرق - ثم سكت - ثم قال: تأويلها الأعظم أن دعاها فاستجاب له». هم‌چنین از امام باقر علیه‌السلام حکایت شده که فرمود: «قال من حرق أو غرق». قيل: «فمن أخرجها من ضلال إلى هدى، قال: تأويلها الأعظم».^۳

ظاهر آیه شریفه در مورد کشتن ظاهری انسان‌ها است که کشتن یک نفر، مثل کشتن همه مردم و زنده کردن یک نفر، مانند زنده کردن همه مردم است؛ اما از روایت

۱. البته بطن و تأویل، معانی متعددی دارد که در مبانی تفسیر مورد بحث قرار می‌گیرد. (خوانندگان برای اطلاع بیشتر مراجعه کنند به: التفسیر و المفسرون، آیه‌الله معرفت، ج ۱، ص ۲۴ به بعد).

۲. مانده، آیه ۳۲.

۳. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۱.

می‌توان دریافت که تأویل^۱ آیه یک قاعده کلی است که کشتن بدن ظاهری و احیای آن یکی از مصادیق آن است و گمراه کردن و هدایت کردن افراد نیز مصداق دیگر آن است، چرا که زنده ساختن و کشتن روح افراد است.

مثال دیگر: ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾^۲

از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه حکایت شده که فرمود: «الميزان الذي وضعه الله للأمام، هو الامام العادل الذي يحكم بالعدل»^۳ از امام رضا علیه السلام نیز حکایت شده که فرمود: «الآن تطغوا في الميزان»، یعنی «لا تعصوا الامام» و هم چنین: «اقيموا الوزن بالقسط»، «اقيموا الإمام بالعدل». «ولا تخسروا الميزان»، «لا تبخسوا الامام حقه»^۴.

و نیز در مورد آیه ۴۷ سوره انبیاء: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ از امام صادق علیه السلام نقل شده که مقصود، پیامبران و اوصیای آنان هستند. در روایت دیگر آمده «نحن الموازين القسط»^۵.

ظاهر آیه، ترازوی معمولی است که به مردم دستور می‌دهد که براساس عدالت وزن کنند و در هنگام ترازو، کم فروشی نکنند، ولی از روایت می‌توان دریافت که بطن آیه، قاعده کلی است و «میزان» معنای گسترده‌ای دارد که هر وسیله سنجش را شامل می‌شود و یکی از مصادیق آن، ترازوی معمولی و دیگری امام عادل است که وسیله سنجش اعمال مردم است.

تذکره ۱: گاه احادیث تفسیری در صدد آموزش روش صحیح تفسیر قرآن و منع روش غیر صحیح تفسیر هستند. همان‌طور که در گفتار مربوط به تفسیر قرآن به قرآن بیان شد (پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اقدام به تفسیر قرآن به قرآن نموده‌اند)، این مطلب در روایات تفسیری بیان شده و گاه به ما آموزش داده‌اند که تفسیر قرآن به قرآن چگونه است.

۱. ممکن است مقصود از تأویل در این‌جا همان بطن باشد.

۲. الرحمن، آیه ۷ تا ۹.

۳. تأویل الآيات الظاهرة، سید شرف الدین استرآبادی، ج ۲، ص ۶۳۲ و ۶۳۳.

۴. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۰۷-۱۰۸ ذیل آیات.

۵. همان، ج ۳، ص ۳۴۱.

هم‌چنین در مبحث تفسیر به رأی بیان شد که پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ روش تفسیر به رأی را ممنوع دانسته و مردم را از آن دور داشته‌اند و این مطلب نیز، در روایات تفسیری آمده است.

هر چند که این مطالب نیز از کاربردهای احادیث تفسیری است، اما از آن‌جا که به مباحث روشی تفسیر - نه محتوایی آن - مربوط می‌شود، جزء کاربردها ارائه نشده است.

تذکره ۲: روایات تفسیری صحابه و تابعین نیز از کاربردهایی در تفسیر قرآن برخوردار هستند؛ مانند روشن کردن معنای لغوی، بیان شأن نزول آیات و حکایت روایات پیامبر ﷺ که در مبحث حجیت سنت در تفسیر قرآن مورد بررسی قرار گرفت.

معرفی تفسیرهای روایی

برخی از تفسیرهای روایی در تاریخچه و لابه‌لای بحث بیان شد؛ ولی لازم است که فهرست مشهورترین و مهم‌ترین آنها ارائه شود.

الف) مهم‌ترین و مشهورترین تفسیرهای روایی شیعه

۱. تفسیر منسوب به امام علی ﷺ (مصحف علی بن ابی طالب): قرآنی که امام علی ﷺ جمع‌آوری کرد به ترتیب نزول بود و روایات تفسیری آن، یعنی توضیحات، تأویلات و شأن نزول در این کتاب، اکنون در دسترس ما نیست؛ ولی از این مطلب می‌توان دریافت که آن حضرت در صدر مفسران قرار دارد.^۱

۲. تفسیر ابن عباس: این کتاب با نام تنویر المقباس فیروزآبادی (م ۸۱۷) و صحیفه علی بن ابی طلحة مشهور شده است. باید به این نکته یادآور شد که بیشتر استفاده تفسیری ابن عباس از علی ﷺ بوده است.^۲

۳. تفسیر امام باقر ﷺ (۵۷ - ۱۱۴ ق): ابن ندیم بر آن است که این تفسیر را ابوالجارود (م ۱۵۰) روایت کرده است. بسیاری از روایات این تفسیر در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است.^۳

۱. سیر تطوّر تفاسیر شیعه، ایازی، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۳۸؛ الذریعة، ج ۴، ص ۲۳۹.

۴. تفسیر منسوب به امام صادق علیه السلام (۸۳ - ۱۴۸ق): کتاب مصباح الشریعة و تفسیر جعفر الصادق در کتاب حقایق التفسیر القرآنی، به آن حضرت منسوب است.^۱
۵. تفسیر قمی، اثر علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (متوفای حدود ۳۰۷ ق): در مورد اعتبار روایات این کتاب، اختلاف نظر وجود دارد.^۲
۶. تفسیر فرات کوفی، اثر ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات (متوفای ۳۰۷ ق).
۷. تفسیر عیاشی، اثر ابو نصر محمد بن عیاش سمرقندی (متوفای بعد از ۳۲۰ ق). این کتاب مشهورترین تفاسیر روایی شیعه است که اسناد آن حذف شده است.^۳
۸. تفسیر نعمانی، اثر محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (متوفای ۳۲۴ ق): علامه مجلسی در بحرالانوار آن را با عنوان ما ورد عن امیرالمؤمنین فی اصناف آیات القرآن و انواعها بروایة النعمانی نقل کرده است. این تفسیر دارای نگرشی موضوعی به مسائل مهم قرآنی است. همین تفسیر با عنوان رسالة المحکم و المتشابه علم الهدی (م ۴۳۶ ق) نیز چاپ شده است.^۴
۹. تفسیر منسوب به امام حسن عسگری (م ۲۵۴ ق): این تفسیر را محمد بن قاسم استرآبادی (۳۵۰ ق) از دو شاگرد آن حضرت: ابو یعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن یسار نقل کرده است. در مورد صحت سند و اعتبار این کتاب اختلاف نظر وجود دارد.^۵
۱۰. تفسیر صافی، اثر محمد بن مرتضی مشهور به ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ق): در این تفسیر علاوه بر احادیث، لغت و توضیح آیات نیز آمده است.
۱۱. البرهان، تألیف سید هاشم حسینی بحرانی (م ۱۱۰۷ ق): این کتاب کامل‌ترین تفسیر روایی شیعه است؛ اما برخی روایات ضعیف در آن وجود دارد.^۶
۱۲. نور الثقلین، تألیف عبد علی بن جمعه عروسی هویزی (م ۱۱۱۲ ق): این کتاب نیز از تفسیرهای کامل روایی شیعه بوده و دارای نظم بهتری نسبت به برهان است.

۱. همان، ص ۳۴ - ۳۹.

۲. التفسیر والمفسرون، آیه‌الله معرفت، ج ۲، ص ۳۲۵ به بعد.

۳. همان، ص ۳۲۲ و سیر تطور تفاسیر شیعه، ص ۵۰.

۴. سیر تطور تفاسیر شیعه، ص ۵۲ - ۵۳؛ و نیز رک: تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، سیدحسن صدر، ص ۳۱۸.

۵. همان، ص ۵۳ - ۵۴؛ التفسیر و المفسرون، آیه‌الله معرفت، ج ۱، ص ۴۷۸.

۶. مقدمه محمدمهدی آصفی بر تفسیر برهان، سیر تطور تفاسیر شیعه، ص ۱۱۶.

برخی، تفسیرهای دیگری همچون کنزالدقایق و بحر الغرائب، اثر میرزامحمد مشهدی قمی (۱۱۲۵ ق) و منهج الصادقین فی الزام المخالفین، اثر ملا فتح الله کاشانی را نیز از جمله تفسیرهای روایی شمرده‌اند.^۱ البته تفسیرهای روایی شیعه، افزون از موارد مذکور بوده و از نظر سند و متن، قابل نقد و بررسی هستند. دانش پژوهان می‌توانند به منابع مستقل در این زمینه مراجعه کنند.^۲

ب) مهم‌ترین و مشهورترین تفسیرهای روایی اهل سنت

۱. جامع البیان، اثر ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری (۲۲۴-۳۱۰ ق): در این تفسیر، روایات ضعیف و اسرائیلیات وجود دارد.^۳
۲. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، اثر جلال الدین ابوالفضل عبدالرحمن بن بکر بن محمد السیوطی (۹۱۱ ق): در این کتاب، روایات تفسیری پیامبر ﷺ و اصحاب آن حضرت آمده است. روایات اسرائیلیات و احادیث جعلی نیز در آن وجود دارد.^۴
۳. تفسیر ابن کثیر، اثر حافظ عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمرو بن کثیر، دمشقی (متوفای ۷۷۴ ق): در این کتاب، تفسیر روایات پیامبر ﷺ، سخنان صحابه و تابعین آمده و گاه در آن به نقد احادیث می‌پردازد و می‌کوشد تا از اسرائیلیات دوری کند.^۵
۴. تفسیر ابن عطیه (المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز)، اثر ابو محمد عبدالحق بن غالب بن عطیه اندلسی مغربی قرناطی (م ۴۸۱ ق): وی روایات تفسیری را در کتاب خود مورد نقد و بررسی قرار داده است.

۱. التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۲، ص ۳۳۸ و ۳۴۶.

۲. همان؛ طبقات مفسرین شیعه؛ سیر تطوّر تفاسیر شیعه.

۳. التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۲، ص ۳۱۳؛ التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۱، ص ۲۱۲ و ۲۱۵.

۴. التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۲، ص ۳۳۴.

۵. همان، ص ۳۴۰.

چکیده

در درس پنجم، مطالب زیر بحث و بررسی شد:

۱. معنای احادیث متواتر و خبر واحد محفوف به قراین، بیان شده و روشن گردید که این‌گونه احادیث در تفسیر قرآن معتبرند، چرا که یقین‌آور هستند.
۲. با بیان اقسام خبر ضعیف روشن شد که اخبار ضعیف در تفسیر قرآن حجت نیستند؛ مگر آن‌که به عنوان شاهد در تفسیر آیات از آنها استفاده شود.
۳. در مورد حجیت خبر واحد معتبر در تفسیر قرآن، تفصیل وجود دارد. بدین معنا که این اخبار در بخش آیات الاحکام حجت بوده و در مورد تفسیر آیات دیگر حجت نیستند.
۴. کاربردهای روایات در تفسیر قرآن عبارتند از:
تفسیر و توضیح الفاظ آیه؛ تطبیق آیات بر مصادیق؛ بیان جزئیات آیات الاحکام و مخصّصات و مقیدات آنها؛ بیان آیات ناسخ و منسوخ؛ بیان شأن نزول آیات و بیان بطن و تأویل آیات.
۵. مهم‌ترین و مشهورترین تفاسیر روایی شیعه ۱۳ مورد و اهل سنت ۶ مورد ارائه شدند. گاه در این تفاسیر، احادیث جعلی و اسرائیلیات وجود دارد که نیازمند بررسی سندی و متنی است.

پرسش

۱. روش تفسیر روایی و تفسیر به مأثور را تعریف نموده و تفاوت آنها را بنویسید.
۲. روش تفسیر روایی از چه زمانی و توسط چه کسی شروع شد؟ آیه‌ای از قرآن و روایتی را به‌عنوان شاهد ارائه نمایید.
۳. دلایل حجیت سنت پیامبر ﷺ در تفسیر قرآن را بیان کنید.
۴. دلایل حجیت سنت اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن را بیان کنید.
۵. نقش سخنان صحابه و تابعین در تفسیر قرآن چیست و اعتبار آن تا چه اندازه است؟
۶. چهار کاربرد روایات تفسیری را نوشته و برای آن دو مثال بزنید.
۷. اقسام روایات یقینی و غیر یقینی را بر شمرده و کدام یک در تفسیر قرآن حجت هستند؟

۸. توضیح دهید که در مورد احادیث ضعیف در تفسیر قرآن چه باید کرد؟ روش علامه طباطبایی در این باره چیست؟
۹. دیدگاه تفصیل (مختار) در حجیت خبر واحد در تفسیر را بنویسید.
۱۰. ده کتاب از تفسیرهای روایی شیعه و اهل سنت را نام برده و نام مشهور نویسندگان آنها را بنویسید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. تفسیر تسنیم، آیه‌الله جوادی آملی، ج ۱، نشر اسراء.
۲. التفسیر و المفسرون، آیه‌الله معرفت، ج ۱ و ۲.
۳. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۳ و ...
۴. البیان، آیه‌الله خویی.
۵. الاسراءیلیات و اثرها فی کتب التفسیر، رمزی نعنانه، نشر دارالقلم، دمشق، ۱۳۹۰ ق.
۶. طبقات مفسرین شیعه، دکتر عقیقی بخشایشی.
۷. سیر تطوّر تفاسیر شیعه، ایازی.
۸. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سید رضا مؤدب.
۹. التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی.
۱۰. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه.
۱۱. مجله تخصصی حدیث، ش ۳ و ۸، مقاله‌های دروغ پردازان در حوزه حدیث شیعه و اهل سنت، از محمدعلی رضایی اصفهانی.

پژوهش‌های جدید

۱. دلایل حجیت قول صحابه و تابعین در تفسیر را جمع‌آوری، بررسی و نقد کنید.
۲. تفاوت‌های منبع، وسیله و قرینه بودن روایات در چیست؟
۳. در مورد صحابه پیامبر ﷺ تحقیق کنید که کدام یک از آنان روایات تفسیری بیشتری دارند و در تفسیر مشهورترند، چرا؟
۴. با بررسی روایات تفسیر البرهان و درالمنثور کاربردهای دیگر برای روایات تفسیری بیابید و تحلیل کنید.

۵. با بررسی روایات تفسیر نورالثقلین، مواردی را که در احادیث، آیات قرآن به وسیلهٔ سنت پیامبر ﷺ تفسیر شده‌اند جمع‌آوری و تحلیل کنید.
۶. در یک جزء تفسیر نورالثقلین جست‌وجو نموده و احادیث متواتر لفظی و معنوی را جمع‌آوری و نوع تواتر (معنوی یا لفظی) آن را مشخص سازید.
۷. در مباحث روایی تفسیر المیزان جست‌وجو نموده و مواردی که علامه از روایات تفسیری ضعیف به عنوان شاهد تفسیر استفاده کرده است را جمع‌آوری و تحلیل کنید.
۸. نمونه‌هایی از روایات اسرائیلیات در مورد سورهٔ یوسف و قصه‌های هاروت و ماروت (ذیل آیهٔ ۱۰۴ بقره) را جمع‌آوری و نقد و بررسی کنید.
۹. در مورد احادیث جعلی در روایات تفسیری شیعه و اهل سنت جست‌وجو نموده و نمونه‌های آن را جمع‌آوری و نقد و بررسی کنید.
۱۰. تفسیرهای روایی شیعه را در قرن اول و دوم به‌طور کامل برشمرده و مشخصات و روش هر یک را بنویسید.
۱۱. اعتبار تفسیرهای قمی، امام عسگری علیه السلام و عیاشی را بررسی کنید.
۱۲. تفسیرهای روایی اهل سنت را قرن به قرن به ترتیب بشمارید.
۱۳. تفسیر روایی طبرسی را معرفی نموده و روایات اسرائیلیات را در آن جست‌وجو کنید.

بخش چهارم

روش تفسیر عقلی و اجتهادی

مقدمه

واژگان

تاریخچه

معنای تفسیر عقلی

چکیده

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

روش تفسیر عقلی و اجتهادی (۱)

اهداف آموزشی: (۱) شناخت کاربردهای عقل در تفسیر قرآن؛ (۲) آگاهی از گونه‌های روش تفسیر عقلی؛ (۳) شناخت معیارهای تفسیر عقلی معتبر.

مقدمه

در میان روش‌های تفسیری، روش تفسیر عقلی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و تعبیرها و تعریف‌های گوناگونی از آن ارائه شده و در میان مذاهب کلامی (شیعه، معتزله و اشاعره) نیز برخوردهای متفاوتی با آن شده است.

گاه از این روش، به عنوان روش تفسیر اجتهادی، گاهی تحت عنوان یکی از اقسام روش تفسیر به رأی و گاه نیز با گرایش فلسفی تفسیر از آن یاد می‌شود؛ ولی کمتر دیده شده که معنا و مفهوم روش تفسیر عقلی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. از این رو لازم است که این روش با دقت، تعریف شده و مورد ارزیابی قرار گیرد.

در این مبحث تلاش می‌شود که تعبیرهایی مختلف از عقل و روش تفسیر عقلی بیان شده و جایگاه اصلی بحث روشن شود. هم‌چنین با بررسی دلایل موافقان و مخالفان، ثابت می‌شود که روش تفسیر عقلی در تفسیر قرآن لازم بوده و ضابطه‌مند است. با روش تفسیر به رأی و تأویل‌های نابه‌جای فلسفی از آیات قرآن متفاوت است و نیز روشن می‌سازیم که روش تفسیر عقلی (با استفاده از عقل برهانی) با روش تفسیر عقلی اعم (اجتهاد در تفسیر) متفاوت است. در این‌جا از هر دو شیوه بحث می‌شود، اما روش تفسیر اجتهادی جامع به فصل مستقل منتقل می‌شود.

واژگان

در این مبحث چند واژه اساسی به کار برده می‌شود که عبارتند از:

(الف) روش؛ (ب) تفسیر؛ (پیرامون این دو واژه، در مباحث قبل توضیح داده شد.)
(ج) عقل؛ (د) اجتهاد.

عقل در لغت به معنای امساک، نگه‌داری و منع چیزی است. عقل در دو مورد کاربرد دارد:

یکم: به قوه‌ای که آماده قبول دانش است اطلاق می‌شود. همان چیزی که اگر در انسان نباشد، تکلیف از او برداشته می‌شود. در احادیث از این عقل تمجید شده است.

دوم: به علمی که انسان به وسیله این قوه کسب می‌کند، عقل گویند. همان چیزی که قرآن کافران را به دلیل تعقل نکردن مذمت کرده است.^۱ در این مورد می‌توان به احادیث پیامبر ﷺ^۲ و اشعار امام علی علیه السلام^۳ استناد کرد.

نویسنده کتاب التحقیق نیز در مورد معنای عقل می‌نویسد:

«اصل ماده عقل، همان تشخیص صلاح و فساد، در جریان زندگی مادی و معنوی، سپس ضبط نفس و منع آن بر همان مطلب است و از لوازم عقل، امساک، تدبّر، نیکویی فهم، ادراک و انزجار و شناخت چیزهایی است که در زندگی مورد نیاز بوده و نیز تحت برنامه عدل و حق قرار گرفتن و نگه‌داری خود از هوس‌ها و تمایلات است».

از نگاه این نویسنده: «قوای نفس با نفس انسان متحد است و از آن جمله عقل نظری و عملی است. عقل نظری به لحاظ ما فوق آن، یعنی مبادی عالیه گفته می‌شود که به آن قوه ادراک نیز می‌گویند؛ و عقل عملی به لحاظ مادون آن است که این عقل مبدأ تحریکات بدنی و اعمال خارجی است. پس تشخیص مصالح و مفاسد مربوط به عقل نظری و ادراک است و ضبط نفس و منع آن مربوط به عقل عملی است».^۴

۱. مفردات راغب اصفهانی، ماده عقل.

۲. عن رسول الله ﷺ: «ما كسب احد شيئا افضل من عقل يهديه الى هدى او يرده عن ردي».

رأيت العقل عقلين فمطبوع ومسموع
ولا ينفع مسموع اذا لم يك مطبوع

۳. دیوان امام علی علیه السلام، ص ۱۲۱؛ احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۸۶.

۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۹۶-۱۹۸.

استاد ایازی در این مورد می‌نویسد: «مقصود از عقل، حکم نظری به ملازمه بین حکم ثابت شرعی یا عقلی و بین حکم شرعی دیگر یا ملازمه بین عقیده ثابت قطعی و بین عقیده دیگر است؛ مثل حکم عقل به ملازمه بین مسئله اجزاء و مقدمه واجب و...»^۱

آیه‌الله جوادی آملی نیز در مورد تفسیر عقلی معتقد است: منظور از عقل در این جا «عقل برهانی» است که از مغالطه و وهم و تخیل محفوظ باشد؛ یعنی: عقلی که با اصول و علوم متعارف خویش، اصل وجود مبدأ جهان و صفات و اسمای حسنی او را ثابت کرده است.^۲

بررسی

از مجموع مطالب می‌توان دریافت که عقل، گاه به نیروی فکر انسان گفته می‌شود و گاهی به مدرکات این نیرو که همان علوم کسبی است. از این رو، عقل را به عقل فطری و اکتسابی تقسیم کرده‌اند. البته گاهی نیز عقل را به عقل نظری و عملی تقسیم کرده‌اند؛^۳ اما در بحث روش تفسیر عقلی، گاهی مقصود از عقل، همان عقل فطری یا نیروی فکر و قوه ادراک و تعقل است. این، در موردی است که تفسیر عقلی و اجتهادی به یک معنا استعمال می‌شود.

گاه مقصود از عقل، همان عقل اکتسابی یا مدرکات عقل است که به عنوان قراین عقلی یا دلایل عقلی در تفسیر قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد. حکم نظری عقل در ملازمات و عقل برهانی نیز از همین باب است. توضیح بیشتر آن در بخش دیدگاه‌ها پی می‌گیریم.

۱. المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۴۰.

۲. تسنیم، آیه‌الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۳. البته در مورد عقل عملی و نظری تعریف‌های متعددی ارائه شده است؛ گاهی اختلاف آنها را در مدرک آنها دانسته‌اند که اگر مدرک مربوط به عمل باشد، عقل عملی است و اگر مدرک مربوط به عمل نباشد، عقل نظری است. گاهی اختلاف آنها را در آن دانسته‌اند که عقل نظری مدرک کلیات است و عقل عملی مربوط به جزئیات است.

البته این بحث از حوصله این نوشتار خارج است و تأثیر چندانی در موضوع ندارد.

شرح منظومه، ملاحادی سبزواری، ص ۳۱۰؛ اشارات، بوعلی سینا، ج ۲، ص ۳۵۳؛ شواهد الربوبیه، ص ۲۰.

مقصود از اجتهاد در این‌جا کوشش فکری و به کار بردن نیروی عقل در فهم آیات قرآن و مقاصد آن است. بنابراین، اجتهاد در این‌جا از یک جهت اعم از اجتهاد مصطلح در علم اصول و فقه است، چون شامل اجتهاد در آیات الاحکام و غیر آنها می‌شود؛ یعنی تفسیر اجتهادی در برابر تفسیر نقلی است. در تفسیر نقلی تأکید بیشتر بر نقل است و در تفسیر اجتهادی، عقل و نظر و تدبّر مورد تأکید قرار می‌گیرند.^۱

بنابر آنچه گذشت به صورت خلاصه می‌توان گفت:

۱. تفسیر عقلی (به معنای اخص) عبارت است از: استفاده از قراین عقلی مثل برهان‌های عقلی در فهم و تفسیر قرآن.
۲. تفسیر اجتهادی (تفسیر عقلی به معنای اعم) عبارت است از: استفاده از نیروی فکر در فهم و تفسیر آیات (با توجه به قراین نقلی و عقلی و علمی) که البته همه روش‌های تفسیری می‌تواند زیرمجموعه تفسیر اجتهادی قرار گیرد.

تاریخچه

روش تفسیر عقلی قرآن، از پیشینه‌ای کهن برخوردار بوده و برخی معتقدند که پیامبر ﷺ به اصحاب خویش کیفیت اجتهاد عقلی در فهم نصوص شرعی (از قرآن یا سنت) را تعلیم داده است.^۲ ولی ریشه‌ها و نمونه‌های تفسیر عقلی را می‌توان در احادیث تفسیری و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام یافت.

برای مثال: عبدالله بن قیس در روایتی از امام رضا علیه‌السلام چنین می‌گوید: شنیدم که می‌فرماید: «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ»^۳ فقلت: «له يدان هكذا - و اشرت بيدي إلى يديه ؟» فقال: «لا، لو كان هكذا كان مخلوقا.»^۴

در این حدیث، حضرت با استفاده از نیروی عقل، آیه قرآن را تفسیر نموده و وجود

۱. التفسیر و المفسرون، آیه‌الله معرفت، ج ۲، ص ۳۴۹؛ اصول التفسیر و قواعد، شیخ خالد عبد الرحمن العک، ص ۱۷۶.

۲. تطوّر تفسیر القرآن، محسن عبدالحمید، ص ۹۸؛ المفسرون حیاتهم و منهجهم، ایازی، ص ۴۰.

۳. مانده، آیه ۶۴.

۴. نورالتقلین، ج ۱، ص ۶۵۰ حدیث ۲۷۹.

دست مادی را برای خدا نفی کرده است، چرا که دست داشتن خدا، مستلزم جسم بودن و مخلوق بودن اوست و ساحت الهی از این صفات منزّه است (پس مقصود از دستان خدا همان قدرت اوست).

در احادیث دیگری نیز در مورد شیء بودن خدا و عرش و کرسی و نیز مکان داشتن خدا و... تفسیرهایی عقلی از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است.^۱ چنان که امام علی علیه السلام نیز در برخی از خطبه‌های نهج البلاغه از مقدمات عقلی برای تفسیر آیات بهره برده است.^۲ البته برخی از آیات قرآن، خود در بردارنده برهان‌های عقلی است؛ مثل آیه:

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾.^۳

قرآن، خود نیز انسان‌ها را به تفکر، تعقل و تدبّر در آیات فرا می‌خواند.^۴ از این رو، مفسران قرآن لازم دیده‌اند که از نیروی فکر و استدلال‌ها و قرائن عقلی در تفسیر آیات قرآن استفاده کنند.

از این جا بود که روش اجتهادی (عقلی) در تفسیر قرآن از دوره تابعین آغاز گردید^۵ و در قرون بعدی، به ویژه به وسیله معتزله اوج گرفت و در شیعه تفاسیری همچون تفسیر تبیان اثر شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق)، مجمع البیان اثر شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ق) به وجود آمد. در بین اهل سنت تفسیر کبیر اثر فخر رازی حاصل توجه به این روش است.

این شیوه سپس در دو قرن اخیر رشد بیشتری کرد و در شیعه، تفسیر المیزان، اثر علامه طباطبایی و... به وجود آمد. در اهل سنت نیز، تفسیر روح المعانی از آلوسی (م ۱۲۷۰) و المنار از رشید رضا (۱۸۶۵ - ۱۹۳۵ م) و... حاصل آن بود.

در تفاسیر جدید جهان اسلام، معمولاً به روش تفسیر عقلی و اجتهادی در کنار روش نقلی توجه کامل می‌شود.

۱. نورالتقلین، ج ۱، ص ۷۰۶ و ۴۹۴؛ ج ۳، ص ۳۸۳؛ ج ۴، ص ۶۰۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه‌های ۱۵۲، ۱۸۴، ۲۲۸.

۳. انبیاء، آیه ۲۲.

۴. ص، آیه ۲۹؛ محمد، آیه ۲۴؛ نساء، آیه ۸۲؛ یوسف، آیه ۲؛ نحل، آیه ۴۴... (این گونه آیات را در مبحث دلایل موافقان تفسیر عقلی قسمت جایگاه عقل در قرآن، مورد بررسی قرار می‌دهیم).

۵. التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۲، ص ۳۵۰؛ ج ۱، ص ۴۳۵.

معنای تفسیر عقلی

در مورد مفاد روش تفسیر عقلی، بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد و در مورد معنای آن دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده و هر کس براساس برداشت خود در مورد این روش داوری کرده است. اینک این دیدگاه‌ها را مطرح کرده و نقد و بررسی می‌کنیم:

الف) استفاده ابزاری از قراین عقلی در تفسیر

آیه‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌نویسد:

منظور از تفسیر به عقل آن است که ما از قراین روشن عقلی که مورد قبول همه خردمندان برای فهم معانی الفاظ و جمله‌ها، از جمله قرآن و حدیث است، استمداد جوییم؛ مثلاً هنگامی که گفته می‌شود ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾^۱ «دست خدا بالای دست‌های آنهاست». عقل در این جا می‌گوید: مسلماً منظور از دست خدا عضو خاصی که دارای پنج انگشت است، نیست، زیرا خدا اصولاً جسم نیست؛ هر جسمی محدود است و فنا پذیر، خداوند نامحدود است و فناپذیر و ازلی و ابدی؛ بلکه منظور از آن، قدرت خدا است که ما فوق همه قدرت‌ها است. اطلاق دست بر قدرت، جنبه کنایه دارد، زیرا قدرت انسان از طریق دست او عملی می‌شود و در آن متمرکز است.^۲

وی در پایان بحث یادآور می‌شود:

هر جا سخن از تفسیر به عقل در میان آید منظور این گونه تفسیرهاست، نه طالب تحمیلی و سلیقه‌های شخصی و افکار علیل و پندارهای بی‌اساس.^۳

بررسی: از نگاه ایشان تفسیر عقلی به معنای استفاده از قراین قطعی عقلی در تفسیر آیات قرآن است؛ از این رو به معنای دیگر، تفسیر عقلی که همان تفکر در آیات قرآن و استنباط و اجتهاد از آنهاست اشاره نکرده‌اند؛ ولی برخی از نویسندگان، تفسیر عقلی را به همین معنای دوم گرفته‌اند که در ادامه، دیدگاه آنان را بیان می‌کنیم.

۱. فتح، آیه ۱۰.

۲. تفسیر به رأی، آیه‌الله مکارم شیرازی، ص ۳۸.

۳. همان، ص ۳۹.

ب) تفسیر عقلی، همان تفسیر اجتهادی

آیه‌الله معرفت در این باره می‌نویسد:

تفسیر اجتهادی، بر عقل و نظر تکیه می‌کند، بیشتر از آن‌که بر نقل و آثار تکیه کند تا معیار نقد و پالایش، دلالت عقل رشید و رأی درست باشد.^۱ ایشان یکی از ویژگی‌های تفسیر تابعین را اجتهاد در تفسیر و تکیه بر فهم عقلی دانسته و می‌فرماید:

آنان در مسائل قرآنی که به معانی صفات، اسرار خلقت، احوال پیامبران و مثل آنها باز می‌گشت، اعمال نظر می‌کردند و آنها را بر روش عقل عرضه می‌کردند. و بر طبق حکم عقل رشید حکایت می‌کردند و چه بسا آنها را، به آنچه موافق فطرت سالم است، تأویل می‌کردند.^۲

وی، سپس در این باره از مدرسه مکه، ابن عباس و از مدرسه کوفه، ابن مسعود را به عنوان پیشگامان این روش نام برده و مثال‌های متعددی از تفسیر عقلی و اجتهادی آنان ارائه کرده^۳ و در پایان می‌نویسد: «تفسیر عقلی، بعدها رواج یافت؛ به ویژه نزد معتزله و کسانی که راه آنان را می‌رفتند که عقل را بر ظواهر نقلی مقدم می‌شمردند.»^۴ در این باره از ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی (۲۵۵-۳۴۴) نام برده و مثال می‌آورد.

بررسی: ایشان تفسیر عقلی و اجتهادی را به یک معنا گرفته،^۵ در بخشی از کلام خویش بر «فهم عقلی» آیات پافشرده و در بخش دیگر بر «حکم عقل رشید» تأکید کرده است. ولی مرز بین این دو را به‌طور کامل روشن نکرده است، چرا که در دیدگاه قبلی ملاحظه شد که بر قسم دوم (احکام عقلی به عنوان قراین عقلی در تفسیر قرآن) تأکید می‌شد و این، غیر از اجتهاد در فهم آیات قرآن است که برخی از صاحب‌نظران، همچون آیه‌الله جوادی این قسم اخیر را تفسیر عقلی ندانسته و جزئی از تفسیر ماثور

۱. التفسیر و المفسرون فی ثوبه الشیب، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۳۵.

۳. همان، ص ۴۳۵-۴۳۹.

۴. همان، ص ۴۴۰.

۵. یکی دیگر از کسانی که تصریح کرده تفسیر عقلی به معنای اجتهادی است، علی آلوسی در کتاب روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ص ۲۴۶ است.

(روایی و نقلی) دانسته است.^۱ پس باید روشن شود که مقصود آیه‌الله معرفت از تفسیر عقلی کدام قسم است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی که از دیدگاه صاحب‌نظران بیان شد و با توجه به نقد و بررسی سخنان ایشان، می‌توان گفت که روش تفسیر عقلی قرآن عبارت است از:

الف) استفاده‌ی ابزاری از برهان و قراین عقلی در تفسیر، برای روشن کردن مفاهیم و مقاصد آیات قرآن، که در این صورت عقل منبع و ابزار تفسیر قرآن شده و احکام و برهان‌های عقلی قرآینی برای تفسیر آیات قرار می‌گیرند. از این عقل با عنوان عقل اکتسابی و احکام عقلی قطعی یا عقل برهانی یاد می‌شود.

ب) استفاده از نیروی فکر در جمع‌بندی آیات (همراه با توجه به روایات، لغت و...) و استنباط از آنها برای روشن ساختن مفاهیم و مقاصد آیات. حاصل این مطلب همان تفسیر اجتهادی قرآن است و در این صورت عقل مصباح و کاشف است. از این عقل نیز با عنوان عقل فطری یا نیروی فکر و قوه‌ی ادراک یاد می‌شود.

البته بنابر دیدگاه مشهور، هر دو گونه جزئی از روش تفسیر عقلی قرآن هستند، اما با دقت در مطالب روشن می‌شود که قسم دوم (ب) به‌طور تسامحی به نام تفسیر عقلی خوانده می‌شود و در حقیقت، تفسیر عقلی همان قسم اول (الف) است.

۱. سخن ایشان در ادامه‌ی مباحث می‌آید.

چکیده

در درس ششم، با طرح مطالبی درباره روش تفسیر عقلی، به نتایج زیر دست یافتیم:

۱. تفسیر عقلی از جایگاه ویژه‌ای در روش‌های تفسیری برخوردار است و مورد نقض و ابرام مذاهب (شیعه، معتزله و اشاعره) قرار گرفته و معانی متفاوتی از آن ارائه شده است.
۲. در مبحث واژگان، مقصود از «روش، تفسیر و عقل» روشن شد. در مورد عقل بیان شد که گاه، عقل فطری یا نیروی فکر مراد است و گاه عقل اکتسابی یا مدرکات و برهان عقلی، که هر دو در تفسیر کاربرد دارند.
۳. برخی از صاحب‌نظران، تاریخچه تفسیر عقلی را از عصر پیامبر ﷺ دانسته‌اند، ولی ریشه‌های این روش را در روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان یافت و در دوره تابعین نیز، توجه بیشتری به آن شد و در قرون بعد اوج گرفت.
۴. دیدگاه‌هایی درباره تفسیر عقلی بیان شد که برخی، استفاده ابزاری از برهان و فراین عقلی را تفسیر عقلی دانسته و برخی، استفاده از نیروی فکر در جمع‌بندی آیات و احادیث را تفسیر عقلی برشمرده و برخی نیز، هر دو را مطرح کرده‌اند. در پایان، به این نتیجه رسیدیم که در حقیقت، تفسیر عقلی، قسم اول است؛ ولی در اصطلاح مشهور (و با تسامح) قسم دوم نیز از تفسیر عقلی به شمار می‌آید.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

روش تفسیر عقلی و اجتهادی (۲)

دلایل

صاحب‌نظران در مورد روش تفسیر عقلی و اجتهادی، دلایلی در مخالفت و دلایلی بر موافقت ارائه نموده‌اند. البته در بیان این استدلال‌ها، دو قسم تفسیر عقلی (تفسیر عقلیه معنای اخص یعنی کاربرد برهانی عقل و تفسیر اجتهادی) از هم تفکیک نشده‌اند؛ بلکه دلایلی که به صورت کلی بیان شده، اکثراً ناظر به جواز تفسیر اجتهادی هستند؛ یعنی جایز بودن کاربرد عقل در فهم آیات و استنباط از آنها و قابل فهم بودن آیات قرآن را اثبات کرده‌اند. اینک به اختصار مهم‌ترین دلایل را بیان نموده و مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) قرآن

قرآن کریم به تکرار مردم را به تعقل و تدبّر در آیات فرا خوانده^۱ و کسانی را که در قرآن تدبّر نمی‌کنند، مورد سرزنش قرار می‌دهد.^۲

اگر عقل از نظر خدا و قرآن اعتبار نداشت، این همه دعوت به تفکر و تعقل بی‌معنا

۱. ﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انبیاء، آیه ۱۰)؛ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (یوسف، آیه ۲ و مشابه آن در: ص، آیه ۲۹ و قمر، آیه ۱۷).
 ۲. ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد، آیه ۲۴).

و بی‌فایده بود. نتیجه تدبّر و تفکر در آیات نیز چیزی جز تفسیر عقلی و اجتهادی نخواهد بود.^۱

ب) روایات

در احادیث، جایگاه ویژه‌ای برای عقل وجود داشته و مورد تکریم قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که عقل به عنوان حجت باطنی معرفی شده است.

امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند: «انّ لله على الناس حجّتين: حجّة ظاهرة و حجّة باطنة؛ فأما الظاهرة فالرسل و الانبياء و الأئمة و اما الباطنة فالعقول».^۲

اگر عقل، حجت باطنی انسان است، پس اگر چیزی را درک کرد و به‌طور قطعی حکمی نمود، برای انسان‌ها حجت است و باید طبق آن عمل کنند و گرنه حجیت آن بی‌معنا خواهد بود.

تذکر: البته کاربرد حجیت عقل در دو جهت است:

یکم: این‌که عقل انسان به صورت نیروی ادراک و تعقل عمل کند و مصالح و مفاسد و تکالیف را بشناسد و چراغ راه انسان شود. این همان چیزی است که پس از بلوغ، معیار تکلیف افراد است و کارکرد عالی این عقل همان جمع‌بندی دلایل، اجتهاد و استنباط است.

دوم: این‌که عقل انسان به احکامی قطعی حکم می‌کند و به اصطلاح عقل برهانی شود، که این احکام کاشف احکام الهی هستند و در این صورت عقل منبع است. البته منبعی در طول منابع کتاب و سنت و کاشف از آنها، که انسان را از وحی بی‌نیاز نمی‌سازد.

ج) سیره

برخی از صاحب‌نظران روش تفسیر عقلی را به پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب او نسبت می‌دهند و نمونه‌هایی از این روش تفسیری را در سخنان ائمه علیهم السلام ملاحظه کردیم. لذا فعل و

۱. استاد عمید زنجانی این دلیل را با بیانی دیگر آورده است. که بیشتر امکان فهم قرآن را اثبات می‌کند. (رک: مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۳۴ و ۳۳۵).

۲. کافی، ج ۱، ص ۶.

کلام معصوم حداقل دلالت بر جواز دارد.

علاوه بر آن، سیره مستمر مفسران بزرگ اسلام همچون شیخ طوسی در تبیان و شیخ طبرسی در مجمع البیان و... آن بوده که از روش عقلی و اجتهادی در تفسیر استفاده می کرده‌اند.

این سیره مستمره که ریشه در زمان معصومین علیهم‌السلام داشته و منعی از آن نشده است، دلیلی بر جواز تفسیر عقلی و اجتهادی، بلکه مطلوب بودن آن است. استاد عمید زنجانی در مورد سیره علمای اسلام در تفسیر اجتهادی و عقلی می‌نویسد:

حتی دانشمندان اسلامی، اعم از عامه و خاصه، همواره در مسائل و مطالب مورد نیاز، به قرآن مراجعه می‌نمودند و از آیات برای حل مشکلات و معضلات و مطالب اعتقادی، علمی، عملی، اخلاقی و تاریخی استفاده می‌کردند. حتی کسانی که خود، تفسیر اجتهادی را تجویز نمی‌کردند - دانسته یا ندانسته - به آیات قرآن تمسک نموده، از آنها برای رد نظریه مزبور استعانت می‌جستند.^۱

د) بنای عقلا

روش و بنای عقلا، براساس روش تفسیر اجتهادی است که در مورد هر سخنی، به ظاهر گفتار گوینده توجه نموده، مقاصد و معانی کلام وی را از طریق قواعد ادبی، دلالت لفظی و قراین موجود به دست می‌آورند و شارع اسلام نیز این روش عقلایی را منع نکرده و روش جدیدی اختراع و ابلاغ ننموده است.^۲ از طرفی روایات تفسیری به اندازه همه آیات قرآن نبوده و تفسیر همه آیات را بیان نمی‌کنند.

علاوه بر آن، بسیاری از روایات تفسیری ضعیف و غیر معتبر هستند. بنابراین، اگر تفسیر قرآن، منحصر به منقولات شود، بسیاری از آیات تعطیل می‌شوند. درحالی‌که خدا این کتاب را برای راهنمایی بشر به زبان عربی روشن فرستاده است تا در آن

۱. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۵۱.

۲. همان، ص ۳۵۲.

دقت و تدبّر نموده، وظایف خود را دریافته و به آنها عمل کنند و به سعادت برسند. بی‌استفاده ماندن آیات با این هدف و فلسفه ناسازگار است و مستلزم نفی تکلیف و انکار جنبه جاودانی بودن قرآن خواهد بود. پس راهی جز تفکر و اجتهاد در این قسم از آیات نیست.^۱

البته آیاتی که روایات در مورد آنها آمده و نیز بسیاری از مطالب قرآن که به صورت کلی بیان شده، نیازمند تفکر، جمع‌بندی، اجتهاد و استنباط است و تطبیق آنها بر مصادیق و موارد، نیازمند اجتهاد است (اجتهاد به معنایی که در اوّل این مبحث بیان شد).

به علاوه، بخشی از آیات قرآن مشکل است؛ همچون آیات مربوط به عرش، کرسی، یدالله، سمیع و بصیر بودن خدا و آیه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا...﴾ که فهم اینها بدون دقت‌های عقلی یا بدون توجه به قراین و برهان‌های عقلی، انسان را دچار انحراف در فهم نموده و منتهی به تجسیم و تشبیه می‌شود؛ حال آن‌که خداوند از این امور منزّه است.

بررسی

دلایلی که موافقان روش تفسیر عقلی و اجتهادی ارائه کرده‌اند، فی الجمله اثبات می‌کند که عقل، حجت بوده و برهان‌های عقلی در تفسیر قرآن قابل استناد است؛ همان‌گونه که اجتهاد عقلی نیز در تفسیر لازم است.

به دیگر سخن، استفاده از برهان‌های عقلی و اجتهاد در تفسیر، به معنای بی‌نیازی از روش‌های دیگر تفسیر قرآن نبوده و ما را از مراجعه به آیات دیگر قرآن و روایات معتبر بی‌نیاز نمی‌سازد. بلکه تفسیر اجتهادی صحیح، آن است که مفسّر پس از مراجعه به قراین نقلی و عقلی، به جمع‌بندی و استنباط در تفسیر آیه بپردازد.

۱. استاد عمید زنجانی در کتاب مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۴۹، همین دلیل را با بیانی دیگر آورده است. البته ایشان به دلایل دیگری، همچون آیات زبان قرآن، هدایت و روشنگری قرآن، آیات تحدی، بزرگداشت قرآن در روایات، معیار سنجش بودن قرآن در مورد روایات، عدم ابهام قرآن و استدلال ائمه علیهم‌السلام به قرآن نیز استناد کرده است که برخی از این موارد می‌تواند شواهد خوبی برای بحث باشد (ر.ک: همان، ص ۳۳۳ - ۳۴۸).

گونه‌های تفسیر عقلی و اجتهادی

با دقت در روش تفسیر عقلی و اجتهادی و با بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران می‌توان اقسام و گونه‌های مختلفی را در تفسیر عقلی و اجتهادی یافت. اینک مهم‌ترین آن گونه‌ها و مثال‌های مناسب هر یک را بیان می‌کنیم.

الف) تفسیر اجتهادی

چنان‌که گذشت، برخی از صاحب‌نظران، تفسیر عقلی را به معنای تفسیر اجتهادی گرفته‌اند که عبارت است از: به کار بردن نیروی عقل در جمع‌بندی آیات و روایات و مطالب تفسیری و استنباط خردمندانه مفسر از آنها. این قسم از تفسیر عقلی در برابر تفسیر نقلی قرار می‌گیرد.

اجتهاد خردمندانه در چند مورد، کاربرد بیشتری دارد:

۱. در جمع بین آیات؛ یعنی در تفسیر قرآن به قرآن؛
 ۲. در جمع بین روایات و رفع تعارض آنها در تفسیر روایی؛
 ۳. در جمع‌بندی اقوال مفسران و نتیجه‌گیری از آنها؛
 ۴. در جمع بین آیات و روایات مربوط به آیات الاحکام و اجتهاد و استنباط احکام شرعی از آنها؛ از این رو ما معتقدیم هر مفسر باید در علم فقه مجتهد باشد تا در برخورد با آیات الاحکام (که آنها را بیش از پانصد آیه دانسته‌اند) بتواند نظر تفسیری نهایی خود را بیان کند؛
 ۵. فهم و تفسیر آیاتی که روایتی در مورد آن حکایت نشده است؛
 ۶. فهم مقاصد آیات قرآن و سوره‌ها؛
 ۷. فهم درس‌ها و پیام‌های عبرت آموز قصه‌های قرآنی و مجرد ساختن آنها از زمان و مکان و تطبیق قواعد و مواظب آن بر زندگی امروز بشر، برای روشن ساختن راه صحیح زندگی؛
- برای مثال: وقتی قرآن داستان زندگی حضرت یوسف علیه السلام را بیان می‌کند، به جوانان پیام می‌دهد که مراقب حيله‌ها باشید که شما را به بهانه بازی نبرند^۱ و مواظب باشید که

۱. ﴿وَأَرْسَلْنَا مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ﴾؛ (یوسف، آیه ۱۲).

اگر در شرایط سخت جنگِ شهوت قرار گرفتید، همچون یوسف مقاومت کنید تا سعادت‌مند و پیروز شوید.

۸. فهم ابعاد اعجاز قرآن (اعجاز بلاغی، علمی و...).

ب) تفسیر استفاده از عقل برهانی

همان‌طور که گذشت، برخی از صاحب‌نظران، تفسیر عقلی را به معنای استفاده از عقل برهانی و قراین عقلی در تفسیر می‌دانند. در این صورت، عقل، منبع است و احکام شرعی و حقایق کتاب الهی را کشف می‌کند.

این‌گونه از روش تفسیری در دو مورد کاربرد بیشتری دارند:

۱. گاه در این قسم از تفسیر عقلی، دلایل و برهان‌های قطعی عقلی قرینه‌ای برای تفسیر آیات قرار می‌گیرد. هرگاه ظاهر آیه‌ای با برهان عقلی منافات داشت، آن برهان قرینه‌ای می‌شود تا دست از ظاهر آیه برداریم و آن را تأویل کنیم.

مثال این مورد در تفسیر آیه **﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾**^۱ گذشت و بیان شد که عقل انسان حکم می‌کند که خدا جسم نیست و دستی مثل دست انسان ندارد و گرنه محدودیت و فناپذیری در ذات او راه می‌یابد. بنابراین مقصود از دست، همان قدرت خداست.

همین برهان و تأویل در آیات مربوط به سمیع، بصیر بودن خدا و نیز در تعبیراتی همانند **﴿جَاءَ رَبُّكَ﴾**^۲ می‌آید.

۲. گاه عقل برهانی و برهان‌های عقلی برای فهم بهتر آیات مربوط به برهان خداشناسی قرآن، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای مثال: در مورد برهان نظم که در آیات زیادی از قرآن به نمونه‌ها و مصادیق آن اشاره شده^۳ و نیز در مورد آیه **﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾**^۴ و این‌که

۱. فتح، آیه ۱۰.

۲. فجر، آیه ۲۲.

۳. انفال، آیه ۳-۱۳ و ...

۴. انبیاء، آیه ۲۲.

آیا برهان تمانع را می‌گویید یا برهان دیگر از عقل برهانی برای توضیح آیات کمک گرفته می‌شود.

معیارهای تفسیر عقلی و اجتهادی

برای آن‌که نتیجه تفسیر عقلی و اجتهادی معتبر باشد، لازم است که شرایط عام و خاص در زیر رعایت شود:

الف) شرایط عام مفسر و تفسیر معتبر^۱

همچون: آگاهی از ادبیات عرب، لغت، علوم قرآن، ممارست در تفسیر و آگاهی از نظرات مفسران، دارا بودن دانش فقه، اصول، آگاهی‌های تاریخی، جغرافیایی (در مورد جزیره العرب) و اطلاعات لازم در زمینه علوم نقلی، عقلی و تجربی.^۲

ب) شرایط خاص برای تفسیر عقلی و اجتهادی

۱. مفسر با توجه به علومی که کسب کرده و استعدادی که دارد، قادر به اجتهاد در تفسیر باشد؛

۲. توجه به تمام قراین عقلی و نقلی (از جمله روایات معتبر تفسیری) آیه، قبل از تدبّر و تفکر و استنباط و اجتهاد؛

۳. پرهیز از تحمیل رأی و نظری که از غیر قرآن به دست آمده است بر قرآن؛ یعنی مطالبی که مناسبت لفظی و معنوی با ظاهر آیه ندارد بر قرآن تحمیل نکند؛^۳

۴. استفاده از برهان‌های قطعی عقلی به عنوان قراین عقلی در تفسیر؛

تذکر: البته در تفسیر قرآن می‌توان از دو نوع دلیل استفاده کرد:

یکم: دلیل عقلی که انسان به آن قطع منطقی دارد؛ یعنی قطع او معرفت شناسانه بوده و براساس مبادی برهان پدید آمده است. این قطع در تفسیر قرآن معتبر است.

دوم: دلیلی یقینی که انسان به آن قطع روان‌شناختی دارد؛ یعنی قانع شده و یقین

۱. در مورد شرایط کامل مفسر و اطلاع از دیدگاه‌ها در این زمینه مراجعه کنید به: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، بخش اول، شرایط مفسر، از نگارنده.

۲. همان.

۳. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۳۳۳.

روانی به صحت آن پیدا کرده است؛ اما قطع او براساس مبادی برهان نیست. و تنها می‌تواند افراد قطع را قانع سازد. از این رو این قطع، فاقد مبادی فکری است و قابل انتقال به غیر نبوده و اعتباری در تفسیر قرآن ندارد؛^۱

۵. مفسری که می‌خواهد تفسیر عقلی برهانی ارائه دهد، باید به اندازه کافی با برهان‌های عقلی آشنا بوده و مقدمات منطقی و فلسفی آن را بداند و شرایط برهان و مغالطه را رعایت نماید؛

۶. مفسری که می‌خواهد تفسیر عقلی ارائه کند، باید با مسئله توهم تعارض عقل و دین و موارد تعارض تفسیر عقلی و نقلی و نیز راه حل‌های آن آشنا باشد.^۲

تذکر: روشن است که عدم رعایت شرایط مذکور و تفسیر عقلی و اجتهادی قرآن بدون آنها غالباً منتهی به تفسیر به رأی خواهد شد که حرام است.

معرفی تفاسیر عقلی و اجتهادی

براساس تقسیم‌بندی انجام گرفته در تفسیر عقلی که به دو قسم: کاربرد عقل برهانی در تفسیر و کاربرد نیروی عقل در تفسیر اجتهادی تقسیم گردید، تفاسیر عقلی و اجتهادی نیز گاه از یک و گاه از هر دو قسم بهره برده‌اند که مهم‌ترین آنها را بر می‌شماریم.

۱. تفسیر تبیان، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) ۱۰ جلد؛
۲. مجمع البیان، طبرسی (م ۵۴۸ ق) ۱۰ جلد؛
۳. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ۲۰ جلد؛
۴. تفسیر نمونه، آیه‌الله مکارم شیرازی، ۲۷ جلد؛
۵. تفسیر ابی السعود، المسمی ارشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم، ابوالسعود

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد این دو نوع قطع، ر.ک: تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲. شیخ خالد عبدالرحمن العک، ضوابط تفسیر عقلی را این گونه می‌شمارد:

(الف) معرفة التعارض بين التفسير العقلي و النقلی و قانون الترجيح في التفسير العقلي؛ (ب) معرفة وجوه تعارض الآيات؛ (ج) معرفة التعارض بين الآية و الحديث؛ (د) معرفة الاختلاف و التناقض؛ (ه) معرفة موهم الاختلاف؛ (و) معرفة الاسباب الموهمة للاختلاف؛ (ز) معرفة علم المبهمات؛ (ح) بیان وجوه الخفاء في معاني النظم القرآني (اصول التفسیر و قواعد، ص ۱۹۰).

محمد بن محمد العمادی (م ۹۵۱ ق) ۹ جلد؛

۶. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع، ابوالفضل شهاب الدین انسیه

محمود آلوسی (م ۱۲۷۰ ق) ۳۰ جلد؛

۷. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) فخرالدین رازی، ۳۰ جلد؛

۸. انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیضاوی؛

۹. مدارک التنزیل و حقایق التأویل، نسفی؛

۱۰. لباب التأویل فی معانی التنزیل، خازن؛

۱۱. البحر المحیط، ابو حیان؛

۱۲. غرایب القرآن و رغایب الفرقان، نیشابوری؛

۱۳. تفسیر الجلالین، جلال المحلی و جلال السیوطی؛

۱۴. السراج المنیر فی الاعانة علی معرفة بعض معانی کلام ربنا الحکیم الخبیر،

الخطیب الشربینی.^۱

۱. از شماره ۵ - ۱۴ را دکتر ذهبی در التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۸۹ آورده است.

چکیده

۱. موافقان تفسیر عقلی اجتهادی، به آیات قرآن (در مورد تشویق تفکر) و روایات (در دو مورد حجت بودن عقل) و سیره پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان و ائمه علیهم السلام و مفسران اسلام و نیز بنای عقلا و کمبود روایات تفسیری و مشکل بودن برخی آیات قرآن استدلال کرده‌اند که دلایل آنان مورد قبول قرار گرفت.

۲. تفسیر عقلی، گاه به دو معنای تفسیر اجتهادی (در برابر تفسیر نقلی) به کار می‌رود که گونه‌های آن در جمع بین آیات و روایات و نیز فهم مقاصد آیات و مانند آنها بیان شد.

۳. تفسیر عقلی، گاه به معنای استفاده از عقل برهانی در تفسیر به کار می‌رود که گونه‌های آن در مورد استفاده از قراین قطعی عقلی در تفسیر آیات و استفاده از برهان‌ها در فهم بهتر آیات خداشناسی بیان شد.

۴. معیارهای عام تفسیر عقلی و اجتهادی همان شرایط عام مفسر و تفسیر هستند و شرایط خاص تفسیر اجتهادی، عبارتند از: قدرت بر اجتهاد؛ توجه قراین عقلی و نقلی قبل از استنباط؛ پرهیز از تحمیل رأی؛ استفاده از برهان‌های قطعی عقلی؛ آشنایی با شرایط برهان و مغالطه و آشنایی با مسئله تعارض عقل و دین.

۵. چهارده تفسیر مهم عقلی و اجتهادی شیعه و سنی ارائه شدند.

پژوهش‌های جدید

۱. نمونه‌هایی از تفسیر عقلی و اجتهادی را در احادیث تفسیری پیامبر ﷺ گردآوری کنید.

۲. نمونه‌هایی از تفسیر عقلی و اجتهادی در احادیث تفسیری اهل بیت علیهم السلام گردآوری کنید.

۳. رابطه تفسیر عقلی و مبحث امکان فهم قرآن را بررسی کنید.

۴. دیدگاه بزرگان «معتزله» و «اشاعره» را در مورد عقل و تفسیر عقلی مقایسه کنید.

۵. عقل‌گرایی در تفسیر را نزد مفسران مصر، همچون محمد عبده و رشیدرضا

بررسی و نقد کنید.

۶. علامه طباطبایی در میزان تا چه اندازه از روش عقلی استفاده کرده است؟
۷. ضوابطی که عبدالرحمن العک در مورد تفسیر عقلی آورده است بررسی و نقد کنید.
۸. برهان‌های عقلی موجود در آیات قرآن را جمع‌آوری و تحلیل کنید.
۹. نمونه‌هایی از تفسیر اجتهادی و عقلی افراطی و تفریطی در تفسیر فخر رازی و تفسیر المنار و تفاسیر فلاسفه جمع‌آوری و تحلیل و نقد کنید.
۱۰. آیاتی از قرآن که روایات تفسیری ذیل آنها نیست و لازم است با استفاده از روش عقلی و اجتهادی تفسیر شود، جمع‌آوری و تحلیل کنید.
۱۱. نقش تفسیر عقلی اجتهادی را در اعجاز قرآن بررسی کنید.
۱۲. نمونه‌هایی از تعارضات ادعا شده بین عقل و قرآن را جست‌وجو نموده و پاسخ دهید.

پرسش‌های دو درس

۱. واژه عقل را در لغت و اصطلاح معنا کنید؟
۲. مقصود از اجتهاد در عنوان «تفسیر عقلی و اجتهادی» چیست؟
۳. تاریخچه تفسیر عقلی از چه زمانی شروع شده است؟ مثال بزنید.
۴. حداقل سه دلیل برای اثبات روش تفسیر عقلی و اجتهادی ارائه کنید.
۵. کمبود روایات تفسیری و وجود آیات مشکل در قرآن، چگونه بر لزوم تفسیر عقلی و اجتهادی دلالت می‌کند؟ مثال بزنید.
۶. گونه تفسیر اجتهادی (از اقسام تفسیر عقلی) را توضیح داده و کاربردهای آن را در تفسیر بنویسید.
۷. مقصود از استفاده عقل برهانی در تفسیر چیست؟ آن را با مثال بیان کنید.
۸. چهار معیار خاص تفسیر اجتهادی و عقلی را بنویسید.
۹. حداقل چهار تفسیر از شیعه و چهار تفسیر از اهل سنت نام ببرید که از روش عقلی و اجتهادی استفاده کرده باشند.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. تسنیم، آیه‌الله جوادی آملی، ج ۱، نشر اسراء.
۲. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، نشر اسوه.
۴. منهج تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، محمد شریفانی، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تربیت مدرس دانشگاه قم).
۵. التفسیر و المفسرون في ثوبة القشيب، آیه‌الله معرفت، ج ۱ و ۲.
۶. المفسرون حياتهم و منهجهم، استاد ایازی.
۷. التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی.
۸. اصول التفسیر و قواعدہ، شیخ خالد عبدالرحمن العک.
۹. العقل البشري في تفسیر القرآن، آیه‌الله شیخ محمد طاهر آل شبیر الخاقانی.
۱۰. عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، شادی نفیسی، دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۱۱. منهج المدرسة العقلية الحديثة في التفسیر، دکتر فهد بن عبد الرحمن بن سلیمان الرومی.
۱۲. روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، علی آلوسی.

بخش پنجم

روش تفسیر علمی قرآن

مقدمه

واژگان

نگاهی گذرا به علم

تعریف تفسیر علمی

پیشینه تاریخی تفسیر علمی

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

روش تفسیر علمی قرآن (۱)

اهداف آموزشی: ۱) شناخت روش تفسیر صحیح علمی و کاربردهای آن در قرآن؛
۲) آشنایی با تاریخچه تفسیر علمی و علل رشد آن؛ ۳) شناخت اقسام تفسیر علمی؛ ۴) شناخت معیارهای تفسیر علمی معتبر برای احتراز از تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن.

مقدمه

یکی از موضوعات گسترده و عمیق در عصر حاضر، مبحث قرآن و علوم جدید است، که ذهن بسیاری از مفسران شیعه و سنی و حتی برخی دانشمندان غیر مسلمان را به خود مشغول کرده است.

از سویی مباحث مربوط به ماهیت علم تجربی و رابطه آن با قرآن و قلمرو و حوزه‌های علم و قرآن و نیز تعارضات پنداری و ابتدایی در این مورد و از سوی دیگر، علاقه مردم و دانشمندان به این مبحث و دیدگاه‌های متفاوت مفسران و از طرف سوم، مثال‌های متنوع و زیاد، که حدود هزار آیه قرآن را در بر می‌گیرد، سبب شده است تا مبحثی گسترده به نام تفسیر علمی در روش‌شناسی تفسیر علمی پدیدار شود. البته در این باره، موضوعات و مقدمات دیگری نیز وجود دارند که نیازمند به کاوش هستند؛ مثل آن که آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد یا نه؟ هدف مثال‌های علمی قرآن چیست؟

پس می‌توان گفت: اگر بخواهیم حق مطلب ادا شود، لازم است چند جلد کتاب در

این زمینه نوشته^۱ و حداقل دو واحد درسی تدریس شود.

بنابراین، با توجه به محدودیت این نوشتار و سطح علمی مخاطبان، مطالبی فشرده در مورد تفسیر علمی بیان نموده و دانش‌پژوهان را به منابع مفصل ارجاع می‌دهیم.

واژگان

در این گفتار، از واژه‌های زیر استفاده می‌شود که لازم است پیش از ورود به موضوع بحث با معانی مورد نظر آنها آشنا شویم:

۱. تفسیر؛ (در مورد واژه «تفسیر» در مباحث قبل توضیح داده شد).

۲. روش؛ مقصود از «روش» در اینجا، استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر آیات قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته، نتایج مشخصی را به دست می‌دهد. البته روش تفسیر علمی، همان شیوه استفاده از منبع علوم تجربی به عنوان ابزاری برای تفسیر اشارات علمی آیات قرآن است.^۲

۳. علم؛ مقصود از «علمی» در عنوان «تفسیر علمی»، همان علوم تجربی است^۳ که به دو شاخه علوم طبیعی^۴ (همچون فیزیک، شیمی) و علوم انسانی^۵ (همچون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی) تقسیم می‌شود.^۶

۱. حدود دویست جلد کتاب به‌طور مستقل یا غیر مستقل، مبحث تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن را پی گرفته‌اند ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، کتابشناسی تفسیر علمی از سوی نگارنده، دو کتاب: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن (۵۵۰ ص) و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (۶۰۰ ص) در این زمینه نشر یافته است.

۲. در مورد تفاوت «روش و گرایش (منهج، مکتب، مذهب، لون) تفسیری» در درس نخست توضیح دادیم. البته برخی صاحب‌نظران، تفسیر علمی را جزئی از الوان و گرایش‌های تفسیری می‌دانند، ولی با توضیحی که گذشت و خواهد آمد، روشن می‌شود که تفسیر علمی ویژگی‌های یک روش تفسیری را داراست و همچون روش‌های دیگر در بسیاری از آیات قرآن کاربرد دارد؛ بسیاری از مفسران نیز از آن بهره برده‌اند؛ هر چند که برخی از کتاب‌ها، همچون الجواهر طنطاوی، گرایش تفسیر علمی دارند و کمتر از روش تفسیر علمی بهره برده‌اند. شاید این گونه شیوه، سبب شده است که برخی، تفسیر علمی را در ردیف گرایش‌ها قرار دهند.

3. Experimental sciences.

4. Scinces natural.

5. Humanities Science.

۶. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، مبحث تعریف علم و منطق تفسیر قرآن (۲) مبحث روش تفسیر علمی.

الف) تقسیم بندی علوم

علوم را به گونه‌های مختلف تقسیم کرده‌اند. فارابی آن را به پنج علم (لسان، منطق، تعالیم، طبیعی و الهی، مدنی و فقه و کلام) تقسیم می‌کند.^۱

حکمای اسلامی، حکمت را به شاخه نظری و عملی و شاخه علم نظری را به الهیات، طبیعیات و ریاضیات و شاخه عملی را به اخلاق - سیاست مدن و تدبیر منزل تقسیم کرده‌اند.^۲

برخی علم را براساس قوای حافظه (تاریخ)، متخیله (هنر) و عقل (فلسفه) تقسیم کرده‌اند و برخی دیگر براساس موضوع، آن را به دو شاخه علوم بیرونی و علوم درونی و معنوی تقسیم نموده‌اند. از آخرین تقسیم‌بندی‌های علم، تقسیم آن براساس روش علم است که علوم را به چهار گروه تقسیم می‌کند که عبارتند از:

۱. علوم تجربی، که شامل دو بخش علوم طبیعی (مانند فیزیک و شیمی) و علوم انسانی (همچون جامعه‌شناسی و روانشناسی) می‌شود، که در آنها از روش تجربه استفاده می‌شود؛

۲. علوم عقلی، که شامل علومی همچون فلسفه، ریاضیات و منطق می‌شود که در آنها از روش استدلال عقلی بهره می‌برند؛

۳. علوم نقلی، که شامل علومی همچون تاریخ و لغت که در آنها از روش نقلی استفاده می‌شود؛

۴. علوم شهودی، همچون علم الهی پیامبران و عرفا، که در آن از روش کشف و شهود استفاده می‌شود و در حقیقت علم حضوری است.^۳

مقصود ما از علم، در روش تفسیر علمی همین «علوم تجربی» است که در تقسیم‌بندی اخیر بیان شد.

ب) قطعی و ظنی بودن علم تجربی

علوم تجربی حاصل کاوش‌ها و تجربه‌های بشری است که در طی قرن‌ها بر هم انباشته شده است. تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم میلادی، علوم تجربی را به دو شاخه

۱. احصاء العلوم، فارابی، ص ۱۱۱-۱۲۰.

۲. شرح منظومه، ملاهادی سبزواری، مقدمه و درآمدی به تفسیر علمی، مبحث علم.

۳. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، همان.

نظریه‌های علمی اثبات نشده و قانون‌های علمی اثبات شده تقسیم می‌کردند. و اگر نظریه علمی به وسیله مشاهده و تجربه‌های مکرر تأیید می‌شد آن را اثبات شده و قانون علمی می‌دانستند؛^۱ اما پس از آن و با پیدایش نظریات جدید در فلسفه علم، روشن شد که علوم تجربی، افسانه‌های مفیدی است که در صحنه طبیعت و زندگی کاربرد دارد؛ اما هیچ‌گاه به صورت قانون در نمی‌آید؛ یعنی در تشکیل یک نظریه علمی نخست ما به مسئله و مشکلی برخورد می‌کنیم و در مرحله دوم راه حلی برای آن حدس می‌زنیم. سپس در مرحله سوم قضایای قابل مشاهده و تجربه از آن راه حل استنتاج می‌کنیم و در مرحله چهارم اقدام به ابطال این قضایا می‌کنیم. اگر این قضایا باطل نشود، آن نظریه تا هنگامی که نظریه بهتری پیدا و جایگزین آن نشود در علم باقی می‌ماند و مبنای عمل قرار می‌گیرد.^۲

بنابراین، علوم تجربی اثبات‌پذیر نیست، بلکه ابطال‌پذیر است و در علم، قانون قطعی وجود ندارد.

یادآوری: قضایای علوم تجربی قطعی نیستند (به معنای قطع معرفت شناختی)؛ یعنی نمی‌توان گفت: فلان گزاره علمی حتماً مطابق واقع و تغییرناپذیر است؛ اما برخی از قضایای علوم تجربی قطعی‌اند (به معنای قطع روانشناختی)؛ یعنی گاهی گزاره علمی از راه مشاهده یا به وسیله قراین دیگر، مثل بدیهی می‌شود؛ همچون «حرکت زمین» که در عصر ما مثل بدیهی شده است. همان‌طور که گاه انسان به وسیله قراین خارجی یا دلایل عقلی که مطلب را پشتیبانی می‌کند، در مورد یک گزاره علمی به قطع می‌رسد.

در مباحث آینده روشن می‌شود که در تفسیر علمی، بین علوم تجربی قطعی و نظریه‌های ظنی علوم تجربی، تفاوت بوده است و استفاده از نوع دوم در تفسیر علمی

۱. در این مورد اشکالات متعددی به نحوه استقرای ناقص علوم شده و پاسخ‌هایی نیز داده شده است (ر.ک: مبانی فلسفه، دکتر علی اکبر سیاسی، ص ۲۱۰-۲۴۴؛ علم و دین، ایان باربور، ترجمه خرماهی، ص ۳ و ص ۲۱۳-۲۱۴؛ الأسس المنطقیه للإستقراء، شهید صدر، ص ۱۳۵ و ص ۳۸۳-۴۰۰؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۱۸۵-۲۰۰).

۲. این دیدگاه پوپر (متوفای ۱۳۷۳ش) است (ر.ک: حدس‌ها و ابطال‌ها و منطق اکتشافات)، پوپر، ترجمه احمد آرام؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۲۰۰-۲۰۴.

قرآن صحیح نیست، چرا که نظریه‌های ظنی علوم، گاه صدها سال در حوزه علم می‌ماند و سپس تغییر می‌کنند؛^۱ پس نمی‌توان تفسیر قرآن را بر آنها بنا نهاد.

تعریف روش تفسیر علمی

روش تفسیر علمی قرآن دارای گونه‌ها و اقسام مختلف است که براساس آن تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده است؛ گاه با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاه با عنوان تحمیل مطالب علمی بر قرآن.^۲ اما مقصود ما در این نوشتار، همان استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است؛ یعنی منبع علوم تجربی قطعی، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن در آمده و در این راستا، تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت شود و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد.^۳

پیشینه تاریخی تفسیر علمی و علل رشد آن

خورشید اسلام، در سرزمین عربستان طلوع کرد و اعراب آن سرزمین را - که تعداد افراد با سواد آنها، از تعداد انگشتان تجاوز نمی‌کردند - به علم و دانش دعوت نمود و قرآن را به عنوان معجزه‌ای ارائه کرد.

قرآن، با دعوت به تفکر و تعمق در آیات الهی، خلقت آسمان‌ها، زمین و... مردم را از خواب جهل و غفلت بیدار کرد. مسلمانان که با فتوحات عظیم در قرن اول هجری، به سرزمین‌های تازه‌ای دست یافته بودند، هر روز با افکار نو و ادیان دیگری آشنا می‌شدند. با فروکش کردن نسبی جنگ‌ها، تبادل فرهنگی بین اسلام، ادیان و تمدن‌های ایران، روم و یونان آغاز شد و ترجمه آثار دیگر ملل، در دوره هارون الرشید و مأمون شدت گرفت.^۴

۱. همچون نظریه بطلمیوسی (ptomaos - قرن دوم میلادی) در مورد این‌که زمین مرکز جهان است و خورشید و ستارگان در هفت فلک به دور آن می‌چرخند. این نظریه حدود چهارده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود؛ سپس توسط کپلر، کپرنیک و گالیله دگرگون شد و دیدگاه کنونی (حرکت زمین به دور خورشید) جای آن را گرفت.

۲. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۲۷۴ و ۳۷۸.

۳. المیزان، ج ۱، ص ۷ و ۸ و التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، آية الله معرفت، ج ۲، ص ۴۴۳؛ التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۴؛ مناهج تجدد، امین خوئی، ص ۲۸۷ و اصول التفسیر و قواعد، عبدالرحمن العک، ص ۲۱۷.

۴. تاریخ التمدن الاسلامی، جرجی زیدان، ج ۲، ص ۱۵۳.

مسلمانان، علمی مانند طب، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی و فلسفه را از یونان گرفتند و مطالب زیادی به آنها اضافه کردند و در طی چند قرن، خود را به اوج قلّه دانش رساندند؛ چنان‌که مسلمانان در قرن سوم و چهارم هجری، بهترین کتاب‌ها را در زمینه طب (مانند قانون بوعلی سینا)، در زمینه فلسفه (مانند شفای بوعلی سینا)، ریاضیات و نجوم نگاشتند. حتی غرب که اصل این علوم را از یونان گرفته و به مسلمانان وام داده بود، مجبور شد، دوباره آنها را از مسلمانان اخذ کند. از این رو، در قرن دوازدهم میلادی به بعد، نهضت ترجمه در اروپا شکل گرفت و نظریات بوعلی سینا و ابن رشد، تا سال‌ها در دانشگاه‌های اروپا، حاکم بود.

باری ترجمه و تألیف آثار غیر مسلمانان، در زمینه علوم مختلف، موجب شد تا تعارضاتی بین ظاهر بعضی آیات قرآن و علوم جدید به نظر آید. دانشمندان مسلمان، در همان قرن‌های اولیه اسلام، در تلاش برای رفع این مشکل، دو راه حل زیر را انتخاب کردند:

الف) رد مطالب باطل این علوم که برای آگاهی مردم و ارشاد آنان صورت می‌گرفت، زیرا بسیاری از مبانی فلسفی و علمی یونان، مخدوش و دارای اشکال بوده و از سویی با دین اسلام هم به معارضه برخاسته بود؛ بر این اساس، کتاب‌هایی مانند: تهافت الفلاسفه (تألیف ابو حامد غزالی) و مفاتیح الغیب (تألیف فخر رازی) نوشته شد.

ب) انطباق آیات قرآن، با علوم تجربی یونان؛ تا به مردم ثابت کنند که قرآن برحق و مطالب علمی آن صحیح است؛ از این رو آیاتی از قرآن، مانند آسمان‌های هفت‌گانه (سبع سموات) را بر سیارات هفت‌گانه که در نجوم یونانی، اثبات شده بود حمل کردند و از این جا بود که روش تفسیر علمی پدید آمد و رشد کرد. اما این شیوه تفسیر که همواره با جذابیت خاصی برای جوانان و افراد تحصیل کرده همراه بوده در طول تاریخ به صورت یکنواخت رشد نکرد؛ بلکه گاه تحت تأثیر عواملی اوج گرفت و بعضی اوقات رونق خود را از دست داد.

این شیوه تفسیر به طور عمده، سه دوره داشته است:

دوره اول: از حدود قرن دوم هجری تا حدود قرن پنجم که با ترجمه آثار یونانی به عربی آغاز شد و بعضی مسلمانان، سعی کردند آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی تطبیق کنند (مانند بوعلی سینا).^۱

دوره دوم: از حدود قرن ششم، شروع شد؛ هنگامی که بعضی از دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه علوم در قرآن وجود دارد و می توان علوم مختلف را از قرآن کریم استخراج کرد (در این مورد غزالی سر آمد بود). این دو نوع از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن ها ادامه داشت و هر زمان دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می پرداختند.

دوره سوم: موجب اوج گیری و رشد فوق العاده آن بود و از زمانی شروع شد که در قرن هجدهم میلادی به بعد، علوم تجربی در مغرب زمین رشد یافته و کتاب های مختلف در زمینه علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و گیاه شناسی به عربی ترجمه گردید. این دوره جدید، به ویژه در یک قرن اخیر، که در جهان اسلام اثرات خود را در مصر و هندوستان بر جای گذاشت، موجب شد تا دانشمندان مسلمان، در صدد انطباق قرآن با علوم تجربی برآیند. این مسئله آن هنگام اهمیت بیشتری یافت که تعارض علم و دین در اروپا، اوج گرفت و کتاب مقدس، به دلیل تعارضات آن با علوم جدید هر روز عقب نشینی تازه ای می کرد و میدان، برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی بازتر می شد. هجوم این افکار به کشورهای اسلامی و تفوق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی می گشت.

در این میان، عده ای از دانشمندان مسلمان، از سر درد و برای دفاع از قرآن و با

۱. البته در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز نکات علمی در تفسیر آیات قرآن آمده است؛ برای مثال در مورد تعداد ۳۶۰ مشرق و مغرب در سوره معارج، آیه ۴۰ (معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۲۲۱) و نام سیارات در تفسیر سوره تکویر، آیه ۱۶-۱۵ (مجمع البیان، ج ۱، ص ۶۷۷) و... که یکی از موارد تفسیری اهل بیت علیهم السلام بی شمار می آید، ولی تفسیر علمی مصطلح نیست، چون از یافته های علمی در تفسیر قرآن استفاده نشده است؛ بلکه اهل بیت علیهم السلام اسرار علمی آیه را با کمک علم امامت بیان کرده اند که این جزئی از تفسیر روایی می شود.

توجه به سازگاری علم و دین در نظر اسلام، به میدان آمدند تا نشان دهند که آیات قرآن، نه تنها با علوم جدید، در تعارض نبوده، بلکه برعکس، یافته‌های علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند. از این رو، به استخدام علوم در فهم قرآن اقدام کردند و تفسیرهای علمی نوشته شد؛ هر چند در این میان، بعضی افراط کرده یا یک‌سره جذب فرهنگ غربی شدند و به تأویل و تفسیر به رأی در آیات قرآن دست زدند و از آن‌جا که مبانی تفسیری این روش بررسی کامل نشده بوده، دچار انحراف شدند. عدّه‌ای از مغرضان نیز برای اثبات افکار انحرافی خود دست به تفسیر علمی و تأویلات نا به‌جا زدند و همین مطلب موجب شد تا احساسات بعضی از مسلمانان، برانگیخته شود و در مقابل تفسیر علمی، موضع‌گیری کنند و آن را یک‌سره به باد حمله گرفته و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل غلط آیات قرآن بدانند. در این میان بسیاری از عالمان، دانشمندان و مفسران، در ایران و مصر راه انصاف پیمودند و بین انواع تفسیر علمی و اهداف گویندگان آن، تفاوت گذاشته و به اصطلاح، قائل به تفصیل شدند.

نتیجه‌گیری

از مطالب گذشته، روشن شد که تفسیر علمی قرآن، از قرن دوم هجری آغاز گردید و به زودی جای خود را، به عنوان یک روش تفسیر قرآن، گشوده و بسیاری از مفسران، فلاسفه، متکلمان و محدثان به آن روی آوردند. در یک قرن اخیر، در جوامع اسلامی، توجه بیشتری به این روش تفسیری شده است، تا آن‌جا که بسیاری از روشن‌فکران، مفسران و حتی متخصصان علوم تجربی نیز به تفسیر آیات به وسیله علوم تجربی روی آوردند؛ هر چند هدف هر گروه یا فرد از این نوع تفسیر با دیگران تفاوت داشت. به‌طور خلاصه، علل عمده شروع و گسترش این روش تفسیری در بین مسلمانان عبارت بود از:

۱. توجه قرآن به علم، ذکر مثال‌های علمی و ترغیب به تفکر در آیات الهی در آسمان‌ها، زمین و خود انسان که موجب رشد علوم، معارف و مقایسه آنها با آیات قرآن شد؛
۲. ترجمه آثار علوم طبیعی و فلسفی از یونان، روم و ایران به عربی و نشر آن در بین مسلمانان که از قرن دوم هجری به بعد صورت گرفت؛

۳. این تفکر که همهٔ علوم در قرآن هست و ما باید آنها را از آیات، به دست آوریم؛

۴. توجه به علوم طبیعی و کشفیات جدید برای اثبات اعجاز علمی قرآن؛

۵. پیروزی تفکر اصالت حس، در اروپا و تأثیرگذاری آن بر افکار مسلمانان و به وجود آمدن گروه‌های التقاطی یا انحرافی، در میان مسلمانان که به تأویل و تطبیق آیات قرآن، منجر شد؛

۶. حسّ دفاع دانشمندان مسلمان در مقابل حملات غربی‌ها به دین و القای تفکر تعارض علم و دین، موجب شد تا سازگاری آیات قرآن با علوم تجربی، در تفسیرها و کتاب‌ها وارد شود.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

روش تفسیر علمی قرآن (۲)

در مورد تفسیر علمی، آرای مختلف و متضادی وجود دارد و هر یک از مفسران و صاحب نظران، دلایل متعددی ارائه کرده اند؛ گاه از مطلق تفسیر علمی دفاع شده و گاه مطلقاً آن را مردود شمرده اند و گاه نیز از دیدگاه تفصیل خاص دفاع کرده اند.^۱

دلایل موافقان تفسیر علمی

برای اثبات ضرورت تفسیر علمی قرآن به دلایل زیر استدلال شده است:

۱. استخدام علوم در تفسیر قرآن، موجب تبیین اشارات علمی قرآن شده و ما را در تفسیر، تبیین و فهم بهتر آیات کمک می کند؛ مثلاً هنگامی که قرآن از زیان و منافع شراب سخن می گوید: ﴿قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾^۲ و یافته های علوم پزشکی این آیه را توضیح می دهد و مقصود خدا را از منافع و مضار، تبیین می کند، تفسیر روشنی از آیه در اختیار ما می گذارد. بلکه گاه تفسیر برخی آیات قرآن، بدون کمک گرفتن از علوم جدید، بسیار مشکل می شود. برای مثال: فهم و تفسیر آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون و آیه ۵ سوره حج، نیاز مبرم به استفاده از علوم پزشکی دارد؛ یعنی همان طور که برای فهم لغات آیه، از علم لغت استفاده می کنیم، برای فهم مراحل خلقت انسان نیز از علم جنین شناسی بهره می گیریم.

۱. برای اطلاع از دیدگاه ها و دلایل مخالفان و قائلان به تفصیل به کتاب: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده مراجعه کنید.

۲. بقره، آیه ۲۱۹.

تذکر: البته باید در این مورد، توجه کرد که نظریه‌های ثابت نشده علمی را بر قرآن تحمیل نکرده، اقدام به استخراج علوم از قرآن نکنیم، بلکه علوم تجربی به عنوان منبع و ابزاری در خدمت تفسیر قرآن در آید.

۲. تفسیر علمی قرآن در برخی موارد می‌تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند؛ یعنی قرآن کریم چهارده قرن قبل، مطلبی علمی را بیان کرده که برای انسان آن عصر کشف نشده بود و مردم از آوردن مثل آن عاجز بوده‌اند و اکنون پس از قرن‌ها به‌طور قطعی به وسیله علوم تجربی کشف گردیده است.

از این نکته می‌توان دریافت که قرآن معجزه‌ای الهی است که نمی‌تواند کلام بشری باشد.

در مورد اعجاز علمی قرآن به آیاتی در مورد زوجیت عام موجودات (و زوجیت گیاهان)،^۱ نیروی جاذبه،^۲ حرکت خورشید،^۳ فلسفه حرمت شراب‌خواری،^۴ مراحل خلقت انسان،^۵ لقاح ابرها و گیاهان^۶ و... استدلال شده است.^۷

تذکر: البته برخی ادعاها در این مورد درست نبوده و گاه در آنها از علوم تجربی قطعی استفاده شده، یا به صورت تحمیل بر قرآن بوده است، که باید موارد صحیح و غیر صحیح از هم جدا شوند.

۳. تفسیر علمی قرآن سبب افزایش ایمان مسلمانان و گرایش غیر مسلمان به قرآن و اسلام می‌شود؛ یعنی هنگامی که ثابت شد قرآن اشارات علمی دارد که قرن‌ها قبل از کشفیات علوم تجربی آنها را بیان کرده است، ایمان مسلمانان، به ویژه نسبت به صدق قرآن بیشتر می‌شود؛ همان‌طور که مخالفان قرآن در برابر آن سر تسلیم فرود آورده و به عظمت آن اعتراف می‌کنند.

۱. یس، آیه ۳۶.

۲. رعد، آیه ۲؛ لقمان، آیه ۱۰.

۳. یس، آیه ۳۸.

۴. بقره، آیه ۲۱۹.

۵. حج، آیه ۵؛ مؤمنون، آیه ۱۲-۱۴.

۶. حجر، آیه ۲۲.

۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده.

از این رو می‌بینیم برخی از دانشمندان غربی، همچون موریس بوکای در کتاب مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم به بررسی مطالب علمی قرآن، تورات و انجیل پرداخته و در موارد متعددی اعتراف می‌کند که تورات و انجیل با یافته‌های علوم تجربی مخالف‌اند، اما در قرآن، مطالب مخالف علم وجود ندارد و حتی در این مورد، مطالب اعجاز آمیزی بیان کرده است.^۱

۴. پاره‌ای از نویسندگان اخیر مصر، بر این عقیده‌اند که اعجاز قرآن برای عرب‌ها به وسیله الفاظ و ترکیب جالب و غیره قابل تقلید آن اثبات می‌شود؛ از این رو، قرآن تحدی کرده و گفته است هر کس می‌تواند سوره‌ای مانند آن بیاورد، ولی با گذشت چهارده قرن، هیچ کس نتوانسته است سوره‌ای مانند قرآن بیاورد؛ اما برای ملت‌های غیر عرب که نمی‌توانند اعجاز ادبی قرآن را درک کنند، لازم است که تفسیر علمی از قرآن صورت گیرد، زیرا اعجاز علمی قرآن، آنها را قانع و به طرف اسلام جذب می‌نماید.^۲

اقسام تفسیر علمی از جهت شکل و شیوه تفسیر

تفسیر علمی، نوعی روش تفسیری است که خود دارای روش‌های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی در آورده و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می‌شوند و همین مطلب موجب شده است تا برخی، تفسیر علمی را رد کرده و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند و گروهی آن را قبول نمایند و بگویند: تفسیر علمی، یکی از راه‌های اثبات حقایق قرآن است.

ما در این جا شیوه‌های فرعی تفسیر علمی را مطرح می‌کنیم، تا هر یک جداگانه در معرض قضاوت قرار گرفته و از خلط مباحث جلوگیری شود:

۱. The Bible the Quran and Science. Maurice Bucaille این کتاب چند بار به فارسی و به عربی ترجمه شده است. نام ترجمه‌های فارسی و عربی آن به این قرار است:
- حسن حبیبی؛ عهدین، قرآن و علم، انتشارات سلمان، ۱۳۵۷؛ ذبیح الله دبیر؛ مقایسه‌ای میان تورات، انجیل و قرآن و علم، انتشارات فرهنگی و اسلامی، ۱۳۶۵؛
- النوراة و الإنجیل و القرآن و العلم الحدیث؛
- دراسة الكتب المدرسة في ضوء المعارف الحديثة.
۲. عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۲۶، با اندکی دخل و تصرف.

الف) استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی مانند ابن ابی‌الفضل المرسی، غزالی و... کوشیده‌اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند، زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد. در همین راستا آیاتی را که ظاهر آنها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می‌کردند و هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی‌کرد، دست به تأویل می‌زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علوم می‌گرددند، بر می‌گرداندند. از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می‌نمودند.

برای مثال: از آیه شریفه ﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾^۱ که ابراهیم رضی الله عنه نقل می‌کند: «وقتی من بیمار شدم، اوست که شفا می‌دهد»، علم پزشکی را استخراج کردند^۲ و علم جبر را از حروف مقطعه اوایل سوره‌ها استفاده نمودند^۳ و از آیه شریفه ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ زمین لرزه سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش‌بینی کردند.^۴

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آنها می‌شود. از همین رو بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته‌اند^۵ که البته در این قسم از تفسیر علمی، حق با آنان است و ما قبلاً این مسئله (وجود همه علوم در ظواهر قرآن) را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدیم که این سخن، مبانی صحیحی ندارد.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد، با مسلم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و اگر نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می‌کردند.

۱. شعراء، آیه ۸۰.

۲. ابوحامد غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۷، فصل پنجم.

۳. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۱، به نقل از ابن ابی‌الفضل مرسی.

۴. البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۵. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۵۴ - ۴۹۵.

برای مثال: در آیه شریفه ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾^۱ «اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت.» کلمه «نفس» را به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. در این تفسیر، حتی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را ارائه نکردند.^۲

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به همه تفسیرهای علمی گردید و یک سره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن طرد کردند؛ چنان که علامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد.^۳

البته در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است، چرا که مفسر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری بپرهیزد، تا بتواند تفسیری صحیح ارائه دهد و اگر با انتخاب یک نظریه علمی، آن را بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته که در روایات، وعده عذاب به آن داده شده است.

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با برخورداری از شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند. او سعی دارد با استفاده از آموزه‌های قطعی علوم که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی شده و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنای لغوی و اصطلاحی - موافق هستند، به تفسیر علمی پرداخته و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه از تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در مبحث آینده، معیار این گونه تفسیر را به طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در این جا تأکید می‌کنیم که در این شیوه تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به

۱. اعراف، آیه ۱۸۹.

۲. عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶.

۳. مقدمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد.

رای، پرهیز کرد و تنها به‌طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت، زیرا علوم تجربی به دلیل استقرای ناقص و مبنای ابطال‌پذیری که اساس آنهاست، نمی‌توانند نظریات قطعی بدهند.

برای مثال: آیه شریفه ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾^۱ «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد.» در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم با همین حرکت حسی و روزمره خورشید آشنایی داشتند؛ به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند، درحالی‌که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است، زیرا ناشی از خطای حس باصراه ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم، همان‌طور که شخص سوار بر قطار، خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند. با پیشرفت علوم بشری، روشن شد که خورشید هم دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری در حرکت است.^۲ پس می‌گوییم اگر به‌طور قطعی ثابت شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم که می‌گوید خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و...) خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می‌گوید، نه حرکت آن و در علوم جدید کیهان‌شناسی بیان شده که خورشید از جریان‌های فشرده گازی شکل برخوردار است که در اثر انفجارات هسته، دائماً در حال فعل و انفعال و زیر و رو شدن^۳ در فضا هستند و تنها همچون گلوله‌ای جامد و در حال حرکت نیست، بلکه مانند آب جریانی سیال دارد.

در ضمن از این نوع تفسیر علمی، اعجاز علمی قرآن نیز اثبات می‌شود؛ برای مثال، قانون زوجیت تمام گیاهان در قرن هفدهم میلادی کشف شد، اما قرآن حدود ده قرن قبل از آن، از زوج بودن تمام گیاهان، بلکه همه موجودات سخن گفته است.^۴

۱. یس، آیه ۳۸.

۲. دکتر اریک - اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضایی، ص ۴۵ - ۴۸.

۳. همان، ص ۴۵ - ۴۸.

۴. یس، آیه ۳۶.

معیارهای تفسیر علمی معتبر

در روش‌های تفسیری دو گونه شرایط و معیار وجود دارد: یکی شرایط و معیارهای عام که باید در تمام روش‌های تفسیری مراعات شود؛ و دوم، شرایط و معیارهای خاصی که باید در روش تفسیر خاص مورد نظر قرار گیرد. در این جا هدف، بیان شرایط و معیارهای قسم دوم است؛ اما برای یادآوری، به قسم اول نیز اشاره می‌شود.

الف) معیارهای عام در روش تفسیر قرآن

این معیارها شامل شرایط مفسر و تفسیر می‌شود که ما آنها را در دو دسته خلاصه می‌کنیم:

۱. تفسیر علمی، توسط مفسری که از شرایط لازم برخوردار باشد صورت پذیرد؛ یعنی آشنایی با ادبیات عرب؛ آگاهی از شأن نزول آیه؛ آشنایی با تاریخ پیامبر ﷺ و صدر اسلام در حدودی که به آیه مربوط است؛ اطلاع از علوم قرآن، مانند ناسخ و منسوخ؛ مراجعه به احادیث و اصول فقه؛ آگاهی از بینش‌های فلسفی، علمی، اجتماعی و اخلاقی؛ پرهیز از هرگونه پیش‌داوری، تطبیق و تحمیل؛ آشنایی با تفسیر و عدم تقلید از مفسران.^۱
۲. معیارهای تفسیر معتبر در آن رعایت شده باشد؛ مانند پیروی از روش صحیح تفسیر؛ عدم منافات تفسیر با سنت قطعی؛ پرهیز از پیش‌داوری غیر ضروری؛ عدم منافات تفسیر با آیات دیگر و حکم قطعی عقل و استفاده از منابع صحیح در تفسیر که لازم است این معیارها در تفسیر علمی نیز رعایت شوند.^۲
۳. پرهیز از تفسیر به رأی و استقلال رأی در تفسیر قرآن؛ یعنی مفسر باید قبل از تفسیر، به قراین عقلی و نقلی مراجعه کرده و پس از در نظر گرفتن آنها اقدام به تفسیر کند.

ب) معیارهای خاص روش تفسیر علمی قرآن

۱. تفسیر علمی به وسیله علوم تجربی قطعی صورت پذیرد. در این مورد در مبحث علم، مقصود از قطعی بودن علوم تجربی را توضیح دادیم و در این جا اضافه می‌کنیم که: یکم: اگر علوم تجربی، یقینی و قطعی بود، می‌توان قرآن را براساس آن تفسیر کرد؛

۱. نگارنده، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۵۳ - ۷۴.

۲. همان.

دوم: اگر مطالب علوم تجربی به صورت نظریه‌های پذیرفته شده در علم باشد، می‌توان آن را به صورت احتمالی بیان کرد؛ یعنی شاید این آیه اشاره به این نکته علمی باشد، اما نمی‌توان به‌طور قطعی مطلبی را به قرآن نسبت داد، چرا که این علوم قطعی نیستند؛

سوم: اگر مطالب علوم تجربی به صورت فرضیه‌های احتمالی در علم باشد و هنوز مورد پذیرش عام جامعه علمی قرار نگرفته و قطعی نیز نشده باشد، نمی‌توان قرآن را با آنها تفسیر کرد،^۱ چرا که این فرضیه‌ها در معرض تغییر هستند و همان اشکالاتی را که مخالفان تفسیر علمی وارد می‌کردند، در پی دارد.^۲

۲. دلالت ظاهر آیه قرآن بر مطالب علوم تجربی مورد نظر، روشن بوده و تحمیلی بر آیه صورت نگیرد؛ یعنی در تفسیر علمی باید تناسب ظاهر آیه با مسائل علمی مورد نظر رعایت شود، به‌طوری که معانی الفاظ و جملات آیه با مسائل علمی هم‌خوان بوده و نیازی به تحمیل نظر بر آیه نباشد. به سخن دیگر، در تفسیر علمی به گونه‌ای عمل شود که نیاز به توجیه و تفسیرهای مخالف ظاهر پیدا نکنیم.^۳

۳. استفاده از گونه صحیح تفسیر علمی؛ یعنی استخدام علوم در فهم علوم و تبیین

۱. در قضایای علمی چند احتمال وجود دارد:

الف) قضیه علمی که یقین مطابق واقع می‌آورد، چرا که تجربه علمی همراه با دلیل عقلی است (و به مرحله بدهاقت رسیده باشد).

ب) قضیه علمی یقین به معنای اعم می‌آورد، یعنی اطمینان حاصل می‌شود، ولی احتمال طرف مقابل به صفر نمی‌رسد، چنان‌که بیشتر قضایای اثبات شده علوم تجربی این گونه‌اند.

ج) قضیه علمی، به صورت تئوری یا نظریه ظنی باشد که هنوز به مرحله اثبات نرسیده است. بنابراین در صورت نخست (الف) تفسیر علمی جایز است، زیرا قرآن و علم قطعی (که به قطع عقلی برمی‌گردد) تعارضی ندارد، بلکه قراین قطعی «نقلی، عقلی و عملی» برای تفسیر قرآن لازم است. بنابراین، در صورت دوم (ب) تفسیر علمی، اگر به صورت احتمال ذکر شود، صحیح به نظر می‌رسد. مثلاً گفته شود: چون ظاهر قرآن، با حرکت انتقالی خورشید مطابق است، به احتمال قوی منظور قرآن، همین حرکت است. و در صورت سوم (ج) هم تفسیر علمی صحیح است، زیرا همان اشکالاتی را پدید می‌آورد که مخالفان تفسیر علمی می‌گفتند؛ مانند انطباق قرآن با علوم متغیر، شک کردن مردم در صحت قرآن و ...

۲. مضمون این معیار را آیه الله مکارم شیرازی در کتاب قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۴۷ آورده است و در سخنان بسیاری از قائلان به تفسیر هم وجود دارد.

۳. همان. و نیز عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعد، ص ۲۲۴؛ عمید زنجانی، مبانی و روش تفسیر قرآن، ص ۲۵۶.

و تفسیر قرآن و پرهیز از گونه‌های ناصحیح همچون: استخراج علوم از قرآن و تطبیق و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن.

تذکره ۱: اقسام تفسیر علمی در مبحث قبل توضیح داده شد.

تذکره ۲: در تفسیر علمی قرآن باید جانب احتیاط را رعایت نموده و به صورت قطعی سخن نگفت؛ یعنی مفسر باید همیشه احتمال خطا در فهم خود یا مقدمات و نتایج علوم تجربی را مد نظر قرار داده و به صورت احتمالی سخن گوید. هم‌چنین نباید مطالب علوم تجربی را به‌طور قطعی بر قرآن تطبیق کند، بلکه باید بگوید: «احتمالاً»، یا «به نظر من این آیه بر فلان مطلب علمی قطعی دلالت دارد».

چکیده

۱. مقصود از «علم» در عنوان تفسیر علمی، همان علوم تجربی است که شامل علوم طبیعی و انسانی می‌شود. و مطالب علوم تجربی، جز در موارد معدودی، قطعی نیستند.
۲. تفسیر علمی از حدود قرن چهارم هجری آغاز گردید و در ابتدا، واکنشی به ترجمه علوم یونانی و ایرانی بود که وارد قلمرو فکری مسلمانان شد. سپس به صورت استخراج علوم از قرآن ادامه یافت و در قرن اخیر، گاه به صورت تحمیل و تطبیق نظریه‌های علمی به قرآن رخ نمود، ولی برخی از مفسران بزرگ قرآن از علوم تجربی به عنوان منبع و ابزار تفسیر آیات استفاده کرده‌اند.
۳. تفسیر علمی به علل مختلفی در یک‌صد سال اخیر گسترش چشمگیری یافت. برخی از علت‌های گسترش آن عبارتند از: اثبات اعجاز علمی قرآن و دفاع در برابر هجوم فرهنگی غرب.
۴. موافقان تفسیر علمی به دلایلی همچون: استخدام علوم در فهم و تبیین اشارات علمی آیات، اثبات اعجاز علمی قرآن و افزایش ایمان مردم، استدلال می‌کردند.
۵. تمام جزئیات علوم در قرآن وجود ندارد و هدف قرآن هدایت مردم است؛ اما در این راستا قرآن دارای اشارات علمی است که می‌توان به وسیله علوم تجربی قطعی، آنها را بهتر تفسیر کرد.
۶. تفسیر علمی دارای سه گونه است: استخراج علوم از قرآن، تحمیل و تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن و استخدام علوم در فهم و تبیین اشارات علمی آیات قرآن که قسم سوم، صحیح و معتبر است؛ اما دو قسم اول نادرست بوده و اشکالات مخالفان نیز به همین دو قسم بازمی‌گردد.
۷. معیارهای تفسیر علمی عبارتند از: استفاده از علوم قطعی در تفسیر علمی، استفاده از گونه صحیح تفسیر علمی و دلالت روشن آیه بر مطلب علمی و عدم تحمیل بر آن (که همان استخدام علوم در فهم و تبیین آیه است).

پرسش

۱. تعریف علم را بیان نموده و مقصود از علم در عنوان «تفسیر علمی» کدام است؟
۲. علل و انگیزه‌های رشد تفسیر علمی در یک قرن اخیر چیست؟
۳. چگونه تفسیر علمی قرآن، تفسیر آیات را روشن و تبیین کرده و فهم ما را از قرآن کامل‌تر می‌کند؟ با مثال توضیح دهید.
۴. اگر هدف اصلی قرآن هدایت مردم است، پس مطالب و آیات علمی قرآن چه نقشی دارند؟
۵. اقسام تفسیر علمی را بنویسد و بگوید کدام قسم صحیح است؟ چرا؟
۶. معیارهای عام و خاص تفسیر علمی را بیان کنید.

پژوهش

۱. دیدگاه پوزیتیویست‌ها را در مورد ماهیت علوم تجربی بررسی کنید.
۲. مراحل تشکیل نظریه علمی از دیدگاه پوپر بررسی و تحقیق کنید.
۳. دیدگاه شهید صدر در مورد استقرار علوم تجربی چیست؟
۴. تفاوت‌های قطع روان‌شناختی و قطع معرفت‌شناختی را پیدا کنید.
۵. ارتباط تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن را به‌طور کامل تحقیق کنید. دیدگاه‌ها را در این مورد بنویسید.
۶. تأثیر نهضت ترجمه (دارالحکمه مأمون) را در پیدایش تفسیر علمی بررسی کنید.
۷. نقش سر سیداحمد خان هندی و سید امیر علی در هندوستان را در تفسیر علمی نقد و بررسی کنید.
۸. روش تفسیر علمی طنطوی را در الجواهر نقد و بررسی کنید.
۹. دیدگاه عبدالرزاق نوفل را در تفسیر علمی نقد و بررسی کنید.
۱۰. دیدگاه سید عبد الرحمان کواکبی را در تفسیر علمی نقد و بررسی کنید.
۱۱. تفسیر علمی قرآن را در زوجیت گیاهان، لقاح ابرها، حرمت شراب، خون، مردار، نیروی جاذبه، حرکت زمین و کوه‌ها و مراحل خلقت انسان بررسی نموده و بگوید که کدام یک اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند.

۱۲. آیه ﴿وَلَا رَظْبٍ وَلَا يُادِسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ را تفسیر کنید و دلالت آن را بر دیدگاه استخراج علوم از قرآن نقد کنید.
۱۳. اقسام رابطه علم و دین را توضیح دهید و بگویید رابطه قرآن با علم از کدام قسم است؟
۱۴. تحقیق کنید که در موارد تعارض ظاهری بین قرآن و علوم تجربی چه باید کرد؟

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. حدس‌ها و ابطال‌ها، پوپر، ترجمه احمد آرام.
۲. منطق اکتشافات علمی، همان.
۳. الأسس المنطقية للإستقراء، شهید صدر.
۴. التمهيد في علوم القرآن، ج ۶، آیه‌الله معرفت، مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. مناهل العرفان في علوم القرآن، زرقانی، دارالکتب العلمیة.
۶. اصول التفسیر و قواعد، عبدالرحمن العک، دارالنفایس.
۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عمید زنجانی.
۸. تفسیر علمی قرآن، دکتر ناصر رفیعی محمدی، انتشارات فرهنگ گستر، ۱۳۷۹ش.
۹. تفسیر الجواهر، طنطاوی.
۱۰. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد.
۱۱. معارف قرآن، استاد مصباح یزدی.
۱۲. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه.
۱۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، همان، انتشارات کتاب مبین.

بخش ششم

روش تفسیر اشاری

مقدمه

واژگان

تاریخچه

دیدگاهها

چکیده

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

۱

روش تفسیر اشاری (۱)

اهداف آموزشی: (۱) شناخت روش تفسیر اشاری و ریشه‌های تاریخی آن؛ (۲) شناخت گونه‌های فرعی این روش همچون: تفسیر باطنی، رمزی، شهودی و...؛ (۳) اطلاع از دیدگاه‌ها و دلایل موافقان و مخالفان این روش.

مقدمه

یکی از روش‌های پر سابقه تفسیر قرآن کریم، روش «تفسیر اشاری» است که با نام‌های گوناگونی، همچون: روش باطنی، عرفانی، صوفی، شهودی و رمزی خوانده می‌شود که هر یک اشاره به گونه خاصی از این تفسیر دارد.

در مورد این روش تفسیری و گونه‌های آن، اختلاف نظرهای زیادی بین مفسران و صاحب‌نظران وجود دارد: گروهی، اقسامی از آن را می‌پسندند و تفسیر قرآن بدون استفاده از این روش را قبول ندارند. گروه دیگری، اصلاً این روش را تفسیر قرآن نمی‌دانند، بلکه آن را مرتبط با تأویل و باطن قرآن به شمار می‌آورند.

برای روشن شدن همین مطلب و جدا سازی شیوه صحیح و غیر صحیح در تفسیر اشاری، لازم است تا در این‌جا مورد بررسی کامل قرار گرفته و از آن‌جا که اهل بیت علیهم‌السلام به باطن قرآن توجه کرده‌اند، اهمیت این روش و بحث در مورد آن آشکارتر شود.

از این رو، زوایا و ابعاد و گونه‌های این روش و سخنان و دلایل صاحب‌نظران را بررسی می‌کنیم تا بتوانیم گونه‌های صحیح و غیر صحیح آن را تشخیص دهیم.

در این درس، روش تفسیر اشاری و گونه‌ها و معیارهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و مثال‌های متعددی برای آن ارائه می‌شود.

واژگان

(الف) روش؛ (ب) تفسیر؛ (این دو واژه در مباحث قبل توضیح داده شد.) (ج) اشاری
 ۱. «اشاره» در لغت به معنای علامت و نشانه دادن به عنوان انتخاب چیزی (از قول، عمل یا نظر) است.^۱

واژه «اشارت» در قرآن نیز به کار رفته است، آن‌جا که مریم عَلَيْهَا به عیسی عَلَيْهِ در گاهواره اشاره کرد تا مردم از او پرسش کنند: ﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ﴾.^۲
 ۲. اشاره در اصطلاح، به معنای چیزی است که از کلام استفاده می‌شود، بدون این‌که کلام برای آن وضع شده باشد.

اشاره، گاهی حسّی است؛ مثل الفاظ اشاره (هذا) و گاه ذهنی است؛ مثل اشارات کلام به معنای زیاد، که اگر گوینده می‌خواست به آنها تصریح کند باید سخنان زیادی می‌گفت. البته اشاره گاهی ظاهر و گاهی خفی است.^۳
 ۳. مقصود از تفسیر اشاری:

تفسیر اشاری به اشارات مخفی گفته می‌شود که در آیات قرآن کریم موجود است و براساس عبور از ظواهر قرآن و اخذ به باطن استوار است؛ یعنی از طریق دلالت اشاره و با دوجه به باطن قرآن مطلبی از آیه برداشت و نکته‌ای روشن شود، که در ظاهر الفاظ آیه بدان تصریح نشده است. به عبارت دیگر: اشارات آیه لوازم کلام هستند که از نوع دلالت التزامی به شمار می‌آیند.^۴
 البته از آن‌جا که تفسیر اشاری دارای گونه‌های مختلفی همچون تفسیر رمزی، عرفانی، صوفی، باطنی و شهودی است، تعریف‌های متعددی از آن ارائه شده است که در مبحث دیدگاه‌ها و دلایل، نقل و نقد و بررسی خواهد شد.

تاریخچه

تاریخچه برخی از اقسام تفسیر اشاری - مانند تفسیر باطنی - را می‌توان در صدر اسلام جست‌وجو کرد؛ یعنی ریشه‌های این تفسیر، در سخنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است که

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۴۹، ماده «شور».

۲. مریم، آیه ۲۹.

۳. اصول التفسیر و قواعد، شیخ خالد عبدالرحمن العک، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۴. منطق تفسیر (۲)، مبحث روش تفسیر اشاری.

فرموده‌اند: «قرآن ظاهر و باطنی دارد»^۱ و در برخی احادیث به باطن آیات اشاره کرده‌اند.^۲ در برخی از احادیث نیز از امام علی بن الحسین علیه السلام و امام صادق علیه السلام حکایت شده که: «کتاب الله - عزوجل - علی أربعة أشياء: علی العبارة و الإشارة و اللطایف و الحقایق؛ فالعبارة للعوام و الإشارة للخواص و اللطایف للأولیاء و الحقایق للأنبیاء»^۳ کتاب خدای عزوجل بر چهار چیز استوار است: عبارت، اشارت، لطایف و حقایق. عبارات‌های قرآن برای عوام؛ اشارات آن برای خواص؛ لطایف قرآن برای اولیا و حقایق قرآن برای پیامبران است».

از آن جا که همهٔ مسلمانان پذیرفته بودند که قرآن دارای باطنی عمیق و معانی دقیق و کنایه‌ها و اشارات است، راه برای این گونه تفسیرها باز شد؛ تا آن جا که ابن عربی نوشت: «همان‌طور که تنزیل اصل قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله از پیش خدا بوده، تنزیل فهم آن نیز بر قلوب مؤمنان از ناحیهٔ حضرت حق صورت می‌گیرد».^۴

از این رو در دوره‌های بعد، برخی از عارفان و اهل تصوف به گونه‌هایی از تفسیر اشاری، همچون تفسیر رمزی، شهودی، صوفیانه و عرفانی توجه نمودند و کتاب‌های تفسیری متعددی در این زمینه به نگارش در آمد که از آن جمله تفسیر توستری از ابن محمد بن سهل بن عبدالله توستری (۲۰۰-۲۸۳هـ)؛ کشف الأسرار و عده‌الابرار، اثر میبدی (زنده در سال ۵۲۰هـ) و تفسیر ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸هـ) را می‌توان نام برد.

علامه طباطبایی و آیه‌الله معرفت تاریخچهٔ این روش تفسیری را از قرن دوم و سوم هجری می‌دانند؛ یعنی پس از آن که فلسفه یونانی به عربی ترجمه شد.^۵ این روش تفسیری در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های گوناگونی داشته و مفسران مذاهب مختلف اسلامی و نیز صوفیه و عرفا به آن توجه نموده‌اند، به گونه‌ای که نمی‌توان همه را یکسان انگاشت و داوری واحدی در مورد آنان روا داشت، چراکه برخی در این راه

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۵؛ نهج البلاغه، خطبه، ۱۸؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۴۶۱.
 ۲. در مبحث گونه‌های تفسیر اشاری تفسیر باطنی برخی از این موارد ذکر خواهد شد.
 ۳. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰ و ص ۱۰۳ و ج ۷۸، ص ۲۷۸.
 ۴. الفتوحات المکیة، محی الدین ابن عربی، ج ۱، ص ۲۷۹.
 ۵. المیزان، ج ۱، ص ۵ و ۷؛ التفسیر والمفسرون فی توبه القشيب، ج ۲، ص ۵۲۶ و ۵۲۷.

افراط کرده، به راه تفسیر به رأی و تأویل‌های بی‌دلیل افتاده‌اند. البته برخی نیز از باطن قرآن براساس ضوابط صحیح استفاده کرده‌اند.

دیدگاه‌ها

درباره روش تفسیر اشاری، دیدگاه‌ها، تعریف‌ها و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی وجود دارد. هر مفسر یا صاحب‌نظری که در این باره به یک یا چند گونه از تفسیر اشاری توجه کرده، با آن موافقت یا مخالفت نموده یا گونه دیگری را رد کرده است. اینک برای آشنایی با دیدگاه‌ها، برخی از آنان ارائه می‌شوند:

الف) دیدگاه موافقان

یکم) دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله

ایشان در مورد برداشت‌های عرفانی از قرآن می‌نویسد:

یکی دیگر از حُجُب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است، اعتقاد به آن است که جز آن که مفسران نوشته یا فهمیده‌اند، کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبّر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی - که ممنوع است - اشتباه نموده‌اند و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده، عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند؛ در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه، مربوط به تفسیر نیست، تا تفسیر به رأی باشد...^۱

سپس با مثالی در مورد آیات پیروی موسی علیه‌السلام از خضر علیه‌السلام و استفاده توحید افعالی از آیه **﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾** می‌نویسد:

الی غیر ذلک از اموری که از لوازم کلام استفاده می‌شود که مربوط به تفسیر به هیچ وجه نیست.

علاوه بر آن که تفسیر به رأی نیز کلامی است که شاید آن غیر مربوط به آیات معارف و علوم عقلیه که موافق موازین برهانیه است و آیات اخلاقیه که عقل را در آن مدخلیت است، باشد. زیرا که این تفاسیر، مطابق با برهان متین عقلی یا اعتبارات واضح عقلیه است که اگر ظاهری بر خلاف آنها باشد، لازم است آنها را از ظاهر مصروف نمود.

۱. پرواز در ملکوت، مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی رحمته‌الله، ج ۲، ص ۱۱۲.

...پس محتمل است، بلکه مظنون است که تفسیر به رأی، راجع به آیات احکام باشد که دست آرا و عقول از آن کوتاه است. و به صرف تعبّد و انقیاد از خازنان وحی و مهابط ملائکه الله باید اخذ کرد.^۱

بررسی: ایشان برداشت‌های عرفانی از آیات را از مقوله تفسیر نمی‌داند، بلکه از باب لوازم کلام (که شاید مقصود ایشان بطون باشد) می‌شمارد. بنابراین ایشان به تفسیر عرفانی باطنی ضابطه‌مند اشاره دارد که متکی بر عقل است و به تفسیر به رأی منتهی نمی‌شود.

البته در مورد این که تفسیر اشاری باطنی، به نوعی داخل در تفسیر نیز هست، در پایان مبحث دلایل مخالفان و موافقان تفسیر اشاری، مطالبی بیان خواهیم کرد.

دوم) دیدگاه استاد حسن عباس زکی

ایشان به دفاع از صوفیه برخاسته و تفسیر اشاری آنان را توجیه کرده و آن را از تفسیر باطنیه که ظاهر قرآن را کنار می‌گذارند، جدا می‌داند و می‌نویسد:

مفسران که از علمای شریعت هستند، بر ظاهر الفاظ قرآن توقف می‌کنند؛ ولی اهل تحقیق یا صوفیه، این تفسیر ظاهری را قبول می‌کنند و آن را اصل می‌دانند، ولی نمی‌گویند تفسیر ظاهری تنها مراد است. چون این موجب محدودیت کلام خدا می‌شود که نامحدود است.

بلکه مافوق ادراک عقلی، چیزی به نام قلب است که ذوق خاص دارد که مثل کسی است که میوه‌ای می‌خورد، ولی نمی‌تواند مزه آن را برای دیگری بگوید. از این رو سخن قلب در قالب الفاظ در نمی‌آید و از آن به «اشاره» تعبیر می‌شود. پس اشارات، ترجمان، تجلیات و مشاهدات قلبی است؛ یعنی اسرار کلام خدا و پیامبر که خدا بر برگزیدگان و دوستان خود افاضه می‌کند و این، همان باطن قرآن است.

ولی این اشارات قلبی و تفسیر صوفیه نیز تنها مراد آیات قرآن نیست، آن گونه که باطنیه می‌گویند و شریعت را باطل می‌دانند و در برابر نصوص قرآن خاضع نمی‌شوند.^۲

بررسی: سخن ایشان در باره جمع بین ظاهر و باطن قرآن، نیکوست، اما ایشان توضیح نداده که چگونه شهودهای قلبی را به عنوان باطن قرآن بپذیریم و معیار و ضابطه آن چیست.

به نظر می‌رسد که مشکل اصلی تفسیر عرفانی، صوفی، اشاری، رمزی و باطنی در همین جاست، که در مباحث بعدی بدان می‌پردازیم.

۱. پرواز در ملکوت، مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، ج ۲، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲. مقدمه تفسیر القشیری، ج ۱، ص ۴ - ۶.

ب) دیدگاه مخالفان تفسیر اشاری

استاد عمید زنجانی در کتاب مبانی و روش‌های تفسیری فصل هشتم را به این روش تفسیری اختصاص داده و آن را به سه گونه فرعی تقسیم و این‌گونه توضیح داده است:

۱. تفسیر رمزی: صوفیه و باطنیه، که دین را از قید و بند ظواهر شرع و جهات خشک و تقيّدات مذهبی آزاد می‌دانستند، جهت استحکام تشکیلات مذهبی خود به دو مسئله باطن داشتن قرآن و امثال و کنایات و اشارات موجود در آیات توجه کردند. آنان از این دو مسئله به منظور تأمین مقاصد مذهبی خود استفاده کردند و تعلیمات عرفانی و ذوقی و اسرار و مبانی مذهبی خویش را به عنوان تفسیر بطنی قرآن بیان نمودند. ایشان سپس این روش را تفسیر به رأی دانسته و مثال‌هایی از تفسیر قرآن ابن عربی ارائه کرده^۱ و با معرفی گروه «باطنیه» می‌نویسد:

باطنیه، طایفه‌ای از شیعیان بودند که منکر ظواهر شرع و قرآن بودند و مقصود حقیقی قرآن را باطن آن می‌دانند و هر کس به ظاهر قرآن تمسک جوید گمراه است. آنان ظواهر عبادات و بهشت و جهنم و... را رموز و اشاراتی حاکی از اسرار مذهب می‌دانند. حتی مفضل یکی از یاران امام صادق علیه السلام در نامه‌ای به حضرت، در مورد گروه باطنیه کسب نظر می‌کند که حضرت در پاسخ می‌نویسد: «درباره طایفه‌ای سخن گفته بودی که من آنان را می‌شناسم... به تو گفته‌اند که آنان گمان می‌کنند شناخت دین همان شناخت اشخاصی چند (همچون امامان باطنیه) است، نوشته بودی که آنان می‌پندارند مقصود از نماز، زکات، روزه، حج، عمره، مسجدالحرام و مشعرالحرام یک شخص معین است... آگاه باش که هر کس چنین عقیده‌ای داشته باشد در نظر من مشرک است. ... این گونه افراد، سخنانی شنیده‌اند؛ ولی نتوانسته‌اند آن را درک کنند.^۲

وی در پایان، این شیوه را خارج از حدود دلالت لفظی دانسته و تفسیر نمی‌داند.^۳

۲. تفسیر اشاری: برخی به شیوه تفسیری صوفیه، تفسیر اشاری اطلاق کرده‌اند، از این‌رو که ظواهر آیات به معانی مورد نظر آنان اشاره دارد. این اصطلاح از روایت معروفی که یکی از وجوه قرآن را اشاره می‌داند، اتخاذ گردیده است.^۴

۱. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۱۴ - ۳۱۶.

۲. بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، ص ۵۲۶؛ مقدمه تفسیر برهان، ص ۱۲.

۳. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۲۲.

۴. این روایت به نقل از امام سجاده علیه السلام و امام صادق علیه السلام در مبحث تاریخچه آورده شد.

عمید زنجانی، شرایط تفسیر اشاری را در نوشتار خود برشمرده و با بیان مثالی در دلالت تفسیر اشاری (با فرض وجود شرایط) تشکیک می‌کند.^۱

۳. تفسیر شهودی: تفسیر شهودی یا تفسیر اشراقی براساس مکتب اشراق و شهود، در برخی از تفاسیر دیده می‌شود. شهود، حالتی روحی و احساسی درونی و شخصی است که با اذکار یا افعال یا تفکر در امر خاصی در انسان به وجود می‌آید و در مصادیق صحیح آن واقعیت‌هایی بر انسان مکشوف می‌شود.

راه مکاشفه، یک منطق و طریقه احساس شخصی است و قابل انتقال به دیگری نبوده و نمی‌تواند برای دیگران حجت باشد.

راه درک حقایق، یعنی مکاشفه و شهود، حتی اگر حق و قابل قبول هم باشد، رسیدن به معانی و مقاصد آیات قرآن از طریق مکاشفه و شهود نمی‌تواند مصداقی برای تفسیر باشد، زیرا در صدق تفسیر، استناد به دلالت لفظی شرط اساسی است درحالی‌که در مکاشفه و شهود استناد به امر دیگری است.^۲

بررسی: به نظر می‌رسد که جدا سازی تفسیر اشاری در بخش شهودی و رمزی مفید است. با توضیح این‌که مقصود از تفسیر رمزی همان تفسیر صوفی نظری و منظور از تفسیر شهودی، همان تفسیر صوفی عملی یا فیضی است. اما جدا سازی تفسیر اشاری از رمزی، با توضیحاتی که نویسنده ارائه نموده، به صورتی روش مند مستدل نگردیده و در حقیقت دو نام برای یک شیوه تفسیری است.

به هر حال ایشان روش تفسیر اشاری، شهودی و رمزی، یعنی تمام اقسام تفسیر عرفانی و صوفی را نمی‌پذیرد.

ج) دیدگاه تفصیل در تفسیر اشاری

یکم) دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله

ایشان در مقدمه تفسیر المیزان با اشاره به روش تفسیر صوفی می‌نویسد:

اما اهل تصوّف به خاطر مشغول بودن به سیر باطنی در خلقت و توجه به آنان به آیات انفسی و توجه کمتر به عالم ظاهر و آیات آفاقی، فقط به تأویل قرآن

۱. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۲۵ و ۳۲۶.

۲. همان، ص ۳۲۷ و ۳۲۸ با تلخیص.

پرداختند و تنزیل (و ظاهر قرآن) را کنار گذاشتند. و این مطالب موجب جرأت مردم بر تأویل قرآن و تألیف سخنان شعری و استدلال از هر چیزی برای هر چیز شد. تا آن‌که در نهایت کار به تفسیر آیات براساس حساب جمل و برگشت دادن کلمات به زُبر و بیّنات و حروف نورانی و ظلمانی و غیر آن شد.^۱

علامه سپس در انتقاد از این روش می‌نویسد: «واضح است که قرآن تنها برای اهل تصوّف نازل نشده است و مخاطب آن اهل علم اعداد و آفاق و حروف نیستند و معارف قرآن براساس حساب جمل که اهل نجوم یونانی آن را قرار داده‌اند نیست.»

در ادامه به روش تفسیر باطنی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «بلی در احادیث از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام وارد شده که قرآن ظاهر و باطنی دارد و باطن آن باطن دارد تا هفت یا هفتاد بطن دارد؛ ولی اهل بیت علیهم‌السلام با توجه به ظاهر، به باطن نیز توجه می‌کردند و به تأویل و تنزیل - هر دو - توجه داشتند.»^۲

بررسی: ایشان چند گونه از تفسیر اشاری را نام برده‌اند:

۱. تفسیر صوفی که براساس تأویل‌های بدون دلیل پایه گذاری شده است؛
۲. تفسیر باطنی صحیح که براساس توجه به ظاهر و باطن قرآن استوار است.

دوم) دیدگاه آیه‌الله معرفت

ایشان در مورد تفسیر عرفانی (رمزی و اشاری) می‌نویسد:

در این‌جا برای اهل عرفان باطنی تفاسیری هست که براساس تأویل ظواهر (آیات) و اخذ به باطن تعبیر (قرآن) بدون توجه به دلالت‌های ظاهری آنها، بنیان نهاده شده و بر دلالت رمز و اشاره براساس اصطلاح خودشان، پایه‌گذاری شده است و از اطراف و جوانب کلام استفاده می‌کنند، نه از صریح الفاظ و دلالت کلام. آنان برای ظواهر تعبیر، باطن‌هایی را فرض کرده‌اند و آنها را بر قرآن کریم حمل (تحمیل) می‌کنند و در این راه به ذوق عرفانی ویژه‌ای استناد می‌کنند که ماورای فهم معمولی مردم است.^۳

سپس با بیان تاریخچه تفسیر عرفانی، آن را تفسیر صوفیه دانسته و به مسئله تفسیر باطنی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱. المیزان، ج ۱، ص ۷.

۲. همان.

۳. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۵۲۶.

هر چند که ما تأویلات غیر مستند این افراد را منکر هستیم، اما قبول داریم که قرآن ظاهر و باطن دارد، همان‌طور که از پیامبر ﷺ حکایت شده است. ظاهر قرآن عبارت است از معنایی که از تنزیل (آن‌چه نازل شده است) استفاده می‌شود. و بر استفاده از ظاهر تعبیرات (آیات) براساس اصول مقرر در باب تفهیم و تفهیم استوار است. اما باطن عبارت است از مفهوم عام شامل، که از فحوای آیه استنباط می‌شود؛ یعنی آیه به گونه‌ای تأویل می‌شود و به جایی باز می‌گردد که بر موارد مشابه در طول زمان منطبق شود. البته تأویل (و به دست آوردن بطن) شرایطی دارد که براساس ذوق‌های مختلف و سلیقه‌ها نیست.^۱

سپس ایشان به تفسیر شهودی اشاره نموده و بر این عقیده است که تفسیر صوفی بر مقدمات علمی و برهان‌های منطقی و سبب معقول تکیه نمی‌کند؛ بلکه تفسیر آنان چیزی است که به سبب اشراقات نوری که از محل بالاتر افاضه می‌شود؛ یعنی صوفی عارف به درجه کشف و شهود می‌رسد و معنا برای او کشف می‌گردد. و به او اشارات قدسیه می‌شود و به قلب او از غیب معارف الهی می‌رسد.^۲

در ادامه، ایشان در مورد انواع تفسیر باطنی می‌نویسد:

تفسیر صوفی را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: نظری و فیضی. این تقسیم براساس تقسیم تصوف به نظری و عملی است که تصوف نظری براساس بحث و درس است؛ اما تصوف عملی براساس زهد و گذراندن مراحل سیر و سلوک عملی و اذکار و اوراد است.^۳

علامه معرفت ریشه تصوف نظری را به یونانیان برگردانده و تعالیم آنها را از روح قرآن دور می‌داند، چرا که آنان تلاش می‌کنند نظریات عملی خود را بر قرآن تحمیل کنند.

اما در تصوف فیضی، قرآن بر خلاف ظاهر آن، براساس اشارات رمزی تفسیر شده و برای صاحبان سلوک و ریاضت، ظاهر می‌شود، ولی دلیل و برهان ندارد.^۴

۱. همان، ص ۵۲۷.

۲. همان، با تلخیص، ص ۵۲۸.

۳. همان، ص ۵۳۷.

۴. همان ص ۵۳۸.

بررسی: ایشان نیز چند قسم از تفسیر اشاری را بیان کرده‌اند:

۱. تفسیر صوفی که براساس تأویل و باطن قرآن و تصوّف نظری قرآن استوار است؛ اما تأویلات آنها دلیل ندارد؛
۲. تفسیر صوفی که براساس کشف و شهود و تصوّف عملی است؛
۳. تفسیر باطنی صحیح که براساس ضوابط صحیح تأویل و بطن یابی استوار است.

سوم) دیدگاه دکتر ذهبی

ایشان تفسیر اشاری را به دو قسم تقسیم می‌کند:

یکم: تفسیر صوفی نظری که بر مقدمات علمی استوار بوده و در ذهن صوفی مشخص شده است. در این شیوه، مفسر گمان می‌کند که تمام مقصود آیه را درک کرده و چیزی غیر از این تفسیر اشاری صوفی نظری نیست که آیه را بر آن حمل کنند. محی‌الدین ابن عربی از بزرگان این شیوه است.

دوم: تفسیر صوفی فیضی، که براساس ریاضت‌های روحی صوفی استوار است تا این‌که او به درجه کشف می‌رسد و اشارات قدسی را دریافت می‌کند. در این شیوه، مفسر گمان نمی‌کند که تفسیر صوفی فیضی، تمام معنای آیه باشد؛ بلکه احتمال می‌دهد که معنای دیگری نیز باشد که همان معنای ظاهری است و قبل از هر چیز به ذهن می‌رسد.^۱

۱. التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۳۳۹.

چکیده

۱. تفسیر اشاری، ریشه در صدر اسلام و مسئله بطون قرآن دارد؛ ولی در قرن دوم و سوم در بین اهل عرفان و تصوّف رشد بیشتری کرد و در طول تاریخ فراز و نشیب‌ها و اقسام گوناگونی پیدا کرد.

۲. از موافقان تفسیر اشاری می‌توان به امام خمینی رحمته الله علیه، استاد حسن عباس زکی و تفتازانی اشاره کرد.

۳. از مخالفان تفسیر اشاری، استاد عمید زنجانی است که سه قسم تفسیر رمزی، اشاری و شهودی را بیان کرده و آنها را یا تفسیر به رأی خوانده و یا از حوزه تفسیر خارج دانسته است.

۴. علامه طباطبایی رحمته الله علیه و آیه‌الله معرفت بین تفسیر باطنی صوفیه و مسئله بطون قرآن که در روایات مطرح است تفاوت گذاشته، اوّلی را رد می‌کنند و دومی را ضابطه‌مند و مورد قبول می‌دانند.

۵. آیه‌الله معرفت و دکتر ذهبی، تفسیر اشاری را به دو نوع: تفسیر صوفی نظری و تفسیر صوفی فیضی تقسیم می‌کنند و هر دو را مردود می‌دانند.

۶. شیخ خالد عبدالرحمن العک تفسیر اشاری را به دو قسم: خفی و جلی تقسیم کرده و اشارات علمی قرآن را نیز جزئی از تفسیر اشاری می‌داند که این مطلب خلط بین روش تفسیر اشاری با روش تفسیر علمی قرآن است.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

روش تفسیر اشاری (۲)

۱. اقسام تفسیر اشاری و نمونه‌های آن

در مباحث قبلی بیان شد که از تفسیر اشاری، براساس دیدگاه‌های مختلف، تقسیمات متفاوتی ارائه شده است: همانند نظری و فیضی؛ رمزی و شهودی؛ مخفی و آشکار؛ صوفی غلط و باطنی صحیح^۱؛ اما به نظر می‌رسد که تقسیم بهتری در این روش تفسیری قابل ارائه است، به این گونه که روش تفسیر اشاری به دو قسم اساسی تقسیم می‌شود:

الف) باطنی غیر صحیح

در این شیوه، مفسر با استفاده از شهود باطنی خویش، یا نظریات عرفانی و مبانی نظری تصوف و یا غیر آن، به تأویل آیات قرآن می‌پردازد و از حد ظواهر قرآن و قواعد استنباط از ظاهر می‌گذرد و باطن آیات را بیان می‌کند، بدون این‌که در این کار، تابع ضوابط کشف باطن باشد و یا دلایل عقلی و نقلی برای تأویل آیات ارائه کند. روشن است که این شیوه منتهی به تفسیر به رأی می‌شود.

این شیوه تفسیر اشاری، خود به چند گونه فرعی تقسیم می‌شود:

۱. این تقسیمات در مبحث دیدگاه‌ها به ترتیب در دیدگاه: دکتر ذهبی، استاد عمید زنجانی، عبدالرحمن العک، آیه‌الله معرفت و علامه طباطبایی مطرح شد.

یکم) روش تفسیری اشاری شهودی (فیضی)

در این شیوه، شخص با استفاده از کشف و شهودهای عارفانه و تجلیاتی که بر قلب او می‌شود، به تفسیر قرآن پرداخته و از حدود ظاهر آیات و قواعد آن تجاوز می‌کند. البته برخی از طرفداران این‌گونه تفسیر، ادعا کرده‌اند که تفاسیر ظاهری قرآن را نیز می‌پذیرند؛ ولی تفسیر اشاری شهودی نیز دارند. این شیوه تفسیری به صوفیه و عارفان نسبت داده شده است.

مثال: تستری در تفسیر باطنی خویش «بسم الله» را این‌گونه تفسیر می‌کند:

باء، بهاء الله؛ سین، سناء الله؛ میم، مجد الله و «الله» اسم اعظمی است که نام‌های دیگر خدا را در بردارد. بین الف و لام آن حرفی مخفی است که غیبی از غیب به سوی غیب و سرّی از سرّ به سوی سرّ است... و «الرحمان» اسمی است که در آن خاصیتی از حرف مخفی بین الف و لام است.^۱

قشیری نیشابوری نیز در لطایف الاشارات، در مورد آیه «وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۲ می‌نویسد: «ظاهر آیه امر می‌کند که خانه (کعبه) را پاک سازید؛ ولی اشاره آیه به تطهیر قلوب است، به حفظ کردن آن از توجه به غیر».^۳

از این عربی نیز حکایت شده است که در تفسیر آیات مربوط به کعبه، بیت و حجّ می‌گوید:

«بیت، قلب است و مقام ابراهیم، مقام روح، مصلأً مشاهده و مواصله الهیه است و شهر با امنیت، سینه انسانی است و طواف، اشاره به رسیدن به مقام قلب و بیت معمور، قلب عالم است و حجر اسود، روح است».^۴

و نیز در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ»^۵ می‌گوید: «فکانه قال: أمرنا بقتال النفس و من يلينا من الكفار».^۶

۱. تفسیر التستری، ص ۳.

۲. بقره، آیه ۱۲۵.

۳. لطایف الاشارات، ج ۱، ص ۱۳۶.

۴. تفسیر منسوب به ابن عربی، ج ۱، ص ۸۴ - ۸۶.

۵. توبه، آیه ۲۳.

۶. فتاوی ابن الصلاح، ص ۲۹ به نقل از التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۳۶۸.

بررسی: این گونه تفسیر اشاری، براساس شهود است و شهود حالتی روحی و احساسی درونی است که بر اثر اذکار یا افعال و یا تفکر در امر خاصی در انسان به وجود می‌آید. اما درباره چنین شهودی باید گفت:

یکم: مصادیق الهی و شیطانی دارد و در مصادیق صحیح و الهی آن واقعیت‌ها بر انسان کشف می‌شود، اما مرز آن با مصادیق شیطانی مکاشفه قابل تعیین دقیق و کنترل نیست. دوم: این مکاشفات اگر صحیح و یقین‌آور باشند فقط برای خود شخص، حجت بوده و قابل انتقال به غیر نیستند، از این رو بر دیگران حجت نخواهد بود. از این رو، چنین مکاشفاتی نمی‌تواند منبع و وسیله تفسیر قرآن قرار گیرد. تفاوتی نمی‌کند که مفسر تفسیر اشاری شهودی ادعا کند که تنها تفسیر آیات همین مطالب شهودی است، یا تفسیر ظاهری را هم بپذیرد.

دوم) روش تفسیر اشاری نظری

در این شیوه، شخص با استفاده از مبانی و مطالب عرفان یا تصوف نظری به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. در این راه از حدود ظواهر قرآن عبور و باطن قرآن تأویل می‌شود، بدون آن‌که دلیل یا قرینه عقلی و نقلی برای این تأویل و بطن‌یابی قرآن ارائه شود؛ یعنی ضوابط تأویل و بطن‌یابی رعایت نمی‌شود و گاه، مفسر ادعا می‌کند که غیر از تفسیر اشاری نظری، تفسیر دیگری برای قرآن نیست. لازم به ذکر است که این نوع تفسیر را به صوفیه و اهل عرفان نظری نسبت می‌دهند.

مثال: از صوفیه حکایت شده که در تفسیر آیه ﴿مَنْ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ﴾^۱ می‌گویند: «نحن خلقناکم باظهارکم بوجودنا و ظهورنا فی صورکم»؛^۲ ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾^۳ گفته می‌شود: «وهو معکم اینما کنتم لوجودکم به و ظهوره فی مظاهرکم».^۴

۱. واقعه، آیه ۵۷.

۲. تفسیر منسوب به ابن عربی، ج ۲، ص ۵۹۳ (البته به احتمال زیاد این تفسیر همان تفسیر تأویلات قاشانی است که نوشته شیخ کمال الدین ابی الغنایم عبدالرزاق بن جمال‌الدین کاشی سمرقندی است. - رک: التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۲، ص ۵۷۴).

۳. حدید، آیه ۴.

۴. تفسیر منسوب به ابن عربی، ج ۲، ص ۵۹۹.

و در سوره مزمل ﴿وَأذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ﴾^۱ می‌گویند: و اذکر اسم ربك الذي هو انت. أي اعرف نفسك و اذكرها و لاتنسها فينساك الله...»^۲.

البته روشن است که این تفسیرها براساس دیدگاه «وحدت وجود» است که مورد قبول اکثر صوفیه و عرفاست.

از غزالی نیز حکایت شده که در مورد تفسیر آیه ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ﴾ گفته است: «من يريد ادراك الوحدة الحقیقیة يجب عليه أن يطرح عن نفسه التفكير في الحياتين الدنيا و الأخرى»^۳.

بررسی

یکم: قرآن کریم برای گروه خاصی نازل نشده است تا فقط صوفیه با مبانی خاصی تفسیر قرآن را دریابند؛ بلکه قرآن برای همه مردم نازل شده و ظواهر آن روشن و گویاست.

دوم: چنانچه این کار به حدّ تحمیل مبانی و نظرات بر قرآن برسد، تفسیر به رأی بوده و از گناهان کبیره است.

سوم: این شیوه، از حدود دلالت لفظی قرآن خارج است و در حقیقت تفسیر قرآن نیست؛ بلکه بیان دیدگاه‌ها و مبانی تصوف و عرفان نظری است که در قالب آیات قرآن بیان شده است.

چهارم: این شیوه تفسیر، باعث جرأت افراد برای تأویل‌های بدون دلیل در آیات قرآن می‌شود که آن هم جایز نیست.

سوم) روش تفسیر اشاری باطنیه

برخی از افراد، منکر ظواهر شرع و قرآن بوده‌اند و مقصود حقیقی را باطن قرآن دانسته و حتی ظواهر عبادات و بهشت و جهنم را اشاراتی به اسرار مذهب و شخص معین (پیشوای خود) تلقی نموده‌اند.

۱. مزمل، آیه ۸.

۲. تفسیر منسوب به ابن عربی، ج ۲، ۷۲۰ و ۷۲۱.

۳. اصول التفسیر و قواعد، عبدالرحمن العک، ص ۲۱۴.

مثال: این افراد، مقصود از نماز، زکات، روزه، حج، عمره، مسجدالحرام و مشعرالحرام را یک شخص معین (پیشوای باطنیه) می‌دانند. آنان هم چنین شناخت دین را شناخت شخص (پیشوای خود) می‌دانند.^۱

بررسی: این گونه تفسیر اشاری، همان اشکالات گونه قبل (اشاری نظری) را دارد و علاوه بر آن به شرک منتهی می‌شود،^۲ چرا که آنان امام خود را باطن همه چیز می‌دانند و کم‌کم او را در حد خدا و همتای او معرفی می‌کنند.

ب) باطنی صحیح

از آن‌جا که در برخی احادیث از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام حکایت شده که قرآن ظاهر و باطن بلکه بطن‌های متعددی دارد، گروهی از مفسران علاوه بر توجه به تفسیر ظاهری آیات، به بطن آیه‌ها نیز توجه می‌کنند؛ منتها این کار را براساس قراین و ضوابط انجام داده و تفسیر باطنی صحیح انجام می‌دهند. این همان شیوه‌ای است که مورد تأیید امام خمینی، علامه طباطبایی و آیه‌الله معرفت قرار گرفته است.^۳

در این شیوه، بر تأویلات بدون دلیل و اشراقات و شهودهای قلبی تأکید نمی‌شود، همان‌طور که مبانی نظری تصوف نیز بر قرآن تحمیل نشده، از روش باطنیه نیز پیروی نمی‌شود.

اینک، برای توضیح روش تفسیر اشاری باطنی صحیح، ناچاریم که به معنای واژه تأویل و بطن و معیارهای آن به‌طور گذرا اشاره کنیم:

ظاهر قرآن عبارت است از: معنایی که از تنزیل (آن‌چه نازل شده) استفاده می‌شود و براساس قواعد عرفی محاوره و تفهیم و تفهّم به دست می‌آید.

واژه «تأویل» در اصل به معنای رجوع بوده و دارای معانی متعددی در قرآن است؛ همچون: توجیه تشابهات،^۴ تعبیر رؤیا،^۵ عاقبت امر^۶ و به معنای بطن هم می‌آید.^۷

۱. همان‌طور که در بصائر الدرجات، ص ۵۲۶ و مقدمه برهان، ص ۱۲ در حدیثی پاسخ نامه مفضل آمده است.

۲. همان‌طور که در حدیث فوق بدان اشاره شده است.

۳. به مبحث دیدگاه‌ها مراجعه شود.

۴. آل عمران، آیه ۷.

۵. یوسف، آیه ۶، ۲۱ و ۳۶.

۶. اسراء، آیه ۳۵.

۷. التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۰ و ۲۱.

اما واژه «بطن» به معنای درون است که معانی متعددی برای آن گفته شده و در این جا مقصود ما معنای مفهوم عام برگرفته از فحوای آیه‌ای است که در مورد خاصی نازل شده است؛^۱ یعنی اگر آیه‌ای برای شرایط خاص زمان و مکانی یا فردی خاص نازل شده است از خصوصیات خود جدا شده و طوری تأویل و بطن‌یابی گردد که بر موارد مشابه در طول زمان منطبق شود.^۲

شرایط تأویل و بطن‌یابی صحیح، در مبحث معیارهای تأویل و بطن خواهد آمد که مهم‌ترین آنها رعایت مناسبت بین ظاهر و باطن کلام و مراعات نظم و دقت در الغای خصوصیت و تنقیح مناط است.^۳

البته بحث کامل از تأویل، بطن و دیدگاه‌های مختلفی که در این زمینه هست، نیاز به توضیح زیادی دارد که از موضوع این نوشتار خارج است.^۴

مثال: خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾.^۵

در مورد این آیه از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «من حرق أو غرق»؛ سپس سکوت کرده و ادامه داد: «تأويلها الاعظم ان دعاها فاستجاب له».

هم‌چنین در مورد این آیه، روایتی از امام باقر علیه السلام در کافی آمده که فرمود: «من حرق أو غرق». گفته شد: «فمن اخرجها من ضلال إلى هدى؟» آن حضرت فرمود: «تأويلها الاعظم».^۶

ظاهر آیه در مورد کشتن و زنده کردن یک انسان است که همچون کشتن و زنده کردن تمام مردم شمرده شده است.

۱. همان، ص ۲۱ و ۲۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۲۷.

۳. التفسیر و المفسرون، آیه‌الله معرفت، ج ۱، ص ۲۴ و ص ۲۸.

۴. برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: التفسیر و المفسرون، آیه‌الله معرفت، ج ۱، ص ۲۰ به بعد؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده (بحث تأویل) و مبانی و روش‌های تفسیری، دکتر شاکر.

۵. مانده، آیه ۳۲.

۶. صافی، ج ۲، ص ۳۱ (این روایت را در بحث کاربردهای روایات در تفسیر آوردیم، ولی در این جا به دلیل اهمیت و مناسبت آن تکرار کردیم).

اما تأویل (بطن) آیه مهم‌تر و بزرگ‌تر است، چون از کشتن و زنده کردن جسم الغای خصوصیت می‌شود و قاعده‌ای کلی به دست می‌دهد که هرگونه زنده کردن انسان‌ها را شامل شده و زنده کردن جسم و روح دو مصداق آن می‌شود؛ یعنی اگر کسی از گمراهی نجات یافته و هدایت شود، روح او با نور ایمان زنده شده و پاسخ مثبت به دعوت حق می‌دهد. این کار مانند آن است که شما همه انسان‌ها را زنده کرده باشید.

مثال دیگر: امام خمینی رحمته الله در مورد استفاده‌های عرفانی و اخلاقی از آیات قرآن، این گونه می‌نویسد:

اگر کسی از کیفیت مذاکرات حضرت موسی با خضر و کیفیت معاشرت آنها و شد رحال (هم‌سفر شدن) حضرت موسی با آن عظمت و مقام نبوت، برای به دست آوردن علمی که پیش او نبوده و کیفیت عرض حاجت خود به حضرت خضر به طوری که در کریمه شریفه ﴿هَلْ أَتَيْكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا﴾^۱ مذکور است و کیفیت جواب خضر و عذر خواهی‌های حضرت موسی، بزرگی مقام علم و آداب سلوک متعلم با معلم را، که شاید بیست ادب در آن هست، استفاده کند...

در ادامه یاد آور می‌شود که «بسیاری از استفاده‌های قرآن از این قبیل است».^۲

مثال سوم: در سوره یوسف می‌خوانیم که برادران یوسف برای این که یوسف را از پدر جدا سازند و نقشه خود را (در مورد دور کردن یوسف از پدر) عملی کنند، به پدرشان می‌گویند: ﴿أَرْسَلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۳ فردا یوسف را با ما بفرست تا بگردد (و بخورد) و بازی کند و ما قطعاً نگهبان او هستیم.

این آیه، ظاهری دارد که همان ماجرای یوسف عليه السلام و حيله برادران او برای جداسازی یوسف از پدر است. اما ماورای الفاظ ظاهری، باطن آیه است که یک عبرت‌آموزی را برای همه انسان‌ها در طول تاریخ بیان می‌کند که شیادان و مخالفان راه هدایت، فرزندان شما را به بهانه بازی و غذا می‌برند. پس مراقب فرزندان خود باشید.

این نکته به وسیله الغای خصوصیت از زمان، مکان و افراد قصه به دست می‌آید که

۱. کهف، آیه ۶۶.

۲. پرواز در ملکوت، مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی رحمته الله، ج ۲، ص ۱۱۴.

۳. یوسف، آیه ۱۲.

یک قاعده کلی و عبرت آموز برای همگان است. در زندگی امروز ما نیز موارد و مصادیق زیادی دارد که استعمارگران از راه بازی‌های متنوع، نسل جوان را از ما جدا نموده و به نابودی می‌کشانند.

آری هدف قرآن قصه‌پردازی برای سرگرم کردن افراد نیست و قصه‌های تاریخی را بیان نمی‌کند تا با گذشت زمان پایان یافته و به صورت روایات تاریخی در آیند، بلکه قرآن خود می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»^۱؛ به راستی در سرگذشت آنان، عبرتی برای خردمندان است.

این قصه‌ها عبرت است؛ یعنی باید از ظاهر الفاظ آن عبور کرد و به ماورا و باطن آن رسید و قواعد کلی برای زندگی در هر زمان استخراج کرد. از این رو در حدیثی امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارشان حکایت می‌کنند که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «چگونه است که هر چه قرآن درس داده می‌شود و منتشر می‌شود، باز هم بر شیرینی آن افزوده می‌گردد؟» فرمودند:

«لأنَّ الله تبارك و تعالی لم يجعله لزمان دون زمان و لا لناس دون ناس فهو في كل زمان جديد و عند كل قوم غض إلى يوم القيامة»^۲؛ تازگی و شیرینی قرآن به سبب آن است که خدا آن را برای زمانی ویژه و مردمی خاص قرار نداده است، بلکه قرآن تا روز رستاخیز در زمان جدید و نزد هر ملتی تازه است».

از این رو در برخی از احادیث اشاره شده است که قرآن همچون ماه و خورشید در جریان است و اگر این کتاب آسمانی مخصوص یک قوم بود، بعد از سپری شدن عصر آنان، آیات آن به نابودی می‌گرایید^۳ و این همان نکته‌ای است که در حدیث امام سجّاد علیه السلام از آن با عنوان اشارات قرآن برای خواص یاد شده بود.^۴

۱. همان، آیه ۱۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۱۵.

۳. عن النبي صلى الله عليه وآله: ظهره تنزيلة و بطنه تأويله؛ منه قد مضى و منه ما لم يكن القرآن يجري كما تجري الشمس والقمر (بصائر الدرجات، صفار، ص ۱۹۵) و در مورد حدیث فوق از امام باقر علیه السلام پرسیدند، حضرت فرمود: «ولو ان الآية إذا نزلت في قوم ثم مات اولئك القوم، ماتت الآية و لما بقي من القرآن شيء» (عیاشی، ج ۱، ص ۱۱۰).

۴. این حدیث در مبحث تاریخچه گذشت.

همین موضوع یکی از رموز جاودانگی قرآن است که در هر زمانی برای هر شخص یا ملتی پیامی جدید به همراه داشته و قابل انطباق با زندگی آنان است و این از راه تفسیر اشاری باطنی و به دست آوردن بطن و تأویل صحیح براساس ضوابط معتبر، دست یافتنی است که می‌توان در هر زمان از اشارات و آموزه‌های قرآن بهره جست و آن را بر زندگی عصر جدید منطبق نمود و پاسخ نیازهای معنوی، فکری، اجتماعی، اخلاقی بشر را به دست آورد.

چکیده

۱. در مورد تفسیر اشاری، تقسیم‌های گوناگونی ارائه شده است، ولی بهتر است که آن را به دو گونه باطنی غیر صحیح و باطنی صحیح تقسیم کنیم.
۲. تفسیر اشاری باطنی غیر صحیح، بر نظریات عرفانی یا شهود عرفانی پایه‌گذاری شده و امری ذوقی و بدون ضابطه است که به تفسیر به رأی منتهی می‌شود. این نوع از تفسیر به سه قسم: اشاری شهودی (فیضی)، اشاری نظری و اشاری باطنیه تقسیم می‌شود.
۳. مقصود از روش تفسیر اشاری صحیح، به دست آوردن بطن قرآن و تأویل آن به صورت ضابطه‌مند است که در این شیوه، خصوصیات زمان و مکان و اشخاص از آیه جدا و الغای خصوصیت شده و قاعده‌ای کلی و قابل انطباق بر هر زمان و مکان به دست می‌آید.

معرفی برخی از تفسیرهای اشاری

۱. تفسیر القرآن العظیم، ابو محمد سهل بن عبدالله التستری (۲۰۰-۲۸۳ هـ).
۲. حقایق التفسیر سلّمی، ابو عبدالرحمان محمد بن الحسین بن موسی الأزدی السلّمی (۳۳۰-۴۱۲ هـ).
۳. لطایف الاشارات قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری (۳۷۶-۴۴۸ هـ).
۴. کشف الأسرار و عدّه الأبرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری) مؤلف: رشیدالدین ابوالفضل ابن ابی سعید احمد بن محمد بن محمود المیبیدی (زنده در ۵۳۰ هـ) عمده این تفسیر به زبان فارسی است.
۵. تفسیر خواجه عبدالله انصاری، ابو اسماعیل عبدالله بن محمد بن علی بن محمد الانصاری الهروی (۳۹۶-۴۸۱ هـ).
۶. تفسیر القرآن الکریم منسوب به ابن عربی. این تفسیر از آن شیخ کمال الدین ابی الغنایم عبدالرزاق بن جمال الدین الکاشی السمرقندی (م ۷۳۰ هـ) است.
۷. عرایس البیان فی حقایق القرآن، ابو محمد شیرازی (م ۶۶۶ هـ).
۸. تأویلات النجمیة، نجم الدین دایه (م ۶۵۴ هـ) و علاءالدوله المسنانی (م ۷۳۶ هـ).

۹. تفسیر شاه نعمت الله کرمانی (م ۸۳۴هـ).

۱۰. غرایب القرآن و رغایب الفرقان، نیشابوری (اول قرن هشتم).^۱

پرسش‌های دو درس

۱. معنای لغوی و اصطلاحی اشاره و نیز تعریف تفسیر اشاری را بنویسید.
۲. تفسیر اشاری از چه زمانی شروع شد و عوامل رشد آن چه بود؟
۳. سه تفسیر اشاری را با نام نویسنده نام ببرید که یکی از آنها از قرن سوم هجری باشد.
۴. دیدگاه امام خمینی علیه السلام را در مورد تفسیر عرفانی با مثال توضیح دهید.
۵. تفاوت تفسیر اشاری، رمزی و شهودی را از دیدگاه استاد عمید زنجانی توضیح داده و نقد کنید.
۶. دیدگاه تفصیل علامه طباطبایی علیه السلام و آیه الله معرفت در مورد تفسیر اشاری چیست؟ توضیح دهید.
۷. آیا تفسیر علمی آیات قرآن جزئی از تفسیر اشاری است؟ توضیح داده و نقد کنید.
۸. مقصود از تفسیر اشاری فیضی چیست؟ با مثال توضیح داده و اشکال آن را بیان کنید.
۹. منظور از تفسیر اشاری باطنیه چیست و اشکال کار آنها چه بود؟
۱۲. رابطه تفسیر اشاری باطنی صحیح و غیر صحیح با تفسیر به رأی چیست؟ توضیح دهید.
۱۳. چرا عدم استفاده از تفسیر اشاری صحیح (تفسیر عرفانی) موجب حجاب و مهجوریت قرآن می‌شود؟

پژوهش‌های جدید

۱. بررسی کنید که کاربرد واژه‌های «رمز»، «شهود» و «اشاری» در تفسیر از چه زمانی شروع شده و سیر تاریخی آنها چیست؟
۲. ارتباط رشد تفسیر اشاری صوفی را با ترجمه آثار فلسفی یونانیان به عربی، ریشه‌یابی و بررسی کنید.

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد این تفاسیر و دیگر تفاسیر اشاری صوفیه و عرفا، رک: التفسیر و المفسرون، آیه الله معرفت، ج ۲، ص ۵۳۹ به بعد و روش‌های تفسیر قرآن، دکتر مؤدب، ص ۲۶۱ به بعد.

۳. مسئله شهود عرفانی را بررسی نموده و معیارهای شهود و الهامات الهی و شیطانی را مشخص سازید.
۴. روایات بطون و معانی قرآن را بررسی نموده و معیارهای بطن‌یابی قرآن را جمع‌آوری کنید.
۵. صوفیه و عرفا چه کسانی بوده‌اند؟ تاریخچه و عقاید آنان را به‌طور مختصر بررسی نموده و تفاوت‌های آنان را برشمارید.
۶. عرفان نظری و عرفان عملی را تعریف نموده و تفاوت‌های آنها را بیان و نقش هر یک را در تفسیر بررسی کنید.
۷. تقسیم‌های مختلف تفسیر اشاری را در کتاب‌ها جمع‌آوری و سپس نقد کنید.
۸. معانی مختلف تأویل و رابطه آن را با تفسیر اشاری بررسی نمایید.
۹. ضوابط الغای خصوصیت و تنقیح مناط را در علم منطق و فقه جمع‌آوری و بررسی نموده و آن را بر تفسیر اشاری تطبیق کنید.
۱۰. اقسام دلالت‌های لفظ و دلالت التزامی را به دست آورده و رابطه هر یک را با تفسیر و نیز با تفسیر اشاری بررسی کنید.
۱۱. مقصود از «عبرت» در قرآن چه بوده و رابطه آن با اشارات و بطون قرآن چیست؟

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. آداب الصلوة، امام خمینی رحمته الله علیه.
۲. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی.
۳. التفسیر و المفسرون في ثوبه القشيب، آية الله معرفت.
۴. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سید رضا مؤدب.
۵. اصول التفسیر و قواعد، شیخ خالد عبدالرحمن العک.
۶. منهج تفسیری اهل بیت علیهم السلام، محمد شریفانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم).
۷. مبانی و روش‌های تفسیری، دکتر شاکر.
۸. مناهل العرفان، زرقانی.
۹. التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی.

بخش هفتم

روش تفسیر به رأی

مقدمه

واژگان

تاریخچه

دلایل

چکیده

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

روش تفسیر به رأی (۱)

اهداف آموزشی: (۱) شناخت تفسیر به رأی و احتراز از آن در تفسیر قرآن؛ (۲) آشنایی با تاریخچه تفسیر به رأی؛ (۳) بررسی روایات تفسیر به رأی؛ (۴) شناخت اقسام، مصادیق و موارد تفسیر به رأی؛ (۵) اطلاع از دلایل تفسیر به رأی؛ (۶) اطلاع از آثار منفی و خطرات تفسیر؛ (۷) شناخت معیارهای تفسیر به رأی.

مقدمه

تفسیر به رأی یکی از روش‌های مردود و مذموم در تفسیر قرآن به شمار می‌آید و بحث و بررسی در مورد این شیوه به دلیل آن است که در احادیث اسلامی این‌گونه تفسیر را مذموم شمرده و خطراتی را برای مفسر در کاربرد آن برشمرده‌اند، به گونه‌ای که ممکن است مفسر قرآن را گرفتار انحراف در تفسیر و آتش دوزخ نماید. از این رو، شناخت این روش تفسیری و احتراز از مصادیق آن اهمیت ویژه‌ای برای مفسران قرآن دارد.

بیان این نکته مفید است که اگر روش تفسیر قرآن را اعم از صحیح و غیر صحیح بدانیم، روش تفسیر به رأی در شمار روش‌های تفسیری قرار می‌گیرد، اما اگر روش‌های صحیح و معتبر تفسیر قرآن مقصود باشد، آن‌گاه به صورت تسامحی به روش تفسیر به رأی، روش تفسیر قرآن گفته می‌شود، چرا که درحقیقت، این روش، مقصود آیات قرآن را کشف و بیان نمی‌کند؛ بلکه بیان‌کننده رأی و نظر شخصی افراد است. بنابراین، در واقع محصول تفسیر به رأی، تفسیر قرآن به شمار نمی‌آید.

در مورد روایات «تفسیر به رأی» و مصادیق و موارد آن، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

از این رو لازم است که این روایات به‌طور مستقل تحلیل شده و دیدگاه‌ها در مورد آن بیان شود تا بتوان پس از نقد و بررسی به تعریفی جامع از تفسیر به رأی دست یافت.

واژگان کلیدی

در این درس از واژه‌های زیر استفاده شده است:

۱. تفسیر؛

۲. روش؛

تذکر: در مورد این دو واژه در مباحث قبل توضیح داده شد؛

۳. رأی؛

اصل واژه رأی به معنای نظر کردن به هر وسیله‌ای است؛ اعم از نظر کردن با چشم یا قلب یا به وسیله شهود روحانی و یا به وسیله نیروی خیال.^۱ واژه «رأی» به معنای عقیده‌ای است که از غلبه گمان پیدا می‌شود.^۲

برخی مفسران برآنند که واژه «رأی» در کتاب و سنت به معنای درک عقلانی به کار نرفته است.^۳ پس می‌توان گفت که این واژه به معنای عقیده، دیدگاه و سلیقه شخصی است که براساس گمان شکل گرفته است.

۴. حرف «ب».

واژه «باء» در «تفسیر به رأی» ممکن است به یکی از سه معنا باشد:

الف) باء سببیت؛ یعنی هرکس قرآن را به سبب رأی خود تفسیر کند، جایگاهی از آتش دارد (ممکن است انگیزه و سبب اصلی تفسیر آیه، همان رأی و نظر شخصی او باشد؛ در برابر کسی که سبب و انگیزه اصلی او از تفسیر، رأی او نیست؛ بلکه او به دنبال حقایق قرآن است و اگر رأی شخصی او مطابق یا مخالف تفسیر باشد، برایش فرقی نمی‌کند).

ب) باء استعانت؛ یعنی هرکس قرآن را با کمک رأی خود تفسیر کند، جایگاهی از آتش دارد (در برابر کسانی که قرآن را با کمک قراین عقلی و نقلی تفسیر می‌کنند).

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ج ۴، ص ۱۴.

۲. مفردات، راغب اصفهانی، ماده «رأی».

۳. تفسیر به رأی، مکارم شیرازی، ص ۲۲.

ج) بآء زایده؛ یعنی هرکس به جای تفسیر قرآن، رأی خود را بگوید و رأی شخصی او مصداق تفسیر شود (در برابر کسی که تفسیر حقیقی قرآن را می‌گوید؛ نه رأی خود را). البته معنای اول و دوم با روایات تفسیر به رأی سازگار است و معنای دوم (استعانت) از ظهور بیشتری برخوردار است.^۱ در مباحث آینده در تحلیل روایات تفسیر به رأی، این معانی با توجه به روایات، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

تاریخچه

زمان دقیق پیدایش روش تفسیر به رأی روشن نیست، اما برخی از روایات در مورد مذمت تفسیر به رأی از پیامبر ﷺ حکایت شده است.^۲ از ظاهر این گونه احادیث می‌توان دریافت که روش تفسیر به رأی از زمان پیامبر ﷺ آغاز شده و آن حضرت از این نوع روش منع کرده است. لحن روایات این گونه نیست که در آینده چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد و اکنون پیامبر ﷺ درباره آن پیش‌گویی می‌کند.

پس از پیامبر ﷺ در زمان ائمه علیهم‌السلام نیز این مسئله مطرح بوده است. از این رو تعدادی از روایات در مورد مذمت تفسیر به رأی از آنان صادر شده است^۳ و حتی حکایت شده که امام علی علیه‌السلام برخی افراد را مخاطب قرار داده و از تفسیر به رأی نهی نموده است.^۴ البته برخی از این احادیث ناظر به افرادی است که مکتبی در برابر اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن گشوده بوده‌اند.^۵

در عصرهای بعد نیز تفسیر به رأی در برخی از کتاب‌های تفسیر راه یافت و گاه فرقه‌ها و مفسران یکدیگر را متهم به تفسیر به رأی می‌کردند. برای مثال: برخی از

۱. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۱۰۹، نگارنده؛ مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۲. امالی صدوق، ص ۶، حدیث ۳ و سنن ترمذی، ج ۴؛ تفسیر القرآن، حدیث ۲۹۶۰ و ۲۹۶۱؛ مقدمه تفسیر برهان، ص ۱۶.

۳. این روایات در بخش بعدی می‌آید.

۴. البرهان، ج ۱، ص ۴۱.

۵. وسائل الشیعة، ج ۱۸، باب ۱۳ من ابواب صفات القاضی، حدیث ۲۵.

نویسندگان، فخر رازی مؤلف تفسیر کبیر و اخوان الصفا و برخی از صوفیه و نیز گاه اشاعره و معتزله را متهم به تفسیر به رأی کرده‌اند، چرا که آیات قرآن را مطابق با عقاید خویش تأویل و تفسیر می‌نمودند.^۱

در عصر حاضر این روش تفسیری اوج گرفت و برخی از افراد منافق صفت نیز با ظهور مکاتب الحادی تلاش کردند تا با استفاده از آیات قرآن و تفسیر به رأی آنها، جوانان مسلمان را به سوی خویش جذب نموده و مقاصد الحادی خود را ببوشانند؛^۲ چنان‌که شهید مطهری این روش را «ماتریالیسم اغفال شده» یا ماتریالیسم منافق می‌خواند.^۳ در بخش نمونه‌ها و اقسام، برخی از این موارد را ذکر خواهیم کرد.

دلایل مخالفت

مهم‌ترین دلایل مخالفت با تفسیر به رأی عبارتند از:

الف) آیات قرآن

در این مورد به آیات متعددی استدلال شده است که مهم‌ترین آن عبارتند از:

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۴

بگو: پروردگارم، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است و گناه و ستم به ناحق را؛ و این‌که چیزی را که خدا دلیلی برای آن فرو نفرستاده، شریک او قرار دهید و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید.

و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾^۵ و از آن‌چه بدان آگاهی نداری، پیروی مکن.

۱. التفسیر بالرأی، دکتر محمد زغلول، ص ۱۷۷ به بعد و مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۲۲۳.

۲. تفسیر به رأی، مکارم شیرازی، ص ۴۹ - ۵۲.

۳. مجموعه آثار، شهید مطهری، ج ۱، ص ۴۶۰ درعلل گرایش به مادیگری.

۴. اصول التفسیر وقواعد، خالد عبدالرحمن العک، ص ۱۶۸، به آیه ۴۴ سوره نحل نیز استدلال کرده است، ولی از آن‌جا که ایشان تفسیر عقلی و تفسیر به رأی را خلط کرده، این آیه را آورده است و ما

استدلال او را در روش تفسیر عقلی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵. اعراف، آیه ۳۳.

۶. اسراء، آیه ۳۶.

توضیح: کسانی که به این آیات استدلال کرده‌اند، می‌گویند:

تفسیر به رأی سخنی غیر علمی است که به خدا نسبت داده می‌شود، چون کسی که تفسیر به رأی می‌کند یقین ندارد که به واقع می‌رسد و حداکثر آن است که گمان می‌کند. علاوه بر این نسبت دادن سخن غیر علمی به خدا حرام است، چرا که در آیات قرآن از آن نهی شده، همان‌طور که در دو آیه مذکور هم آمده است. پس تفسیر به رأی حرام است.^۱

(ب) روایات

در این مورد، روایات متعددی در منابع حدیثی شیعه و سنی آمده است که می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:
دسته اول: روایاتی که فقط تفسیر به رأی را محکوم و مذمت نموده و مجازات‌های آن را بر می‌شمارد:

۱. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «من فسّر القرآن برأیه، فلیتوبوا مقعده من النار؛^۲ هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».
۲. هم‌چنین فرموده: «من قال فی القرآن برأیه، فلیتوبوا مقعده من النار؛^۳ هر کس به رأی خود در قرآن سخن گوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».
- تذکر: در این روایت مطلق «قول» و سخن به رأی درباره قرآن، سرزنش شده است.
۳. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من فسّر برأیه آیه من کتاب الله، فقد کفر؛^۴ هر کس آیه‌ای از کتاب خدا (قرآن) را تفسیر به رأی کند، به یقین کافر شده است».

۴. در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام آمده است: للصدوق عن ابن المتوکل (محمد بن موسی بن المتوکل) عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن الریان بن الصلت عن علی بن

۱. این دلیل یک قیاس منطقی است که صغری، کبری و نتیجه دارد (ر.ک: الاتقان، سیوطی، الجزء الرابع، ص ۲۱۰؛ مناهل العرفان، زرقانی، ج ۲، ص ۶۱ و اصول التفسیر وقواعد، خالد عبدالرحمن العک، ص ۱۶۸).
۲. مقدمه تفسیر برهان (مرآة الانوار)، ص ۱۶ و المیزان، ج ۳، ص ۷۵.
۳. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۹۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۱، ص ۲۷؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۱۰ (در سنن ترمذی این حدیث را حسن می‌دانند).
۴. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹.

موسی الرضا علیه السلام عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله قال الله - جلّ جلاله -: ما آمن بي من فسرّ برأيه كلامي؛^۱ پیامبر صلى الله عليه وآله از طرف خدای متعال می‌فرماید: هرکس کلام مرا تفسیر به رأی کند، به من ایمان ندارد.»
تذکر: سند این روایت صحیح و معتبر است.^۲

دسته دوم: روایاتی که تفسیر به رأی را نوعی سخن نا آگاهانه و دروغ به شمار می‌آورند:
۱. در روایتی از پیامبر صلى الله عليه وآله آمده است: «من فسرّ القرآن برأيه، فقد افترى على الله الكذب»^۳ هرکس قرآن را تفسیر به رأی کند به یقین بر خدا دروغ بسته است.
۲. هم‌چنین از پیامبر صلى الله عليه وآله روایت شده است: «من قال في القرآن بغير علم، فليتبوء مقعده من النار»^۴ هرکس در مورد قرآن چیزی بدون آگاهی بگوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد.

تذکر: مقصود از این گونه احادیث آن است که تفسیر به رأی بدان معناست که چیزی بدون علم در تفسیر قرآن گفته شود. از طرفی هم نسبت دادن سخنی بدون آگاهی به خدا، دروغ بستن و تهمت زدن براوست.

۳. از امیر المؤمنین عليه السلام روایت شده است که آن حضرت به مدعی وجود تناقض در قرآن فرمودند: «إياك آن تفسّر القرآن برايك، حتى تفقهه عن العلماء؛ فأنه ربّ تنزيل يشبه بكلام البشر وهو كلام الله وتأويله لا يشبه كلام البشر»^۵ مراقب باش که قرآن را با رأی خودت تفسیر نکنی [و صبر کن] تا این که آن را از دانشمندان بگیری، زیرا چه بسیار (آیات) نازل شده‌ای که مشابه سخنان انسان‌هاست، ولی کلام خداست و تأویل آن، شباهتی به سخنان بشر ندارد.»

دسته سوم: روایاتی که تفسیر به رأی را از جهت گمراهی محکوم می‌سازند:
در روایتی امام باقر عليه السلام فرمود: «وَيَحْكُ يا قتاده! أن كنت أنما فسرّت القرآن من تلقاء

۱. عیون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۱۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷؛ امالی صدوق، ص ۶، حدیث ۳.
۲. محمد بن موسی بن متوکل، ثقة است (معجم رجال الحدیث، خوبی، ج ۱۷، ص ۵ - ۲۸۴)؛ و ناقت و علی بن ابراهیم و پدرش هم در رجال مشهور است. ریّان بن الصلت نیز ثقة است (همان، ج ۷، ص ۲۱۰ - ۲۰۹).
۳. مقدمه تفسیر برهان (مرآة الأنوار)، ص ۱۶.
۴. المیزان، ج ۳، ص ۷۵؛ به نقل از منیة المرید.
۵. التوحید، صدوق، باب ۳۶، ص ۲۶۴.

نفسک؛ فقد هلكت واهلکت؛^۱ وای بر تو ای قتاده! اگر قرآن را از پیش خود تفسیر کنی، زیرا بی گمان هلاک می‌شوی و دیگران را نیز به هلاکت خواهی کشاند».

تذکر: هلاکت در این احادیث تنها به معنای گرفتاری در آتش آخرت نیست؛ بلکه به معنای هلاکت دنیوی، یعنی گمراهی نیز هست، چرا که شنونده تفسیر را نیز اهل هلاکت معرفی می‌کند.

پس این گونه احادیث، تفسیر به رأی را که بدون استفاده از قرائن نقلی (احادیث معصومین علیهم‌السلام) انجام گرفته است، موجب گمراهی خود مفسر و دیگران و به هلاکت افتادن هر دو دانسته و از این رو آن را محکوم می‌کند.

دسته چهارم: احادیثی که تفسیر به رأی را هر چند که نتیجه آن صحیح باشد، محکوم می‌کنند:

۱. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «من فسّر القرآن برأيه، أن اصاب لم يُوجَر و أن أخطأ فهو أبعد من السماء»^۲ کسی که قرآن را تفسیر به رأی کند، اگر (به واقع) دست یابد، پاداشی نخواهد داشت و اگر دچار خطا شود، پس او بیش از دوری آسمان، (از مرز حق) دور شده است».

۲. از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده است که فرمود: «من قال في القرآن برأيه، فاصاب؛ فقد أخطأ»^۳ هر کس در مورد قرآن به رأی خود سخن گوید و (به واقع) برسد، یقیناً خطا کرده است».

بررسی احادیث

روایت‌های مربوط به نکوهش «تفسیر به رأی»، از دو جهت قابل بررسی هستند: از جهت سند: بسیاری از آنها ضعیف یا مرسل‌اند. در میان احادیث شیعه، حدیث ۴ دسته اول صحیح‌السند بوده و در احادیث اهل سنت، حدیث ۲ همین دسته را حسن دانسته‌اند؛ اما از آنجا که این روایات در منابع حدیثی شیعه و سنی زیاد هستند، برخی

۱. مقدمه تفسیر برهان (مرآة الانوار)، ص ۱۶.

۲. همان و مشابه آن در ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۱۰.

۳. سنن ترمذی، ابو داود سجستانی، ج ۴، تفسیر القرآن، حدیث ۲۹۶۱ (البته ایشان این حدیث را غریب می‌داند). مشابه آن در همان، حدیث ۲۹۶۰ و نیز المیزان، ج ۳، ص ۷۵.

از بزرگان^۱ و صاحب‌نظران^۲ در مورد آنها ادعای تواتر کرده‌اند، که ظاهراً مقصود، تواتر معنوی است؛ اما به هر حال، با توجه به کثرت روایات و وجود روایات معتبر در بین آنها، از بحث سندی بی‌نیاز هستیم.

از جهت متن: از مجموع این احادیث، نکات زیر را می‌توان دریافت:

۱. تفسیر به رأی، گناه کبیره است، چرا که وعده آتش بر آن داده شده است.
 ۲. تفسیر به رأی، یک «روش خطا» در تفسیر است و محکومیت آن از آن جهت نیست که نتیجه آن اشتباه است، چرا که گاه ممکن است نتیجه تفسیر به رأی صحیح باشد؛ اما باز هم در احادیث (دسته چهارم) مذموم و خطا شمرده شده است.
- به سخن دیگر: خود روش تفسیر، موضوعیت دارد و اگر روشی غلط باشد (هرچند که گاه به نتیجه‌ای درست هم برسد) محکوم است،^۳ چرا که در صورت صحیح بودن نتایج هم، مفسر، مطلبی را به خدا نسبت داده که هیچ‌گونه حجتی برای آن نداشته است و از این رو، باز هم خطا کرده است (مفاد احادیث دسته دوم و چهارم).
- البته این یک مطلب عقلایی است؛ برای مثال: اگر کسی به دروغ ادعای پزشک بودن کند، سپس اقدام به مداوای مردم نماید و اتفاقاً کسی را از مرگ نجات دهد، باز هم عقلاً او را سرزنش می‌کنند و بر طبق قوانین عقلایی رایج دنیا، پاداشی به او داده نمی‌شود بلکه به جرمه یا زندان محکوم می‌شود، چرا که روش او اشتباه بوده و معمولاً به خطا می‌رود (هر چند به صورت اتفاقی یک مورد صحیح باشد و به واقع هم برسد).
- تذکر: جالب این‌که اگر کسی روش صحیح علمی (در پزشکی) داشت و در عمل جراحی خطا کرد، به نوعی خطای او بخشوده و جبران می‌شود و به وسیله دیگران سرزنش نمی‌شود، چون روش به کار برده صحیح بوده، اما دچار خطای انسانی شده است؛ به خلاف مواردی که روش او غلط بوده، یا تخصص کافی نداشته باشد. در احادیث تفسیر به رأی (دسته چهارم) به نوعی به این مطلب اشاره شده بود.

۱. البیان فی تفسیر القرآن، آیه‌الله خویی، ص ۲۶۹؛ فراید الاصول، شیخ انصاری، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۲۲۱.

۳. علامه طباطبایی به همین نکته در مورد روایات تفسیر به رأی تصریح کرده و می‌فرماید: «فالتفسیر بالرأی المنهی عنه أمر راجع إلى طریق الكشف دون المكشوف» (المیزان، ج ۳، ص ۷۶).

۳. ممنوعیت تفسیر به رأی، حکم ارشادی است؛^۱ یعنی چیزی است که مورد پذیرش عقلا قرار نمی‌گیرد، چون انسان حق ندارد بدون داشتن تخصص و آگاهی، در مورد مطلبی علمی اظهار نظر کند (همان گونه که در مورد مثال پزشکی گذشت).

در مورد امور تخصصی بشری دیگر نیز مشهود است که اظهار نظرهای افراد بی‌اطلاع پذیرفته نشده و چنین اشخاصی مورد سرزنش قرار می‌گیرند، چرا که رواج این مطالب و اقدام برطبق آنها موجب کج روی، نتایج غلط و خطاهای متعدد دیگران می‌شود (شاید برخی از احادیث تفسیر به رأی نیز به این مطلب اشاره دارند)؛ همان گونه که در احادیث (دسته دوم) اشاره شد که این روش موجب هلاکت می‌شود.

در احادیث دسته دوم نیز تفسیر به رأی، نوعی تهمت و دروغ بستن برخدا معرفی شده است، چراکه سخن گفتن بدون علم در مورد آیات قرآن و نسبت دادن آن به خدا (که مقصود خدا از این آیه فلان مطلب است) نوعی دروغ و تهمت است. بنابراین، تفسیر قرآن توسط افراد غیر متخصص در علم تفسیر و بدون آگاهی از تفسیر آیه، نوعی تفسیر به رأی می‌شود.

۴. در این احادیث «برأیه» آمده است؛ یعنی رأی را به ضمیر، اضافه کرده است؛ به این معنا که: «هرکس قرآن را با رأی شخص خود تفسیر کند»، نه این که هرکس قرآن را بر مطلق رأی تفسیر کند، جایگاهش آتش است؛ یعنی اگر کسی قرآن را براساس نظر شخصی خود و به دلیل داشتن آن عقیده، تفسیر خاص کند، مستحق آتش است.

البته این سخن، دیدگاهی را تقویت می‌کند که «باء» را در «برأیه» به معنای سببیت می‌داند؛ یعنی انگیزه تفسیر قرآن برای این شخص، نظر شخصی او بوده است.

۵. همان گونه که در بحث واژگان در مورد معنای «باء» در «تفسیر به رأی» بیان شد، ممکن است «باء» در این احادیث به معنای استعانت (با کمک رأی خود قرآن را تفسیر کردن) و یا به معنای سببیت (با انگیزه و سبب رأی، قرآن را تفسیر کردن) باشد.

اما هنگامی که در احادیث فوق دقت شود، می‌بینیم که معنای «استعانت» با ظاهر روایات سازگارتر است، چرا که لسان روایات آن نیست که کسی با انگیزه شخصی، اقدام به تفسیر کرده است. بلکه لسان روایات آن است که کسی با کمک رأی خود و از

۱. آقای عمید زنجانی در مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۲۹ و ۲۳۰، ارشادی بودن را می‌پذیرد، ولی در توضیح مطلب، ما با ایشان اختلاف نظر داریم که در مبحث دیدگاه‌ها بیان خواهیم نمود.

نزد خود قرآن را تفسیر کرده و حتی گاه به واقع رسیده است (اما روش او اشتباه بوده و از قراین عقلی و نقلی استفاده نکرده است).

هر چند که می‌توان معنای «سببیت» نیز از برخی احادیث (همچون روایات دسته دوم) دریافت، زیرا دروغ و افترا، بدون قصد قبلی و انگیزه بد، معنا ندارد و نمی‌توان آن را به‌طور کامل نفی کرد.

۶. نکتهٔ دیگری که در این جا اهمیت دارد این‌که از سویی در قرآن به ما دستور داده شده که در آیات آن تدبّر، تفکر و تعقل کنیم و از دیگر سو، در این احادیث از تفسیر به رأی نهی شده است.

از مقایسهٔ این روایات با آن آیات، می‌توان دریافت که مقصود از «رأی» در این احادیث، تفکر، تعقل و تدبّر در آیات نیست؛ بلکه اعمال نظر و سلیقهٔ شخصی مراد است؛ آن هم وقتی که برای دیگران گفته شود و به صورت تفسیر در آید. از این رو، در برخی احادیث بر تفسیر و «گفتن» (قال) تأکید شده بود.

به بیان دیگر: اگر کسی در آیات، تأمل و اندیشه کرده و به نتایجی شخصی برسد، ولی آنها را برای دیگران به عنوان تفسیر قرآن بیان نکند و به قرآن (به خدا) نسبت ندهد، مرتکب تفسیر به رأی نشده است. چون چنین شخصی، نظرات خود را نگه می‌دارد تا پس از بررسی قراین عقلی و نقلی و با مراجعه به منابع تفسیر و نظرات مفسران و گذشتن از چارچوب صحیح تفسیر، بیان کند، که در آن صورت تفسیر صحیح قرآن است نه تفسیر به رأی.

اما چنان‌چه کسی بر نظر شخصی و ابتدایی خود نسبت به آیه‌ای اصرار ورزد و آن رأی را بدون مراجعه به منابع تفسیر و قراین عقلی و نقلی، به عنوان تفسیر قرآن بیان کند، مشمول این روایات می‌شود.

به بیان روشن‌تر: مفاد روایات منع تفسیر به رأی، آن است که با قرآن، همچون کلمات معمولی دیگران برخورد نکنید^۱ و همان‌طور که با استفاده از کتاب لغت به تفسیر اشعار و متن‌های دیگر می‌پردازید، در مورد قرآن این گونه عمل نکنید، بلکه در تفسیر از روش و مسیر خاص و با توجه به قراین عقلی و نقلی بهره جویید.

۱. علامه طباطبایی نیز به همین مطلب اشاره کرده، می‌نویسد: «أما نهی ﷺ عن تفهّم کلامه علی نحو ما یتفهم به کلام غیره» (المیزان، ج ۳، ص ۷۶).

چکیده

از مجموع مطالبی که در این بخش آمد مطالب زیر استفاده شد:

۱. روش تفسیر به رأی، از روش‌های مذموم در تفسیر قرآن است که شناخت آن برای اجتناب از آن لازم است.
۲. در تفسیر به رأی، واژه «رأی» به معنای عقیده، دیدگاه و سلیقه شخصی است که از گمان سرچشمه می‌گیرد و «باء» سه معنای سببیت، زایده و استعانت دارد، که ظاهر آن معنای استعانت است.
۳. از ظاهر احادیث می‌توان دریافت که تفسیر به رأی از زمان پیامبر ﷺ شروع شده و در زمان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام وجود داشته است. در عصر حاضر نیز با ظهور مکاتب الحادی، گسترش یافته است.
۴. برخی روایات تفسیر به رأی از نظر علمای رجال شیعه یا اهل سنت صحیح‌السند بودند و برخی، آنها را متواتر خوانده‌اند.
۵. از روایات تفسیر به رأی می‌توان دریافت که:
 - الف) تفسیر به رأی، گناه کبیره است؛
 - ب) تفسیر به رأی، یک روش خطا در تفسیر است؛
 - ج) ممنوعیت تفسیر به رأی در موردی است که نظر شخصی مفسر مطرح شود، نه مطلق نظر. پس تدبّر و تعقل در آیات، مصداق تفسیر به رأی نیست؛
 - د) ممنوعیت تفسیر به رأی، حکم ارشادی است و این روش از نظر عقلاً مذموم و ممنوع است.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

۲

روش تفسیر به رأی (۲)

تعریف تفسیر به رأی

با توجه به مفاد روایات منع تفسیر به رأی و نکاتی که در مورد آنها بیان شد و با توجه به دیدگاه‌های مفسران و صاحب‌نظران می‌توان گفت: تفسیر به رأی عبارت است از این که مفسری بدون مراجعه به قراین عقلی و نقلی، به تفسیر قرآن پردازد یا نظر شخصی خود را بر قرآن تحمیل کند. هم‌چنین اقدام به تفسیر از سوی شخصی که از شرایط لازم یک مفسر برخوردار نیست، تفسیر به رأی بوده و چنین کارهایی از نظر شرعی حرام و از نظر عقلاً محکوم است. در مورد مصادیق و مثال‌های تفسیر به رأی در مباحث بعدی مطالبی بیان خواهیم کرد.

نمونه‌های تفسیر به رأی

نمونه‌هایی از تفسیر به رأی را در کتاب‌های تفسیر قدیم و جدید و نیز در نوشته‌های افرادی که دچار انحراف و غفلت بوده‌اند، می‌توان یافت. در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تفسیر به رأی گروه‌های منحرف؛ یعنی انتخاب عقیده‌ای انحرافی و دلیل‌تراشی برای آن از آیات قرآن که در این راه از تحمیل بر قرآن اجتناب نمی‌شود.

مثال: شهید مطهری رحمته‌الله در کتاب علل گرایش به مادیگری، نمونه‌هایی از تفسیر به رأی را نقل می‌کند:

در تفسیر آیه کریمه ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۱ درباره ایمان به غیب این چنین می‌گوید: مفسران غیب را آن چه که دیدنی نیست اعم از خداوند، فرشتگان و... از این قبیل دانسته‌اند؛ حال آن‌که اولاً: خداوند، فرشتگان و.. غیب نیستند؛ ثانیاً: با طرح عنوان متقین، مسئله ایمان به خدا مطرح شده و گذشته است. منظور از غیب معهود و شناخته شده، همان مراحل ابتدایی رشد انقلاب توحیدی و زمان انجام تحولات کمی است.^۲

هم‌چنین نقل می‌کند که اینان جمله ﴿يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ را این گونه تفسیر کرده‌اند:

«آنان برای تحقق ایمان خود، آن پیوستگی را که در زبان مذاهب، نماز خوانده می‌شود برپای می‌دارند».^۳

استاد مطهری، اشاره می‌کند که در برخی از این گونه تفسیرها هر جا که نام دنیا آمده، آن را با کلمه «زندگی پست‌تر» ترجمه کرده‌اند که اصل ترجمه درست است، ولی مقصود از زندگی پست‌تر را منحصراً زندگی در نظام به اصطلاح سرمایه‌داری دانسته و آخرت را که به نظام برتر ترجمه کرده‌اند، به معنای نظام عادلانه سوسیالیستی دانسته‌اند که بعد از این نظام برقرار خواهد شد.^۴

سپس شهید مطهری رحمته‌الله براین روش تفسیری خرده گرفته و آن را «ماتریالیسم اغفال شده» یا ماتریالیسم منافق می‌خواند.

مثال دیگر: در تفسیر غرایب القرآن نظام الدین نیشابوری بعد از ذکر تفسیر هر بخش از آیات، بحثی تحت عنوان «تأویل» می‌بینیم که روشن‌ترین مصداق تفسیر به رأی است. برای مثال: در ذیل آیات مربوط به مبارزه موسی علیه‌السلام با ساحران می‌گوید:

منظور از اژدها (ثعبان)^۵ در این داستان همان اژدهای نفس است، زیرا هر چیز را به خود اضافه کنی و محل حاجات خویش قرار دهی اژدها است. همان طور که موسی عصا را به خود اضافه کرد و گفت: ﴿هِيَ عَصَايَ﴾ این عصای من است. لذا به او گفته شد: ﴿أَلْقِهَا يَا مُوسَى﴾ این عصای نفس را بیفکن.

۱. بقره، آیه ۳.

۲. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۴۶۵.

۳. همان، ص ۴۶۶.

۴. همان.

۵. اعراف، آیه ۱۰۷.

۶. طه، آیه ۱۸.

۷. همان، آیه ۱۹.

و منظور از «ید بیضاء» (روشنی دست موسی که معجزه او بود) این است که دست‌ها قبل از آن که به اشیای مادی و دنیوی تماس پیدا کند، پاک و نورانی و روحانی است.^۱

تذکر: ما برخی از نمونه‌های تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن را که منتهی به تفسیر به رأی می‌شد در مبحث روش تفسیر علمی بیان کردیم (مثل دیدگاه عبدالرزاق نوفل و...).

۲. تفسیر قرآن توسط افرادی که از شرایط مفسر برخوردار نبوده و قواعد ادبی و معنای لغوی را در نظر نمی‌گیرند.

مثال: آیه‌الله مکارم شیرازی با اشاره به کسانی که قصه آدم عَلَيْهِ السَّلَام را سمبولیک معنا می‌کنند از آنان حکایت می‌کند که می‌گویند:

در آفرینش آدم، زبان (قرآن) زبان متشابه، پرمعنا و رمزی و فلسفی است؛ خلقت انسان، یعنی حقیقت و سرنوشت معنوی و صفات نوعی او، در قصه آدم فرمول دارد: روح خدا، لجن متعفن، انسان. لجن متعفن و روح خدا دو رمز است، دو اشاره سمبولیک است.

انسان واقعاً نه از لجن بد بو (حماً مسنون) ساخته شده و نه از روح خدا؛ بلکه اولی پستی و رکود و توقف مطلق را نشان می‌دهد و دیگری تکامل بی‌نهایت و برتری لا یتناهی را می‌رساند.

سپس در نقد این دیدگاه می‌نویسد:

بانبودن هیچ قرینه‌ای برخلاف مفهوم اصلی لغات و جمله‌هایی که در زمینه خلقت انسان به کار رفته، آنها را به صورت رمزی و سمبولیک تفسیر کردن و طبق سلیقه شخصی یکی را به معنای بی‌نهایت پست و دیگری را به مفهوم بی‌نهایت برتر دانستن و از گفتار پاسکال گواه و شاهد برای آن آوردن، چیزی جز تفسیر به رأی نیست.

از نگاه ایشان چگونه می‌توان بر خلاف قواعد ادبی، دست به چنین تفسیرهای بی‌اساس و تحمیل فکر شخصی برمفاهیم اسلامی زد.^۲

۳. تفسیر قرآن توسط مفسرانی که به فراین عقلی و نقلی، گاه نظرات مورد علاقه خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند.

۱. غرائب القرآن، در حاشیه تفسیر طبری، ج ۹، ص ۲۴ و ۲۵.

۲. تفسیر به رأی، آیه‌الله مکارم شیرازی، ص ۷۴ - ۷۷.

مثال: استاد عمید زنجانی در مورد مصادیق و موارد تفسیر به رأی می‌نویسد:

تفسیر به رأی امثال طنطاوی در تفسیر خود، سید هبة الدین شهرستانی در الهیئة والاسلام و کواکبی در طبایع الاستبداد به دور از اغراض فاسد بوده است. سپس به تفسیر آیات خلقت در قرآن براساس نظریه تکامل^۱ و تفسیر آیات معاد براساس اصول مادی علمی^۲ و تفسیر آیات مربوط به معجزات انبیاء به امور عادی که از هر انسان دیگر ساخته است،^۳ اشاره نموده و آنها را از نمونه‌های تفسیر به رأی بر می‌شمارد. ایشان هم‌چنین در جای دیگر نمونه‌هایی از تفسیر به رأی در تفسیر فخر رازی^۴ و اخوان الصفا^۵ و صوفیه^۶ را ارائه می‌کند.^۷

معیارها و ضوابط تفسیر به رأی

مقصود از معیارهای تفسیر به رأی، ضوابط و شرایطی است که مفسر قرآن را به دام تفسیر به رأی می‌کشاند. شناخت و بررسی این ضوابط و معیارها و احتراز از آن باعث می‌شود که مفسر قرآن گرفتار تفسیر به رأی نشود.

معیارها و ضوابطی که در این جا ارائه می‌شود از دلایل تفسیر به رأی و تحلیل آنها و نیز دیدگاه‌هایی به‌دست آمده است که در مورد تفسیر به رأی بیان شد. البته در ضمن بیان این معیارها و ضوابط، موارد و مصادیق تفسیر به رأی نیز روشن می‌شود. همان‌طور که لغزش‌گاه‌های مفسران قرآن نیز بیان می‌گردد.

الف) عدم توجه به قراین عقلی و نقلی در تفسیر آیات قرآن

رعایت و توجه به قراین عقلی و نقلی در تفسیر قرآن لازم است؛ یعنی در تفسیر قرآن باید به حکم قطعی عقل و دیگر آیات قرآن و روایات معتبر توجه کرد و غفلت و عدم

۱. خلقت انسان، دکتر ید الله سبحانی.

۲. راه طی شده، مهندس بازرگان.

۳. التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۵۳۴.

۴. تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۴۲.

۵. گزیده رسائل اخوان الصفا، علی اصغر حلبی، ص ۷۸.

۶. حاشیه تفسیر طبری، ج ۹، ص ۲۴ و ۲۵.

۷. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۳۳ - ۲۳۶.

جست‌وجو در این قراین سبب می‌شود که شخص، گرفتار تفسیر به رأی شود.

از مصادیق آنچه بیان شد، می‌توان موارد زیر را بر شمرد:

۱. عدم توجه به مخصّص‌ها و مقیدهای موجود در آیات دیگر و روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیات الاحکام و فتوا دادن بدون رعایت این قراین؛
۲. تفسیر قرآن براساس ظهور ابتدایی، بدون مراجعه به اقوال مفسران، قراین عقلی و نقلی و منابع تفسیری دیگر؛
۳. تفسیر قرآن براساس نظر شخصی نسبت به یکی از دو احتمال مساوی در تفسیر آیه، بدون این‌که قرینه‌ای برای ترجیح یکی از آن دو مورد وجود داشته باشد؛
۴. تفسیر قرآن براساس نظر شخصی و میل به احتمال مرجوح در تفسیر آیه بدون این‌که قرینه‌ای قطعی برای صرف نظر کردن از معنای راجح وجود داشته باشد. به عبارت دیگر: تفسیر قرآن با حمل الفاظ بر خلاف ظاهر آن بدون قرینه؛
۵. استبداد به رأی و استقلال در رأی در تفسیر قرآن.

ب) تحمیل نظرات شخصی یا گروهی و مذهبی بر قرآن

مفسر قرآن باید تفسیری ارائه دهد که با ظاهر آیه سازگار باشد و نباید نظر خود را به گونه‌ای تحمیل کند که ظاهر آیه تحمّل آن معنا را نداشته باشد، وگرنه گرفتار تفسیر به رأی شده است.

معمولاً کسانی که تعصبات عقیدتی یا مذهبی دارند گرفتار این نوع از تفسیر به رأی می‌شوند.

موارد زیر را می‌توان از مصادیق این بحث بر شمرد:

۱. تحمیل نظریه‌های اثبات نشده علمی بر قرآن کریم؛
۲. تحمیل عقاید شخصی بر قرآن، بدون تناسب تفسیر با ظاهر آیه؛
۳. تحمیل عقاید انحرافی احزاب و گروه‌ها بر قرآن؛
۴. انتخاب یک دیدگاه سیاسی، اقتصادی و... و جست‌وجو در قرآن برای یافتن آیات مؤید آن. هنگامی که آیه‌ای پیدا نشد، ظاهر برخی آیات را بر خلاف معنای اصلی، تأویل و تفسیر کردن تا دیدگاه مورد نظر اثبات شود؛

۵. فهم و تفسیر صحیح آیه و تطبیق نابه‌جای آن بر مصادیق غلط؛ همچون گروه‌های انحرافی بهایی و... که آیات را بر عقاید خویش تطبیق می‌کنند؛
۶. دیدگاه و رأی خود را به جای تفسیر صحیح قرآن ارائه کردن و به خدا نسبت دادن؛
۷. تفسیر قرآن براساس هوای نفس.

ج) تفسیر قرآن توسط فرد غیر متخصص

تفسیر قرآن مانند هرکار تخصصی دیگر باید توسط افراد متخصص در تفسیر صورت گیرد؛ به‌طوری که مفسر، منابع، ضوابط و شرایط تفسیر را شناخته و شرایط لازم آن را دارا باشد، تا بتواند تفسیری معتبر از قرآن ارائه کند.^۱

بنابراین چنانچه مفسر قرآن، از این شرایط برخوردار نباشد، روش تفسیری او خطا خواهد بود و حتی اگر سخن واقعی و صحیحی را بیان کند، بازهم گرفتار تفسیر به رأی شده است.

موارد زیر را می‌توان از مصادیق این بحث برشمرد:

۱. تفسیر قرآن توسط افرادی همچون دانشجویان و طلاب کم‌اطلاع (غیر متخصص در تفسیر)؛
۲. تفسیر قرآن توسط افراد ناآگاه که نمی‌دانند مطلبی که می‌گویند حق است یا باطل و بدون علم، اقدام به تفسیر آیه نموده و آن را به‌طور قطعی به خدا نسبت می‌دهند؛
۳. تفسیر قرآن توسط افرادی که با روش‌های صحیح تفسیر آشنا نبوده یا بر طبق آن عمل نمی‌کنند.

۱. شرایط مفسران قرآن عبارتند از: آشنایی با ادبیات عرب، صرف، نحو، لغت، اشتقاق، معانی، بیان و بدیع، آگاهی‌های تاریخی و جغرافیایی (شأن نزول‌ها، تاریخ قرآن، تاریخ عرب و مسلمانان و فضای جغرافیایی که آیا در آن نازل شده است)، اطلاع از علوم قرآن (همچون ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و...)، علم فقه و اصول، آگاهی از احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام و مراجعه به آن‌ها، آگاهی از قرائت‌های قرآن، آگاهی از علم اصول دین، آگاهی از بینش‌های فلسفی و علمی و اجتماعی و اخلاق، پرهیز از پیش‌داوری، آشنایی با تفاسیر و ممارست با آن‌ها، داشتن روش صحیح در تفسیر قرآن. (ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۶۱-۷۳؛ الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج ۲، ص ۲۰۰ به بعد).

مرز تفسیر به رأی با اجتهاد در تفسیر و تفسیر عقلی

اجتهاد همان طور که در فقه دو گونه است، در تفسیر نیز دو گونه است:

الف) اجتهاد بدون در نظر گرفتن روایات پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام و قراین عقلی و علمی؛ یعنی فقط برداشت شخصی مفسر از آیه باشد؛

ب) اجتهاد با توجه به آیات محکم قرآن، روایات، قراین عقلی و علمی؛ یعنی مفسر پس از مراجعه به منابع تفسیر و با برخورداری از شرایط مفسر، نظر، برداشت و اجتهاد خود را بیان می کند و در جایی که پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام سخنی دارند، با توجه به آن تفسیر می نماید و در جایی که سخنی ندارند، با توجه به ظاهر آیه و علوم ادبی و قراین عقلی درک خود را بیان می کند.

اجتهاد در تفسیر در نوع اول، مردود است و همان تفسیر به رأی است و اجتهاد نوع دوم، صحیح و معتبر است و لازمه تفسیر معتبر، همین است، چرا که مفسر نمی تواند مقلد دیگران باشد. علامه طباطبایی هم در تفسیر المیزان، به همین مطلب اشاره ای دارد. ایشان می فرماید:

رأی، همان اعتقاد از روی اجتهاد است و کلمه «برأیه» در حدیث، به صورت اضافه به ضمیر آمده است. بنابراین نفی اجتهاد مطلق، در تفسیر قرآن را نمی کند...؛ (بلی اگر «برأی» می فرمود، نفی اجتهاد مطلق بود) تا بگویی اجتهاد در تفسیر ممنوع است و فقط تفسیر با روایات ممکن است، بلکه اضافه در کلمه «برأیه» معنای اختصاص و انفراد و استقلال در رأی را افاده می دهد؛ یعنی مفسر نمی تواند در تفسیر قرآن و فهم آیات، مستقل عمل کند؛ چنان که یک کلام عربی غیر قرآن را تفسیر می نماید؛ بلکه باید آیات مناسب دیگر را هم بررسی و در فهم آنها کوشش کند.^۱

تفاوت تفسیر به رأی با تفسیر عقلی

مقصود از تفسیر آیات قرآن به عقل آن است که ما از قراین روشن عقلی که مورد قبول همه خردمندان است، برای فهم معانی الفاظ و جمله ها، از جمله قرآن و حدیث استمداد جوییم. برای مثال: هنگامی که گفته می شود: خدا «سمیع» و «بصیر» است، عقل می گوید

۱. المیزان، ج ۳، ص ۷۶ به بعد، با تلخیص و تصرف اندک.

منظور این نیست که خدا دارای چشم و گوش، همانند ماست، بلکه مقصود این است که او با علم وسیع و بی‌انتهای خود از همه صداهای با خبر و از همه مناظر آگاه و در همه جا حضور دارد.^۱

برخلاف تفسیر به رأی که بدون توجه به قراین عقلی و نقلی به تفسیر قرآن می‌پردازد و افراد، سلیقه شخصی خود را بر قرآن تحمیل کرده و قرآن را تابع فکر خود قرار می‌دهند.

به عبارت دیگر: «رأی» در این جا به معنای عقل نیست و تفسیر به رأی، تفسیر عقلی به شمار نمی‌آید. در مبحث روش تفسیر عقلی، درباره آن توضیح بیشتری داده خواهد شد.

آثار منفی تفسیر به رأی

(الف) سرزنش عقلا بر تفسیر به رأی؛

(ب) وعده عذاب الهی که در روایات (بیان شده) وارد شده است؛

(ج) هرج و مرج شدید در فهم معانی آیات قرآن، چون معیارها و ضوابط تفسیر کنار رفته و معانی اصلی آیات مورد غفلت واقع می‌گردد و مدعیان دروغ‌گو، گاه یک آیه را بر دو معنای متضاد حمل خواهند کرد، بلکه در اثر تفسیر به رأی، ارزش تمام قوانین و الفاظ در جهان از بین می‌رود؛

(د) قرآن که راهبر افکار بشر است، عملاً به صورت وابسته و تابع فکر بشر درمی‌آید و بدین ترتیب، این کتاب هدایت‌گر جامعه، پشتیبان انحرافات فکری و اخلاقی خواهد شد. وسیله وحدت، عامل نفاق و پراکندگی شده و برنامه‌های سعادت عمومی، به برنامه‌های سودجویی شخص تبدیل می‌شود؛

(ه) ارزش‌های اصیل کتاب و سنت و محتوای واقعی آنها از بین رفته و دستاویزی برای گمراه و گمراه کننده به وجود می‌آید؛

(و) تطبیق قوانین آسمانی بر خواسته‌های انحرافی محیط‌های آلوده، که تغییر و

۱. تفسیر به رأی، آیه‌الله مکارم شیرازی، ص ۳۸ - ۳۹.

تبدیل مفاهیم آنها را با دگرگون شدن محیطها، در پی خواهد داشت؛

ز) سقوط مفاهیم نامحدود ابدی و تبدیل آنها، به مفاهیم مبتدل، محدود و نارسای افکار انسان‌های کوتاه فکر و دورسازی مسلمانان از نور هدایت قرآن؛^۱
ح) کم رنگ شدن تعبد دینی و اوج‌گیری خود محوری‌ها و حکومت سلیقه‌های شخصی بر افکار جامعه؛

ط) جدایی مسلمانان از اهل بیت علیهم‌السلام در اثر نادیده انگاشتن احادیث و قراین نقلی در تفسیر و در نتیجه گمراهی و گمراه سازی؛

ی) غلطیدن در قیاس و استحسان و رخنه افکار غلط در معارف اسلامی و ...^۲

۱. تفسیر به رأی، استاد آیه‌الله مکارم شیرازی، مبحث آثار تفسیر به رأی، با تلخیص و تصرف.
۲. تفسیر به رأی، حسن عاشوری لنگرودی، مبحث آثار تفسیر به رأی.

چکیده

از مجموع مطالبی که در این بخش آمد، نکات زیر را می‌توان ارائه نمود:

۱. تفسیر به رأی، گاه مربوط به مفسر است که از شرایط لازم برخوردار نیست و گاه مربوط به روش غلط اوست که بدون مراجعه به قراین عقلی و نقلی، اقدام به تفسیر قرآن می‌کند و یا نظر خود را بر قرآن تحمیل می‌نماید.
۲. نمونه‌هایی از تفسیر به رأی از مفسران و گروه‌های منحرف و افراد غیر متخصص بیان شد.
۳. معیارها و ضوابط تفسیر به رأی، در سه محور بیان گردیده و پانزده مورد و مصداق فرعی برای آنها ارائه شد که عمدتاً به عدم توجه به قراین و تحمیل نظر برقرآن و نداشتن شرایط مفسر برمی‌گشت.
۴. تفسیر به رأی با اجتهاد دارای مرزهایی است و روشن است که اجتهاد بدون مراجعه به قراین عقلی و نقلی، نوعی تفسیر به رأی است، ولی اجتهاد و استنباط پس از مراجعه به قراین، تفسیر به رأی نیست.
۵. تفسیر به رأی، غیر از تفسیر عقلی است، چون در تفسیر عقلی از قراین عقلی برای تفسیر قرآن استفاده می‌کنیم؛ ولی در تفسیر به رأی این گونه نیست.
۶. آثار منفی تفسیر به رأی ده مورد است که مهم‌ترین آن وعده عذاب الهی و هرج مرج در فهم و تفسیر آیات، تابع شدن قرآن و دستاویز شدن تفسیر برای افراد گمراه برای گمراهی دیگران است.

پرسش

۱. توضیح دهید که آیا تفسیر به رأی، واقعاً روش تفسیر قرآن است؟
۲. واژه «رأی» در «تفسیر به رأی» به چه معناست؟ و اضافه آن به ضمیر (برایه) چه نکته‌ای را در بردارد؟
۳. معانی «باء» در «تفسیر به رأی» به چه معناست و براساس هر کدام حدیث «من فسّر القرآن برأیه...» را معنا نموده و بگویید کدام معنا با ظاهر روایات سازگاری بیشتری دارد؟

۴. آیا تفسیر به رأی در زمان پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام وجود داشته است؟ به چه دلیل؟
۵. چگونه به آیه «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» بر ممنوعیت تفسیر به رأی استدلال شده است؟ آن را نقد و بررسی کنید.
۶. یک روایت در مورد تفسیر به رأی بنویسید که سند آن صحیح باشد.
۷. مقصود از حدیث «من قال من القرآن فاصاب، فقد اخطأ» چیست؟ و چگونه از آن خطا بودن روش را می فهمیم؟
۸. از طرفی به ما دستور داده اند که در قرآن، تفکر و تدبّر کنیم و از سوی دیگر، تفسیر به رأی ممنوع شده است؛ این دو مطلب چگونه با هم جمع می شود؟
۹. مرز تفسیر به رأی را با اجتهاد و تفسیر عقلی روشن نمایید.
۱۰. دو معیار تفسیر به رأی را نوشته و توضیح دهید.
۱۱. حداقل پنج مصداق تفسیر به رأی را نام برده و برای دو گونه از آن مثال بزنید.
۱۲. حداقل پنج اثر منفی تفسیر به رأی را بنویسید.

پژوهش های جدید

۱. همه روایات تفسیر به رأی را در منابع حدیثی اهل سنت جمع آوری نموده و صحت سند آنها را از نظر کتاب های رجال خود آنان بررسی کنید.
۲. همه روایات تفسیر به رأی را در منابع حدیث شیعیه جمع آوری نموده و سند آنها را یک به یک بررسی کنید.
۳. دیدگاه اخباری ها در مورد عدم حجیت ظواهر قرآن را مورد بررسی قرار داده و رابطه آن را با تفسیر به رأی روشن سازید.
۴. برخی مخالفان تفسیر به رأی به سخنان صحابه یا آیات دیگری استدلال کرده اند، آنها را نقد و بررسی کنید.
۵. تفاوت های تفسیر به رأی و تفسیر عقلی را بیان نموده و بررسی کنید که چرا برخی افراد این دو را با هم خلط کرده اند.
۶. آثار منفی تفسیر به رأی را از نظر اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی بررسی و جمع آوری نمایید.

۷. دلایل دیدگاه استقلال قرآن (نظر علامه طباطبایی) و دیدگاه (عدم استقلال از اهل بیت علیهم‌السلام) (نظر آیه‌الله خوئی) را مورد بررسی و نقد قرار دهید.
۸. دیدگاه دکتر ذهبی در مورد تقسیم تفسیر به رأی به دو قسم ممدوح و مذموم و مصادیقی که از شیعه برمی‌شمارد را بررسی و نقد کنید.
۹. نمونه‌های تفسیر به رأی را در رسایل اخوان الصفا مورد بررسی و نقد قرار دهید.
۱۰. نمونه‌های تفسیر به رأی را در آثار صوفیه بررسی و نقد کنید.
۱۱. نمونه‌های تفسیر به رأی را در مورد تفسیر علمی غیر معتبر (استخراج علوم از قرآن) و (تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن) مورد نقد و بررسی قرار دهید.
۱۲. معیارهای تفسیر به رأی را از نظر صاحب‌نظران دیگر بررسی و نقد کنید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. التفسیر بالرأی، دکتر محمد حمد زغلول، مکتبة الفارابی، ۱۴۲۰ ق.
۲. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، مبحث تفسیر به رأی.
۳. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، مبحث تفسیر به رأی.
۴. التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، آية‌الله معرفت، ج ۲.
۵. التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۱.
۶. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۷۵ به بعد.
۷. اصول التفسیر و قواعد، عبدالرحمن العک.
۸. مناهل العرفان، زرقانی، ص ۲.
۹. تفسیر به رأی، حسن عاشوری لنگرودی، (پایان نامه کارشناسی ارشد، تربیت مدرّس قم).
۱۰. روش‌شناسی تفسیر قرآن، جمعی از نویسندگان، سمت، ۱۳۷۹ ش.

بخش هشتم

روش تفسیر اجتهادی و جامع

مقدمه

چیستی روش تفسیر اجتهادی جامع

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

روش تفسیر اجتهادی و جامع

هدف آموزشی: شناخت روش تفسیر اجتهادی و جامع قرآن

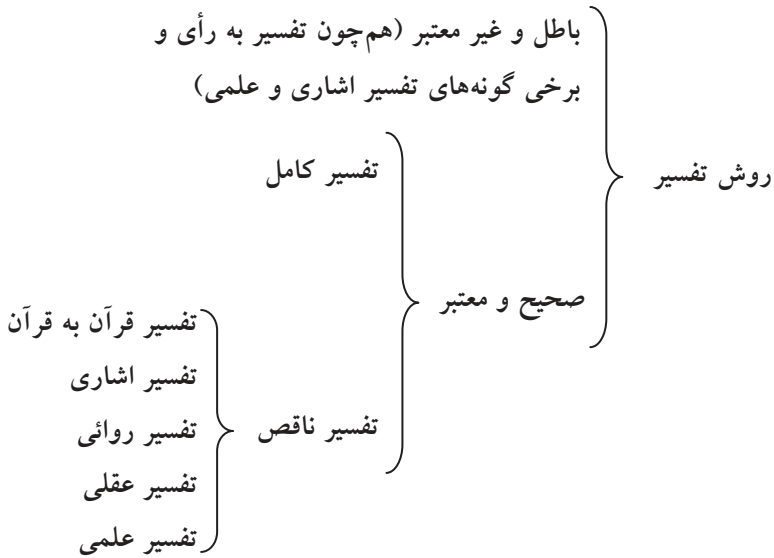
مقدمه

در مباحث پیشین، روش‌های صحیح در تفسیر قرآن بررسی شد و روش باطل تفسیر به رأی مورد نقد قرار گرفت. در این مبحث بر آنیم تا روشن سازیم روش اجتهادی و جامع را تبیین نماییم؛ یعنی مفسر قرآن باید از چه روشی استفاده کند تا بتواند مطمئن گردد که همه ابعاد لازم را در تفسیر یک آیه، مورد بررسی قرار داده و حق مطلب را ادا نماید.

چیستی روش تفسیر اجتهادی جامع

واژه «روش» و «تفسیر» در مباحث پیشین تعریف شده، ولی مقصود از روش اجتهادی جامع، آن است که مفسر از تمام منابع لازم و روش‌های صحیح در تفسیر آیات قرآن استفاده کند، به طوری که ابعاد معنا و مقصود آیه را کاملاً مشخص نموده و نتیجه کامل بگیرد.

تذکر: از آن جا که مفهوم‌شناسی، تاریخچه، دیدگاه‌ها و دلایل و اقسام تفسیر اجتهادی در مبحث روش تفسیر عقلی بیان شد، از تکرار آن خودداری می‌کنیم. بنابراین همان‌طور که در مبحث کلیات بیان شد:



الف) در مبحث روش‌ها

۱. از روش تفسیر قرآن به قرآن، برای به دست آوردن قراین نقلی قرآنی برای تفسیر آیه؛
۲. از روش تفسیر روایی، برای به دست آوردن قراین نقلی حدیثی برای تفسیر آیه؛
۳. از روش تفسیر علمی، برای به دست آوردن قراین علمی قطعی برای تفسیر آیه؛
۴. از روش تفسیر عقلی، برای به دست آوردن قراین قطعی عقلی برای تفسیر آیه؛
۵. از روش تفسیر اشاری، برای به دست آوردن بطن و تأویل و پیام آیه به روش صحیح استفاده می‌شود.

البته روشن است که در روش تفسیر اجتهادی جامع از روش‌های باطل و غیر معتبر (همچون تفسیر به رأی) اجتناب می‌شود.

ب) در مبحث گرایش‌ها

در روش تفسیر اجتهادی جامع قرآن، نیاز به استفاده از گرایش‌های تفسیری نیز هست؛ یعنی برای تفسیر جامع توجه به موارد زیر لازم است:

۱. به کتاب‌ها و تفاسیر گرایش لغوی و ادبی مراجعه شود تا نکات ادبی و لغوی آیات روشن گردد؛

۲. به تفاسیر گرایش فقهی مراجعه شود تا نکات فقهی آیه روشن شود؛

۳. به تفاسیر گرایش کلامی مراجعه شود، تا نکات کلامی و اعتقادی آیات روشن گردد. البته مفسر قرآن نباید خود را تابع گرایشات کلامی کند، بلکه باید عقاید کلامی خود را از قرآن اخذ نماید. به عبارت دیگر: عقاید خود را بر قرآن عرضه کند، نه این که بر آن تحمیل کند؛

۴. به تفاسیر گرایش اجتماعی مراجعه شود، تا نکات جامعه‌شناختی قرآن و برداشت‌های اجتماعی آیات روشن شوند.

به طور کلی استفاده از علوم قرآن و مراجعه به تفاسیر گذشته و تاریخ اسلام و مسلمانان، تفسیر را کامل‌تر و غنی‌تر می‌سازد.

نتیجه: هر یک از روش‌ها و گرایش‌های تفسیری صحیح، به تنهایی پاسخ‌گوی تفسیر همه آیات قرآن نیست، بلکه هر کدام، مکمل یکدیگر بوده و استفاده از همه آنها (به تناسب آیه مورد بحث) می‌تواند تفسیری معتبر و کامل ارائه سازد.

مثال: در این مورد می‌توانید به تفسیر سوره «قدر» در تفسیر نمونه، آیه‌الله مکارم شیرازی و تفسیر قرآن مهر، محمد علی رضایی اصفهانی، مراجعه کنید که برای تبیین آیات سوره قدر از روش‌ها و گرایش‌های متنوعی استفاده شده است.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

کتاب‌شناسی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری

۱. ابومسلم الاصفهانی و منهجه في التفسير؛ ابطحي كنيوبي ابراهيم، المدينة المنورة، رسالة ماجستير من الجامعة الاسلامية، ۱۴۰۵هـ / ۱۹۸۵م.
۲. البغوى الفراء و تفسيره للقرآن الكريم؛ محمد ابراهيم شريف، القاهرة، مطبعة المدينة و دارالاسلام، ط ۱، ۱۴۰۶هـ / ۱۹۸۶م، ۵۱۵ص.
۳. البغوى و منهجه في التفسير؛ عفاف عبدالغفور حميد، عمان، دارالفرقان، ۱۴۰۲هـ / ۱۹۸۲م، بغداد، مطبعة الارشاد، ۱۹۸۳م، ۲۲۴ص.
۴. اتجاهات التجديد في العصر الحديث؛ عبدالمجيد عبدالسلام المحتسب، بيروت، دارالفكر، ط ۱، ۱۳۹۳هـ / ۱۹۷۳م، ۳۳۳ص.
۵. اتجاهات التجديد في تفسير القرآن الكريم؛ محمد ابراهيم شريف، القاهرة، دار التراث، ط ۱، ۱۴۰۲هـ / ۱۹۸۲م، ۷۶۷ص.
۶. اتجاهات التفسير في العصر الحديث؛ عفت محمّد الشرقاوي، القاهرة، رسالة ماجستير من كلية الآداب بجامعة عين الشمس، ۱۳۸۳هـ / ۱۹۶۳م.
۷. اتجاهات التفسير في العصر الحديث في مصر و سورية؛ فضل حسن احمد عباس، جامعة الأزهر: رسالة دكتوراه من كلية اصول الدين، ۱۳۹۲هـ / ۱۹۷۲.
۸. اتجاهات التفسير في القرآن الرابع عشر؛ فهد بن عبدالرحمن بن سليمان الرومي، عربستان سعودی: ۱۴۰۷هـ / ۱۹۸۶م، ۳ جلد، ۱۲۳۸ص.
۹. اتجاهات التفسير في مصر في العصر الحديث؛ عفت محمّد الشرقاوي، القاهرة، رسالة ماجستير من كلية الآداب بجامعة عين الشمس، ۱۳۸۳هـ / ۱۹۶۳م.
۱۰. اتجاهات فخرالدين الرازی في تفسير القرآن؛ فؤاد محمد فهمي، رسالة دكتوراه من كلية الآداب بجامعة الاسكندرية، ۱۳۸۴هـ / ۱۹۶۴م.

۱۱. التفسیر الصو فی للقرآن الکریم عند نجم الدین الدایبة؛ سیدعباس التواب هادی، رساله دکتوراه من کلیة اصول الدین بجامعة ام القرى، ۱۴۰۰هـ / ۱۹۸۰م.
۱۲. التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان؛ احمد عمر ابوحجر، بیروت، دار قتیبة، ط ۱، ۱۴۱۱هـ / ۱۹۹۱م، ۵۶۳ص.
۱۳. التفسیر العلمی للقرآن و تاریخ تطوره؛ محمد علی سلامة، قاهرة، مكتبة الأدب، ۱۹۹۱م، ۱ جلد، ۱۷۰ص.
۱۴. التفسیر القرآنی؛ محمد رجب البیومی، قاهرة، المؤسسة العربية الحديثة، ۱۹۸۸م، ۱ جلد، ۲۰۷ص.
۱۵. التفسیر القرآنی و اللغة الصوفیة فی فلسفة ابن سینا؛ حسن عاصی، بیروت، المؤسسة الجامعیة، ط ۱، ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۳م، ۳۹۰.
۱۶. التفسیر الموضوعی و الفلسفة الاجتماعیة فی المدرسة القرآنیة؛ السيد محمد باقر الصدر، بیروت، الدار العالمیة، ۱۴۰۹هـ / ۱۹۸۹م، ۱۹۲ص.
۱۷. التفسیر النبوی؛ محمد عبدالرحیم محمد، قاهرة، مكتبة الزهراء، ط ۱، ۱۴۱۳هـ / ۱۹۹۲م، ۱۵۰ص.
۱۸. التفسیر بالرأی؛ محمد حمد زغلول، دمشق، مكتبة الفارابی و مكتبة الاسد، ۱۹۹۹م، ۱ جلد، ۴۸۰ص.
۱۹. التفسیر عند اهل البيت عليهم السلام؛ السيد محمد باقر الحكيم، ۵۸ص.
۲۰. التفسیر: معالم حیاته، منهجه الیوم؛ امین الخولی (لی) تی، قاهرة، دارالمعلمین، ۱۳۶۵هـ / ۱۹۹۴م.
۲۱. التفسیر: نشأته، تدرجه تطوره؛ كارادة قو، مترجم: دائرة المعارف الاسلامیة: (ابراهيم خورشید، عبدالحمید یونس، حسن عثمان)، دارالکتب اللبنانی، بیروت، ط ۱، ۱۹۸۲م، ۱۰۶ص.
۲۲. التفسیر و التفسیر الحديثة؛ بهاء الدین خرّمشاهی، مترجم: عصام حسن سالم، ۲ جلد، بیروت، دار قتیبة، ۱۴۱۳هـ / ۱۹۳۳م.
۲۳. التفسیر و المفسرون؛ محمد حسین الذهبي، قاهرة، مكتبة وهبة، ۱۴۰۹هـ، ۳ جلد.
۲۴. التفسیر و المفسرون؛ محمد هادی معرفت، مشهد، الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، ۱۴۰۹هـ، ۲ جلد.
۲۵. الإتجاهات المنحرفة فی تفسیر القرآن الکریم دوافعها و دفعها؛ محمد حسین الذهبي، مصر، مكتبة وهبة، سومة ۱۴۰۶هـ / ۱۹۸۶م، دارالاعتصام، ۱۳۹۱هـ، ۱۱۲ص.
۲۶. اثر القرآن علی نهج التفكير النقدي عند ابن تيممه؛ محمود سعید الكردي، لیبی، الدار الجماهيریة، ط ۱، ۱۳۹۵هـ / ۱۹۸۶م، ۲۳۰ص.
۲۷. اثر المترجمات فی مناهج التفسیر القرآنی حتّى نهاية الخامس الهجری؛ شحات السيد زغلول، رساله دکتوراه من کلیة الآداب بجامعة الاسكندریة، ۱۳۸۸هـ / ۱۹۶۸م.
۲۸. اصول التفسیر بین شیخ الاسلام ابن تیمیة و بین غیره من المفسرین؛ عبدالله دیریة ابتدون، مدینة منورة، رساله ماجستير من الجامعة الاسلامیة، ۱۴۰۵هـ / ۱۹۸۵م.

۲۹. اصول التفسیر لکتاب اللہ المنیر؛ خالد عبدالرحمن العک، دمشق، مطبعة فارابی، ۱۳۸۸هـ / ۱۹۶۸م، بیروت، دارالنفائس، دوم، ۱۴۰۶هـ / ۱۹۸۶م، ۴۶۹ص.
۳۰. اصول التفسیر؛ (مجرداً عن النفاية)، جلال الدین عبدالرحمن أبی بکر السیوطی، محقق: جلال الدین القاسمی، دمشق، ۱۳۳۱هـ / ۱۹۱۱م.
۳۱. اصول التفسیر و قواعدہ / اصول التفسیر لکتاب اللہ المنیر؛ همان.
۳۲. اضواء علی خواطر الشیخ الشعراوی و منهجه فی تفسیر القرآن الکریم؛ التندی، قاهرة، مكتبة التراث الاسلامی، ۱۰۴ص.
۳۳. اعلام الدراسات القرآنیة فی خمسة عشر قرناً؛ مصطفى الصاوي الجويني، اسکندریه، منشأة المعارف، ۱۹۸۲م، ۳۸۱ص.
۳۴. الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث؛ محمد السید حسین الذهبي، بیروت، دارالقلم.
۳۵. الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر؛ رمزي نعاة، دمشق، دارالقلم، بیروت، دارالصیاء، ۱۳۹۰هـ / ۱۹۷۱م، ۴۳۹ص.
۳۶. الاضواء القرآنیة فی اكتساح الأحادیث الاسرائیلیة و تطهیر البخاری منها؛ السید صالح ابوبکر، مطابع محرم الصناعیة، ۱۹۳۴هـ / ۱۹۷۴م.
۳۷. الاکسیر فی اصول التفسیر؛ أبو الطیب محمد صدیق خان بن السید حسن القنوجی الهندی.
۳۸. الاکسیر فی علم التفسیر؛ الطوفی سلیمان بن عبدالقري بن عبدالکریم الصرصري البغدادي، مصر، مكتبة الآداب، ۳۷۶ص.
۳۹. الواحدی و منهجه فی التفسیر؛ جوده محمد مهدي المهدي، مصر، وزارة الأوقاف المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، ۴۵۶ص.
۴۰. الهدی الی منهج أهل البيت عليه السلام فی تفسیر القرآن؛ السید حسین التقوي الدهاقاني، ۱ جلد، ۵۵ص.
۴۱. اهل بیت عليه السلام و تفسیر قرآن؛ گروه تفسیر بنیاد فرهنگي باقرالعلوم عليه السلام، قم، کتاب‌خانه فرهنگ و معارف قرآن، قم، ۱ جلد ۱۳۷۰ش.
۴۲. بحوث فی اصول التفسیر و مناهجه؛ فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان الرومي، ریاض، مكتبة التوبة، ط ۱، ۱۴۱۳هـ، ۱۸۶ص.
۴۳. بحوث فی تفسیر القرآن الکریم (تاریخه، اتجاهاته، مناهجه)؛ محمد ابراهیم شریف، قاهرة، مطبعة المدينة و دارالسلام، ۱۴۰۶هـ / ۱۹۸۶م.
۴۴. بحوث فی تفسیر القرآن؛ جمال الدین عیاد، قاهرة، دارالجمالی، ۱۳۸۷هـ / ۱۹۶۷، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸هـ / ۱۹۷۸م.
۴۵. بحوث و حوارات قرآنیة (الاتجاهات الموضوعی و التجزیة فی تفسیر القرآن)؛ السید محمدباقر الصدر، بیروت، الدار العالمیة، ۱۴۱۴هـ / ۱۹۹۳م، ۲۲۴ ص از صفحه ۴۳ تا ۶۱.

۴۶. بین ابی حیان و الزمخشری؛ **یحیی الشاوی المغربي**، مخطوط بالازهر، رقم ۱۲۵۴، رافعی ۲۶۶۴۱.
۴۷. بین الشیعة و السنة دراسة مقارنة في التفسیر و اصوله؛ **علی السالوس**، قاهرة، مكتبة ابن تیمیة و دارالاعتصام، ۳۱۶ص.
۴۸. پیام قرآن؛ **آیه الله ناصر مکارم شیرازی**، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۹ش، جلد اول (مقدمه‌ای در روش تفسیر موضوعی و روش‌های تفسیر قرآن).
۴۹. تاریخ التفسیر؛ **قاسم القیسی**، بغداد، مكتبة المجمع العراقي، ۱۳۸۵هـ / ۱۹۹۶م، ۱۷۹ص.
۵۰. تاریخ القرآن و التفسیر؛ **عبدالله محمود شحاته**، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۳۹۲هـ / ۱۹۷۲م، ۱۹۸ص.
۵۱. تاریخ تفسیر القرآن الکریم؛ **حبیب الله جلالیان**، مصحح: محمد رضا آشتیانی، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ش، ۱ ج، ۲۳۶ص.
۵۲. تاریخ تفسیر و مفسرین (اردو)؛ **غلام احمدیری (پاکستانی)**، لاهور، ملک سنز، ۱۹۸۴م، ۷۳۲ص.
۵۳. تاریخ و روش تفسیر در قرآن؛ **سید محمدحسین طباطبایی**، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، ۱۳۶۱ش، ۱ جلد، ۲۲ص.
۵۴. تأملات قرآنیة (بحث منهجی في علوم القرآن الکریم)؛ **موسی ابراهیم الابراهیم**، عمان (اردن)، دار عمار، ط ۱، ۱۴۰۹هـ / ۱۹۸۹م، ۲۲۶ ص از ۷۲ تا ۱۰۰.
۵۵. تحقیق حول ابن عباس و مکاتبه في التفسیر و المعارف الاخری؛ **سید محمد باقر حجتی**، بیروت، دارالروضة، ط ۱، ۱۴۱۰هـ / ۱۹۹۰م، ۲۲۲ص.
۵۶. تحقیق درباره شخصیت ابن عباس و روش تفسیر او؛ **سید ابراهیم میرباقری**، پایان نامه دکتری از تهران، دانشکده الهیات و معارف قرآن، ۳۷۹.
۵۷. تحقیق در تفسیر ابوالفتح رازی؛ **عسگر حقوقی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ش، ۲۵۰ص.
۵۸. ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی؛ **گلذیهر**، مترجم و محقق: اسماعیل ندریان، پایان نامه فوق لیسانس از دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، ۱۳۵۴ش، ۱۲۴ص.
۵۹. ترجمه و تحقیق کتاب المبادئ العامة لتفسیر القرآن؛ **محمد حسین علی‌الصغیر**، مترجم: محسن مشعل، پایان نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران، ۱۵۳ص.
۶۰. ترجمه الفوز الکبیر في اصول التفسیر؛ **احمد شاه ولیالله الدهلوی**، مترجم: محمد مثیر الدمشقی، دمشق، دارتیبیه، ۱۴۰۹هـ، ۱۳۰ص.
۶۱. تطوّر تفسیر القرآن؛ **محسن عبدالحمید**، بغداد، جامعة بغداد، بیت الحکمة، ۲۴۸ص.
۶۲. تفسیرات ابن عباس الصحیحة في الثلثین الخیرین من القرآن الکریم؛ **آدم محمد علی**، رساله دکتوره من الجامعة الاسلامیة في المدینة.

۶۳. تفسیرات حدیثه لقرآن المسلمین؛ بیلجون - ج.م.س، لیدن بریل، ۱۳۸۱هـ / ۱۹۶۱م.
۶۴. تفسیر الصحابة: مميزات، خصائصه، مصادره، قيمته العملية؛ محمد عبدالرحيم، قاهرة، مكتبة التراث الاسلامي، ۱۱۸ص.
۶۵. تفسیر القرآن الکریم اصوله و ضوابطه؛ علي بن سلمان العبيد، رياض، مكتبة التوبة، ۱۴۱۸هـ، ۱ جلد.
۶۶. تفسیر القرآن بالقرآن عند اهل البيت عليهم السلام؛ خضير جعفر، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۰ش، ۱ جلد، ۳۰ص.
۶۷. تفسیر القرآن بالقرآن عند العلامة الطباطبائي؛ خضير جعفر، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۱هـ، ۴۰۰.
۶۸. تفسیر المعتزلة للقرآن الکریم (تاريخه و منهجه)؛ محمود کامل احمد عبدالمنعم، مدينة منوره، رسالة ماجستير من كلية الآداب بجامعة عين الشمس، ۱۳۹۳هـ / ۱۹۷۳م.
۶۹. تفسیر به رأی و هرج و مرج ادبي؛ ناصر مكارم شيرازي، قم، مؤسسه مطبوعاتي هدف، ۱ جلد، ۹۴ص.
۷۰. تفسیر روحاني؛ محمدعلي لساني فشاركي، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۶ش، ۱ جلد، ۳۰۸ص.
۷۱. تفسیر علمي قرآن؛ ناصر رفيعي محمدي، انتشارات فرهنگ گستر، ۱۳۷۹ش، ۲ جلد.
۷۲. تفسیر کلامی قرآن مجید؛ محمد حسين روحاني، تهران، انتشارات توس، چ ۱، ۱۳۷۰ش، ۳۴۷ص.
۷۳. تفسیر و تفاسیر جديد؛ بهاءالدين خرّمشاهی، تهران، انتشاران کيهان، چ ۱، ۱۳۶۴ش، ۲۳۸ص.
۷۴. تفسیر قرآن مهر (جلد اول، مقدمه)، محمد علي رضايي اصفهاني، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۸ش.
۷۵. تفسیر به رأی؛ حسن عاشوري لنگرودي، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس قم.
۷۶. تفسیر قتاده، دراسة (للمفسر و مهنج تفسیره)؛ عبدالله ابوالسعود بدر، قاهرة، عالم الكتب، ۱۳۹۹هـ / ۱۹۷۹م، ۱۳۵ص.
۷۷. جلوه تفسیری باطنیه؛ علی اکبر اسماعیلی، اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۵ش، ۱ جلد، ۱۱۳ص.
۷۸. درآمدی بر تفسیر علمي قرآن؛ محمد علي رضائي اصفهاني، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵، ۱ جلد، ۵۱۵.
۷۹. دراسات في التفسیر و المفسرون؛ عبدالقهار داود العاني، بغداد، مطبعة رسعد، ۱۹۸۷م، ۱ جلد، ۲۳۴.
۸۰. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابایی و ديگران، دفتر همكاري حوزه و دانشگاه.
۸۱. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسين علوي مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱ش.

۸۲. روش‌های تفسیر قرآن؛ جعفر نکونام، ۱۳۷۵ش، ۱ جلد، ۱۳۵ص.
۸۳. روش‌های تفسیر قرآن؛ سید جعفر سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۱هـ، ۱ جلد، ۱۲۵ص.
۸۴. روش‌های تفسیر قرآن؛ سید رضا مؤذّب، انتشارات اشراق، ۱۳۸۰ش، قم.
۸۵. الراغب الاصفهانی و جهوده في اللغة و الادب؛ عمر عبدالرحمن الساريسي، اردن (عمان) مكتبة الاقصى، ۱۴۰۷هـ / ۱۹۸۷م، ۲۹۸ ص از ص ۲۰۳ تا ۲۲۶.
۸۶. شناخت جریان علمی نگری به قرآن (روش تفسیر علمی)؛ فروغ پارسا، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲ش، ۱ جلد، ۳۴۹ص.
۸۷. صوفیه، مکتب و روش آنها در تفسیر؛ سید نورالدین ابطحی، ۱ جلد، ۱۶۴ص.
۸۸. ظاهرة التفسیر العلمی للقرآن الکریم؛ خلیل ابراهیم ابوذیاب، عمان، دارعمار، ۱۹۹۹م، ۱ جلد، ۳۷۶ص.
۸۹. قانون تفسیر؛ سیدعلی کمالی دزفولی، تهران، انتشارات کتاب‌خانه صدر، ۱۳۹۶هـ، ۱ جلد، ۴۹۵ص.
۹۰. قرآن پژوهی؛ (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)، بهاء‌الدین خرّمشاهی، تهران، نشر فرهنگ، مشرق، چ ۱، ۱۳۷۲ش، ۸۲۶ص، از ص ۱۳۹ تا ۳۲۰.
۹۱. قصّة التفسیر؛ احمد الشرباص، بیروت، دارالجليل، ۱۹۸۸م، ۱ جلد، ۱۷۲ص.
۹۲. قواعد التفسیر؛ محمدبن ابراهیم بن علی المرتضی الیمانی، مخطوط في التیموریة، رقم ۵۸۷.
۹۳. القرآن و التفسیر؛ عبدالله محمود شحاتة، مصر، الهيئة المصرية العامة، ۱۳۹۴هـ، ۱ جلد، ۲۸۳ص.
۹۴. القواعد الحسان لتفسیر القرآن؛ عبدالرحمان بن ناصر السعدي، عربستان سعودی، دارابن الجوزیة، ط ۱، ۱۴۱۳هـ / ۱۹۹۳م، ۱۷۶ص.
۹۵. القول المختصر المبین في مناهج المفسرین؛ أبو عبدالله محمود الحمود النجدی، کویت، مکتبة دارالامام الذهبی، ط ۱، ۱۴۱۲هـ، ۱۰۹ص.
۹۶. كيف نفهم القرآن (دراسة في مذاهب التفسیر و اتجاهاتها)؛ کامل موسی — علی دحروج، بیروت: دارالمحروسة، ۱۴۱۲هـ / ۱۹۹۲م، ۳۳۴ص.
۹۷. لمحات في علوم القرآن واتجاهات التفسیر؛ محمد الصباغ، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۹۴هـ / ۱۹۷۴م، ۲۴۰ص.
۹۸. مباحث في التفسیر الموضوعی؛ مصطفی مسلم، دمشق، دارالقلم، ط ۱، ۱۴۱۰هـ / ۱۹۸۹م، ۳۷۳ص.
۹۹. مبادئ التفسیر؛ محمد الخضرمي الدمياطي، دمشق، دار البصائر، ۱۴۱۴هـ / ۱۹۸۴م، مطبوعة النيل، ۱۳۲۱هـ / ۱۹۰۵م.
۱۰۰. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن؛ عباسعلی عمید زنجانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ش، ۱ جلد، ۳۴۳ص.

۱۰۱. مبانی و روش‌های تفسیری؛ محمد کاظم شاکر، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۱۰۲. متد تفسیر قرآن به قرآن؛ ابوالفضل بهرامپور، تهران، انتشارات اسلامی، دوم، ۱۳۶۰ش، جلد، ۷۷ص.
۱۰۳. مدارس التفسیر القرآنی؛ مصطفی الصاوی الجوینی، اسکندریه، دار المعرفة الجامعية، ۱۹۹۲م، ۲۹۷ص.
۱۰۴. مقدمات تفسیر القرآن؛ نهضت زنان مسلمان، تهران، ۶۸ص.
۱۰۵. مقدمة في اصول التفسیر؛ تقي الدين احمد بن عبدالحليم بن تيمية، محقق: عدنان زرزور، بيروت، دارالقرآن الکریم، ط ۱، ۱۳۹۱هـ / ۱۹۷۱م، ۱۳۷ص.
۱۰۶. مقدمة في اصول التفسیر؛ تقي الدين احمد بن عبدالحليم بن تيمية، محقق: محمود محمد محمود نصّار، بغداد، دارالتربية، ۱۱۲ص.
۱۰۷. مکاتب تفسیری؛ علی اکبر بابایی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ش.
۱۰۸. مکاتب و روش‌های تفسیری؛ واعظ زاده خراسانی، ۳۸ص. (جزوهٔ جامعه الزهراء قم).
۱۰۹. مناهج المفسرين من العصر الأول إلى العصر الحديث؛ محمود النقراشي، السيد علي، رياض، مكتبة النهضة، ط ۱، ۱۴۰۷م، ۳۳۴، ۲۱۹ص.
۱۱۰. مناهج المفسرين؛ منيع عبدالحليم محمود، القاهرة، دارالكتاب المصري، بيروت، دارالكتاب اللبناني، ط ۱، ۱۹۸۷م، ۳۳۴.
۱۱۱. مناهج في التفسیر؛ مصطفی الصاوی الحموي، اسکندریه، منشأة المعارف، ط ۱، ۱۹۸۰م، ۳۳۴، ۲۷۸ص.
۱۱۲. مناهج في تحليل النظم القرآنی؛ منير سلطان، اسکندریه، منشأة المعارف، ۳۴۷ص.
۱۱۳. منهج ابن عطية في تفسير القرآن الکریم؛ عبدالوهاب فايد، القاهرة، الهيئة العامة الشؤون المطابع الاميرية، ۱۳۹۳هـ / ۱۹۷۳م، ۴۱۱ص.
۱۱۴. منلق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات بین‌المللی المصطفی ﷺ، قم، ۱۳۸۸ش.
۱۱۵. منهج الإمام الخميني في التفسیر؛ عبدالسلام زين العابدين، قم، مسجد اهل البيت ﷺ شهيد صدر، ۱ جلد، ۱۱۱ص.
۱۱۶. منهج الامام محمد عبده في تفسير القرآن الکریم (دراسة موضوعيه لجهود ابن القيم التفسيرية)؛ صبري المتولي، القاهرة، دارالثقافة والنشر والتوزيع، ۱۹۸۶م، ۱ جلد، ۴۶۹ص.
۱۱۷. منهج الزمخشري في تفسير القرآن و بيان اعجازه؛ مصطفی الصاوی الجوینی، القاهرة، دارالمعارف، ۱۹۵۹م، ۳۰۵ص.

۱۱۸. منهج الطبرسی في تفسیره مجمع البيان؛ عبدالزهرة كاظم سمحاق الحجاج، رسالة ماجستير من مجلس كلية الفقه في جامعة الكوفة، ۱۴۱۰هـ / ۱۹۸۹م، ۳۴۱ص.
۱۱۹. منهج الطوسي في تفسير القرآن؛ محمد حسن آل ياسين، عراق، كاظمية، ۴۲ص.
۱۲۰. منهج المدرسة العقلية الحديثة في التفسير؛ فهد بن الرحمن بن سليمان الرومي، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۷هـ، ۲ جلد در ۱ مجلد، ۸۸۶ص.
۱۲۱. منهج تفسيرى اهل بيت عليهم السلام؛ محمد شريفانى، قم، پايان نامه دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم، ۱۳۷۳ش، ۱ جلد، ۲۶۸ص.
۱۲۲. موقف الامام ابن كثير من الاسرائيليات في موضوع التفسير؛ محمد ابراهيم تراوري، رسالة ماجستير من الجامعة الاسلامية بمدينة المنورة.
۱۲۳. موقف صاحب المنار من المفسرين؛ محسن عبدالحميد، بغداد، مطبعة المعارف.
۱۲۴. الامام الشوكاني مفسراً؛ محمدحسن بن احمد الغماري، عربستان سعودی، دارالشروق، ط ۱، ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۱ن، ۳۵۷ص.
۱۲۵. الامام القرطبي شيخ ائمة التفسير؛ مشهور حسن محمود سلمان، دمشق، دارالقلم، ط ۱، ۱۴۱۳هـ / ۱۹۹۳م، ۲۶۱ص.
۱۲۶. الامام محمد بن عبده و منهجه في التفسير؛ عبدالغفار عبدالرحيم، قاهرة، المركز العربی للثقافة والعلوم، قاهرة، دارالانصار، ۱۴۰۲هـ / ۱۹۸۱م، ۴۲۳ص.
۱۲۷. المبادئ لتفسير القرآن الكريم؛ محمد حسين علي الصغير، بيروت، المؤسسة الجامعية للمدرسات، ۱۹۰ص.
۱۲۸. المحاكمة بين أبي حيان و الزمخشري و ابن عطية؛ يحيى الشاوي الفاسي المغربي، مخطوط، بالأزهر، رقم ۱۲۵۴.
۱۲۹. المذاهب الإسلامية في تفسير القرآن؛ گلديهر، مترجم: علي حسن عبدالقهار، قاهرة، مطبعة العلوم، ۱۳۶۳هـ / ۱۹۹۴م، ۱۸۳ص.
۱۳۰. المفسرون حياتهم و منهجهم؛ سيدمحمد علي ايازی، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۴۱۴ق.
۱۳۱. المنهج البياني في تفسير القرآن الكريم؛ كامل علي سعفان، مصر، مكتبة الانجلو، ط ۱، ۱۹۸۱م، ۵۰۸ص.
۱۳۲. المنهج الحرکي، في ظلال القرآن؛ صلاح عبدالفتاح الخالدي، جدة، دار المنارة، ط ۱، ۱۴۰۶هـ / ۱۹۸۶م، ۴۷۱ص.
۱۳۳. النظم القرآني في كشف الزمخشري؛ درويش الجندي، مصر، دار النهضة، ۱۹۶۹م، ۲۶۲ص.
۱۳۴. نحو منهج لتفسير القرآن؛ محمد الصادق عرجون، رياض، دارالسعودية، ۱۳۹۷هـ / ۱۹۷۷م.

۱۳۵. نخستین مفسران پارسی نویس؛ موسی درودی، تهران، انتشارات نور فاطمة، ۱۳۶۲ش، ۲۳۱ص.
۱۳۶. نشأه التفسیر و اتجاه تطوره؛ احمد خليل، رسالة ماجستير من كلية الآداب بجامعة القاهرة، ۱۳۶۶هـ / ۱۹۴۷م، ۳۶۷.
۱۳۷. نظرية تفسیر النصوص المدنية؛ محمد شريف احمد، بغداد، وزارت الاوقاف و الشؤون الدينية، ۱۴۰۲هـ / ۱۹۸۲م، ۳۶۷.
۱۳۸. هزار سال تفسیر فارسی (سیری در متون کهن تفسیری پارس)؛ سید حسن سادات ناصری، منوچهر دانش پژوه، تهران، نشر البرز، چ ۱، ۱۳۶۹ش، ۸۸۰ص.
۱۳۹. همو، مترجم؛ عبدالحلیم النجار، مصر، مكتبة الخانجي، ۱۳۷۴هـ / ۱۹۹۵م، ۴۱۸ص.
۱۴۰. یادنامه طبری؛ (به مناسبت ۱۱۰۰ سالگرد در گذشت طبری)، جمعی از دانشمندان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۹ش، ۷۵۳ص.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن تیمیه، تقی الدین احمد بن عبدالحلیم، مقدمة في اصول التفسير، بيروت، دارالقرآن الکریم، ۱۹۷۱م.
۴. ابن سینا، رسائل، چاپ هند، ۱۹۰۸ م (در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی در قم موجود است).
۵. ابوریه، محمود، اضواء على السنة المحمدية، الطبعة الخامسة، قم، نشر البطحاء.
۶. ابوطبره، محمد، المنهج الاثری.
۷. اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفا، مطبعة العربية، ۱۹۲۸ م (و نیز گزیده همان از علی اصغر حلبی).
۸. استرآبادی، محمد امین، الفوائد المدینة.
۹. اسماعیل، عبدالعزیز، الاسلام و الطب الحديث، با مقدمة محمد مصطفی مراغی.
۱۰. الاسترآبادی، سیدشرف الدین، تأویل الآيات الظاهر.
۱۱. الاصفهانی، الراغب، المفردات في غريب القرآن، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۳۲ش.
۱۲. الالوسی، ابوالفضل شهاب الدین انسیه محمود، روح المعانی، في تفسير القرآن العظيم و السبع.
۱۳. الامین النجفی، عبدالحسین احمد، الغدير، في الكتاب والسنة والادب، بيروت، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ق.
۱۴. الالوسی، علی، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ترجمه: سیدحسن میرجلیلی، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات، ۱۳۷۰ش.
۱۵. البخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بيروت، داراحیاء التراث العربی، ۴۰۰ق.
۱۶. الحرّ العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة، الطبعة الرابعة، بيروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق.

۱۷. الرومی، دکتر فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، اتجاهات التفسیری القرن الرابع، الطبعة الاولى، عشر، عربستان سعودی، ۱۴۰۷ق.
۱۸. الرومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، منهج المدرسة العقلية الحديث في التفسیر، الطبعة الثالثة، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۷ق.
۱۹. السیوطی، جلال‌الدین، الدرالمشور في التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۲۰. الصاوی، الجوبینی المصری، دکتر مصطفی، مناهج في التفسیر، اسکندریة، منشأة المعارف.
۲۱. الصغیر، محمدحسین علی، دراسات قرآنیة، المبادئ العامة لتفسیر القرآن الکریم، تهران، مکتبة الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. الطبرسی (امین الاسلام)، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان في تفسیر القرآن، چاپ پنجم، تهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۲۳. العک، شیخ خالد عبدالرحمن، اصول التفسیر و قواعدہ، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالفائس، ۱۴۱۴ق.
۲۴. المیبدی، رشید الدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، (معروف به تفسیر خواجه عبداللہ انصاری).
۲۵. امام خمینی، روح‌الله موسوی، پرواز در ملکوت، مشتمل بر آداب الصلوة، تألیف سیداحمد فہری، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ش.
۲۶. انصاری، شیخ مرتضی، فوائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۲۷. اوبلاکر، اریک، فیزیک نوین، ترجمہ: بہروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ش.
۲۸. ایازی، سیدمحمد علی، المفسرون حیاتہم و منہجہم، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۲۹. ایازی، سیدمحمد علی، سیر تطوّر تفاسیر شیعہ، تهران، مؤسسہ نمایشگاہ‌های فرهنگی ایران، ۱۳۷۹ش.
۳۰. آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایہ الاصول، شرح: سیدمحمد حسین شیرازی، قم، دارالایمان، ۱۴۰۶ق.
۳۱. باریور، ایان، علم و دین، ترجمہ: بہاءالدین خرمشاهی، تهران مرکز نشر دانشگاهی، بیروت، ۱۳۶۲ش.
۳۲. بدوی، عبدالرحمن، فرهنگ کامل خاور شناسان، ترجمہ: شکراللہ خاکرند، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۳۳. بوکای، موریس، مقایسہ‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمہ: مهندس ذبیح‌اللہ دبیر، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۳۴. بی‌آزار شیرازی، دکتر عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۳۵. بینات، فصلنامه قرآنی، شماره ۲۳ - ۲۲۷ قم.
۳۶. پوپر، کارل، حدس‌ها و ابطال‌ها، ترجمه احمد آرام.
۳۷. پوپر، کارل، منطق اکتشافات علمی، ترجمه احمد آرام.
۳۸. جمعی از نویسندگان، روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران، سمت (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه)، ۱۳۷۹ش.
۳۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تنسیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰ش.
۴۰. جوهری، طنطاوی، تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، دارالفکر.
۴۱. جویزی عروسی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، الطبعة الثانية، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۸۳ق.
۴۲. حجر، احمد عمر، التفسیر العلمی فی المیزان، الطبعة الاولى، دارالکتبیه، ۱۹۹۱م.
۴۳. حلبی، دکتر علی اصغر، تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، تهران، انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۱ش.
۴۴. حمد زغلول، دکتر محمد، التفسیر بالرأی، مكتبة الفارابی، ۱۴۲۰ق.
۴۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴ش.
۴۶. خوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الاصول، الطبعة الرابعة، قم، مكتبة الداوری، ۱۴۱۴ق.
۴۷. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث.
۴۸. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، المطبعة ۱۳۹۴ق.
۴۹. ذهبی، دکتر محمدحسین، التفسیر و المفسرون، الطبعة الثانية، دارالکتب الحديث، ۱۹۷۶م.
۵۰. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۱ق.
۵۱. رضایی اصفهانی، دکتر محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ش.
۵۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ش.
۵۳. رفیعی محمدی، ناصر، تفسیر علمی قرآن، انتشارات فرهنگ‌گستر، ۱۳۷۹ش.
۵۴. زرقانی، مناهل العرفانی فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۶ ق.
۵۵. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۱۰ ق.
۵۶. زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی.
۵۷. زیدان، جرجی، تاریخ التمدن الاسلامی، بیروت، دارالمکتبة الحیة.
۵۸. سبحانی، جعفر، برهان رسالت، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۹۸ ق.
۵۹. سبحانی، جعفر، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، تنظیم سیدهادی خسروشاهی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ش.
۶۰. سبزواری، ملاهادی، شرح منظومه، چاپ ششم، قم، انتشارات علامه، ۱۴۶۹ش.
۶۱. سیاسی، علی اکبر، مبانی فلسفه، تهران، دانشگاه تهران.

۶۲. سید رضی، نهج البلاغه (سخنان امام علی علیه السلام)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و همکاران، قم، انتشارات هدف.
۶۳. سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، الطبعة الخامسة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۶ ق.
۶۴. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی العلوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
۶۵. شریفانی، محمد، منهج تفسیری اهل بیت علیهم السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم.
۶۶. شعر قاوی، عفت محمد، اتجاهات فی عصر الحدیث.
۶۷. شهرستانی، سید هبة‌الدین، اسلام و هیئت، نجف، مطبعة الغری فی النجف.
۶۸. شیخ صدوق، التوحید، بیروت.
۶۹. شیخ صدوق، معانی الاخبار.
۷۰. صادقی، تهرانی محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، الطبعة الثالثة، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۷۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، به سور آفریدگار، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۷۲. صدر، سیدحسن، تأسیس الشیع الاسلام، (شیعه پایه گذار علوم اسلامی)، ترجمه مختاری، انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۴ ش.
۷۳. صدر، محمد باقر، الاسس المنطقیه للاستقراء، الطبعة الرابعة، بیروت، دارالمتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
۷۴. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، الطبعة الثالثة، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶ ش.
۷۵. صفار، بصائر الدرجات.
۷۶. طالقانی، دکتر عبدالوهاب، تاریخ تفسیر، تهران، انتشارات نبوی، ۱۳۷۷ ش.
۷۷. طباطبائی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
۷۸. طباطبائی، محمد حسین، قرآن در اسلام، بنیاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۷۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۸۰. طوسی، شیخ ابوجعفر محمد بن حسن، تفسیر البیان، نجف، المطبعة العلمیه، ۱۳۷۶ ق.
۸۱. عاشوری لنگرودی، حسن، تفسیر به رأی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت مدرس، قم.
۸۲. عقیقی، بخشایشی، طبقات مفسرین شیعه، قم، نوید اسلام، ۱۳۷۱ ش.
۸۳. علوی‌مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، انتشارات أسوه، ۱۳۸۱ ش.
۸۴. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۸۵. غزالی، ابوحامد، **احیاء العلوم (الاحیاء)**، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۲ ق.
۸۶. غزالی، **جواهر القرآن**، بیروت - دمشق، المركز العربی للكتاب.
۸۷. فارابی، **احصاء العلوم**.
۸۸. فیض کاشانی، محمد محسن، وافی، اصفهان، مکتب الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامة، ۱۳۶۵ ش.
۸۹. کاشانی، فیض، **تفسیر الصافی**، الطبعة الثالثة، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
۹۰. کاشانی، ملافتح الله، **تفسیر منهج الصادقین**، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۴۶ ش.
۹۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، قم، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، چاپ اسلامیة، ۱۳۶۱ ش.
۹۲. گلدزیهر، **مذاهب التفسیر الاسلامی**، ترجمه: دکتر عبدالحکیم البخار، مکتبة الخانجی لمصر، ۱۹۹۵ م.
۹۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، تهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۳۵۸ ش.
۹۴. **مجله تخصص حدیث**، ش ۳ و ۸، مقاله «دروغ‌پیردازان در حوزه حدیث شیعه و اهل سنت».
۹۵. محمد رشید رضا، **المنار فی تفسیر القرآن الکریم**، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالمعرفة.
۹۶. محمدامین ابن محمد مختار، **تفسیر اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن**.
۹۷. محمدعلی رضائی اصفهانی، **تفسیر قرآن مهر (۲۲ جلدی)**، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۸ ش.
۹۸. محمدعلی رضائی اصفهانی، **منطق تفسیر قرآن (۲)**، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی، ۱۳۸۸ ش.
۹۹. محمدی ری‌شهری، محمد، **میزان الحکمة**، چاپ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۱۰۰. مدیرشانه‌چی، کاظم، **علم الحدیث و دارایة الحدیث**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۰۱. مشکور، محمد جواد، **فرهنگ فرق اسلامی**، چاپ سوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰۲. مصباح یزدی، محمد تقی، **معارف قرآن**، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش.
۱۰۳. مصباح یزدی، محمد تقی، **آموزش فلسفه**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۰۴. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، الطبعة الاولى، ایران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۱۰۵. مطهری، مرتضی، **آشنایی با علوم اسلامی**، جلد کلام و عرفان، قم، انتشارات صدرا.
۱۰۶. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، (علل گرایش به مادیگری).
۱۰۷. مظفر، محمد رضا، **اصول الفقه**، تهران، انتشارات المعارف الاسلامیة، ۱۳۶۸ ش.
۱۰۸. معرفت، محمد هادی، **التمهید فی علوم القرآن**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۱۰۹. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون في ثوبة القشيب، مشهد، الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية ۱۴۱۸ق و همان، ترجمه: علی خیاط، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۰ش.
۱۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۱۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، قم، انتشارات نسل جوان.
۱۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر به رأی، چاپ هفتم، قم، مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۷ش.
۱۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۳۴۱ص.
۱۱۴. موحدابطحی، سیدعلی، آیه التطهیر، قم، مطبعة سيدالشهدا، ۱۴۰۴ ق.
۱۱۵. مؤدب، سیدرضا، روش‌های تفسیر قرآن، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ش.
۱۱۶. نجفی، محمدصادق و هاشم هریسی، شناخت قرآن، ۱۳۶۱ش.
۱۱۷. نعنانه، رمزی، الاسرائیلیات و اثرها في التفسیر، دمشق، نشر دار القلم، ۱۳۹۰ ق.
۱۱۸. نوفل، عبدالرزاق، القرآن و العلم الحديث، بیروت دارالکتب العربی، ۱۹۷۳م.
۱۱۹. واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، مؤسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.

۶۱. اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ع) / غلامحسن مقیمی
۶۲. مبانی و روش های تفسیری / محمد کاظم شاکر
۶۳. آموزش فارسی به فارسی (مقدمه) (۱/۱) / اصغر فردی، احمد زهرایی، محمد ناطق
۶۴. آموزش فارسی به فارسی کتاب چهارم / اصغر فردی، احمد زهرایی
۶۵. کارآمدی شیعه در حل معضلات نوظهور سیاسی / اوگین آکبولاک
۶۶. ویژگی های مجازات در اسلام / علی شریفی
۶۷. رابطه هست و باید / علیرضا ناصری
۶۸. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۱ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۶۹. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۲ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۰. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۳ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۱. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۴ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۲. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۵ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۳. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۶ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۴. خلاصه البيان في تفسير القرآن ج ۷ / سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۵. تاریخ امپراطوری عثمانی / محمد رضا بارانی
۷۶. مبانی انسان شناسی پیشرفت / امان الله فصیحی، محمد علی نظری، محمد علی جوادی، نصراً... نظری
۷۷. خدیث یوم الادر نخستین سند ولایت / مصطفی عزیزی علویچه
۷۸. هویت فلسفه اسلامی / تهران خلیل اویج
۷۹. پدیده وحی از دیدگاه علامه طباطبائی / رحمت ... احمدی
۸۰. شاخص های ارزیابی تسهیل مبادلات در بازار اسلامی / محمد جمال خلیلیان اشکلری
۸۱. ادراک حسی از دیدگاه حکمت صدرایی و مبانی فیزیک / سید یوسف موسوی
۸۲. بررسی تطبیقی دفاع در اسلام و حقوق بین الملل / سید محمد امین هاشمی
۸۳. درمان باران های روحی از دیدگاه قرآن / محمد هادی قربانی
۸۴. آموزش فارسی به فارسی کتاب سوم / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۸۵. مبانی وقف و ابتداء / محمد رضا شهیدی پور
۸۶. آسیب شناسی روابط گروه های قومی شیعه در افغانستان / محمد حسین فیاض
۸۷. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۱ / علی بمان ملک احمدی
۸۸. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۲ / علی بمان ملک احمدی
۸۹. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۳ / علی بمان ملک احمدی
۹۰. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۴ / علی بمان ملک احمدی
۹۱. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۵ / علی بمان ملک احمدی
۹۲. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۶ / علی بمان ملک احمدی
۹۳. صفت خدا در کلام اسلامی و کلام مسیحی (قرون وسطی) / شاهد علی هادی
۹۴. مراتب توحید الهی در حکمت متعالیه و اثر پذیری از قرآن و سنت / خلیل موسوی
۹۵. نقش مسلمانان در انتقال تمدن اسلامی به اروپا / محمدصادق رضوانی
۹۶. نقد و بررسی رفتارهای سیاسی و اجتماعی فاتحان مسلمانان در قرن اول هجری / مصطفی خرمی
۹۷. بررسی فقهی وکالت زن در دعاوی و مجلس / محمد صادق فیاض
۹۸. الگوی پیشنهادی بانکداری بدون ربا برای کشور آذربایجان / الدار علی حسین اف
۹۹. بررسی عصمت انبیا از دیدگاه شیخ طوسی و فخرالدین رازی / افضل الدین رحیم اف
۱۰۰. اسرار الصلاة میبیدی / محمد رضا افضلی
۱۰۱. هفدهمین جشنواره بین المللی شیخ طوسی (جهان اسلام و پدیده تکفیر) / جمعی از مولفان
۱۰۲. بهره‌ها در دست تاریخ (دانشنامه) - جعانی از شیعیان اسماغیلیه طبیعی هند / تکمیل رایجی
۱۰۳. عقل در قرآن و تمدن اسلامی / سید امیر حسین اصغری، امیر عباس صالحی
۱۰۴. خورشید پهبود / سید رشید صمیمی
۱۰۵. آئین الینک الاسلامی / عبدالله حیدری
۱۰۶. اسلام در روسیه (اسلام در سرزمین گولا) / ادريسوف، دولتچینا، کوستووا، سینوتکینا... و
۱۰۷. فرصتی دوباره / حسین بسطامی
۱۰۸. جمع میان احکام ظاهری و واقعی / محمد عیسی دانش
۱۰۹. علوم قرآن مقدماتی / صدیق حسین
۱۱۰. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم / محمد باقر معرفت
۱۱۱. اسلام، جهانی شدن و جهانی سازی / مهدی امیدوی نقلبری
۱۱۲. الگوی بانکداری اسلامی / محمد جواد محقق نیا
۱۱۳. واژه شناسی قرآن مجید / شهید غلامعلی همایی
۱۱۴. بررسی تطبیقی خیر و شر از دیدگاه ابن عربی و ابن سینا / حسن امینی
۱۱۵. حاکمیت و حکمرانی در نهج البلاغه / محمد مهدی بابور گل افشانی
۱۱۶. آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت / علی نصیری

۱. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۱ / عبدالحسین خسروپناه
۲. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۲ / عبدالحسین خسروپناه
۳. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳ / عبدالحسین خسروپناه
۴. مجموعه مقالات همایش بین المللی امت اسلامی، مبانی و مؤلفه ها ج ۱ / مجموعه مؤلفان
۵. مجموعه مقالات همایش بین المللی امت اسلامی، مبانی و مؤلفه ها ج ۲ / مجموعه مؤلفان
۶. سیری در آیین مسیحیت / علی الشیخ
۷. اسرائیلیات، تخریب ها و تحریف های یهود / سیف الله مدهر چهاربرجی
۸. بررسی مقایسه ای ماهیت و حقوق ایمان بین ملاصدرا و آکویناس / غلام سخی احسانی
۹. آشنایی با معارف قرآن، قصه های قرآنی: تفسیر موضوعی / صالح فتادی
۱۰. تاریخ فلسفه اسلامی / جمعی از مولفان
۱۱. ارتباط چهره به چهره / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۲. ارزش یابی آموزشی / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۳. آشنایی با اختلالات شناختی / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۴. اخلاق اجتماعی / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۵. اخلاق دوست یابی / مرکز توسعه منابع انسانی
۱۶. در سنامه عقاید / علی شیروانی
۱۷. تاریخ حدیث / سید رضا مؤدب
۱۸. منطق پیشرفته / عسکری سلیمانی امیری
۱۹. آشنایی با آموزه های اسلام (سال اول دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۲۰. آشنایی با آموزه های اسلام (سال دوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۲۱. آشنایی با آموزه های اسلام (سال سوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۲۲. آشنایی با آموزه های اسلام (سال اول راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۲۳. آشنایی با آموزه های اسلام (سال دوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۲۴. آشنایی با آموزه های اسلام (سال سوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۲۵. تاریخ اروپا ۲ / محمد سزده آرنی
۲۶. تاریخ ادبیات فارسی / محسن مؤمن، مرتضی زرقا پور، محسن اسماعیلی، غلامعلی گرابی
۲۷. آموزه های بنیادین علم اخلاق ج ۱ / محمد فتحعلی خانی
۲۸. آشنایی با فقه شافعی / نصیب الله عمرف
۲۹. آیین دادرسی و قضاء در عصر امویان / اسد الله رضایی
۳۰. تربیت بدنی و سلامت جسمانی / محسن اکبرپوربونی، سید محسن حسینی مراد آبادی، حسین صبوری، محمد رضا خرابی، مهدی فهیمی
۳۱. اصول و روش های حفظ قرآن / سید علی میرداماد نجف آبادی
۳۲. تفکر عقلی در کتاب و سنت / حمید رضا نیا
۳۳. درس هایی از اخلاق / اداره تربیت مجتمعه آموزش عالی امام خمینی (ع)
۳۴. درآمدی بر نظریه عدالت در اسلام / عبد الله جعفری
۳۵. کزیده کلبه و دمنه / محمد رضا نیک زاد
۳۶. فرق و مذاهب کلامی / علی ربانی گلپایگانی
۳۷. درآمدی به شیعه شناسی / علی ربانی گلپایگانی
۳۸. فلسفه تاریخ / جواد سلیمانی
۳۹. در سنامه مفردات قرآن مجید / غلامعلی همایی
۴۰. علوم قرآن مقدماتی / صدیق حسین
۴۱. آشنایی با فقه حنفی / معروف جان رحیم جان اف تحقیق و باز نویسی - خیر الله فیض الله اف
۴۲. پژوهشی در جلوه های امامت و ولایت در جریان عاشورا / خدیجه صالحی
۴۳. انسجام سیاسی در جوامع چند فرهنگی / امان الله شفاوی
۴۴. بیت الغزل معرفت / محمد فولادی، بهاء الدین اسکندری
۴۵. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم / محمد باقر معرفت
۴۶. در سنامه فقه الحدیث (کتاب فضل العلم، کتاب الحجة، کتاب العشره) / محمد امینی
۴۷. تاریخ علوم و فقه در شیعه / یعقوب علی برجی
۴۸. شاخص تکریم مشتری / نعمت اله پناهی پروجردی
۴۹. آشنایی مقدماتی با فلسفه اسلامی / سید زهیر المسلیبلی
۵۰. آشنایی با صحیفه سجادیه / محمد علی مجده قهیبی
۵۱. مفاهیم در اصول فقه و کاربرد آن در حل مسائل فقهی و حقوقی / علی مظهر قراملکی
۵۲. در سنامه روش های تفسیر قرآن / محمد علی رضایی اصفهانی
۵۳. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران / حسین علوی مهر
۵۴. حفظ موضوعی قرآن کریم (اعتقادات، احکام و اخلاق) / سید علی میرداماد نجف آبادی
۵۵. کلام تطبیقی (نیوت، امامت و معاد) / علی ربانی گلپایگانی
۵۶. کلام تطبیقی (توحید، صفات و عدل الهی) / علی ربانی گلپایگانی
۵۷. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۷) / اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مؤمنی
۵۸. در سنامه روش آموزش و مهارت های کلاس داری قرآن کریم / رحمت عابدی
۵۹. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۶) / اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مؤمنی
۶۰. از قیادبان تا یمگان / محمد رضا یوسفی، رقیه ابراهیمی شهزاد

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۱۷۴. دروس فی تاریخ الادیان / حسین توفیقی
۱۷۵. المبادئ اللغوية عند الأصوليين / ماجد الصيمري
۱۷۶. الشواقيها في الحكومة الإسلامية / رعد كاظم العالمي
۱۷۷. صلح الحديبية وبيعة الرضوان قراه جديده في الأهداف وسير الأحداث و مصادر الرويه / السيد حسين السيد البدری
۱۷۸. بررسی دیدگاه‌های تقریبی امام خمینی و مولانا مودودی / سید حسن مهدی کاظمی
۱۷۹. حکم منکر ضروری الدین / سلیمان علی رضا
۱۸۰. ضوابط الرضا، الجزء الأول / السيد محمد باقر الداماد، تصحيح: سيد مجتبی میرداماد
۱۸۱. ضوابط الرضا، الجزء الثاني / السيد محمد باقر الداماد، تصحيح: سيد مجتبی میرداماد
۱۸۲. الخراج فی فقه الامامی / عبدالمطلب رضاهادی
۱۸۳. اهداف التربية الإسلامية / مركز باحث الحوزة و الجامعة
۱۸۴. معرفة ابواب الفقه (تألیف تحریر الوسیله للامام الخمينی) / محسن الفقیهی
۱۸۵. دوراهل البيت فی تفسیر القرآن الکریم / السيد توفیر عباس الکاظمی
۱۸۶. نبراس الاذهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الخامس / السيد میر تقی الحسينی الکرگانی
۱۸۷. الفقه المقارن (العبادات و الاحوال الشخصية) / السيد كاظم المصطفوی
۱۸۸. نبراس الاذهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الرابع / السيد میر تقی الحسينی الکرگانی
۱۸۹. البرنامج التدريسي للحلقة الثانية، ج۱ / محمود العبدانی
۱۹۰. المدخل الی الاقتصاد الإسلامي / مركز باحث الحوزة و الجامعة
۱۹۱. دروس تمهیدیه فی اصول الفقهاء / صادق الساعدی
۱۹۲. نبراس الاذهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الثالث / السيد میر تقی الحسينی الکرگانی
۱۹۳. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدينية عند الشيعة الإمامية ج۱ / أبوأنس
۱۹۴. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدينية عند الشيعة الإمامية ج۲ / أبوأنس
۱۹۵. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدينية عند الشيعة الإمامية ج۳ / أبوأنس
۱۹۶. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدينية عند الشيعة الإمامية ج۴ / أبوأنس
۱۹۷. تاریخ الحوزات العلمیة و المدارس الدينية عند الشيعة الإمامية ج۵ / أبوأنس

انگلیسی

۱۹۸. مهارت های قرائت قرآن (سطح ۱) - تجوید / محمد رضا ستوده نیا
۱۹۹. نگین آفرینش / محمد امین بالآستیان
۲۰۰. سلسله مقالات در گفتفام اسلامی / عبدالمجید حکیم الهی
۲۰۱. فرهنگ اصطلاحات حقوق فقه / علیرضا هدایی
۲۰۲. مقدمه ای بر فلسفه اسلامی معاصر / محمد فتاوی اشکوری
۲۰۳. درآمدی بر فلسفه اسلامی / عبد الرسول عبودیت
۲۰۴. گفتارهایی در باب علم / امام خمینی
۲۰۵. گفتارهایی در باب قلب و احوال آن / امام خمینی
۲۰۶. گفتارهایی در باب توحید / امام خمینی
۲۰۷. گفتارهایی در باب مسایل کلامی / امام خمینی
۲۰۸. گفتارهایی در باب یاد خدا و اخلاص / امام خمینی
۲۰۹. گفتارهایی در باب صفات مؤمنان / امام خمینی
۲۱۰. گفتارهایی در باب حب دنیا / امام خمینی
۲۱۱. گفتارهایی در باب ردائیل اخلاقی / امام خمینی
۲۱۲. گفتارهایی در باب فضایل اخلاقی / امام خمینی
۲۱۳. درآمدی بر اصول فقه، رهیافتی شیعی / علیرضا هدایی
۲۱۴. آشنایی با علوم اسلامی / شهید مرتضی مطهری
۲۱۵. تعلیم و تربیت در اسلام / شهید مرتضی مطهری
۲۱۶. دیدگاهی اسلامی در باب نظریه معرفت / شهید مرتضی مطهری
۲۱۷. انسان و سرنوشت / شهید مرتضی مطهری
۲۱۸. شیخ مرتضی مطهری اصلاح گرو مجدد اندیشه اسلامی / خنجر حمیه
۲۱۹. قرآن و علوم طبیعت / مهدی گلشنی
۲۲۰. مسایلی در باب اسلام و علم / مهدی گلشنی
۲۲۱. آیا علم می تواند دین را نادیده بگیرد؟ / مهدی گلشنی
۲۲۲. جامعه شناسی برای دانشجویان مسلمان ج۱ / شجاع علی میرزا
۲۲۳. جامعه شناسی برای دانشجویان مسلمان ج۲ / شجاع علی میرزا
۲۲۴. علوم اسلامی: نجوم، کیهان شناسی و هندسه / علی اکبر رضایی
۲۲۵. معرفت شناسی در اندیشه کلاسیک اسلامی / فرشاد فرشته صنعی
۲۲۶. آشناسن شناسی برای دانش آموزان مسلمان / حمید پارسانیا، شجاع علی میرزا
۲۲۷. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج۱ / جمعی از نویسندگان
۲۲۸. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج۲ / جمعی از نویسندگان
۲۲۹. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج۳ / جمعی از نویسندگان
۲۳۰. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج۴ / جمعی از نویسندگان
۲۳۱. حقائق قرآن و تمدن اسلامی / سید امیر حسین اصغری، امیر عباس صالحی
۲۳۲. طهارت اهل کتاب / محمد حسین مختاری

فرانسوی

۲۳۳. درسنامه روش آموزش و مهارت های کلاس داری قرآن کریم / رحمت عابدی / ذوالقعدة نصرالله

۱۷۷. تفسیر مقدمه مانی قرآن کریم / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۷۸. تاریخ تشکیلات در اسلام / محمد رضا شهیدی پاک
۱۷۹. حدیث و علوم جدید (منطق فهم احادیث علمی) / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۸۰. بررسی مقایسه ای ماهیت و حقوق ایمان بین ملا صدرا و آکویناس / غلام سخنی احسانی
۱۸۱. درس هایی از اخلاق / اداره تربیت مجتمع آموزش عالی امام خمینی
۱۸۲. تربیت اخلاقی در سیره اهل بیت / غلامحسین ناطقی
۱۸۳. درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت / مجید حدیدی نیک
۱۸۴. تفکر عقلی در کتاب و سنت / حمید رضا نیا
۱۸۵. درسنامه فقه الحدیث (کتاب فضل العلم، کتاب الحججه، کتاب العشره) / محمد امینی
۱۸۶. مهارت در نوشتن / بهاء الدین اسکندری
۱۸۷. دانش فقه الحدیث / محمد حسن ربانی بیرجندی
۱۸۸. سیاست خارجی قدرت های بزرگ / محمد ستوده آرائی
۱۸۹. تاریخ اسلام در آسیای میانه و قفقاز / غلامحسین حسین زاده شانه چی
۱۹۰. مسایل حقوقی در سازمان / محسن منطقی
۱۹۱. انسان شناسی فرهنگی با رویکرد تبلیغ بین الملل / محمد رضا آقایی
۱۹۲. منطق تفسیر قرآن ۴ (مباحث جدید دانش تفسیر) / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۹۳. فرهنگ اصطلاحات اصول / مجتبی ملکی اصفهانی
۱۹۴. درس نامه تاریخ تشیع ۱ / سید لطف الله جلالی
۱۹۵. اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان / حمید الله رضایی
۱۹۶. ساز و کار بانکداری اسلامی / محمد جواد توکلی
۱۹۷. ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام / سید عبد الحمید ثابت، محمد علی نظری و نصرالله نظری
۱۹۸. بررسی تطبیقی منابع تاریخی شیعی و سنی درباره تعامل حضرت علی و خلفا تا قرن ۵ هجری / سید ابرار حسین نقوی
۱۹۹. بررسی مقایسه ای عوامل سقوط تمدن ها از دیدگاه ابن خلدون و توین بی / سید محمد جمال موسوی
۲۰۰. مشروعیات اقامه حدود و تعزیرات در عصر غیبت / سید باقر محمدی

عربی

۱۲۱. الآداب الإسلامية، ج ۱ / محمد عنديل / كمال السيد / ج ۴
۱۲۲. قراءة نقدية في تاريخ القرآن للمستشرق ثيودور نولدكه / حسن علي حسن مطر الهانمسي
۱۲۳. دروس في علوم القرآن / حسين جوان أراسته
۱۲۴. نافذة على الفلسفة / صادق الساعدي
۱۲۵. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي ج۱: العبادات / الشيخ باقر الايرواني
۱۲۶. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي ج۲: عقود / الشيخ باقر الايرواني
۱۲۷. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي ج۳: عقود ۲ و الاقباعات / الشيخ باقر الايرواني
۱۲۸. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي ج۴: الاحكام / الشيخ باقر الايرواني
۱۲۹. كتاب التطبيق / شاكر محمود افضلي، ميثم الربيعي
۱۳۰. كتاب التطبيق ۲ / شاكر محمود افضلي، ميثم الربيعي
۱۳۱. كتاب اللمعة العربية ۲ / شاكر محمود افضلي، ميثم الربيعي
۱۳۲. مناهج البحث في القرآن الكريم / محمد علي لساني فاشركي، حسين مرادي زنجاني
۱۳۳. بحوث فقهية معاصرة في الاقتصاد والعلاقات الدولية / مرتضى الترابي
۱۳۴. دروس تمهيدية في العقيدة الإسلامية / علي شيرواني
۱۳۵. الفُوروات الدينية و المذهبية و الفقهية على ضوء مدرسة اهل البيت / علي الوائلي
۱۳۶. فلسفة الاخلاق / حسن معلمی
۱۳۷. مدخل عام لدراسة فقه القرآن المقارن / خالد غفوري الحسني
۱۳۸. بهجة الانام في الرد على مغالطات اللمدي في الاحكام / السيد فالح عبد الرضا الموسوي
۱۳۹. تفسیر مقدمه مانی قرآن کریم (التفسیر التمهیدی للقرآن الکریم) / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۴۰. مقام المرأة / شهید مرتضی مطهری
۱۴۱. النبئی الکریم / في مواجهة الاحراف الجاهلي / سيد فالح عبد الرضا موسوی
۱۴۲. فقه العقود المالية / يعقوب علي البرجي
۱۴۳. حجية السنة الشريفة دراسة اصولية / حيدر حريب الله
۱۴۴. مجموعه مقالات همایش اندیشه های قرآنی امام خمینی (افکار و رؤی قرآنیة للامام الخميني) / مؤسسة تنظيم و نشر آثار امام خمینی
۱۴۵. تاريخ الإسلام في الصين بين الماضي والحاضر / محمود شمس الدين
۱۴۶. دروس موجزة في علمي الرجال و الدراري / جعفر سبحاني تبريزي
۱۴۷. دروس في نصوص الحدیث و نهج البلاغة / مهدي المهريزي
۱۴۸. التبليغ منهاجه و اساليبه / جعفر الجباري
۱۴۹. الكلام و العقائد (التوحيد و العدل) / رضا بيزجكار
۱۵۰. دروس في علم الدراري / سيد رضا مؤيد
۱۵۱. حقائق خلافة النبي / محمد علي حيدرة
۱۵۲. الانسجام السياسي في المجتمعات المتعددة الثقافات (انسجام سياسي در جوامع چند فرهنگي) / امان الله شفايي
۱۵۳. المدخل الی التربية و التعليم في الإسلام (اهداف تربيت از دیدگاه اسلام) / سازمان مطالعه و تدوين کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)

۲۳۴. الکافی اصول ج ۴ / محمد بن یعقوب کلینی / فریده مهدوی دامغانی
 ۲۳۵. الکافی اصول ج ۵ / محمد بن یعقوب کلینی / فریده مهدوی دامغانی
 ۲۳۶. سوسیوپولیتیک و هابیت در آفریقای مرکزی / علی ماکا

البانیایی

۲۳۷. هدف از زندگی / شهید مرتضی مطهری / ادلیرا عثمانی
 ۲۳۸. دین و دنیا / شهید مرتضی مطهری / ادلیرا عثمانی
 ۲۳۹. المرسل و الرسول و الرسالة / سید محمد باقر صدر / محمد مصطفی
 ۲۴۰. جهاد اکبریا مبارزه با نفس / امام خمینی / ردیس شکو
 ۲۴۱. درس هایی از قرآن ۲ / محسن قرآنی / اکیم عبد الله
 ۲۴۲. درس هایی از قرآن ۳ / محسن قرآنی / اکیم عبدالله
 ۲۴۳. اعجاز علمی در قرآن ۱ / عبد الدائم الکحل / بلدار شهو
 ۲۴۴. پیرامون انقلاب اسلامی / شهید مرتضی مطهری / ادلیرا عثمانی
 ۲۴۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / ادلیرا عثمانی
 ۲۴۶. بلبل بدبخت در زندگی علمی / حافظ هدایت مانه /
 ۲۴۷. منتخب کلمات قضاار از سید علی خامنه ای / ولنت مریا
 ۲۴۸. پیروزی رحمت (فلسفه و وحی در آثار ملاصدرا) / محمد رستم / ادین لوحیا
 ۲۴۹. این است اسلام / محمد حسن قدیری ایبانه / ادلیرا عثمانی
 ۲۵۰. اشعار از بابا ملکی / بابا ملکی /
 ۲۵۱. اخلاق و رشد معنوی / سید مجتبی موسوی لاری / منتور جادری
 ۲۵۲. درس هایی از قرآن ۴ / محسن قرآنی / اکیم عبدالله
 ۲۵۳. پیش به سوی جامعه آرمانی / مرکز نور / منتور جادری

اردو

۲۵۴. مفاهیم اساسی نظریه ولایت فقیه (نظریه ولایت فقیه کی بنیادی اصول) / مصطفی جعفر پینشه فرد / محسن رضا جعفری
 ۲۵۵. اندیشه سیاسی شهید مطهری / مجموعه مؤلفان / عون علی کریمی
 ۲۵۶. اتحاد الفریقین / محمد بشیر
 ۲۵۷. احکام بانوان (احکام خواتین) / محمد وحیدی / سید شمع محمد رضوی
 ۲۵۸. تاریخ سیاسی اسلام (سیرت رسول خدا) / رسول جعفریان / طارق حبیب / سید کمال اصغر زیدی
 ۲۵۹. گزیده غزالی و حکم و دررالکلم / عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی / محمد فائز باقری
 ۲۶۰. تعلیم و تربیت از نظر اسلام (تعلیم و تربیت اسلام کی نظرمین) / مراکز تربیت معلم / اخلاق حسین پکهنائوری
 ۲۶۱. مجموعه دفاع از پیامبر اعظم / پیغمبر اکرم / سسی متعلق دفاعی مباحث کاسلسله / علی اصغر رضوانی / اقبال حیدر حیدری
 ۲۶۲. صلاة الجمعة دراسة فقهية و تاريخية (نماز جمعه کافقهی اور تاریخی پس منظر) / عزالدین رضانزاد / پاسخ دربارہ نماز (نماز کی باری مین ۱۰۰ سوالات و جوابات) / مجتبی کلباسی / اخلاق حسین پکهنائوری
 ۲۶۴. عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام / محمد حکیمی / اخلاق حسین پکهنائوری
 ۲۶۵. راز آفرینش اهل بیت / (خلف اهل بیت علیهم السلام کاراز) / سید محمد علی موسوی / اقبال حیدر حیدری
 ۲۶۶. سیره اهل بیت / در جذب مخالفان (اهل بیت / کی سیرت مین جذب مخالفین) / سید محسن مهدی زیدی /
 ۲۶۷. آشنایی با معارف قرآن، قصه های قرآنی؛ تفسیر موضوعی ۱ (قرآنی معارف سسی آشنایی تفسیر موضوعی ۱، قرآنی قصی / صالح قنادی / اقبال حیدر حیدری
 ۲۶۸. پرسش ها و پاسخ های برگزیده ویژه محرم (سؤال و جواب قیام امام حسین / مجموعه مؤلفان / سید نجم الحسن نقوی
 ۲۶۹. المیزان فی تفسیر القرآن (علامه طباطبایی اور المیزان کی تفسیری روش) / علی اوسی / رجب علی حیدری
 ۲۷۰. وهابیت؛ مبانی فکری و کارنامه علمی / جعفر سبحانی تبریزی / محمد سبطین
 ۲۷۱. مضمونیت قرآن از تحریف (تحریف قرآن کی بطلان کا تحلیلی جائز) / محمد هادی معرفت / عارف حسین مبارک
 ۲۷۲. نقد احادیث مهبودیت از دیدگاه اهل سنت / محمد یعقوب بشوی / محمد یعقوب بشوی
 ۲۷۳. تاریخ شیعیان کشمیر / غلام محمد گلزار
 ۲۷۴. قانون مناکحات (کتاب النکاح) / سید افتخار حسین نقوی نجفی /

تاجیکی

۲۷۵. نهج الفصاحة / غلامحسین مجیدی / عبد الهاشم میرزایف / شمس الدین عصام الدین، امام علی علی اف

چینی

۲۷۶. هدایة العلم فی تنظیم غزالی / سید حسین شیخ الاسلامی / جانگ چی هوا
 ۲۷۷. القرآن الکریم و معانیة باللغة الصينية مع شرح مختصر / سلیمان بای چی سو
 ۲۷۸. شناخت اسلام / محمد حسینی بهشتی، جواد باهنر / علی جیانگ جینگ
 ۲۷۹. مجموعه مقالات ویژه پیامبر اعظم / جمعی از مولفان / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۰. تفسیر سوره حجرات / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۱. تفسیر سوره قدر / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو

۲۸۲. تفسیر سوره حج / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۳. رساله حقوق امام سجاد / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۴. المختار من الأحادیث النبویة / عبدالله ابن محمد قاضی الصدقی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۵. الكلمات الفصاحة: معطوف و حکم سماحة الامام خمینی / نمایندگی چین
 ۲۸۶. تفسیر سوره جمعه / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۷. تعلیم الصلاة مع الترجمة الصينية / کمال سید / حلیمه
 ۲۸۸. تفسیر سوره لقمان / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای چی سو
 ۲۸۹. دعای کمال / عیسی های شی وو
 ۲۹۰. همه باید بدانند / ابراهیم امینی / نمایندگی چین
 ۲۹۱. سیره پیامبر با نگاهی به قرآن کریم / محسن قرآنی / سلیمان بای چی سو
 ۲۹۲. بانوی نمونه اسلام حضرت فاطمه (س) / ابراهیم امینی
 ۲۹۳. منشور عقاید امامیه / جعفر سبحانی / سلیمان بای چی سو
 ۲۹۴. مجموعه مقالات ویژه حضرت فاطمه (س) / جمعی از مولفان / سلیمان بای چی سو
 ۲۹۵. اصل الشیعة و اصولها / محمد حسین آل کاشف / سلیمان بای چی سو
 ۲۹۶. الآداب الاسلامیة / مرکز انتشارات / جیوشی

قرتبی ازبکی

۲۹۷. پنجاه درس اصول عقائد در قرآن کریم / ناصر مکارم شیرازی / انجمن اندیشه نور

آذری

۲۹۸. والاثرین بندگان، شرح و تفسیر آیات / ناصر مکارم شیرازی / رضا شکراف
 ۲۹۹. خداشناسی / محمد رضا کاشفی / رضا شکراف

اندونزی

۳۰۰. مجموعه مقالات فلسفه قیام امام حسین / جمعی از مولفان
 ۳۰۱. معاد شناسی ملاصدرا / خالد الولید
 ۳۰۲. پژوهشی در نسبت دین و عرفان / سید یحیی یثربیه محمد شمس عارف
 ۳۰۳. شیعه در اسلام / سید محمد حسین طباطبائی / احسن محمد
 ۳۰۴. زیباترین سخن / حبیب الله احمدی / امام غزالی
 ۳۰۵. قرآن و سکولاریسم / محمد حسن قدران فرملکی / عمار فوزی هریادی
 ۳۰۶. نگاهی قرآنی به فشار روانی / اسحاق حسینی کوهساری / محمد حبیبی امرالله
 ۳۰۷. معجزه شناسی / محمد باقری سعیدی روشن / عمار فوزی هریادی
 ۳۰۸. زن درآینه جمال و جلال / عبدالله جوادی آملی / مهدار احمد حسن صالح و صابر موانو
 ۳۰۹. اسلام و مقتضیات زمان / مرتضی مطهری / احمد سوباندی
 ۳۱۰. قرآن و پولولاریزم دینی / محمد حسن قدران فرملکی / عبد الرحمن عرفان
 ۳۱۱. قرآن کامل / مرتضی مطهری / عبدالله حمید باید
 ۳۱۲. مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیر الدین طوسی / حسین خردمردی / محمد شمس عارف
 ۳۱۳. آشنایی با قرآن / شهید مرتضی مطهری / محمد جواد باقری
 ۳۱۴. معاد در قرآن / عبد الله جوادی آملی / محمد عبدالغدر الکاف / مقاد ترکان
 ۳۱۵. مسأله شناخت در اسلام / شهید مرتضی مطهری / محمد بحرالدین
 ۳۱۶. عقل و وحی / حسن یوسفیان، احمد حسین شریفی / عمار فوزی هریادی
 ۳۱۷. زنجیری نسل جوان / شهید مرتضی مطهری / عارف مولیادی، سالم بهیمچی
 ۳۱۸. رهبری الهی / ملا صدرا / ایران کورنیانوان
 ۳۱۹. تفکرات فلسفی آیت الله مصباح یزدی / محسن لبیب /
 ۳۲۰. معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی / حسین ضیایی / محمد افیف، المعین مونیر
 ۳۲۱. رساله لغاه الله / جواد ملکی تبریزی / محمد الکاف
 ۳۲۲. هرمنوتیک شرق و غرب / عبد الهادی ویجی مناری /
 ۳۲۳. کلام جدید / حسن یوسفیان / علی پسرلواغی
 ۳۲۴. عصمة الأنبیاء / محمد بن عمر فخرزازی / یوسف آناس
 ۳۲۵. آموزش فلسفه / محمد تقی مصباح یزدی / موسی کاظم، صالح باقر
 ۳۲۶. سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی / نجف لک زایی / مختار لطفی
 ۳۲۷. جامعه مدنی / حمید مولانا / یوسف باقریه، امام غزالی
 ۳۲۸. نظریه سیاسی اسلام در حکومت / امام خمینی / محمد انس مولانا جلا
 ۳۲۹. مسأله شناخت / شهید مرتضی مطهری / محمد جواد باقری
 ۳۳۰. ارتداد و آزادی / سید حسین هاشمی / ناصر دیمیاطی
 ۳۳۱. تأثیر مبانی فلسفی در متون دینی از دیدگاه امام خمینی / محمد رضا ارشادی
 نیا / ایوان ستیانوان

هندی

۳۳۲. گزیده غزالی و حکم و دررالکلم / عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی / سید قمر غازی
 ۳۳۳. قرآنی

کردی

۳۳۴. اربعین امام خمینی (چهل حدیث) / امام خمینی / سید علی حسینی مؤذن
 ۳۳۵. آشنایی با صحیفه سجادیه / امام زین العابدین / سید علی حسینی مؤذن

میانپاری

۳۳۶. منتخب نهج الدعا / محمد محمدی ری شهری / سید علی اختر جعفری (تین تون)

سنندی

۳۳۷. سیری در نهج البلاغه / شهید مرتضی مطهری / مرتضی علی مطهری
 ۳۳۸. پرتو پژوهش ج / مجتمع آموزش عالی فقه / سرفراز مهدی چانودی

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۳۳۸. پرتویزهوش ج ۲/ مجتمع آموزش عالی فقه / سرفراز مهدی چاندیو
۳۳۹. اخلاق معاشرت (اسلامی زندگی جا اخلاقی اصول) / جواد محدثی / نائب علی کمیلی
- ترکی استنادولی**
۳۲۰. روش های آسیب زادر تربیت از منظر تربیت اسلامی / محمد رضا قائمی مقدم / رضوان مراد التون
۳۲۱. سبک رهبری امام خمینی / عباس شعبی / آیتنکین دورسون اغلو
۳۲۲. بررسی مسایل تربیتی جوانان در روایات / محمد علی حاجی ده آبادی ، سید علی حسینی زاده / حسن بدل
۳۲۳. تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن / محمد باقر سعیدی روشن / کنعان چامورجو
۳۲۴. روش شناسی تفسیر قرآن / علی اکبر بابایی ، غلامعلی عزیزی کیا ، مجتبی روحانی زاد ، محمود رجیبی / میکائیل گورل
۳۲۵. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت / (تربیت فرزند) ج ۱ / سید علی حسینی زاده / نورجان التون
۳۲۶. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت / (تربیت فرزند) ج ۲ / محمد داودی / نورجان التون
۳۲۷. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت / (تربیت فرزند) ج ۳ / محمد داودی / نورجان التون
۳۲۸. آشنایی با علوم حدیث / علی نصیری / محمد مهدی توران
۳۲۹. الاخلاق / سید عبد ... / شتر / ابوذر توران
۳۳۰. مکاتب تفسیری / علی اکبر بابایی / کنعان چامورجو
۳۳۱. مکاتب تفسیری / علی اکبر بابایی / کنعان چامورجو
۳۳۲. بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی / محمد رضا سالاری فر ، سید مهدی موسوی اصل ، محمد صادق شجاع ، محمد دولتشاه / کنعان چامورجو
۳۳۳. علوم قرآنی / محمد هادی معرفت / یوسف تازه گون
۳۳۴. مدیریت علوی / ابو طالب خدمتی ، عباس شعبی ، علی آقاییز / نورجان التون
۳۳۵. آشنایی با ادیان بزرگ / حسین توفیقی / محمد کارادومان
۳۳۶. دقایقی با قرآن / محسن قرآنی / هدایت کوشاچا
۳۳۷. تفسیر سوره انسان و حجرات / جعفر سبحانی تبریزی ، ناصر مکارم شیرازی / رسول نور ، یونس گورل
۳۳۸. فرق و مذاهب کلامی / علی ربانی گلپایگانی / یونس گورل
۳۳۹. مبانی و ویژگی های عرفان نظری امام خمینی / محمد رضا غفوریان / اسماعیل اوجی
۳۴۰. اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی / حسین بوستان / جعفر دربندی
۳۴۱. ربا / جمعی از نویسندگان / یعقوب کماک
- روسی**
۳۶۲. مواظت مسیح / محمد جواد شعبانی / مفرد / ساحاروکوف آکسی نیکالویچ
۳۶۳. تاریخ آموزش در اسلام / آناتولی الیف
۳۶۴. فقه تربیتی / علیرضا اعرافی / سامارا گوزال
۳۶۵. آموزش خواندن قرآن کریم / ناظم زینال اف
۳۶۶. اقتصاد ما / محمد اقر صدر / تاراس جرنینکو
- چاپ ۱۳۹۲**
- فارسی**
۳۶۷. اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان / حمید الله رضایی
۳۶۸. انسان شناسی فرهنگی با رویکرد تبلیغ بین الملل / محمد رضا آقایی
۳۶۹. آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت / علی نصیری / ج ۳
۳۷۰. آشنایی با صحیفه سجاده / محمد علی مجد قهقی / ج ۳
۳۷۱. آشنایی با علم رجال / سید محمد نجفی بزدی
۳۷۲. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۱ / علی بمان ملک احمدی
۳۷۳. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۲ / علی بمان ملک احمدی
۳۷۴. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۳ / علی بمان ملک احمدی
۳۷۵. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۴ / علی بمان ملک احمدی
۳۷۶. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۵ / علی بمان ملک احمدی
۳۷۷. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۶ / علی بمان ملک احمدی
۳۷۸. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار) / اصغر فردی ، احمد زهرایی ، جعفر مؤمنی / ج ۴
۳۷۹. آموزش فارسی به فارسی (مقدمه) / اصغر فردی ، احمد زهرایی ، محمد ناطق / ج ۴
۳۸۰. آموزش فارسی به فارسی (مقدمه) / اصغر فردی ، احمد زهرایی ، محمد ناطق / ج ۴
۳۸۱. آموزش فارسی به فارسی کتاب چهارم / اصغر فردی ، احمد زهرایی / ج ۳
۳۸۲. آموزه های بنیادین علم اخلاق ج ۱ / محمد فتحعلی خانی / ج ۳
۳۸۳. برداشت های مختلف از تقریب مذاهب اسلامی / محمد طاهر اقبالی
۳۸۴. بررسی تاریخ نگری محمد عابد الجابری / سید محمد علی نوری
۳۸۵. بررسی تطبیقی عالم خیال از دیدگاه ابن سینا ، شیخ اشراق و ملاصدرا / محمد خان کاظمی
۳۸۶. پرتویزهوش ج ۳ / مجتمع آموزش عالی فقه
۳۸۷. تاریخ تشکیلات در اسلام / محمد رضا شهیدی پاک
۳۸۸. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی / محمد رضا کاشفی / ج ۴
۳۸۹. تأثیر نقش پیامبر اکرم / در عالم وجود (با رویکرد به مسئله توسل) / معصومه کلی گلی
۳۹۰. تجسم اعمال از دیدگاه علامه طباطبایی و رشید رضا در میزان و المنار / صدیقه قهقی

تاجیکی

- ۴۹۹. آشنایی با صحیفه سجاده‌یه/ علی ابن الحسین/ الیاس قاسم اف
- ۵۰۰. تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث/ محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۱. جایگاه اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه امام ابوحنیفه/ محمد شفق خواتی/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۲. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۳. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۴. حکمت نامه لقمان/ محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۵. سنن النبی صلی الله علیه و آله / محمد حسین طباطبایی/ حکیم جان کمال اف
- ۵۰۶. نبرد حق و باطل/ شهید مرتضی مطهری/ حبیب الله منان
- ۵۰۷. نظری به نظام اقتصادی در اسلام/ شهید مرتضی مطهری/ سید برهان اکبر
- ۵۰۸. نهج البلاغه/ سید رضی/ الیاس قاسم اف

فولانی

- ۵۰۹. اخلاق اهل بیت علیهم السلام / سید محمد مهدی صدر/ محمد باری
- ۵۱۰. پرتو پوهش ج ۱/ مجتمع آموزش عالی فقه / محمد باری
- ۵۱۱. تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / مهدی پیشوا/ محمد باری
- ۵۱۲. نشانه‌هایی از دولت موعود/ نجم الدین طیبی / محمد باری

پنجابی

- ۵۱۳. پرتو پوهش ج ۱/ مجتمع آموزش عالی فقه / محمد منیر حسین خان
- ۵۱۴. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام / نجم الدین طیبی/ محمد عبد القیوم
- ۵۱۵. چهل حدیث سیره نبوی/ جواد محدثی / سیده شهربانو زیدی
- ۵۱۶. همسرداری/ ابراهیم امینی/ محمد عبد القیوم
- ۵۱۷. ولایت فقیه (ساختار حکومت اسلامی)/ امام خمینی علیه السلام / محمد عبد القدوس

اندوزنی

- ۵۱۸. آیات ولایت در قرآن/ ناصر مکارم شیرازی/ مردان زال اف

اندوزنی

- ۵۱۹. پرتو پوهش ج ۱/ مجتمع آموزش عالی فقه/ اکمل کامل

بشتو

- ۵۲۰. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام / نجم الدین طیبی/ سرفراز علی مهدی

قرژی استانبولی

- ۵۲۱. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام / نجم الدین طیبی/ رسول نور، سرکان انلو، محمد کارادامان
- ۵۲۲. ششم ولایت/ عبدالله جوادی آملی/ قادری چلیک
- ۵۲۳. مثال‌های آموزنده قرآن/ جعفر سبحانی تبریزی/ رضا شکراف

زوسی

- ۵۲۴. فقه و عقل/ ابوالقاسم علی دوست/ یوسف آقایی

چاپ ۱۳۹۱

فارسی

- ۱. اسلام و اصلاح فرهنگی/ مؤلف: زکی میلاد ت: آیت اله خواتی
- ۲. آثار تربیتی جلوه‌های اخلاقی قیام عاشورا/ محمد عارف صداقت
- ۳. آشنایی با اصول و روش‌های ترجمه قرآن (خلاصه کتاب منطق ترجمه قرآن)/ محمد علی رضایی اصفهانی
- ۴. آشنایی با تاریخ و منابع حدیثی/ علی نصیری/ ج ۲
- ۵. آموزش احکام همراه با استفتائات مقام معظم رهبری مدظله العالی / محمد حسین فلاح زاده/ ج ۷
- ۶. آموزش فارسی به غیرفارسی زبانان / فاطمه اکبری
- ۷. آموزش فارسی به فارسی کتاب ج ۱/ احمد زهرایی و اصغر فردی
- ۸. آموزش فارسی به فارسی کتاب ج ۲/ احمد زهرایی و اصغر فردی
- ۹. آموزش فارسی به فارسی کتاب کار ج ۵ / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی/ ج ۳
- ۱۰. بیره‌ها (هیفات‌هایی از دعای هشتم صحیفه سجاده‌یه)/ حجت منگنه چی
- ۱۱. پرتو پوهش شماره ۹۱ الی ۹۶
- ۱۲. التزام تاگزیر تحلیلی برابرهادهای ایالات متحده آمریکا در مواجهه با بیداری اسلامی / مؤلف امیل نخله ت: علی محمد ساهقی
- ۱۳. حقوق اهل بیت علیهم السلام در تفاسیر اهل سنت / محمد یعقوب بشوی / ج ۲
- ۱۴. درآمدی بر علم کلام اسلامی / عزالدین رضانزاد
- ۱۵. درآمدی بر تالیف بررس و برسی و نقد مبانی / علی الهی تبار
- ۱۶. درآمدی بر مناسبات روحانیت و دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام / علی مصدق
- ۱۷. درآمدی به تاریخ علم اصول/ مهدی علی پور/ ج ۳
- ۱۸. دردری (مجموعه سروده‌های شاعران پارسی‌گوی خراسان بزرگ درباره حادثه عاشورا) / سید حسن احمدی نژاد بلخی بلخایی
- ۱۹. درسنامه تفسیر تربیتی ج ۱/ محمد حسین محمدی

- ۴۴۸. الجوزیفری تاریخ الاسلام (الجزء الثالث) / سید منذر حکیم / تلخیص: محمود السیف
- ۴۴۹. الجوزیفری تاریخ الاسلام (الجزء الثاني) / سید منذر حکیم / تلخیص: محمود السیف
- ۴۵۰. الجوزیفری تاریخ الاسلام (الجزء الرابع) / سید منذر حکیم / تلخیص: محمود السیف
- ۴۵۱. الوقف فی الشریعة الاسلامیة، دراسة فقهیة مقارنة علی المذاهب الخمسة/ السید عادل الموسوی الخربان

- ۴۵۲. بداية الأصول / سید رضا پیمبرپور
- ۴۵۳. تاریخ الثقافة و الحضارة الاسلامیة/ محمد رضا کاشفی / انور الرصافی
- ۴۵۴. تخطيط الأسرة و تنظیمها/ محمد حسین خلیق
- ۴۵۵. تغییر قیمتة العملات الورقیة دراسة مقارنة بین الفقه الامامی و المذاهب الأربعة / ریاض عبد الصمد الداغر

- ۴۵۶. جوهرة الخلقفة (فی معرفة العقیدة الحققة) / محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان، محمد امین بالادستیان / رعد کاطع عبد
- ۴۵۷. دراسات تمهیدیة فی الفقه الامامیة/ السید محمد النجفی الیزدی
- ۴۵۸. درس تمهیدیة فی اصول الفقائد/ صادق الساعدی / ج ۶
- ۴۵۹. درس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۱: العبادات / الشیخ باقر الیروانی / ج ۱
- ۴۶۰. درس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۲: عقود / الشیخ باقر الیروانی / ج ۸
- ۴۶۱. درس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۳: عقود و الاقاعات / الشیخ باقر الیروانی / ج ۸
- ۴۶۲. درس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۴: الاحکام / الشیخ باقر الیروانی / ج ۸
- ۴۶۳. دروس فی البلاغة/ شیخ معین دقیق العاملی / ج ۷
- ۴۶۴. دروس فی الشیعة و التبلیغ/ علی ربانی گلپایگانی/ انور الرصافی / ج ۳

- ۴۶۵. دروس فی علوم القرآن/ نذیر الحسنی
- ۴۶۶. ضوابط الرضاع، الجزء الأول/ السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
- ۴۶۷. ضوابط الرضاع، الجزء الثاني/ السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
- ۴۶۸. کتاب التظنیق ۱/ شاکر محمود افضلی، میثم الربیع / ج ۲
- ۴۶۹. کتاب التظنیق ۲/ شاکر محمود افضلی، میثم الربیع
- ۴۷۰. کتاب التظنیق ۳/ شاکر محمود افضلی، میثم الربیع
- ۴۷۱. کتاب اللغة العربیة ۲/ شاکر محمود افضلی، میثم الربیع
- ۴۷۲. کتاب اللغة العربیة ۳/ شاکر محمود افضلی، میثم الربیع
- ۴۷۳. من جهاد الی جهاد/ سید حسن فیروزآبادی/ عبد الکرم الجنابی
- ۴۷۴. منطق تفسیر القرآن ۱ (اصول وقواعد التفسیر)/ محمد علی الرضایی الاصفهانی / احمد الأثری و هاشم ابوخمسن

- ۴۷۵. نافذة علی علم الفرق و المذاهب الاسلامیة/ شکیب بن بدیة الطیبلی
- ۴۷۶. نبراس الأذهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الأول/ السید میر تقی الحسینی الکرکاتی
- ۴۷۷. نبراس الأذهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الثاني/ السید میر تقی الحسینی الکرکاتی

- ۴۷۸. پاسداری از مرقد پیامبران و امامان/ جعفر سبحانی تبریزی/ فریده مهدوی دامغانی
- ۴۷۹. اصول کافی ج ۱/ محمد بن یعقوب کلینی/ فریده مهدوی دامغانی
- ۴۸۰. اصول کافی ج ۲/ محمد بن یعقوب کلینی/ فریده مهدوی دامغانی
- ۴۸۱. اصول کافی ج ۳/ محمد بن یعقوب کلینی/ فریده مهدوی دامغانی
- ۴۸۲. التبلیغ مناهجه و السالیبه/ جعفر البحاری / تعب اماله لیانگی
- ۴۸۳. من سوی قرآن (روانخوانی و اناس با قرآن)/ ابوالفضل خوش منش
- ۴۸۴. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی/ محمد رضا کاشفی / هارون مکومه
- ۴۸۵. فرق و مذاهب کلامی/ علی ربانی گلپایگانی/ ابراهیم مونتنوتو
- ۴۸۶. نافذة علی الفللسفة/ صادق ساعدی/ ابراهیم مونتنوتو

- ۴۸۷. صحیفه مبارکه سجاده‌یه (آشنایی با صحیفه سجاده‌یه)/ امام زین العابدین علیه السلام / فریده مهدوی دامغانی/ ج ۲
- ۴۸۸. احکام ازدواج دائم و موقت مطابق با فتاوی مراجع عظام/ سید حجت موسوی خواتی/ فیروزعلی بنبارسی
- ۴۸۹. احکام حجاب و عفت/ حمید جلفایی/ سید هادی حسن رضوی
- ۴۹۰. آزادی و دین سالاری/ جعفر سبحانی تبریزی/ سید مراد رضا رضوی
- ۴۹۱. پله پله تا آسمان علم (آسمان علم تک قدم به قدم)/ محمد عابدی / سیده وجیهه اکبرزیدی
- ۴۹۲. تاریخ و سیرت معصومین ج ۲/ سید منذر حکیم/ سید کمیل اصغرزیدی
- ۴۹۳. خطبه حضرت زینب در کاخ بیزید/ سید توقیر عباس کاطمی
- ۴۹۴. درسنامه تاریخ عصر غیبت/ مسعود پورسید آقایی، محمد رضا جباری، حسن عاشوری، سید منذر حکیم/ اخلاق حسین پکهناروی
- ۴۹۵. شیعه شناسی/ علی ربانی گلپایگانی/ سید منظر صادق زیدی
- ۴۹۶. صحیفه شهادت فرمودات امام حسین علیه السلام / محمد صادق نجمی/ سید حسن مهدی حسینی، سید حسن اختررضوی اعظمی
- ۴۹۷. قانون عقل و وحی/ محمد مهدی زاده/ اخلاق حسین پکهناروی
- ۴۹۸. کلیات فقه اسلامی/ حسن قاسمیان/ سید مبین حیدر رضوی

انگلیسی

- ۴۷۸. پاسداری از مرقد پیامبران و امامان/ جعفر سبحانی تبریزی/ فریده مهدوی دامغانی
- ۴۷۹. اصول کافی ج ۱/ محمد بن یعقوب کلینی/ فریده مهدوی دامغانی
- ۴۸۰. اصول کافی ج ۲/ محمد بن یعقوب کلینی/ فریده مهدوی دامغانی
- ۴۸۱. اصول کافی ج ۳/ محمد بن یعقوب کلینی/ فریده مهدوی دامغانی
- ۴۸۲. التبلیغ مناهجه و السالیبه/ جعفر البحاری / تعب اماله لیانگی
- ۴۸۳. من سوی قرآن (روانخوانی و اناس با قرآن)/ ابوالفضل خوش منش
- ۴۸۴. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی/ محمد رضا کاشفی / هارون مکومه
- ۴۸۵. فرق و مذاهب کلامی/ علی ربانی گلپایگانی/ ابراهیم مونتنوتو
- ۴۸۶. نافذة علی الفللسفة/ صادق ساعدی/ ابراهیم مونتنوتو

ایتالیایی

- ۴۸۷. صحیفه مبارکه سجاده‌یه (آشنایی با صحیفه سجاده‌یه)/ امام زین العابدین علیه السلام / فریده مهدوی دامغانی/ ج ۲

اردو

- ۴۸۸. احکام ازدواج دائم و موقت مطابق با فتاوی مراجع عظام/ سید حجت موسوی خواتی/ فیروزعلی بنبارسی
- ۴۸۹. احکام حجاب و عفت/ حمید جلفایی/ سید هادی حسن رضوی
- ۴۹۰. آزادی و دین سالاری/ جعفر سبحانی تبریزی/ سید مراد رضا رضوی
- ۴۹۱. پله پله تا آسمان علم (آسمان علم تک قدم به قدم)/ محمد عابدی / سیده وجیهه اکبرزیدی
- ۴۹۲. تاریخ و سیرت معصومین ج ۲/ سید منذر حکیم/ سید کمیل اصغرزیدی
- ۴۹۳. خطبه حضرت زینب در کاخ بیزید/ سید توقیر عباس کاطمی
- ۴۹۴. درسنامه تاریخ عصر غیبت/ مسعود پورسید آقایی، محمد رضا جباری، حسن عاشوری، سید منذر حکیم/ اخلاق حسین پکهناروی
- ۴۹۵. شیعه شناسی/ علی ربانی گلپایگانی/ سید منظر صادق زیدی
- ۴۹۶. صحیفه شهادت فرمودات امام حسین علیه السلام / محمد صادق نجمی/ سید حسن مهدی حسینی، سید حسن اختررضوی اعظمی
- ۴۹۷. قانون عقل و وحی/ محمد مهدی زاده/ اخلاق حسین پکهناروی
- ۴۹۸. کلیات فقه اسلامی/ حسن قاسمیان/ سید مبین حیدر رضوی

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۱۱. آشنایی با آموزه‌های اسلام (اول دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۱۲. آشنایی با آموزه‌های اسلام (دوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۱۳. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۱۴. فرهنگ یا متون حدیث و نهج البلاغه / مهدی مهریزی
۱۵. آشنایی با متون روایی معارفی / عبدالمجید زهادت
۱۶. آموزش احکام (همراه با استفتائات مقام معظم رهبری) / محمدحسین فلاخزاده
۱۷. آموزش فارسی به فارسی کتاب کار چهارم / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۱۸. بررسی احوال فرزندان امام موسی کاظم (ع) و نقش آنها در تاریخ تشیع / سید یاسین زاهدی
۱۹. پژوهشی در علم رجال / اکبر ترابی
۲۰. پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین / مهدی رستم نژاد
۲۱. پژوهشی در علم رجال / اکبر ترابی
۲۲. بلورالاسم دینی و قرآن / موسی ابراهیمی
۲۳. پیوندهای نماز / محسن قرائتی
۲۴. تاریخ فلسفه اسلامی (ویراست جدید) / جمعی از مؤلفان
۲۵. مهدی فلسفه غرب ۱ / مهدی بنایی
۲۶. تاریخ قرآن / محمدحسین محمدی
۲۷. تجزیه جهان اسلام چرایی و پیامدها / علی اصغر رجاء
۲۸. تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان / عبدالقیوم آینی
۲۹. جایگاه مردم در نظام سیاسی دینی از منظر آیت نائینی و شهید صدر / میرزا حسین فاضلی
۳۰. چکیده پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، ج ۱ / معاونت آموزش
۳۱. حقوق بین‌الملل اسلامی / عبدالحکیم سلیمی
۳۲. حقوق بین‌الملل خصوصی / محمد مهدی کریمی نیا
۳۳. دایرة‌المعارف فرهنگ ملل، ج ۱ / پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ع)
۳۴. درسنامه اخلاق / جواد محمدی
۳۵. درسنامه روش‌های تفسیر قرآن / دکتر محمد علی رضایی اصفهانی
۳۶. درسنامه وضع حدیث / ناصر رفیعی محمدی
۳۷. دستور زبان فارسی / حمید نصیریان
۳۸. دعای مکارم اخلاق (در پی‌توقران حدیث) / حجت منگه چی
۳۹. دقایقی با قرآن / محسن قرائتی
۴۰. دل باخته / حاج میرزا عبدالحسین قدس
۴۱. دیدگاه مذاهب اسلامی در مورد تفاوت دین زن و مرد و ادله آنها / محمد یاسین احسانی
۴۲. رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی / غلام سرور اخلاقی
۴۳. ریاضی مقدماتی / غلامرضا صفایی صادق
۴۴. زنان در افغانستان / محمد آصف محسنی (حکمت)
۴۵. سیره اخلاقی و تربیتی معصومین (ع) / محمد احسانی
۴۶. شیوه‌ی نو در آموزش عروض و قافیه / محمد رضا نیکرود
۴۷. عقل و ایمان از دیدگاه ابن رشد، صدر المتعالهین شیرازی و ایمانوئل کانت / علاء‌الدین ملک‌اف
۴۸. فرهنگ اصلاحات اصول / مجتبی ملکی اصفهانی
۴۹. فرهنگ واژه‌گان فارسی به انگلیسی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۰. فرهنگ واژه‌گان فارسی به چینی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۱. فرهنگ واژه‌گان فارسی به روسی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۲. فرهنگ واژه‌گان فارسی به عربی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۳. فرهنگ واژه‌گان فارسی به فرانسه / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۴. فرهنگ واژه‌گان فارسی به مالایو / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۵. قیام مهدی (ع) منتظر ماست / سیدحسن فیروزآبادی
۵۶. کتاب شناسی تعلیم و تربیت در اسلام / بهروز رفیعی
۵۷. کتاب کار دستور زبان فارسی / حمید نصیریان
۵۸. کمک درسی زبان روسی / علی مدبر چهار برجی
۵۹. الگوی فرزانگی / معاونت پژوهش
۶۰. مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی (ع) / علی اکبر ناصر
۶۱. مجموعه مقالات چهاردهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، ج ۱ / جمعی از مؤلفان، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ع)؛ پژوهشگاه انقلاب اسلامی
۶۲. مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ع)، ج ۲ / ۴۰۲ / مجتمه آموزش عالی امام خمینی (ع)
۶۳. مجموعه مقالات همایش زبان در افغانستان، ج ۵ / جمعی از مؤلفان
۶۴. مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱ / عبدالمجید داود ناصری
۶۵. معرفت شناسی / حسن معلمی
۶۶. معرفت شناسی باوردینی از دیدگاه شهید مطهری و اولین پلنیتینگا / علاء‌الدین ملک‌اف
۶۷. مقایسه تطبیقی اندیشه مهدویت در اسماعیلیه و امامیه / قدیر محمد اف
۶۸. منشور فضل / به کوشش جمعی از مؤلفان
۶۹. نقد نظریه تجربه دینی با تأکید بر قرآن / شیرعلی شجاع
۷۰. ویژه‌نامه اخترتابان / جمعی از مؤلفان
۷۱. ویژه‌نامه همایش دین، فرهنگ و رسالت علمای افغانستان / نمایندگی جامعه المصطفی (ع) در افغانستان

۲۰. درسنامه درایة الحدیث / سید رضا مؤذب / ج ۳
۲۱. درسنامه عقاید / علی شیروانی / ج ۷
۲۲. رهیافتی به منظومه فکری حضرت امام خمینی (ع) و رهبر معظم انقلاب در حوزه فرهنگ و تربیت / جمعی از محققان دفتر فرهنگی فخرالانامه به سفارش جامعه المصطفی (ع) / ج ۲
۲۳. شکوه کلام در نهج البلاغه / حسن امیرانصاری
۲۴. علم درایة تطبیقی / سید محمد رضا مؤذب / ج ۲
۲۵. فصلنامه اطلاع‌رسانی
۲۶. فلسفه اشک / سید عبدالله حسینی
۲۷. قرآن و امام حسین (ع) (تحلیل استشهادات قرآنی و روایات تفسیری امام حسین (ع)) / حسین مطهری محب
۲۸. کثیرمعارف شماره ۲۲
۲۹. مبانی کلامی فارسی اعجاز قرآن / روح الله رضوانی
۳۰. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرآن و مستشرقان / جمعی از مؤلفان
۳۱. منطق ترجمه قرآن / محمد علی رضایی اصفهانی / ج ۲
۳۲. منطق مقدماتی / ابوالفضل روحی / ج ۲
۳۳. نشریه پژوه شماره ۵۲
۳۴. ویژه‌نامه استشراق / جمعی از مؤلفان

عربی

۳۵. ولایت فقیه و الحکومه الاسلامیه فی عصر الغیبه / ودیع الحدیدی
۳۶. القداس فی الشعر العربی الحدیث فی سوریه ولبنان و فلسطین / جهاد فیض الاسلام
۳۷. دراسات الاسلامیه فی علم نفس النمو مرحلۃ الطفولة مراحل النمو و مقومات التریبه / سعید کاظم العذاری
۳۸. النحو الجامع / سید حمید الجزایری / ج ۲
۳۹. القراءات والاحرف السبعه / عبدالرسول الغفاری
۴۰. القراءه و المناقشه / مؤلف میثم الربیع؛ محمد الحدیدی؛ شاکر افضل
۴۱. التعلیم المصوّر / مؤلف میثم الربیع؛ محمد الحدیدی؛ شاکر افضل

انگلیسی

۴۲. نهج البلاغه / مؤلف: سید رضی ت: سید علی رضا
۴۳. کتاب احادیث (چهل حدیث) / مؤلف: سید علی لوسانی ت: سید علی فرید محمدی

فرانسوی

۴۴. امام اخلاق / سیاست / مؤلف: سید حسن اسلامی / ت: ابراهیم مونتو

اردو

۴۵. قرآن و امام حسین (ع) / مؤلف محسن قرائتی / ت: سید نصرت علی جعفری / ج ۲

قیدلیبی

۴۶. آشنایی با احکام / ت: منتظر داگلاس بنگالون
۴۷. شیعه پاسخ می‌گوید / ت: منتظر داگلاس بنگالون

پشتو

۴۸. شفاعت / مؤلف: سید حسن طاهری خرم آبادی ت: سرفراز علی محمدی
۴۹. رویکرد اخلاقی برابروهای و هابیت / مؤلف: سید حسن طاهری خرم آبادی / ت: محمد رحیم درانی

ویغوری

۵۰. نهج البلاغه / مؤلف سید رضی ت: آ عبد الرحمن (ما موهای مای)، آ سامساق (ما سولیا)

اندونزی

۵۱. شفاعت / مؤلف: حسن طاهری خرم آبادی ت: احمد مزوقی امین
۵۲. رویکرد عقلانی برابروهای و هابیت / نجم الدین طیبسی ت: حسن تونو

تایلندی

۵۳. جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی (ع) / مؤلف: محمد شریف کت سیبمون

چاپ ۱۳۹۰

فارسی

۱. اسلام در هند / دکتر محمد رضا موحدی
۲. اعجاز قرآن / سیدرضا مؤذب
۳. اعجاز قرآن و مصونیت از تحریف / محمد مهدی اسکندرنلو
۴. انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌ها و فرآیند شکل‌گیری / محمد مهدی باباپور
۵. آداب و اخلاق پزشکی در اسلام / ت: محمد رضا صالح
۶. آشنایی با اندیشه سیاسی شهید صدر / علی رضا بی‌نیاز، محمد مهدی باباپور، منصور میراحمدی
۷. آشنایی با اندیشه سیاسی شهید مطهری / علی رضا بی‌نیاز، محمد مهدی باباپور، منصور میراحمدی
۸. آشنایی با آموزه‌های اسلام (اول راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۹. آشنایی با آموزه‌های اسلام (دوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۱۰. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی ص

۷۲. ویژه‌نامه همایش شیخ طوسی / پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی
 ۷۳. همایش حوزه‌های علمیه افغانستان / نمایندگان جامعه المصطفی / افغانستان
 ۷۴. یهودیت / محمد حسین طاهری آکردی

- عربی**
۷۵. أسالیب التبلیغ عند الأنبیاء دراسة قرآنیة / السيد منتظر الموسوی (الجابری)
 ۷۶. اولیاء عقد النکاح / حمودی حسن عباس الصیف
 ۷۷. آیه‌الأنظار بین عالمیة الاسلام والعولمة المعاصر / ریاض عبدالرحیم الباهلی
 ۷۸. برتو پزهوش، ج / ت: رعد الحجاج
 ۷۹. تأثیر النور الاسلامیة علی البلدان العربیة / ت: عبدالکریم بحراری طعمه
 ۸۰. التبتیل فی التجدید والتزیل / حسن عالمی بکتاش
 ۸۱. تداعیات النور الاسلامیة فی العالم الاسلامی / دکتر منوچهر محمدی
 ۸۲. تطور حركة الاجتهاد عند الشيعة الامامية / عدنان فرحان منها
 ۸۳. التفسیر البروتوی للقرآن الکریم / شیخ هاشم ابوخمسن
 ۸۴. تهذیب البلاغه فی تلخیص مختصر المعانی لسعد الدین التفتازانی / علی عرب خراسانی
 ۸۵. الحریة الاقتصادية ضوابطها وحدودها فی الفقه الاستدلالی / عبدالکریم بحراری
 ۸۶. الحقوق الزوجیة / سوسن علی حسین (دادرس)
 ۸۷. الحكومة الاسلامیة فی روية الامام خمینی / ت: محسن زین العابدین
 ۸۸. الحكومة الاسلامیة والولاية الفقیهیه فی روية الامام خمینی / ت: محسن زین العابدین
 ۸۹. الذل الباهر فی مقتضیات الجواهر / السيد جمال الدین پور
 ۹۰. دراسة أدلة إثبات وجود الواجب فی ضوء الحكمة المتعالیه / السيد أحمد السيد صلاح الموسوی

۹۱. دراسة تطبيقية مبدأ التكافؤ فی الترجمة (من الفارسیة إلى العربیة) / انور بنام الرصافی
 ۹۲. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، لتفغیج ج ۲ و ۳ / الشیخ باقر الایروانی
 ۹۳. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، ج ۱ / الشیخ باقر الایروانی
 ۹۴. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، ج ۲، ۳ / الشیخ باقر الایروانی
 ۹۵. دروس فی الاصول الفقه المقارن / مجید النسی
 ۹۶. دروس فی التاریخ الفقه واداره / آیه الله جعفر السبحانی
 ۹۷. دروس فی علم الدراییة / ت: قاسم البیضانی
 ۹۸. دروس فی نصوص الحدیث ونهج البلاغة / ت: انور الرصافی
 ۹۹. شقائق الرجال / عادل المزیعل المباحی
 ۱۰۰. علم الدراییة المقارن / ت: انور الرصافی
 ۱۰۱. الفقه المقارن (العبادات والأحوال الشخصية) / سيد كاظم مصطفى
 ۱۰۲. القواعد الفقهیة (قاعدة لأمرن، حجة البیئة ...) / السيد محمد كاظم المصطفوی
 ۱۰۳. قیام المهلدی امامنا المنتظر / السيد حسن فیروز آبادی
 ۱۰۴. مبانی نقد متن الحدیث / قاسم البیضانی
 ۱۰۵. النجوم الزاهرة فی اثبات خلافة الأئمة الطاهرة / السيد خليل الشوكی

- انگلیسی**
۱۰۶. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران / ت: حامد حسین وفار
 ۱۰۷. آشنایی با صحیفه سجادیه / ت: حامد حسین وفار
 ۱۰۸. حفظ موضوعی قرآن کریم / ت: حامد حسین وفار
 ۱۰۹. خاطرات امیرالمؤمنین / ت: علی فرید محمدی
 ۱۱۰. در آستان رحمت / فریده مهدوی دامغانی
 ۱۱۱. در آغوش نور ولایت / سید علی فرید محمدی
 ۱۱۲. قیام مهدی / منتظر ماست / ت: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی
 ۱۱۳. نگاهی دوباره به نظریه شفاعت / ت: سلام جودی

- فرانسوی**
۱۱۴. آموزش احکام / ت: البیژه کابنا
 ۱۱۵. پیام آور رحمت / فریده مهدوی دامغانی
 ۱۱۶. در آستان رحمت / فریده مهدوی دامغانی
 ۱۱۷. سرودهای عاشورایی / فریده مهدوی دامغانی
 ۱۱۸. فلسفه اخلاق / ت: ابراهیم منتونو
 ۱۱۹. نامه‌های امیرالمؤمنین / فریده مهدوی دامغانی

- تاجیکی**
۱۲۰. اهل بیت / در قرآن و سنت / ت: حکیم جان کمالی
 ۱۲۱. بحثهای پیرامون اسلام / حکیم جان کمالی
 ۱۲۲. برتو پزهوش، ج / ت: حکیم جان کمالی
 ۱۲۳. تفسیر سوره عنکبوت / ت: شهرالدین محمد امین
 ۱۲۴. چهل حدیث مقام زن در روایات / محمد رحیمی
 ۱۲۵. حکمت‌نامه جوان / حکیم جان کمالی
 ۱۲۶. حکمت‌نامه کودک / ت: حکیم جان کمالی
 ۱۲۷. دنیا و آخرت / ت: حکیم جان کمالی
 ۱۲۸. سید جمال الدین مصلح شرق / ت: سید اکبر برهان
 ۱۲۹. شرح چهل حدیث خدائشناسی / بحرالدین قربان

۱۳۰. مساله حجاب / ت: سید اکرم خان زیاد الله
 ۱۳۱. مسئولیت والدین در قبال فرزندانش / ت: محمد الله حلیم اف
 ۱۳۲. مقام و منزلت ازواج / محمد رحیمی
 ۱۳۳. نگاهی به مسیحیت / ت: محمد الله حلیم اف
- آذری**
۱۳۴. اهل بیت / در قرآن و سنت / ت: رضا شکراف
 ۱۳۵. آداب معاشرت (از نگاه معصومین) / ت: محمد خلیل اف
 ۱۳۶. برتو پزهوش، ج ۱ / ت: رضا شکراف
 ۱۳۷. برتو بی از فضائل امیرالمؤمنین علی / ت: علاءالدین ملک‌اف
 ۱۳۸. بلورالاسم دین، حقیقت و کثرت / ت: علاءالدین ملک‌اف
 ۱۳۹. پیامبر / از نگاه قرآن و اهل بیت / ت: علاءالدین ملک‌اف
 ۱۴۰. توحید و زیارت / ت: محمد خلیل اف
 ۱۴۱. جسم انگاری خدا از نگاه شیعه و سنی / ت: حسین مهدی اف
 ۱۴۲. حکمت‌نامه زنان / توفیق اسد اف و افضل الدین رحیم اف
 ۱۴۳. حیات پیامبر اسلام حضرت محمد / ت: علاءالدین ملک‌اف
 ۱۴۴. خصائص امیرالمؤمنین / ت: جبرئیل آبی اف
 ۱۴۵. زندگی در برتو اخلاق / ت: رضا شکر بیگلی
 ۱۴۶. سیری در صحیحین / ت: رشاد اکبر اف
 ۱۴۷. شفاعت / ت: المان اقام اعلان اف
 ۱۴۸. صد و پنجاه درس زندگی / ت: اسماعیل اسماعیل اف
 ۱۴۹. عقل، ایمان و انسان‌شناسی / ت: علاءالدین ملک‌اف
 ۱۵۰. گفتنمان مهدویت زبان آذری / ت: علاءالدین ملک‌اف

- اردو**
۱۵۱. آداب دعا / رجب علی حیدری
 ۱۵۲. برتو پزهوش، ج ۱ / سید سعید اختر رضوی
 ۱۵۳. تعلیمات قرآن / موسسه قرآن و عترت
 ۱۵۴. تفسیر القرآن وهو الهدی والفرقان / سید محمد عباس رضوی
 ۱۵۵. معارف قرآن و عترت / موسسه قرآن و عترت

- استانبولی**
۱۵۶. برتو پزهوش، ج ۱ / ت: رسول نور
 ۱۵۷. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی / گردآورنده: بحری اکیول

- هوسایی**
۱۵۸. التریبة الدینیة / ت: محمد میسر

- ایتالیایی**
۱۵۹. صحیفه سجادیه / فریده مهدوی دامغانی

- فولانی**
۱۶۰. تاریخ اسلام زندگی حضرت زهرا / ت: محمد باری
 ۱۶۱. سیری پیشوایان / ت: محمد باری

- پشتو**
۱۶۲. برتو پزهوش، ج ۱ / ت: محمد رحیم درانی

چاپ ۱۳۸۹

- فارسی**
۱. از سی مرغ تا سیمرغ / محمد رضا یوسفی
 ۲. از قیادایان تا یگانگان / محمد رضا یوسفی، رفیه ابراهیمی شهرآباد
 ۳. آسیب شناسی تمدن اسلامی / علیرضا عالمی
 ۴. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران / حسین علوی مهر
 ۵. آشنایی با صحیفه سجادیه / محمد علی مجد فقیهی
 ۶. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۵، ۶، ۷) / اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مقیمی
 ۷. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۲ / محمد فتحعلی خانی
 ۸. با نور قرآن هدایت شدم / ت: محمد قاسم احمدی
 ۹. بدایة المبتدی، ج ۲ / سید یونس استریشنی، قمرالدین افضل
 ۱۰. برهین جهان‌شناختی از دیدگاه ابن سینا و اگویناس / حمید زکی
 ۱۱. برتو پزهوش، ج ۱ / معاوضت پژوهش مجتمع آموزش عالی فقه
 ۱۲. تاریخ پیامبر و اهل بیت / ج ۱، ۲ / علی ملک بمان احمدی
 ۱۳. تاریخ تحلیلی آندلس / محمد رضا شهیدی پاک
 ۱۴. تاریخ تحلیلی مغرب / محمد رضا شهیدی پاک
 ۱۵. تاریخ حدیث / سید رضا مؤدب
 ۱۶. تفسیر تطبیقی (پرسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن و ...) / فتح الله نجارزادگان
 ۱۷. جایگاه جامعه المصطفی / العالمیة در بعثت جهانی / اداره کل دفتر ریاست
 ۱۸. حکمت المصطفی / العالمیة
 ۱۹. جهانی در خلوت / مرتضی طالبی
 ۲۰. چهل حدیث در مورد انسجام اسلامی / جمعی از مؤلفان مجتمع امام خمینی
 ۲۱. حفظ موضوعی قرآن کریم سید علی میرداماد نجف آبادی

۷۷. تاریخ شیعیان کشمیر / غلام‌محمد گلزار
 ۷۸. تحریف قرآن کی بطلان کاتحلیلی جائز / ت: عارف حسین مبارک‌پوری
 ۷۹. ترجمه گزیده غرر الحکم و درر الکلم / ت: محمد فائز باقری
 ۸۰. چگونه قرآن را حفظ کنیم / شهریار پرهیزگار
 ۸۱. قصه‌های قرآنی. قرآن قصی / صالح فنادی
- ترکی استانبولی**
۸۲. عقاید اسلامی در پرتو قرآن حدیث و عقل / ت: بحری اکیول
- پنجابی**
۸۳. چهل حدیث اسراف / ت: محمد ابوسعید
- هوسایی**
۸۴. رابطه والدین با فرزندان / حافظ محمد سعید
 ۸۵. زندگی زناشویی / حافظ محمد سعید
- ایتالیایی**
۸۶. صفات شیعه / ت: عباس دیپالما
- ازبکی**
۸۷. آموزش مفاهیم قرآن کریم / ت: شیرعلی اف
- هندی**
۸۸. ترجمه گزیده غرر الحکم / سید قمر غازی
۲۱. خلوص کامیاب / عبدالحسین طالعی، مرتضی طالبی
 ۲۲. درآمدی بر سوره اهل‌بیت ﷺ / حسین عبدالحمیدی
 ۲۳. درسامه آیات الاحکام جزایی / محمد مهدی کریمی نیا
 ۲۴. درسامه صرف / علی عرب خراسانی
 ۲۵. درسامه عقاید / علی شیروانی
 ۲۶. دیکشنری فارسی. اندونزی / یانور فبری ن
 ۲۷. رهیافتی به منظومه فکری امام خمینی ﷺ و مقام معظم رهبری / جمعی از محققان دفتر فرهنگی فخرالانامه ﷺ
 ۲۸. شناخت استعمار / مصطفی اسکندری
 ۲۹. قرآن کتاب رشد و تعالی / روح الله دهقانی
 ۳۰. قصه‌های قرآنی / صالح فنادی
 ۳۱. مبانی و روش‌های تفسیری / محمد کاظم شاکر
 ۳۲. مبانی و اصول طراحی کتاب درسی / محمد شریفی نیا
 ۳۳. مجموعه مقالات برتر سیزدهمین جشنواره شیخ طوسی / جمعی از مؤلفان
 ۳۴. مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه سیاسی امام خمینی ﷺ، ج ۱ / مجتمع آموزش عالی امام خمینی ﷺ
 ۳۵. مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۱ / ستاد برگزاری همایش
 ۳۶. مقام محبت الهی از منظر حکمت و عرفان نظری و عملی / محمد حسین خلیلی
 ۳۷. منشور جامعه المصطفی ﷺ العالمية
 ۳۸. منطق پیشرفته / عسکری سلیمانی امیری
 ۳۹. مهدویت در ادیان آسمانی / ابراهیم کوثری
 ۴۰. مهندسی اوقات فراغت / محمد علی متولیان، احمد هوشمند
 ۴۱. نخل نسیم / حسن ابراهیم زاده
 ۴۲. نظام حقوقی اسلام / جلیل فتوایی

عربی

۴۳. بحوث فی علم الرجال / آیه‌الله محمد آصف المحسنی
 ۴۴. تاریخ الحدیث / سید رضا مودب
 ۴۵. التعرف علی خط التبتی / مرتضی الشعیبانی
 ۴۶. دروس تمهیدیه فی السیره القادة الهداة، ج ۱-۲ / سید منذر حکیم
 ۴۷. دروس فی الفقه المعاملات (البیع) / السید محمد کاظم المصطفوی
 ۴۸. دروس فی المسیحیه / علی الشیخ
 ۴۹. دروس فی المناهج والاتجاهات و التفسیریه للقرآن / ت: قاسم البیضانی
 ۵۰. دروس فی علوم القرآن / حسین جوان آراسته
 ۵۱. دروس فی فقه الاستدلالی، ج ۱ / عبد‌الکریم آل نجف
 ۵۲. دروس موجزة فی علمی الرجال والدراية / آیه‌الله جعفر سبحانی
 ۵۳. العلم فی إطار الدین / عبد‌الکریم الجنابی
 ۵۴. قرآن‌الحسین وحده المنهج والهدف / السید لیث الحیدری
 ۵۵. المحکم و المتشابه / عبد‌الرسول غفاری
 ۵۶. المرأة فی الاسلام / عبد‌الرسول غفاری
 ۵۷. معجم الاعمال المتداولة و مواطن استعمالها / السید محمد الحیدری
 ۵۸. معرفة ابواب الفقه / محسن الفقیهی
 ۵۹. النسخ بین المفسرین / عبد‌الرسول غفاری
 ۶۰. وعایة الحکمة فی شرح نهاية الحکمة / حسین عشاقی الاصفهانی

انگلیسی

۶۱. اشعار عاشورایی، ج ۲ / محمد رضا فخرروحانی

قرانسوی

۶۲. سخنان حسین بن علی ﷺ از مدینه تا کربلا / ت: فریده مهدوی دامغانی

تاجیکی

۶۳. اربعین مولانا جامی / داستان حفظ‌زاده
 ۶۴. پدر و مادر و معلم من را خوب تربیت کن / ت: سید امان‌الله بابایوف
 ۶۵. پیامبر اعظم ﷺ / رجب جمعه‌خان
 ۶۶. تفسیر سوره محمد ﷺ / محسن قرآنی
 ۶۷. حرمت شراب / روح‌الله قلندر
 ۶۸. فضیلت صدقه / مصطفی علی
 ۶۹. مقام پدر و مادر / محمد رحیمی
 ۷۰. مقام قرآن کریم / اسماعیل محی‌الدین
 ۷۱. مقام نماز / عبدالهاشم میرزا

آذری

۷۲. حجاب چرا و چگونه / ت: جمال‌الدین شکراف
 ۷۳. دعا و توسل / حسن طاهری خرم‌آبادی
 ۷۴. سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه / ت: رضا شکراف
 ۷۵. قرآن کریم چنانکه هست / ایلقار اسماعیل زاده

اردو

۷۶. آداب اسلامی، ج ۲ / محمد عبداللیب